

آموزه‌های اساسی کتاب مقدس

نویسندگان: فلوید سی. وودورت
دیوید دانکن

مترجم: بهرام

انتشارات ایلام - انگلستان - ۲۰۰۸
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۱-۹۰۴۹۹۲-۲۹-۵

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

Cornerstones Of Truth

Floyd C. Woodworth, Jr.

&

David D. Duncan

Translated into Persian by: Bahram

GLOBAL UNIVERSITY
1211 South Glenstone Ave
Springfield MO 65804
U.S.A

Published by
ELAM PUBLICATIONS
P.O. BOX 75
GODALMING GU8 6YP
ENGLAND

Persian Translation Copyright © Elam Ministries 2008

ISBN 978-1-904992-29-5

آموزه‌های اساسی کتاب مقدس، دوره خدمات مسیحی

کلیه آیات نقل شده، از کتاب مقدس ترجمه قدیم است. در صورتی که این ترجمه برای تان دشوار است، می‌توانید آیه‌ها را از ترجمه جدید «هزاره نو»، «مژده برای عصر جدید» و یا ترجمه «تفسیری» بیابید و بخوانید.

فهرست مطالب

مقدمه

۵

بخش اول: خدای قادر مطلق

- درس ۱: خدا: ماهیت و صفات ذاتی ۱۱
- درس ۲: خدا: صفات اخلاقی و اعمال ۴۷
- درس ۳: مسیح: تجلی خدای نادیده ۷۹
- درس ۴: روح القدس: مدیریت دانا ۱۱۱

بخش دوم: مخلوقات خدا

- درس ۵: فرشتگان: نیروهای تاریکی و روشنایی ۱۴۳
- درس ۶: انسان: خلقت خاص خدا ۱۷۵
- درس ۷: گناه و نجات: مشکل و راه حل آن ۲۰۳

بخش سوم: نظام الهی

- درس ۸: کتاب مقدس: مکاشفه نوشته شده خدا ۲۳۱
- درس ۹: کلیسا: اجتماع قوم خدا ۲۵۹
- درس ۱۰: وقایع آینده: مکاشفه، پاداش و آرامش ۲۸۹
- پاسخ خودآزمایی‌ها ۳۲۵
- آزمون‌های میانی ۳۳۳

توجه

مطالعه و کسب دانش در زمینه کتاب مقدس و الهیات به تنهایی هیچ کس را خادم نمی سازد. فقط کسانی افتخار خدمت به خداوند را دریافت می دارند که حاضر باشند «خدمت» کنند، نه «ریاست»؛ حاضر باشند، آخر باشند، نه اول؛ حاضر باشند افتخار را به دیگران بدهند و از حق خود بگذرند!

آنچه که یک مسیحی را شایسته خدمت به خداوند می سازد، روحیه خدمتکاری است. اگر چنین روحیه ای در وجود مسیحی شکل گرفته باشد، آنگاه، و فقط آنگاه است که دانش الهیات و کتاب مقدس می توانند او را برای خدمت مؤثرتر مجهز سازند.

دعای ما این است که چنین روحیه ای در همه ما شکل بگیرد. آمین!

مقدمه

هدف از مطالعه کتاب مقدس چیست؟

از دیدگاه مهاتما گاندی، چه چیزی بیماری قرن بیستم بود؟ و همچنین به چه دلیل در کشور مکزیک Benito Juarez تصمیم به جدایی کلیسا از حکومت گرفت؟ برای پی بردن به نقطه نظرهای مردان بزرگ در مورد مسائل مختلف، باید تمامی نوشته‌های آنان را بررسی کنیم. در رابطه با مهاتما گاندی، باید ۸۰ کتاب را مورد مطالعه قرار دهیم! چه خوب بود اگر یک کتاب از چکیده تمامی افکار او وجود می‌داشت.

در مطالعه موضوعات مختلف کتاب مقدس نیز با همین مشکل روبرو هستیم. همانطوری که احتمالاً می‌دانید، تعالیم کتاب مقدس، بر اساس موضوع بیان نگردیده. به عنوان مثال نه در کتاب پیدایش و نه در هیچکدام از کتاب‌های کتاب مقدس، الوهیت به صورت کامل و مشخص تعلیم داده نشده است.

بنابراین، یکی از روشهای مهم مطالعه کتاب مقدس، بررسی موضوعی مشخص در سرتاسر کلام خدا است. این شیوه به شما کمک می‌کند تا به راحتی و به گونه‌ای منطقی بتوانید ایده اصلی و جزئیات مربوط به آن را تشخیص دهید. این طریق، روشی عملی برای جهت دادن به زندگی و افکارمان، بر اساس اصول کتاب مقدس است.

اصطلاح فنی اینگونه مطالعه کتاب مقدس (Systematic Theology) «الهیات سیستماتیک (روش‌مند)» است. در این کتاب، ما از این روش در بررسی کائنات، قواعد آن، مخلوقات و برنامه‌ای که خداوند برای پیشرفت آنها در نظر گرفته، استفاده می‌کنیم. همچنین خواهیم دید که، کتاب مقدس در باره آینده چه می‌گوید.

یک بررسی روش‌مند و منظم در باره موضوعات مهم کتاب مقدس، به ما کمک می‌کند تا درک کنیم «انتظارات خدا از ما چیست؟ و چه انتظاراتی می‌توانیم از او داشته باشیم، تا در پی آن از نظر روحانی رشد نماییم».

نحوه مطالعه این کتاب

کتاب حاضر به شیوه‌ای ویژه نگارش یافته است که خواننده بتواند از آن به صورت خودآموز استفاده کند.

در مقدمه درس، کلیات و اهداف درس ارائه شده است. سپس قسمت‌های مختلف درس را یک به یک مطالعه نمایید و به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید. این سؤالات در لابلای دروس گنجانده شده‌اند. پاسخ‌های صحیح سؤالات را در آخر هر درس خواهید یافت. جواب‌های خود را با آنها مقایسه کنید. برای کمک به خودتان، بهتر است تا زمانی که خودتان به سؤالات پاسخ نداده‌اید، به پاسخ‌ها نگاه نکنید. در پایان هر درس نیز یک خودآزمایی وجود دارد. این خودآزمایی شما را در به‌خاطر سپردن مطالب درس و یادگیری نکاتی که احیاناً توجه نکرده‌اید، یاری می‌دهد. پاسخ صحیح به سؤالات خودآزمایی در پایان کتاب آمده است.

ارزش دانشگاهی این دوره

هر کتاب از دوره «خدمت مسیحی» معادل یک واحد دانشگاهی ارزش دارد (لیسانس الهیات معادل ۱۲۸ واحد است). دانشجویان می‌توانند کتاب‌های دوره «خدمت مسیحی» را به سه شیوه مطالعه کنند:

نخست، این کتاب‌ها را می‌توانند فقط برای اطلاعات عمومی و مطالعه شخصی بخوانند؛

دوم، می‌توانند آن را مطالعه کرده، و در پایان فقط آزمون‌های میانی را به شرح زیر بگذارند؛

سوم، می‌توانند پس از گذراندن آزمون‌های میانی، آزمون رسمی و نهایی را طبق توضیحات زیر بگذارند و یک واحد دانشگاهی اخذ کنند.

آزمون‌های میانی

در پایان کتاب، سؤالات مربوط به آزمون‌های میانی را خواهید یافت. در بخش انتهایی این آزمون، پاسخنامه‌ای وجود دارد. پاسخنامه را از کتاب جدا کنید؛ نام و نشانی خود را روی آن بنویسید، و سپس به سؤالات پاسخ دهید. پس از آن، پاسخنامه را برای ما ارسال دارید تا آن را اصلاح کرده، به شما عودت دهیم. پس از اتمام هجده کتاب دوره «خدمت مسیحی» یک گواهینامه تقدیم دانشجوی خواهد شد.

آزمون رسمی (نهایی)

دانشجویانی که مایل باشند، می‌توانند پس از گذراندن آزمون‌های میانی، برای دریافت آزمون رسمی هر کتاب، یک فرم ثبت‌نام رسمی ICI تکمیل نمایند و با پرداخت هزینه مربوطه، آزمون رسمی را بگذرانند. این آزمون از آنجا که ارزش دانشگاهی دارد، باید نزد یک شبان یا خادم رسمی کلیسا گذرانده شود. در صورت موفقیت در این آزمون (امتیاز ۸۰٪ و بالاتر)، دانشجو یک واحد کسب خواهد کرد و گواهی مربوط به آن درس را از دفتر بین‌المللی ICI دریافت خواهد داشت. در صورت تکمیل هجده کتاب دوره «خدمت مسیحی» دانشجو هجده واحد رسمی از ۱۲۸ واحد لازم برای اخذ لیسانس الهیات را کسب می‌کند. در این صورت، دانشجو می‌تواند با ورود به دوره‌های پیشرفته‌تر دانشگاهی، تحصیل الهیات را تا حد فوق دیپلم (۶۴ واحد) یا لیسانس (۱۲۸ واحد) ادامه دهد.

باشد که به‌هنگام مطالعه این کتاب برکت خدا شامل حال شما گردد؛ و باشد که مطالب آن به زندگی و خدمت مسیحی شما غنا بخشیده، به شما کمک کند تا به‌طرز مؤثرتری سهم خود را در بنای بدن مسیح به‌جا آورید.

بخش اول

خدای قادر مطلق

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی



انتشارات ايلان
نسخة الكتاب

خدا: ماهیت و صفات ذاتی

امکان دارد در پاسخ به این سؤالات قدیمی که «آیا شما افکار و مقاصد خدا را می‌دانید؟ آیا با تحقیق و تجسس می‌توانید به آنها پی ببرید؟»، جواب ما منفی باشد! (ایوب ۷:۱۱). بزرگ‌ترین مشکل در تلاش برای شناخت خدا این است که انسان محدود نمی‌تواند خدای نامحدود را درک کند.

به جز مکاشفه‌ای که از ماهیت و صفات خدا داریم، روش دیگری برای شناخت او در اختیار ما نیست. فقط بوسیله مکاشفه‌ای که خدا از ماهیت و صفات خود ارائه می‌دهد می‌توانیم اطلاعاتی در باره «وجود الهی» او کسب نماییم. همچنین می‌توانیم بوسیله داشتن مشارکت با خدا و مطالعه در باره ماهیت و صفات او، که آشکار کننده خصوصیاتش است، خدا را بشناسیم. به منظور دستیابی به یک شناخت کامل و قابل اعتماد از ماهیت الهی و صفات او، باید به مطالعه کتاب مقدس که خدا خود را بوسیله آن مکتشف کرده پردازیم. اگر چه می‌توان از طریق اعمال خدا در طبیعت به یک شناخت کلی از او برسیم، اما برای شناخت کامل ماهیت و صفات او نیاز به کتاب مقدس داریم.

در حین مطالعه، در باره خالق خویش، خواهیم دانست، خدا به دلیل محبتش نسبت به ما، خود را بتدریج به ما آشکار کرده است. این «خود آشکارسازی» در پسرش عیسی مسیح به اوج می‌رسد. (عبرانیان ۲:۱).

فهرست مطالب

ماهیت خدا

صفات ذاتی خدا



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس شما قادر خواهید بود:
- درباره ماهیت و صفات ذاتی خدا، توضیح دهید.
 - می‌توانید بیان نمایید، چگونه شناخت ذاتی خدا می‌تواند باعث قوی‌تر شدن ایمان ما نسبت به او گردد.
 - خدا را برای ماهیت و صفات ذاتی او که باعث می‌گردد از نیازهای ما آگاه باشد و آنها را برآورده سازد، شکر کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- مقدمه کتاب را به دقت مطالعه نمایید.
- ۲- فهرست مطالب و اهداف درس را بررسی کنید تا دید روشن‌تری، نسبت به مطالبی که باید فرا گیرید، داشته باشید.

۳- ضمن مطالعه درس به سؤالات مربوطه پاسخ دهید. سپس پاسخ خود را با جواب‌های داده شده در آخر درس مقایسه کنید، نکته مهم اینکه، تمام آیات ذکر شده از کتاب مقدس را مطالعه نمایید.

۴- پس از مطالعه درس به خودآزمایی پاسخ دهید و جواب‌های خود را با پاسخ‌های داده شده در انتهای کتاب مقایسه کنید.

متن درس

ماهیت خدا

دانشمندان درحین بررسی ترکیبات خون، کشف کردند در خون مواد مختلف و ذرات کوچکی وجود دارد که هرکدام به منظور حفظ حیات، عمل متفاوتی انجام می‌دهد. این ترکیب پیچیده توسط قلب، در طول شبانه‌روز بوسیله شبکه گسترده‌ای از رگ‌ها و مویرگ‌ها جاری شده و قلب بعد از هر بار پمپاژ، لحظاتی را استراحت می‌نماید.

خون در حقیقت جریان حیات در بدن است و مواد غذایی، و اکسیژن را به قسمت‌های مختلف بدن می‌رساند و با میکروب‌های وارد شده در بدن مقابله نموده از بدن محافظت می‌نماید. برای اینکه این مکانیسم به خوبی انجام گردد علاوه بر قلب نیاز به هماهنگی و همکاری شش‌ها، کلیه و سایر اندام‌های بدن است. خون و قلب نمونه‌ای از سیستم‌های بیولوژیکی هستند که ادامه حیات را ممکن می‌سازند. مطمئناً وجودی با قدرت و بسیار دانا این سیستم‌ها را خلق کرده است. شما در باره این «وجود» چه می‌دانید؟ اجازه بدهید به بررسی حقایقی در باره خالق خویش «خدا» بپردازیم.

خدا یک شخص است

از نظر شما چه قسمتی جزء اصلی و ضروری هر شخص است؟ بازوها؟ صدا؟ چشم‌ها؟ اگر فردی تمام این اجزاء را از دست بدهد باز هم دارای هویت است. بنابراین همه می‌دانیم که هویت هر شخص چیزی بیشتر از بدن جسمانی او است. این شخص، توانایی فکر کردن، احساس کردن و تصمیم‌گیری دارد. گرچه خدا بدن جسمانی ندارد. اما مثل یک شخص قادر است، فکر کند، احساس نماید و تصمیم بگیرد. کتاب مقدس نشان می‌دهد که خدا با دیگران ارتباط برقرار می‌سازد. (مزمور ۱۴:۲۵) و تحت تأثیر پاسخ آنها قرار می‌گیرد (اشعیا ۱:۱۴). او فکر می‌کند (اشعیا ۸:۵۵) و تصمیم می‌گیرد (پیدایش ۱۸:۲). تمامی اینها جزو خصوصیات یک شخص هستند، بنابراین خدا یک شخص و یا به عبارتی دیگر وجودی شخصی است.

ما می‌توانیم از طریق بررسی شخصیت انسان، حقایقی در باره ماهیت خدا درک کنیم؛ چرا که انسان به صورت خدا آفریده شده است. البته این روش، محدودیت‌هایی نیز دارد. ما نباید شخصیت انسان را در حکم استاندارد بدانی که با آن شخصیت خدا را بسنجیم. چرا که نمونه و طرح اصلی شخصیت در خدا وجود دارد، نه در انسان. شخصیت انسان طرحی از آن الگوی اصلی است و با ماهیت خدا یکسان نیست ولی شباهت‌هایی وجود دارد. پس آنچه که در انسان به طور ناقص دیده می‌شود، به صورت کامل در خدا وجود دارد.

اگر دوستی داشته باشید که هیچگاه اجازه ندهد از احساسات و تفکرات او باخبر شوید و هیچ علاقه‌ای به شما نشان ندهد، شما می‌توانید بگویید که او از هویت شخصی برخوردار نیست، یعنی فرد مورد نظر خصوصیات یک شخصیت را نشان نمی‌دهد. اما خدا اینگونه نیست. او به شما علاقمند و نسبت به انسان‌ها علاقه دارد و با آنها ارتباط برقرار نموده، به فکر آنها است.

بسیاری از مردم معتقد هستند آن وجود برتری که جهان را خلق کرده، دیگر با انسان‌ها کاری ندارد و آنان را به حال خود رها کرده است. آنها اعتقاد دارند که ارواح

بیشتر از خدا با انسان‌ها در ارتباط هستند. مطمئناً چنین تصویری در رابطه با ارتباط خدا با انسان اشتباه است. چرا که او شخصاً با ما ارتباط برقرار می‌نماید.

- ۱- در جامعه شما چه مفهومی از خدا وجود دارد؟
- ۲- اگر خدا وجودی شخصی است فکر می‌کنید چگونه می‌توان شخصاً او را شناخت.
- ۳- چه جنبه‌ای از خدا نشان دهنده شخصیت خدا است.
 - a) خصوصیات جسمانی، اجتماعی و روحانی او
 - b) توانایی فکر کردن، احساس نمودن و تصمیم گرفتن
 - c) توانایی دیده شدن، نزدیک شدن، و درک شدن او به صورت کامل

خدا روح است

زمانی که چشم‌های خود را می‌بندید و سعی می‌کنید خدا را تجسم کنید چه تصویری در ذهن شما نقش می‌بندد؟ اگر بتوانید در ذهن خود تصویری از خدا بیابید، این تصویر کاملاً مطابق با تعلیم کتاب مقدس نخواهد بود. خدا دارای هیچگونه شکل یا فرمی نیست چرا که خدا روح است (یوحنا ۴:۲۴) و روح غیرقابل رؤیت و یا تجسم کردن است. انجیل یوحنا ۱:۱۸ می‌فرماید: «خدا را هرگز کسی ندیده است».

خدا روح است. این جمله‌ای است که ما برای بیان ماهیت خدا بکار می‌بریم. برای درک صحیح این جمله، باید ابتدا بفهمیم روح چیست؟ روحانیت مستلزم چیست توضیح این مفهوم مشکل است. همانطور که در ابتدا گفتیم، کتاب مقدس، قسمتی از طبیعت و ذات خدا را برای ما آشکار می‌سازد. برای توضیح طبیعت الهی خدا، گاه مجبور به بکارگیری اصطلاحاتی خواهیم بود که شاید برای شما ناآشنا باشند. سعی ما بر این خواهد بود که این لغات را به بهترین صورت بیان کرده، شرح دهیم.

۱- ضمن مطالعه کتاب مقدس پی می‌بریم که خدا، یک وجود قائم به ذات و کاملاً منحصر به فرد بوده که از جهان خلقت برتر و مجزا است (افسیان ۶:۴ و کولسیان ۱:۱۵-۱۷). منحصر به فرد به معنای یگانه، یک یا بی‌مانند بودن است. وجود قائم به ذات به این معنا است که خدا ذات خاص خودش را دارد. در رابطه با خدا اصطلاحات وجود قائم به ذات و جوهره از نظر مفهوم بسیار به یکدیگر نزدیک هستند و به تمام خصوصیات و صفاتی اشاره دارند که تشکیل دهنده طبیعت خدا و اساس تجلی و ظهور او هستند.

۲- این موجود قائم به ذات یعنی خدا، غیرقابل رؤیت، غیرماده بوده و از اجزای مختلف تشکیل نشده است. قبلاً گفتیم که خدا، نه یک وجود مادی بلکه دارای طبیعتی بنیادین است. بدین معنا که مانند ما از ماده تشکیل نشده است بلکه از روح. مسیح فرمود «روح، گوشت و استخوان ندارد چنانکه می‌نگرید که در من است» (لوقا ۳۹:۲۴). از آنجا که به معنای واقعی کلمه، خدا روح است، بنابراین از محدودیت‌هایی که انسان داراست برخوردار نیست. او هیچیک از خصوصیات ماده را دارا نیست. پولس در باره خدا چنین می‌گوید:

«خدای یکتا، آن پادشاه سرمدی، نامیرا و نادیدنی» (اول تیموتائوس ۱۷:۱ - ترجمه هزاره نو) و «... خدای متبارک که حاکم یکتا و شاه شاهان و رب‌ارباب است. او را که تنها وجود فناپذیر است و در نوری سکونت دارد که نتوان به آن نزدیک شد، او را که هیچ کس ندیده و نتواند دید....» (اول تیموتائوس ۱۵:۶-۱۶ - ترجمه هزاره نو).

اگر خدا در حقیقت روح و غیرقابل رؤیت است، پس چگونه می‌توانیم نمونه‌های ذکر شده در کتاب مقدس را که دلالت بر دیده شدن خدا دارد توضیح دهیم (برای مثال خروج ۱۹:۳۳-۲۳)؟ این موضوع، در حقیقت با واقعیت غیرقابل رؤیت و غیرمادی بودن خدا در تضاد نیست. در برخی از این نمونه‌ها انسان‌ها انعکاسی از عظمت و جلال خدا را می‌بینند و نه هستی و جوهره او را. بعضی از نمونه‌ها نشانگر

آن است که روح می‌تواند به صورت قابل رؤیت آشکار گردد. خدا قادر است که حتی خود را از طریق ظهور مادی، آشکار نماید. هنگامی که مسیح در آب تعمید می‌گرفت، روح القدس به صورت کبوتری بر او قرار گرفت (یوحنا ۱: ۳۲-۳۴). زمانی که یحیی تعمیددهنده این علامت قابل رؤیت را دید، مطمئن شد که عیسی حقیقتاً پسر خدا است. روح نادیده خدا خود را به صورت کبوتری آشکار نمود تا به این وسیله یحیی از هویت کسی (عیسی) که می‌بایست با روح القدس تعمید دهد مطمئن شود. در خروج باب ۳۳ موسی نیز، در ملاقات با خدا و پذیرفتن مسئولیت رهبری قوم، نیاز به تأیید الهی داشت و در نتیجه خدا علامتی قابل رؤیت به او نشان داد.

شاید این فکر به ذهن شما خطور نماید که اگر خدا غیرمادی است، پس چرا کتاب مقدس درباره دست، پا، گوش، دهان و صورت خدا سخن می‌گوید؟ چرا کتاب مقدس در بعضی قسمت‌ها سخن از کارهایی می‌کند که خدا انجام می‌دهد که یک انسان انجام می‌داد؟ به عنوان مثال مزمور به «دست راست و بازوی قدوس» خدا اشاره می‌نماید (مزمور ۱: ۹۸) و یا سخن از پرستش در «نزد قدمگاه او» می‌کند (مزمور ۵: ۹۹) و همچنین در مزمور ۴: ۹۱ به «پرها و بال‌های او» اشاره شده است.

از آنجا که درک جوهره خدا برای ما انسان‌ها مشکل است، خدا نویسندگان کتاب مقدس را هدایت نمود تا برای بیان صفاتی از خدا از اشیائی استفاده کنند که برای انسان‌ها قابل درک و آشنا باشند. بدین ترتیب می‌توانیم بوسیله موضوعاتی که برای ما شناخته شده هستند درک بهتری از موضوعات ناشناخته داشته باشیم. این نوع بیان را بیان تمثیلی یا مجازی می‌گویند. در زبان تمثیلی، معنی لغوی مورد نظر نیست، بلکه از این لغات به عنوان سمبول و نشانه‌ای از یک واقعیت مشخص استفاده می‌شود. برای نمونه به سؤالات زیر توجه نمایید.

۴- مزمور ۱۵:۳۴ را بخوانید. سپس تعیین کنید کدامیک از جملات زیر توضیح صحیح این آیه است.

(a) بیان مطلبی درباره چشم‌ها و گوش‌های خدا به این منظور است که بر اساس معنی لغوی، خدا، می‌بیند، می‌شنود و در ارتباط با انسان‌ها، از یک شکل قابل رؤیت برخوردار است.

(b) خدا عادلان را می‌شناسد و از آنها مراقبت می‌نماید و همینطور افراد گناهکار را، که کارهای شریرانه انجام می‌دهند، می‌شناسد و مجازات می‌نماید. این آیه به صورت زبان تمثیلی بیان شده است.

۵- بهترین پاسخ را انتخاب نمایید. زمانی که در کتاب مقدس می‌خوانیم «خدا روح است» می‌فهمیم که:

(a) او بدن مادی ندارد.

(b) با وجود اینکه خدا بدن مادی ندارد اما می‌تواند خود را به صورت مادی نیز آشکار سازد.

(c) در قسمت‌هایی که کتاب مقدس اشاره به کارهایی می‌کند که خدا انجام می‌دهد در حالیکه انجام این کارها از انسان انتظار می‌رود، زبان تمثیلی بکار رفته است.

(d) پاسخ‌های a، b، c صحیح هستند.

(e) فقط پاسخ‌های a، c صحیح هستند.

خدا واحد است

زمانی که می‌گوییم خدا واحد است سه مفهوم مورد نظر است:

۱- وحدانیت عددی خدا

۲- یگانه و منحصر به فرد بودن خدا

۳- بسیط بودن خدا

وحدانیت عددی خدا

زمانی که صحبت از یگانگی خدا می‌شود، منظور اشاره به وحدانیت خدا از نظر تعداد است. از آنجا که فقط یک ذات الهی وجود دارد، بقیه موجودات از او و در او، حیات دارند. پولس رسول می‌فرماید: «لیکن ما را یک خداست یعنی پدر که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم، و یک خداوند یعنی عیسی مسیح که همه چیز از اوست و ما از او هستیم» (اول قرنتیان ۸: ۶). شاید قسمت دوم این آیه به ظاهر مغایر با وحدانیت خدا به نظر برسد، این موضوع در بخش تثلیث توضیح داده خواهد شد. در اول پادشاهان ۸: ۶۰، سلیمان در دعای خود به وحدانیت خدا اشاره می‌نماید. «تا تمامی قوم‌های جهان بدانند که یهوه خداست و دیگری نیست». سایر اقوامی که در اطراف قوم بنی‌اسرائیل زندگی می‌کردند به خدایان گوناگون ایمان داشتند، و در چنین شرایطی گاه برای بنی‌اسرائیل ایمان داشتن به خدای واحد کاری دشوار بود. اغلب انبیا با به خطر انداختن جان خودشان این حقیقت را به یاد قوم بنی‌اسرائیل می‌آوردند که یهوه خدای واحد است (تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹).

آیا در جامعه‌ای که شما در آن زندگی می‌کنید اشخاصی هستند که به خدایان بسیار اعتقاد داشته باشند؟ آیا دربارهٔ تعالیم مربوط به این خدایان و ارتباط آنها با مردم آگاهی دارید؟ در بعضی از کشورها مردم به وجود خدایان بسیاری معتقدند و آنها را می‌پرستند. گاه به نظر می‌رسد که این خدایان ریشه در فرهنگ گروه‌های قومی و نژادی مختلف دارند و برای هر قسمت از زندگی خود به یک خدا معتقد هستند و در نتیجه اعتقاد به وجود چندین خدا دارند.

اما کتاب مقدس دربارهٔ منحصر به فرد بودن خدا تعلیم می‌دهد. فقط یک خدا می‌تواند وجود داشته باشد.

یگانه و منحصر به فرد بودن خدا

آیات دیگری در کتاب مقدس به یگانگی و منحصر به فرد بودن خدا اشاره می‌نمایند. «یهوه خدای ما، یهوه واحد است» (تثنیه ۴:۶). لغت عبری که در اینجا واحد ترجمه شده، می‌توان یگانه نیز ترجمه نمود که ترجمه مناسب‌تری است.

بنابراین، فقط یهوه، تنها خدایی است که شایسته است «یهوه» نامیده شود. این پیغامی است که در زکریا ۹:۱۴ بیان شده است: «در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد». همین امر در کتاب خروج ۱۱:۱۵ نیز بیان می‌شود. «کیست مانند تو ای خداوند در میان خدایان؟ کیست مانند تو جلیل در قدوسیت؟ تو مهیب هستی در تسبیح خود و صانع عجایب!». مسلماً پاسخ به این سؤال مطرح شده، منفی است. او خدایی است منحصر به فرد و یگانه.

این آیات، احتمال وجود خدایان دیگر را رد می‌نمایند، او بر تمام کائنات حکومت می‌کند و هیچ خدای دیگری وجود ندارد. در عهدعتیق خدا به قومش یادآوری می‌کند که فقط او خداست و هیچ خدای دیگری وجود ندارد.

۶- آیات زیر را مطالعه نمایید و بیان کنید که خدا در این آیات درباره خود چه می‌گوید.

- (a) پیدایش ۱:۱۷ «من هستم
- (b) خروج ۳-۲:۲۰ «من هستم ترا
- (c) خروج ۲۳:۲۰ «با من
- (d) اشعیا ۴۳:۱۰-۱۱؛ ۴۴:۶ و ۸؛ ۴۵:۵ و ۲۱. پیغام این آیات عبارت است از

زمانی که از شاگردان خود می‌خواهم تعریفی جامع از خدا بنمایند، اغلب آنها چنین پاسخ می‌دهند:

«خدا روحی است ازلی که آسمان و زمین را آفریده است». بدون توجه به اسمی (noun) که آنها برای توصیف خدا بکار می‌برند، تقریباً

همیشه از حرف تعریف نکره استفاده می‌شود. آنها می‌گویند: «خدا روحی است، یا خدا یک روح است». چنین توصیفی از خدا این فکر را ایجاد می‌کند که امکان دارد روح دیگری همتای خدا وجود داشته باشد. توجه نمایید، زمانی که حرف تعریف معرفه به جای حرف تعریف نکره بکار می‌رود چه تفاوتی بوجود می‌آید: «خدا روح ازلی است که آسمان و زمین را آفریده است». از آنجا که هیچ هستی یا قدرتی مانند خدا وجود ندارد، پس او تنها خدا است.^۱

بسیط بودن خدا

واحد بودن خدا، علاوه بر وحدانیت عددی و منحصر به فرد بودن او، به یگانگی درونی وجود الهی نیز اشاره می‌نماید. اغلب این جنبه از وحدانیت خدا، به بسیط بودن او اشاره می‌کند و منظور این است که از اجزای مختلف تشکیل نشده است. خدا روح است و قابل تجزیه نیست. برخلاف آن، انسان موجودی مرکب است و از جزء مادی (بدن) و جزء غیرمادی (روح) تشکیل شده است. در واقع تمام خصوصیات و صفات خدا در حد کمال است. مفهوم وحدت درونی یا بسیط بودن خدا دنباله‌رو دیگر کمالات اوست. برای مثال: وجود داشتن خدا نمی‌تواند به چیزی بیرون از خود خودش، وابسته باشد؛ او قائم به ذات (واجب الوجود) است. یعنی او از ازل وجود داشته است. بنابراین قائم به ذات بودن خدا، تقدم هر نوع وجودی را نسبت به او رد می‌نماید. در صورتی که این امر برای موجود مرکبی چون انسان صادق نیست. بسیط بودن خدا دلالت بر چند چیز دارد. یکی اینکه وجود تثلیث به این معنی نیست که هر سه شخصیت الوهیت، جزئی از جوهره و ماهیت الهی را تشکیل می‌دهند. همچنین وحدانیت خدا احتمال جدا کردن کمالات خدا و یا اضافه نمودن خصوصیاتش را به ماهیت و ذات خدا، رد می‌کند. ذات خدا و کمالاتش یک هستند. کتاب مقدس درباره خدا، به عنوان نور و حیات،

۱ در زبان انگلیسی کلمات a و the مورد نظر است.

عدالت و محبت سخن می‌گوید و بدین طریق او را با کمالاتش یکی معرفی می‌نماید. به بیان دیگر نمی‌گوییم خدا عدالت دارد بلکه می‌گوییم خدا عادل است. او کمال است!

- ۷- مفاهیمی که (در ستون سمت چپ) بیان کننده وحدانیت خدا هستند، با توضیحات مربوط به هر کدام (در ستون سمت راست) را منطبق نمائید:
- (a) فقط او خدا است و هیچ خدای دیگری وجود ندارد.
 - (b) فقط یک خدا وجود دارد و بقیه موجودات از طریق او حیات دارند.
 - (c) وجود خدایان متعدد را رد می‌نماید.
 - (d) وجود خدا به هیچ چیزی خارج از خود وابسته نیست.
 - (e) بیان دیگری از یگانگی درونی خدا است.
 - (f) انسان مرکب است یعنی از روح و بدن تشکیل شده و اما خدا روح است.
 - (g) خدا روح ازلی است.

(۱) وحدانیت عددی خدا

(۲) یگانه و منحصر به فرد بودن خدا

(۳) بسیط بودن خدا

خدا در تثلیث

دیدیم که خدا روح است و دارای شخصیت و خدای واحد است. اکنون چهارمین جنبه از ماهیت و ذات خدا را در نظر می‌گیریم که عبارت است از: تثلیث. خدا در تثلیث ظاهر شده است. درک این مطلب شاید برای شما دشوار باشد. چگونه امکان دارد، خدا واحد باشد و درعین حال در این خدای واحد، تثلیث وجود داشته باشد؟

لغت تثلیث بیانگر مفهوم وجود سه شخصیت در خدای واحد است و یا به عبارتی قائل به سه‌گانگی (در الوهیت) شدن است. درحین مطالعه این موضوع مهم خواهیم

دید که درک این حقیقت فقط از طریق مکاشفه امکان پذیر است. بنابراین برای پاسخ به سؤالات زیر، به مکاشفه‌ای که خدا از وجود خود، در کتاب مقدس آشکار نمود، به عنوان پایه و اساس مطالعه خود تکیه خواهیم کرد.

(۱) منظور از تثلیث چیست؟ همانطور که دیدیم، وجود الهی واحد است اما این ذات الهی، اقنوم ثلاثه (سه شخصیت الوهیت) را در خود داراست. سه شخصیت موجود در خدای واحد، پدر، پسر و روح القدس است. دانشمندان کتاب مقدس که سعی دارند به دقت وجود سه شخصیت الهی را در خدای واحد بیان کنند از اصطلاحات متفاوتی استفاده می‌نمایند. تنوع اصطلاحات بکار برده شده نشان می‌دهد، دانشمندان کتاب مقدس متوجه شده‌اند که بیان مفهوم تثلیث تا چه حد مشکل است. قبلاً درباره‌ی واژه «شخصیت» توضیح داده‌ایم. یک شخصیت، از قدرت درک، احساس و تصمیم‌گیری برخوردار است.

تجربیات انسانی به ما، در درک و تشخیص وجود یک شخص یا یک جوهره متمایز، کمک می‌نماید. بنابراین هر شخصیت، یک شخص متمایز و جدا از دیگران است، که در خود طبیعت انسانی را داراست. به هر حال در تثلیث، سه شخصیت کاملاً متمایز و جدا از یکدیگر، وجود ندارد بلکه نوعی تمایز درونی در وجود واحد الهی دیده می‌شود.

(۲) شخصیت‌های الهی موجود در تثلیث کدامند؟ همانطور که بیان شد وجود الهی، از سه شخصیت تشکیل شده است: پدر، پسر، روح القدس. هر کدام از این شخصیت‌ها بوسیله صفات خاص و متفاوت خود تشخیص داده می‌شوند. در کتاب مقدس، این صفات خاص از طریق عناوین، اسامی، ماهیت و فعالیت‌هایی شناخته می‌شوند که مختص اشخاص صاحب هوش، با تدبیر و متمایز است. این صفات شخصیتی برای هر شخص متفاوت بوده (آنها در واقع همان تمایزهای درونی

هستند)، و بیان کننده رابطه آنها با یکدیگر هستند، در حالیکه هر کدام خودشان وجود الهی هستند.

بنابراین در وجود الهی سه شخصیت وجود دارد. خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس. آنها در ذات، جلال، قدرت، عظمت و جاودانگی، در یک حد هستند و یک هستند.

۸- آیات زیر را مطالعه نموده، جملات را به طور صحیح کامل نمایید.

(a) در یوحنا ۲۷:۶ عیسی به خدا به عنوان اشاره می کند.

(b) در عبرانیان ۸:۱ خدای پدر، به پسر به عنوان اشاره می کند.

(c) اعمال ۴:۳-۵ نشان می دهد که گناه بر علیه روح القدس، مانند گناه بر علیه ... است.

(d) از آیات بالا می توانیم نتیجه بگیریم که الوهیت در درون خود دارد.

(۳) چه دلایل و شواهدی درباره تثلیث وجود دارد؟ اگر چه کلمه تثلیث در کتاب مقدس وجود ندارد، ولی تعلیم مربوط به آن، هم در عهدعتیق و هم در عهدجدید دیده می شود. اجازه بدهید که این اشارات را بررسی نمائیم.

عهدعتیق به زبان عبری نوشته شده است. در زبان عبری یکی از اسامی خدا، الوهیم، به صورت جمع است. برای مثال در پیدایش ۲۶:۱ «و خدا گفت: آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم». این آیه به تمایز درونی وجود سه شخصیت در خدای واحد اشاره می نماید. در عهدعتیق اشارات واضح تری درباره تمایز شخصیت های الهی در هنگام صحبت از فرشته یهوه دیده می شود. در بعضی از قسمت ها فرشته خداوند اشاره به مخلوقی است که از طرف خدا به عنوان یک پیام آور فرستاده شده است. اما در بعضی از قسمت های دیگر، اعتقاد بر این است که فرشته خدا، پسر خدا است (پیدایش ۱۶:۷-۱۳ و ۱۸:۱-۲۱ و ۱۹:۱-۲۸). این فرشته از یک طرف، به عنوان یهوه شناخته می شود و از طرف دیگر از یهوه متفاوت یا جدا است.

در بعضی از قسمت‌های عهدعتیق به بیش از یک شخص الهی اشاره شده است (مزمور ۶:۴۵-۷ را با عبرانیان ۸:۱-۹ مقایسه کنید). در مواردی خدا که سخن گوینده است، هم به مسیح (پسر) و هم روح القدس اشاره می‌کند (اشعیا ۴۸:۱۶ و ۶۱:۱ و ۶۳:۸-۱۰).

عهدجدید به وضوح آشکار می‌نماید که پدر، پسر را به جهان فرستاده است (یوحنا ۳:۱۶ و غلاطیان ۴:۴ و اول یوحنا ۴:۹). همچنین آشکار می‌نماید که روح القدس از طرف پدر و پسر صادر می‌شود (یوحنا ۱۴:۲۶، ۱۵:۲۶، و ۱۶:۷). در عهدجدید مشاهده می‌کنیم که پدر با پسر سخن می‌گوید (مرقس ۱:۱۱ و لوقا ۳:۲۲) و پسر با پدر (متی ۱۱:۲۵-۲۶ و یوحنا ۱۱:۴۱ و ۱۲:۲۷-۲۸) و روح القدس در قلب‌های ایمانداران برای مؤمنین در حضور خدا دعا می‌کند (رومیان ۸:۲۶ و ۲۷). بنابراین در عهدجدید، شخصیت‌های تثلیث به صورت جدا از یکدیگر دیده می‌شوند. در بعضی از قسمت‌های کتاب مقدس به هر سه شخصیت الوهیت با هم اشاره شده است. در هنگام تعمید گرفتن پسر (متی ۳:۱۶ و ۱۷)، پدر از آسمان سخن می‌گوید و روح القدس به صورت کبوتری نازل می‌شود. عیسی در مأموریت بزرگ خود از هر سه شخصیت الهی نام می‌برد «پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشانرا به اسم پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید» (متی ۲۸:۱۹). در اول قرن‌تین ۱۲:۴-۶، دوم قرن‌تین ۱۳:۱۴ و اول پطرس ۱:۲ از هر سه شخصیت تثلیث، در کنار یکدیگر نام برده شده است. با توجه به این نمونه‌ها در کتاب مقدس، می‌توانیم شواهد بسیاری برای آموزه تثلیث بدست آوریم.

۹- جملات زیر را با استفاده از کلمات داده شده در سمت چپ کامل نمائید.

(a) پیدایش ۲۶:۱ به اشاره می‌نماید

(b) اشعیا ۶۳:۸-۱۰ نشان دهنده ارتباط یهوه با است.

(c) یوحنا ۳:۱۶ نشان می‌دهد که پدر، پسر را می‌فرستد تا ما باشد.

(d) یوحنا ۱۴:۲۶ و ۱۵:۲۶ بیان می‌کنند که هم پدر و هم پسر می‌فرستد تا در ایمانداران ساکن گردد.

(e) متی ۱۶:۳-۱۷ و ۱۹:۲۸ از هر سه نام می‌برد

(۱) روح القدس

(۲) نجات‌دهنده

(۳) نجات‌دهنده و روح القدس

(۴) شخصیت‌های تثلیث

(۵) کثرت در خدای واحد

(۴) در درک آموزه تثلیث چه مشکلی وجود دارد؟ چرا درک تعلیم تثلیث برای ما تا این حد مشکل است؟ در تجربیات ما موردی وجود ندارد که بتوان آن را با تثلیث در وحدانیت و وحدانیت در تثلیث مقایسه نمود. ما می‌دانیم که امکان ندارد سه انسان یک فرد بوده و از اعمال و تفکرات یکدیگر به‌طور کامل باخبر باشند. هر فردی حفاظی بدور خود کشیده است، هیچ فردی قادر نیست تثلیث را آنگونه که در خدا وجود دارد تجربه نماید. بنابراین انسان‌ها، نمی‌توانند به سادگی تعلیم تثلیث را با علم و تجربیات انسانی مقایسه نمایند.

(۵) چگونه می‌توانیم این مشکل را حل نمائیم؟ اولین مشکل در توضیح آموزه تثلیث، بیان ارتباط موجود بین شخصیت‌های تثلیث با یکدیگر و با ذات الهی است. این مشکلی است که کلیسا نمی‌تواند آن را به‌طور کامل برطرف نماید. بلکه فقط قادر است با به کار بردن اصطلاحات صحیح از شدت این مشکل بکاهد. اگر چه کلیسا سعی نکرده است که راز آموزه تثلیث را توضیح دهد ولی سعی کرده که این آموزه کتاب مقدسی را به‌صورت منظم بیان نماید و از تعالیم غلطی که در این باره در کلیسا وجود داشته است پرهیز کند. از طریق مقایسه آیات کتاب مقدس با یکدیگر می‌توان تا حدی که خدا آموزه تثلیث را در کلام خود آشکار کرده است آن را درک نمائیم هر چند ممکن است آنرا به‌طور کامل نفهمیم.

ما در وجود فانی و زندگی محدود خود نمی‌توانیم به‌طور کامل یک وجود غیر فانی (که غیرمحدود است) را درک نمائیم. پولس رسول در رسالهٔ اول خود به قرن‌تیان، این محدودیت انسان را ذکر می‌نماید:

«زیرا که الحال در آینه به‌طور معما می‌بینیم، لکن آن وقت روبرو؛ الان جزئی معرفتی دارم، لکن آن وقت خواهم شناخت، چنانکه نیز شناخته شده‌ام» (اول قرن‌تیان ۱۳: ۱۲).

۱۰- کدامیک از جملات زیر دربارهٔ آموزهٔ تثلیث و درک ما از آن صحیح است.

- (a) کتاب مقدس آشکار می‌نماید که در ذات الهی سه شخصیت وجود دارد.
- (b) هرکدام از این سه شخصیت یعنی پدر، پسر، و روح القدس، دارای صفاتی خاص هستند که بوسیلهٔ عناوین، اسامی، ماهیت و فعالیت‌هایی که برای هر کدام به‌طور مجزا بکار می‌رود متمایز می‌گردند.
- (c) عهدعتیق به کثرت در خدای واحد اشاره‌ای نداشته و فقط از یهوه سخن می‌گوید.
- (d) عهدجدید دربارهٔ شخصیت‌های تثلیث بسیار روشن‌تر از عهدعتیق سخن می‌گوید.
- (e) عهدجدید دربارهٔ آموزهٔ تثلیث دلایل کافی و کتاب مقدسی در اختیار ما می‌گذارد.
- (f) اصلی‌ترین مشکل ما در درک وجود سه شخصیت الوهیت در خدای واحد این است که در تجربیات خود، نمونه‌ای که بتوانیم آن را با وجود این سه اقنوم مقایسه کنیم نداریم.
- (g) بهترین راه حل برای مشکل درک آموزهٔ تثلیث این است که، چون قادر به توضیح کامل آن نیستیم پس نباید دربارهٔ آن تعلیم بدهیم.

مطالعه دقیق کلام خدا حقایق بیشتری درباره شخصیت‌های تثلیث برای ما کشف می‌نماید. مطالعه این آموزه به همراه دعا، ما را در درک بیشتر ماهیت خدا و اهداف او کمک می‌نماید. خدا طریقی مهیا نمود تا ما بتوانیم در محبت، پرستش و خدمت به او نزدیک شویم.

خدا ازلی و ابدی است

بسیاری از مردم علاقه دارند بفهمند اجداد آنان چگونه بوجود آمده‌اند. اگر به شما بگویم که من هیچ جدی ندارم، چه پاسخی می‌توانید به من بدهید؟ مسلماً سخن مرا نخواهید پذیرفت و حق نیز با شما خواهد بود. چرا که من هم مانند سایرین اجدادی دارم.

هر شخص، دارای اجداد است ولی این سخن در باره خدا صادق نیست. خدا هیچ جدی ندارد. پس این سؤال پیش می‌آید که «خدا چگونه بوجود آمده است؟» این سؤال پاسخ بسیار ساده‌ای دارد! خدا بوجود نیامده است، بلکه همیشه وجود داشته است. از همان ابتدا، به همین دلیل می‌گوییم که خدا ازلی است.

۱- منظور از ازلی و ابدی بودن چیست؟ برای ما تصور یک آینده بی‌انتها مشکل است. اما می‌توانیم هنگام فکر کردن تا جایی که ذهنمان اجازه می‌دهد به عقب برگردیم و سعی کنیم آن ابتدا و آغاز را در ذهن خود مجسم کنیم. ما به کتاب پیدایش به عنوان کتاب آغازها اشاره می‌کنیم. در این کتاب درباره آغاز خلقت، آغاز انسان و آغاز ملیت‌ها مطالعه می‌کنیم. اما این آغازها اگر چه بسیار دور هستند ولی هیچ کدام آن آغاز و ابتدای واقعی نیستند.

شاید بتوانیم باز هم به عقب‌تر بازگردیم، به زمانی که فرشتگان خلق شدند، قبل از اینکه تاریخ بوجود بیاید، یعنی زمان خلقت آن موجودات بی‌همتا، پسران الهی خدا که در هنگام بنیاد نهادن زمین آواز شادمانی می‌دادند (ایوب ۴:۳۸-۷). اما باز هم

ابتدای واقعی نیست. در فکر خود امکان دارد، ازل را موقعی در نظر بگیریم که اصلاً زمان وجود نداشت و تمام آفرینش فقط در فکر خدا معنا داشت. برای ذهن محدود ما درک زمان نامحدود، غیرممکن است. اما حقیقت این است که ازلی و ابدی بودن خدا به این مفهوم است که او از قید زمان آزاد است. او بدون آغاز و بدون انتها است.

۲- چه شخصی ازلی و ابدی است؟ انسان و فرشتگان مخلوق هستند و فقط خدا است که بدون آغاز است. بنابراین او تنها وجودی است که ازلی و ابدی است. برای انسان زمان گذشته، حال و آینده وجود دارد. اما برای خدا فقط زمان حال مفهوم دارد. گذشته و آینده برای خدا مثل زمان حال است. خدا به دو مفهوم جاودانی و فناپذیر است: ۱) او هرگز آغازی نداشته است، بلکه همیشه وجود داشته (مزمور ۹۰:۲). ۲) وجود داشتن او هرگز پایانی نخواهد داشت (تثنیه ۳۲:۴۰ و مزمور ۱۰۲:۲۷). خدا ازلی و ابدی است و از قید زمان آزاد است.

۳- چگونه می‌توانیم مفهوم ازلی و ابدی بودن خدا را درک کنیم؟ بدون در نظر گرفتن کتاب مقدس، باز هم به عنوان یک فکر منطقی می‌توانیم نتیجه بگیریم که خدا همیشه وجود داشته است. هر کس می‌داند که مخلوقات نمی‌توانند از هیچ بوجود آمده باشند. خلأ نمی‌تواند چیزی را تولید کند. بنابراین اگر در ابتدای کائنات چیزی جزء خلأ وجود نداشت، همه چیز به همان شکل باقی می‌ماند. اما از آنجا که در اطراف خود کائنات را می‌بینیم، مجبور هستیم از نظر منطقی بپذیریم که چیزی در ابتدا وجود داشته که آغازی نداشته، یعنی همیشگی بوده است، و آن چیز خدا است. ازلی و ابدی بودن خدا از طریق کلام خدا آشکار می‌گردد. خدا، خدای سرمدی است (پیدایش ۳۲:۲۱). سراینده مزمور می‌گوید «از ازل تا به ابد تو خدا هستی» (مزمور ۹۰:۲)؛ «لیکن تو همان هستی و سال‌های تو تمام نخواهد گردید» (مزمور ۱۰۲:۲۷). اشعیا می‌گوید «او که ساکن در ابدیت می‌باشد» خدا است (اشعیا ۵۷:۱۵). پولس به تیموتائوس تأکید می‌کند که فقط خدا، وجودی فناپذیر است (اول تیموتائوس ۱۶:۶).

۱۱- جملات صحیح را مشخص کنید:

- (a) ازلی و ابدی بودن خدا باعث می شود با اطمینان بدانیم شخصی که به او ایمان داریم هرگز از بین نخواهد رفت.
- (b) ازلی و ابدی بودن خدا در هنگام بروز مشکلات باعث دلگرمی ما می شود. چرا که می دانیم اراده خدا همیشه انجام می شود و هیچ اتفاقی خارج از اراده خدا در زندگی ما روی نمی دهد.
- (c) درک این واقعیت که خدا محدود به زمان نیست، باعث می گردد بفهمیم تصمیم گیری های ما که در چارچوب زمان محدود است. هیچ ارزشی ندارد.

خدا تغییرناپذیر است

همه ما دارای اشتباهاتی هستیم که احتیاج به تغییر و اصلاح دارند، اما خدا این چنین نیست. او کامل است، احتیاج ندارد که چیزی صفات و خصوصیات او را تکمیل کند. خدا از هر جنبه کامل است.

۱۲- آیات زیر را بخوانید و جملات داده شده را تکمیل کنید:

- (a) در مزمور ۱۰۲: ۲۵-۲۷ تغییرناپذیر در نقطه مقابل تغییرپذیر قرار داده شده است
- (b) اشعیا ۹: ۴۶ و ۱۰؛ مزمور ۱۱: ۳۳ و مزمور ۱۶۰: ۱۱۹ بیان می کند که خدا در و خود تغییرناپذیر است.
- (c) ملاکی ۶: ۳ می گوید، از آن جهت که خدا تغییرناپذیر است، نسبت به نسل یعقوب رحیم خواهد بود، پس آنها نمی شوند.
- (d) مزمور ۱۰۳: ۱۷ درباره و تغییرناپذیر خدا سخن می گوید.

آیاتی از کلام خدا که درباره تغییرناپذیری ذات خدا سخن می‌گویند، حقایقی را درباره خدایی که او را خدمت می‌کنیم به ما تعلیم می‌دهند. هنری تیسن در کتاب خود (الهیات مسیحی) این اصول را بیان می‌کند که ما آنها را برای شما ذکر می‌نمائیم. ۱- از آنجا که خدا نامحدود، قائم به ذات و منحصر به فرد است، بنابراین از هر تأثیری بالاتر است و هیچ احتمال تغییری در او وجود ندارد.

۲- برای خدا نه پیشرفت وجود دارد و نه انحطاط، چرا که او کمال مطلق است.

۳- قدرت خدا نمی‌تواند کم یا زیاد گردد، او نمی‌تواند حکیم‌تر یا مقدس‌تر بشود.

۴- خدا نمی‌تواند عادل‌تر، رحیم‌تر و با محبت‌تر از آنچه بوده و یا خواهد بود بگردد.

۵- او نمی‌تواند در رابطه‌اش با انسان تغییر کند. او جهان را بر اساس اصول جاودانی که هرگز تغییر نمی‌کند، اداره و کنترل می‌نماید.

از آنجا که خدا تغییرناپذیر است، می‌توانیم زندگی خود را کاملاً به او سپرده، به کلام او اعتماد کنیم و با تمام موقعیت‌هایی که در زندگی پیش می‌آید، روبرو شده و مطمئن باشیم که او در تمام شرایط برای خیریت ما عمل می‌کند (رومان ۸:۲۸).

بعضی از آیات کتاب مقدس از قبیل اعداد ۱۹:۲۳ و ۱ سموئیل ۲۹:۱۵ بیان می‌کند که خدا در اراده خود تغییر نمی‌دهد و در بعضی قسمت‌ها می‌گوید که خدا از انجام کار مشخصی پشیمان شد (۱ سموئیل ۱۱:۱۵، یونس ۳:۹-۱۰). این طرز برخورد خدا به مفهوم تغییر بنیادی در خصوصیات و یا اهداف او نیست. او همیشه از گناه متنفر است و همیشه گناهکار را دوست دارد و این طرز رفتار خدا با انسان قبل از قبول نجات و بعد از آن نیز ادامه دارد. باید توجه داشت که امکان دارد خدا عملکرد خود را با در نظر گرفتن تغییر انسان عوض کند.

شخصی گفته است، زمانی که خورشید می‌تابد، اگر باعث نرم شدن موم و یا خشک و سخت شدن گل می‌گردد به این دلیل نیست که تغییری در خورشید روی می‌دهد، بلکه این تغییر در موادی روی می‌دهد که خورشید به آنها می‌تابد. ما

می‌توانیم به تغییرناپذیری خدا در اهداف، سخنان و ماهیت او اعتماد کنیم. همانطور که خورشید باعث نرم شدن موم و خشک و سخت شدن گل می‌گردد، همانطور تغییرناپذیری خدا برای اشخاصی که قلبشان برای پاسخ مثبت به خدا نرم و باز است به خیریت و برای اشخاصی که قلبشان برای پاسخ مثبت به خدا سخت است باعث تباهی و سخت‌تر شدن قلب آنها می‌گردد.

۱۳- قسمت مربوط به ماهیت خدا را مطالعه کرده و هرکدام از جنبه‌های گوناگون ماهیت و ذات خدا (سمت چپ) را با توضیح آن (سمت راست) منطبق کنید.

- | | |
|----------------------|---|
| (۱) شخصیت | (a) دارای یک ذات و ماهیت بودن |
| (۲) روح بودن | (b) بدون آغاز و انتها بودن |
| (۳) واحد بودن | (c) از ماده تشکیل نشدن |
| (۴) تثلیث | (d) کثرت در خدای واحد |
| (۵) ازلی و ابدی بودن | (e) ثبات در هدف، سخنان و خصوصیات |
| (۶) تغییرناپذیر بودن | (f) قدرت تفکر، احساس نمودن و تصمیم‌گیری |

صفات ذاتی خدا

اشخاصی که به‌طور خاص درباره خدا مطالعه می‌کنند، متألهین یا دانشمندان الهیات نامیده می‌شوند. شاید من و شما یک متأله نباشیم، اما این حق را داریم تا درباره خدا، آموزه‌ها و تعالیم مختلف تحقیق و بررسی کنیم تا او را بهتر بشناسیم و بیشتر محبت کنیم. برای شناخت بهتر خدا نه تنها باید ماهیت خدا را در نظر گرفت، بلکه باید درباره صفات او نیز مطالعه کرد. دانشمندان الهیات این صفات را خصوصیات می‌نامند. خصوصیات، به‌طور ساده اشاره به کیفیت‌هایی می‌کند که با یک چیز و یا یک شخص همراه هستند و یا آن را توضیح می‌دهند. در ارتباط با خدا، خصوصیات خدا توضیح می‌دهند که چرا او به این گونه که هست، عمل می‌کند و ما

چه انتظاری از او می‌توانیم داشته باشیم. این خصوصیات عبارتند از: قدرت مطلق، حضور مطلق، علم مطلق و حکمت خدا.

قدرت مطلق خدا

ساره همسر ابراهیم، در زندگی خود سفرهای زیادی انجام داد و شاهد کارهای بزرگ و عجیب یهوه در زندگی خود و شوهرش بود. ساره در هنگام عروسی، دختری زیبا بود اما اکنون تبدیل به خانم پیر و مسنی شده بود که چین و چروک‌های بسیاری بر صورت و پستی خمیده داشت. به همین دلیل هنگامی که فرشته به شوهرش گفت که او بزودی حامله خواهد شد، خندید. این امر غیرممکن است! آیا شما ساره را برای این کار، سرزنش می‌کنید؟ فرشته از او پرسید «مگر هیچ امری نزد خداوند مشکل است» (پیدایش ۱۸: ۱-۱۵).

چه خصوصیت الهی را خداوند به ابراهیم و ساره یادآوری کرد؟ قدرت مطلق خود را، یا به عبارتی این حقیقت را که خدا قادر به انجام هر کاری است و قدرت او بی‌انتهاست! قدرت مطلق خدا در کتاب مقدس در ارتباط با موارد زیر بیان شده است:

- ۱- خلقت (پیدایش ۱: ۱).
- ۲- اداره کردن تمام عالم هستی بوسیله کلام قدرتمند خود (عبرانیان ۳: ۱).
- ۳- رهایی و نجات انسان‌ها (لوقا ۱: ۳۵ و ۳۷).
- ۴- انجام معجزات (لوقا ۹: ۴۳).
- ۵- نجات گناهکاران (اول قرن‌تیا ۲: ۵؛ دوم قرن‌تیا ۴: ۷).
- ۶- به انجام رساندن و کامل کردن هدفی که برای ملکوتش دارد (اول پطرس ۵: ۱).

البته باید بخاطر داشته باشیم که خدا نمی‌تواند کاری غیرمعقول انجام دهد. برای مثال کاری کند که آب، خشک باشد. همچنین نمی‌تواند کاری انجام بدهد که مخالف ذات و ماهیت خودش است.

واقعیتی که کاملاً با ماهیت و ذات خدا سازگار است این است که خدا می‌تواند در صورتی که لازم باشد، قدرت خود را محدود کند. برای مثال، خدا به انسان‌ها این آزادی را می‌دهد که بین او و شیطان یکی را انتخاب کنند و هرگز کسی را برخلاف میل و اراده‌اش نجات نمی‌دهد. او خود را محدود می‌کند تا هر شخص خودش تصمیم بگیرد.

ارمیا ۱۷:۳۲ درباره خدا می‌گوید «ای خداوند یهوه اینک تو آسمان و زمین را به قوت عظیم و بازوی بلند خود آفریدی و چیزی برای تو مشکل نیست». کمی جلوتر خداوند از ارمیا می‌پرسد: «آیا هیچ امری برای من مشکل است؟» (آیه ۲۷). اگر قدرت عظیم خداوندان را درک کنیم، آنگاه در هر شرایطی که قرار بگیریم، بدون هیچ درنگی از او کمک خواهیم خواست.

۱۴- خروج ۱۱:۳-۱۲ را مطالعه کنید. کدام پنج لغت را خدا بکار می‌برد تا قدرت مطلق خود را به موسی یادآوری کند؟

حضور مطلق خدا

پسر کوچکی می‌خواست کار اشتباهی انجام دهد، اما فکر کرد که بهتر است این کار را در مکانی سرپوشیده انجام دهد تا خدا که از آسمان نگاه می‌کند، نتواند او را ببیند. این پسر کدام خصوصیت الهی را درک نکرده بود؟ او نمی‌دانست که خدا حاضر مطلق است و در همه اوقات و همه جا حضور دارد. سراینده مزمور در این باره چنین می‌گوید:

«از روح تو کجا بروم و از حضور تو کجا بگریزم، اگر به آسمان صعود کنم، تو آنجا هستی و اگر در هاویه بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی، اگر بال‌های سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم، در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود و دست راست تو مرا خواهد گرفت» (مزمور ۱۳۹: ۷-۱۰).

حضور مطلق خدا به این معنا نیست که او با همه یک نوع رابطه دارد. خدا به اشخاصی که او را دوست دارند و خدمت می‌کنند خود را آشکار می‌سازد و آنها را برکت می‌دهد و تشویق می‌کند و اشخاصی که با او مخالفت می‌کنند سرزنش و تنبیه می‌نماید. خدا در طوفان حضور دارد ولی نه به همان طریقی که دو یا چند فرزند او برای هدایت الهی با جدیت دعا می‌کنند (ناحوم ۳:۱؛ متی ۲۰:۱۸).

درک این واقعیت که خدا در همه جا حضور دارد به ما کمک می‌کند تا در هنگام بروز مشکلات و جفاها دلگرم و قوی باشیم، چرا که می‌دانیم او ما را تقویت کرده، هدایت می‌کند و بعلاوه به یاد ما می‌آورد که باید در زندگی خود بسیار مواظب باشیم، چون خدا هرکار خوب یا بدی را که انجام می‌دهیم، می‌بیند. ما مسئول هستیم که در هر جا و هر زمانی بگونه‌ای شایسته خدا را خدمت کنیم. چرا که او در همه جا حضور دارد.

همچنین باید بیاد داشته باشیم که نمی‌توان حضور خدا را بر اساس احساس خود بسنجیم. خدا در همه حال با ما است، چه احساس نکنیم و چه احساس نکنیم. فرض کنید که دختر کوچکی در تاریکی گریه می‌کند و مادرش به او اطمینان می‌دهد که با او است. شاید دختر فکر کند که باید حتماً مادرش را ببیند تا باور کند که او آنجاست. اما چه بتواند مادرش را ببیند و چه نتواند، هیچ تغییری در این واقعیت که مادرش در آنجا حضور دارد، بوجود نمی‌آید. به همین صورت خدا همیشه با ما است چه حضور او را احساس کنیم و چه احساس نکنیم. کتاب مقدس می‌فرماید که خدا در همه جا حضور دارد. دانستن این مطلب باعث می‌گردد که در همه حال شکرگذار و مطمئن باشیم.

۱۵- در دفتر خود، دو دلیل بیان کنید که نشان دهد چگونه درک این حقیقت که خدا در همه جا حضور دارد، باید باعث تغییر در روش زندگی ما گردد.

علم مطلق خدا

بین حضور مطلق خدا و علم مطلق او رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد. انسان‌ها اغلب تلاش بسیار می‌کنند تا از واقعیت‌ها باخبر گردند. درحین مطالعه برای کسب دانش، حقایقی را درک می‌کنیم، اما اغلب، بیشتر از آن چیزی که یاد می‌گیریم، به این پی می‌بریم که چقدر دانستنی‌های ما محدود و کم است.

برای خدا چنین موضوعی صدق نمی‌کند، او همه چیز را می‌داند. اداره کننده کائنات، علم و دانایی نامحدود دارد. دانستن این موضوع به‌طور کامل برای ما غیرممکن است. بنابراین ضروری است که به کاملیت خدا ایمان داشته باشیم. کاملاً منطقی است که خدا از همه امور باخبر باشد، خواه این امور واقعی باشند یا احتمالی. چون در غیراینصورت او می‌بایست به‌طور مداوم چیزهایی را یاد بگیرد که قبلاً نمی‌دانست و اهداف خود را بر اساس آنها تعدیل و سازگار نماید.

از آنجا که خدا از همه چیز باخبر است، می‌تواند جلوتر از زمان، بیان کند در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. به همین دلیل است که در کتاب مقدس پیشگویی‌های بسیاری وجود دارد. اما این بدین معنا نیست که خدا تعیین می‌کند چه اتفاقی باید برای ما روی دهد. او فقط از قبل می‌داند که ما چه تصمیمی می‌گیریم. چون خدا همه چیز را از قبل می‌داند، می‌تواند بگوید که در آینده چه اتفاقی روی خواهد داد. پیش‌دانی خدا به معنای از قبل تعیین کردن وقایع نیست.

این حقیقت که خدا از همه چیز باخبر است، باعث می‌شود هنگامی که با مشکلات و جفاهای شدید روبرو می‌شویم قوت بیابیم، چون او بیشتر از ما درباره مشکل می‌داند. او از علل آن و اتفاقاتی که امکان دارد در شرایط مختلف روی دهد باخبر است. درنتیجه می‌توانیم زمانی که برای یافتن راه حل صحیح برای مشکلاتمان از خدا هدایت می‌طلبیم، اطمینان کامل داشته باشیم.

۱۶- مزبور ۱:۱۳۹-۱۹ را مطالعه کرده و جملات زیر را کامل کنید.

(a) آیات درباره علم مطلق خدا سخن می‌گویند.

(b) آیات درباره قدرت مطلق خدا سخن می‌گویند.

(c) آیات درباره حضور مطلق خدا سخن می‌گویند.

۱۷- کدامیک از جملات زیر درباره علم مطلق خدا صحیح هستند.

(a) این واقعیت که خدا از تصمیمات من آگاه است، نشان می‌دهد که در واقع خدا است که تصمیم می‌گیرد نه من.

(b) دانستن این مطلب که خدا از همه چیز باخبر است، باعث می‌گردد در هنگام گرفتن تصمیم از او طلب راهنمایی کنم.

(c) پیش‌دانی به معنی پیش‌تعیینی وقایع است.

(d) اگر خدا از همه چیز آگاه نباشد، می‌توان نتیجه گرفت که او کامل نیست.

(e) علم مطلق به معنای دانستن همه چیز است و شامل آگاهی از گذشته، حال و آینده می‌گردد.

حکمت خدا

دانشمندان از حقایق بسیاری باخبر هستند، اما علم این جهان نتوانسته مشکلات اجتماعی را حل کند. انسان‌ها از حکمت لازم برای بکارگیری دانش خود به‌منظور حل مشکلات و رسیدن به صلح و کامیابی بی‌بهره هستند.

منظور از حکمت، همان علم، دانش و آگاهی نیست. حکمت از طریق جستجو در دانستنی‌ها، با ارزش‌ترین هدف ممکن را یافته و به بهترین روش ممکن آن را به انجام می‌رساند. از آنجا که خدا کمال حکمت را دارا است، هرچیز را به بهترین صورت ممکن انجام می‌دهد. خدا بر اساس حکمت کامل خود، کلامش را به ما بخشیده تا در هر آنچه انجام می‌دهیم، ما را هدایت کند. اگر بر طبق دستورات کلام خدا زندگی کنیم، از حکمت او بهره یافته، توسط او برکت خواهیم یافت.

گاهی اوقات، زمانی که خدا اجازه می‌دهد اتفاقاتی در زندگی ما روی دهد، نمی‌توانیم حکمت خدا را درک کنیم. در چنین مواقعی قبل از هر چیز باید به یاد آوریم که خدا به ما اجازه می‌دهد که خودمان تصمیم بگیریم و اگر تصمیمات ما بر اساس کلام او نباشد، باعث بوجود آمدن مشکلاتی برای خود می‌گردیم. همچنین باید بیاد داشته باشیم، در جهانی گناهکار زندگی می‌کنیم و مسیحیان نیز مانند سایرین امکان دارد قربانی بلایای طبیعی و یا اعمال شریرانه دیگران بشوند. خدا مجبور نیست درباره علت هر اتفاقی که روی می‌دهد به ما توضیح دهد. امکان دارد خدا به دلایلی که ما نمی‌دانیم، اجازه دهد وقایعی در زندگی ما روی دهد. اما همانطور که در رساله اول یوحنا ۱۸:۴ آمده است: «محبت کامل خوف را بیرون می‌اندازد»، می‌توانیم در هر شرایطی کاملاً به خدا اعتماد کنیم و مطمئن باشیم که او بر اساس حکمت بی‌نهایت خود در همه شرایط برای خیریت ما و جلال خودش عمل می‌کند (رومان ۸:۲۸).

قسمت‌هایی از کتاب مقدس از قبیل مزمور ۲۴:۱۰۴-۳۰ و ارمیا ۱۲:۱۰ این نکته را به یاد ما می‌آورند که از طریق خلقت خدا می‌توانیم به حکمت او پی ببریم. برای به انجام رساندن اهداف پیچیده موجود در طبیعت، احتیاج به حکمت بسیار زیادی است. زمانی که درباره پرنده‌های یک پرنده فکر می‌کنیم، از تعجب کلامی برای بیان پیدا نمی‌کنیم. هر ذره کوچک، برای عمل کرد ویژه‌ای به منظور پرواز پرنده و یا محافظت از او در برابر عوامل دیگر طراحی شده است. اگر استخوان‌بندی و اسکلت یک پرنده را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم استخوان‌های بزرگ تو خالی و پر از هوا هستند و باعث می‌شوند که این جانور کوچک بتواند پرواز کند. استخوان‌بندی جوجه‌های پرنده نیز به همین ترتیب است و این نمونه‌ای کوچک از حکمت عظیم خدای ما است.

به خاطر آوردن این حقیقت که خدا حکمت خودش را هنگامی که به آن احتیاج داریم، در دسترس ما قرار می‌دهد، باعث برکت یافتن من می‌شود. مهم نیست که امروز، فردا، هفته یا ماه آینده چه اتفاقی روی خواهد داد. چون کلام خدا در یعقوب ۵:۱ به ما تعلیم می‌دهد که شک نکنیم، بلکه از خدا طلب حکمت نمائیم، چون خدا در بخشیدن حکمت به فرزندان‌ش سخاوتمند است.

۱۸- با توجه به مطالبی که درباره حکمت خدا بیان کردیم. تعیین کنید کدامیک از موارد زیر نمونه خوبی از حکمت خدا است.

(a) اگر در زندگی مخارج غیرمنتظره‌ای دارم و نمی‌دانم چگونه برای این مخارج برنامه‌ریزی کنم، می‌توانم از خدا بخواهم مرا هدایت کند و مطمئن باشم که خدا می‌تواند حکمت لازم برای حل این مشکل را به من بدهد.

(b) یک مسیحی که نمونه و شهادت خوبی از محبت مسیح است، در یک حادثه به‌طور غیرمنتظره‌ای فوت می‌کند. از آنجا که مرگ این شخص، افراد بسیاری از جامعه‌اش را به سوی خدا می‌آورد، می‌دانیم که خدا در حکمت خود برای رسیدن به خیریت بالاتری این حادثه را تعیین نمود.

(c) کلام خدا، هدایت‌کننده‌ای است که به من نشان می‌دهد چگونه می‌توانم یک زندگی خوب و پرثمر داشته باشم.

(d) خدا به رهبران کلیسا حکمت می‌بخشد تا بتوانند، مسائل روحانی کلیسا را بر اساس خواست او رهبری کنند.

(e) ساختمان فیزیولوژیکی بدن انسان آشکارکننده حکمت خدا است.

(f) حکمت خدا باعث می‌گردد که مسیحیان در قضاوت‌های خود اشتباه نکنند.

۱۹- به‌منظور مرور این بخش، خصوصیات خدا را با تعریف هر کدام منطبق کنید.

(a) حضور داشتن خدا در همه جا

(b) بوسیله آن خدا عالی‌ترین هدف را از بهترین طریق ممکن برای مخلوقاتش و تمام خلقت به انجام می‌رساند.

(c) آگاهی داشتن از همه چیز

(d) قدرت داشتن خدا برای انجام هر عملی

(۱) قدرت مطلق

(۲) علم مطلق

(۳) حضور مطلق

(۴) حکمت

در این درس، ماهیت خدا و خصوصیات ذاتی او را بررسی کردیم. در درس آینده در مورد صفات اخلاقی خدا و اعمال او مطالعه خواهیم کرد، که ما را برای مطالعه در مورد خدای پسر و خدای روح القدس آماده می‌کند. شناخت بیشتر ما از خالق خویش و رابطه‌ای که با او داریم به ما کمک می‌کند تا بهتر بتوانیم او را خدمت کنیم و به دیگران درباره محبت عظیم او شهادت دهیم.

انتشارات آیات
نسخه الکترونیکی

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی - بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

(۱) مسیحیان در پرستش خود از محدودیت‌هایی از قبیل مکان و روش پرستش برخوردار نیستند. چون خدا است.

(a) روح

(b) واحد

(c) قادر مطلق

(d) ازلی و ابدی

(۲) اگر حقیقتاً درک کنم که خدا، دانای مطلق، قادر مطلق و در همه جا حاضر است. آن وقت:

(a) به گونه‌ای زندگی خواهم کرد که او را خشنود سازم و در هر مشکلی که برایم پیش آید به او اعتماد خواهم کرد.

(b) متوجه می‌شوم که تصمیمات من مهم نیست، بلکه آن تصمیمی که خدا برای من گرفته است و دیگر اینکه نمی‌توانم برای تغییر زندگی خود کاری انجام دهم.

(c) از آنجا که فقط برای مشکلات بزرگ باید از خدا درخواست کمک نمود، بنابراین مشکلات و نیازهای روزانه را به روش خود حل می‌کنم.

(۳) به دلیل ماهیت و خصوصیات ذاتی خدا، او نه تنها از نیازهای ما با خبر است، بلکه

(a) برای برطرف کردن آنها بسیار دور است.

(b) می‌داند به این دلیل که از ماهیت و خصوصیات مثل او برخوردار نمی‌باشیم، نمی‌تواند با ما مشارکتی بامعنا و واقعی برقرار نماید.

(c) قادر است که تمام نیازهای ما را برآورده سازد.

۴) هنگامی که اعتراف می‌کنیم خدا در هر شرایطی برای خیریت ما و جلال خودش عمل می‌کند. در واقع خدا را تشخیص داده‌ایم.

(a) شخصیت

(b) نامحدود بودن

(c) حکمت

(d) علم مطلق

سؤالات صحیح و غلط - جملات صحیح را با حرف (a) و جملات غلط را با حرف (b) مشخص کنید.

۵- خصوصیاتی از خدا که نشان می‌دهد می‌توانیم به او نزدیک شویم و او برای نیازهای انسانی ما فکر می‌کند، واحد بودن خدا است.

۶- مسیحیت با پرستش خدایان متعدد از این جهت متفاوت است که خدا وجودی روحانی است.

۷- کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که در خدای واحد سه شخصیت الهی وجود دارد، یعنی پدر، پسر و روح القدس که آنرا تثلیث می‌نامیم.

۸- ابدی و ازلی بودن خدا و تغییرناپذیر بودن او، نشان می‌دهند که خدا بی‌آغاز و بی‌انتهاست و هرگز تغییر نمی‌کند.

۹- شخصی که در هنگام بروز تجربیات نمی‌تواند هدف و مقصد خدا را تشخیص دهد، احتمالاً نتوانسته حکمت خدا را درک کند.

۱۰- قسمت زیادی از شواهد مربوط به آموزه تثلیث در عهدعتیق دیده می‌شود.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

(۱۱) a) صحیح

b) صحیح

c) غلط

(۱) پاسخ انتخابی شما

(۱۲) a) خدای، جهان

b) هدف، کلام

c) نابود

d) محبت، عدالت

(۲) پاسخ انتخابی شما: من فکر می‌کنم، می‌توانیم دیگران را از طریق صحبت کردن، گوش دادن و مطالعه نمودن درباره آنها، بشناسیم. برای شناخت خدا نیز باید، وقت کافی برای انجام این کارها بدهیم.

(۱۳) a) ۳

b) ۵

c) ۲

d) ۴

e) ۶

f) ۱

(۳) b

(۱۴) من با تو خواهم بود

(۴) b

(۱۵) می‌دانیم که خدا همیشه در تجربیاتی که پیش رو داریم، حاضر است تا ما را تقویت کند. همچنین می‌دانیم که او از تمامی اعمال ما آگاه است، چه خوب باشد و چه بد و ما مسئولیت داریم که او را همیشه خدمت کنیم.

d (۵)

(۱۶) a آیات ۱-۶

(b) آیات ۱۳-۱۹

(c) آیات ۷-۱۲

(۶) a خدای قادر مطلق

(b) یهوه خدای تو، خدایان دیگر غیر از من نباشد

(c) خدایان نقره یا طلا برای خود مسازید.

(d) خداوند خدای ما، تنها او خدا است و جدا از او هیچ خدایی وجود ندارد.

(۷) البته تمام این مفاهیم به یکدیگر مربوط هستند و درباره واحد بودن خدا

توضیح می دهند.

(a) ۲

(b) ۱

(c) ۲

(d) ۳

(e) ۳

(f) ۳

(g) ۱ یا ۲

(۱۷) a غلط

(b) صحیح

(c) غلط

(d) صحیح

(e) صحیح

(۸) a خدای پدر

(b) خدا

(c) خدا

(d) دارای سه شخصیت متمایز است (پدر، پسر و روح القدس)

۱۸) پاسخ‌های a - c - d - e نمونه‌های خوبی از حکمت خدا هستند. پاسخ «b»

نمونه خوبی نیست، چون تصادف آن شخص نتیجه غفلت و اشتباه انسان بوده است نه هدایت خدا. اگر چه خدا از آن شرایط نیز برای خیریت استفاده کرد و بسیاری را بسوی خود جذب نمود. در این کار حکمت او دیده می‌شود. پاسخ «f» نیز نمونه خوبی نیست، چون خدا بر اساس حکمت خود به ما اجازه می‌دهد که خودمان انتخاب کنیم. ما می‌توانیم از خدا بخواهیم که در گرفتن تصمیم به ما حکمت عطا کند.

۵ (a) ۹

۳ (b)

۲ (c)

۱ (d)

۴ (e)

۳ (a) ۱۹

۴ (b)

۲ (c)

۱ (d)

۱۰) a - b - d - e - f صحیح هستند.

خدا: صفات اخلاقی و اعمال او

زمانی که اتفاقات ناگوار زندگی یک شخص مسیحی را در روزنامه مطالعه می‌کنید آیا سؤالات زیادی در ذهن شما ایجاد نمی‌شود؟ آیا تابحال دیده‌اید که چگونه یک شخص شریر به روش‌های نادرست به موفقیت یا ثروت زیادی دست می‌یابد؟ و آیا متعجب نشده‌اید که چرا خدا اجازه وقوع چنین وقایعی را می‌دهد؟! اغلب زمانی که شاهد بی‌عدالتی هستیم، در ذهنمان سؤالاتی نسبت به خدا بوجود می‌آید.

هنگامی که شناخت دقیق‌تری از خصوصیات اخلاقی خدا یعنی محبت و قدوسیت او و چگونگی عملکردش در دنیای امروز داشته باشیم، درک خواهیم کرد که خدا در تمامی اتفاقاتی که برای ما روی می‌دهد، هدف و نقشه‌ای دارد. هدف خدا این است که ما را برای پادشاهی ابدی خود آماده سازد و برای رسیدن به این هدف، امروز در زندگی ما عمل می‌کند.

در این درس، درباره خصوصیات اخلاقی خدا مطالعه خواهیم کرد و خواهیم دید که خدا خالق ما، برای حفاظت خلقت خود عمل می‌کند و همه نیازها را در جهت ورود ما به پادشاهی خود فراهم می‌سازد. با این وجود به ما اجازه می‌دهد که خود تصمیم بگیریم و مسئولیت تصمیمات خود را متحمل گردیم. بیایید در حین مطالعه، قلب خود را بسوی محبتی که خدا نسبت به ما دارد باز نماییم و روشی که او خلقت خود را اداره می‌کند مورد بررسی قرار دهیم.

فهرست مطالب

صفات اخلاقی خدا

عمل آفرینش خدا

عمل خدا در نگهداری و حاکمیت بر عالم هستی (فرمانروایی مطلق)



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس قادر خواهید بود؛
- درباره صفات اخلاقی خدا و اهمیت آنها برای مخلوقات را توضیح دهید.
- راجع به عمل خدا در آفرینش، نگهداری و حاکمیت بر عالم هستی توضیح دهید.
- دلایلی را بیان کنید که چرا بعضی اوقات مسیحیان با وجود حاکمیت خدا در رنج و زحمت هستند در صورتی که ظاهراً گناهکاران تنبیه نمی شوند.
- به دلیل شناخت بهتری که از صفات و اعمال خدا بدست آورده‌اید، او را بیشتر از قبل محبت کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- درس را مطالعه کنید و قبل از مراجعه به جواب‌ها به سؤالات پاسخ دهید.
- ۲- پس از پایان درس، به خودآزمایی پاسخ دهید و سپس جواب‌های خود را با پاسخ‌های داده شده در آخر کتاب مقایسه کنید.

صفات اخلاقی خدا

در درس اول راجع به ماهیت خدا و خصوصیت ذاتی او مطالعه کردیم. اکنون در این درس به بررسی صفات اخلاقی خدا می‌پردازیم. صفات اخلاقی، صفاتی هستند که در رابطه خدا با انسان آشکار می‌گردند و عبارتند از قدوسیت و محبت خدا.

قدوسیت خدا

در میان آشنایان خود، دوست دارید با چه خصوصیت اخلاقی شناخته شوید؟! خسیس؟ سخن‌چین؟ شخصی خوب و درستکار؟ یک دوست؟ خدا نیز مایل است در میان ملت‌ها، با خصوصیات مشخصی شناخته شود. او می‌خواهد با نام «قدوس» معروف گردد. (حزقیال ۷:۳۹)

دیدیم که محال است خدا دچار اشتباه فکری شود چونکه او عالم مطلق است و از همه چیز آگاه است. از آنجا که خدا قدوس است، امکان ندارد دچار اشتباه اخلاقی گردد. قدوسیت، صفتی است که بیان‌کنندهٔ کاملیت ذات خدا است و پایه و اساسی برای تمام اعمال او است. بنابراین همهٔ کارهای او درست و نیکوست.

کلمه قدوسیت حاوی جدایی نیز هست. وجود الهی از انسان گناهکار و شریر جدا و برتر بوده و با وجود اینکه ذات الهی کاملاً مقدس و جدا از خلقت است، با انسان‌ها رابطه دارد، به گونه‌ای که به آنها خیلی نزدیک است. در ادامه خواهیم دید که چنین چیزی چگونه امکان‌پذیر است.

می‌توانیم قدوسیت خدا را در تمام صفات و اعمال او مشاهده کنیم. قدوسیت خدا شامل محبت به چیزهای نیکو و پسندیده و نفرت از چیزهای گناه‌آلود و شریر

می‌گردد. بنابراین خدا از راستی و خوبی خشنود می‌گردد و در نتیجه شرارت را محکوم و خود را از آن جدا می‌سازد.

جدا بودن خدا از انسان ضروری است، چون انسان گناهکار است. به این حقیقت بارها در عهدعتیق اشاره شده است. خدا به موسی گفت که در اطراف کوه سینا حدودی را تعیین کند تا قوم از آن حد نزدیک‌تر نیایند (خروج ۱۲:۱۹-۱۳ و ۲۱-۲۵). او می‌خواست قوم اسرائیل این حقیقت را درک نمایند که انسان گناهکار باید از خدای قدوس جدا باشد.

جدایی خدا از انسان گناهکار در خیمه‌ای که موسی به دستور خدا در بیابان برپا نمود نیز مشاهده می‌شود. قسمت خاصی از آن بوسیله پرده‌ای جدا شده بود (خروج ۳۳:۲۶) و فقط یک نفر یعنی کاهن اعظم اجازه داشت که به این قسمت داخل شود. آن هم فقط سالی یک بار تا خون را بر روی تخت رحمت پاشد (لاویان باب ۱۶). او این عمل را به منظور کفاره گناهان قوم در حضور خدای قدوس انجام می‌داد. بدین ترتیب قوم می‌توانستند بفهمند که خدا تا چه حد از گناهانشان متنفر است.

در عهدعتیق قسمت‌های زیادی وجود دارد که تأکید بر قدوسیت خدا دارد. اشعیا ۲:۵۹ و حبقوق ۱:۱۲ تعلیم می‌دهند که گناه باعث جدایی انسان گناهکار از خدا شده است. ایوب ۳:۴۰-۵ و اشعیا ۶:۵-۷ بیان می‌کنند که اگر ما شناخت حقیقی از قدوسیت خدا داشته باشیم، آنگاه زشتی گناه را درک خواهیم کرد. روبرو شدن با قدوسیت مطلق خدا موجب انزجار از گناه، توبه از آن و فروتنی می‌شود.

۱- جملات زیر را بر اساس آیات بررسی شده کامل کنید.

a) خدا نمی‌تواند با آنچه که ناپاک و گناه‌آلود است ارتباط داشته باشد. چون او است.

b) گناه باعث ما از خدا می‌گردد.

c) شناخت حقیقی از قدوسیت کامل خدا موجب می‌گردد که ما را درک کنیم.

در عهدجدید نیز بسیاری از قسمت‌ها مربوط به قدوسیت خدا می‌گردد. در نمونه‌های عهدعتیق دیدیم که انسان نه می‌تواند با خدا در ارتباط باشد و نه قادر است با تلاش خود به خدا برسد.

در عهدعتیق کاهن اعظم برای کفاره کردن گناهان قوم می‌توانست فقط سالی یک بار وارد حضور خدا شود. امروز، کفاره از طریق قربانی پسر خدا، عیسی مسیح مهیا گردیده است. بر اساس رومیان ۵:۲ و افسسیان ۱۳:۲-۱۸، فقط بر اساس شایستگی عیسی مسیح می‌توان به خدا نزدیک شد. رساله اول پطرس ۳:۱۸ بیان می‌کند که تمام اشتباهات و گناهان ما بوسیله کفاره نجات دهنده عادل ما، پاک شده است و در نتیجه می‌توانیم به حضور خدای قدوس وارد شویم.

۲- کتاب مقدس تعلیم می‌دهد، تنها راه ورود به حضور خدای قدوس، کفاره‌ای است که بوسیله مهیا گردیده است.

(a) کاهن اعظم

(b) سعی و تلاشمان برای مقدس بودن

(c) نجات دهنده ما عیسی مسیح

بدون اشاره به عدالت خدا نمی‌توان درباره قدوسیت او سخن گفت. بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس قدوسیت و عدالت خدا را به عنوان صفاتی جدا از یکدیگر تقسیم‌بندی کرده‌اند، ولی عدالت نتیجه مستقیم قدوسیت خدا است. راستی و عدالت جنبه‌هایی از قدوسیت خدا هستند که در نحوه رفتار خدا با انسان‌ها دیده می‌شوند. اول: راستی، بیان کننده قدوسیت خدا است. او در جهان یک معیار اخلاقی قرار داده است. به این معنی که خدا قوانین صحیح و درستی برای زندگی انسان‌ها به آنها بخشیده است.

دوم: عدالت، مبین قدوسیت خدا است. خدا با انصاف قوانین خود را به انجام می‌رساند. یعنی به اشخاصی که قوانین او را اطاعت کنند، پاداش می‌دهد و آنانی که قوانین او را پیروی نکنند، تنبیه می‌نماید.

راستی خدا از طریق اشتیاق او برای قدوسیت انسان‌ها دیده می‌شود. نه تنها او خدای قدوس است، بلکه طریقی را مهیا کرده تا قوم او نیز مقدس باشند. عدالت او از طریق مجازات کردن گناه دیده می‌شود. از آنجا که خدا نمی‌تواند گناه را تحمل کند، می‌باید شخصی را که مرتکب گناه می‌شود، مجازات نماید.

۳- عبرانیان ۱۰:۱۲ و ۱۴ را مطالعه کنید و سپس به سؤال زیر پاسخ دهید.
بعد از اینکه به مسیح ایمان آوردم و از طرق گناه‌آلود خود برگشتم، خدا از من چه انتظاری دارد؟

قدوسیت در زندگی یک مسیحی بیش از انجام ندادن کارهای نادرست است، بلکه شامل انجام کارهای خوب نیز می‌گردد. قدوسیت در عمل یعنی داشتن زندگی صحیح و انجام کارهایی برای دیگران که محبت خدا ما را به طرفشان سوق می‌دهد. این امر باعث بوجود آمدن احساس مسئولیت در ما نسبت به دیگران می‌گردد. برای مثال، می‌توانیم اطاعت خود را نسبت به خدا، از طریق خدمت کردن به دیگران نشان دهیم. برای خدمت کردن به دیگران، احتیاجی نیست که در اصول مسیحی تغییر و سازشی بوجود بیاوریم. در مثال‌های عیسی که در لوقا ۲۹:۱۰-۳۷ بیان گردیده، معیارهای مسیحی که باید خودمان را با آن بسنجیم، به تصویر کشیده شده است. در همان حال عملکردهایی ذکر گردیده که نشان‌دهنده معیارهای ما در خدمت عملی به دیگران است.

۴- لوقا ۲۹:۱۰-۳۷ را مطالعه کنید. سپس در دفتر خود بنویسید کدامیک از اشخاص زیر نشان‌دهنده معیار مسیحی برای قدوسیت در عمل است و علت آن را نیز ذکر کنید: لاوی، شخص سامری یا کاهن.

همانطور که در عبرانیان ۱۰:۱۲ و ۱۴ مطالعه کردیم، کتاب مقدس ما را تشویق می‌کند که زندگی مقدس داشته باشیم. شخص می‌تواند هم مقدس زندگی کند و در

عین حال همانطور که مسیح در انجیل متی ۵: ۱۳-۱۶ تعلیم داد، با دیگران و جامعه خود رابطه داشته باشد. این قسمت از کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد که نباید قدوسیت خود را از دست بدهیم، بلکه باید برای دیگران نمونه باشیم. بنابراین یک مسیحی نمی‌تواند کارهایی انجام دهد که عهدجدید اجازه نمی‌دهد. اما بهر حال باید هر کاری که می‌تواند برای خانواده و همسایه‌های خود انجام دهد و به آنها نشان دهد که به فکرشان است.

۵- مطالعه درباره راستی و عدالت خدا به ما نمونه خوبی در مورد چگونگی رفتار با فرزندانمان داد. با توجه به آن بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

(a) فرزندان خود را اغلب تنبیه کنیم تا به آنها یادآوری نماییم که باید کودکان خوبی باشند.

(b) در انتظارات خود منصف باشیم و اگر اطاعت کردند به آنها پاداش دهیم و در صورت ناطاعتی آنها را تنبیه کنیم.

(c) به آنها هشدار دهیم که در صورت ناطاعتی تنبیه خواهند شد ولی هرگز آنها را تنبیه نکنیم، چون باعث می‌گردد که نسبت به محبت ما شک کنند.

سؤال پنجم یادآور نیاز ماست که از اصول کتاب مقدس در مورد تعلیم و انضباط آگاهی داشته باشیم. بر اساس کلام خدا، شخص نمی‌تواند آنقدر فرزند خود را تنبیه کند که باعث مرگ او بگردد (امثال ۱۹: ۱۸). عبرانیان ۶: ۱۲ و مکاشفه ۱۹: ۳ تعلیم می‌دهند که خدا اشخاصی را که دوست دارد، تنبیه می‌کند. اگر واقعاً فرزندان خود را دوست داشته باشیم در زمان لازم برای خیر و صلاح‌شان آنها را تنبیه می‌کنیم (به عبرانیان ۱۲: ۵-۱۱ رجوع کنید).

- ۶- تعیین کنید، کدامیک از جملات زیر درباره اهمیت قدوسیت خدا صحیح است.
- (a) قدوسیت، صفتی از خدا است که بیان کننده کمال اخلاقی او است.
- (b) از آنجا که خدا کاملاً قدوس است، نمی تواند با انسانها رابطه نزدیک برقرار نماید.
- (c) مفهوم قدوسیت شامل محبت و علاقه نسبت به چیزهای نیکو و پسندیده و هم سویی با قوانین خدا و تنفر از گناه است.
- (d) در زمان عهدعتیق، خدا آشکار نمود که حتی اگر قوم گناه کنند، باز هم خود را از آنها جدا نمی سازد.
- (e) روش حاکمیت و حکمرانی خدا بر قومش نتیجه صفت اخلاقی او است.
- (f) از آنجا که خدا منصف است، نه تنها عدالت الهی را به انسانها می بخشد، بلکه در صورت ارتکاب به گناه، طریقی برای کفاره گناهانشان فراهم می سازد.
- (g) به طور ساده مفهوم قدوسیت یعنی انجام ندادن کاری که اشتباه است.

محبت خدا

فرض کنید، پسری به دختر جوانی می گوید که دوستش دارد. اما بعد از ازدواج مدام شکایت و غرغر می کند و هیچ علاقه ای به چیزهایی که برای آن دختر مهم هستند، نشان نمی دهد و هیچ کوششی برای محبت کردن به او نمی کند. شما درباره محبت او نسبت به آن دختر چه قضاوتی خواهید کرد؟

خدا شبیه این پسر نیست. او ما را عمیقاً دوست دارد و محبت خود را نه فقط با حرف و وعده ها بلکه در عمل نیز نشان می دهد.

ما به هیچ طریقی نمی توانیم محبت خدا را بدست آوریم. بوسیله هیچ سخن یا عملی نمی توانیم خدا را مجبور کنیم که ما را دوست داشته باشد. خدا جهان و ما را دوست دارد چون، محبت جزئی از ماهیت و ذات او است.

خدا عملاً نشان می دهد چقدر ما را دوست دارد. بعضی از اشخاص، نیکویی، رحمت، حلم و وفاداری را به عنوان صفات مختلف خدا در نظر می گیرند، اما من همه آنها را قسمتی از محبت خدا می دانم. امکان دارد جنبه های دیگری از محبت

خدا را بتوان به این لیست اضافه نمود. این صفات نشان می‌دهند که چقدر ما برای خدا اهمیت و ارزش داریم و خاطرنشان می‌کنند که چقدر خدا به فکر ما است.

۷- یوحنا ۱۶: ۳؛ ۱۷: ۲۴؛ اول یوحنا ۹: ۴-۱۰ و مکاشفه ۴: ۵-۵ را مطالعه کنید. این آیات نشان می‌دهند که محبت خدا فعال است. چه اعمالی بیان‌کننده این محبت هستند؟

۸- یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵؛ ۱۴: ۱۵؛ ۱۳: ۱۴ و اول یوحنا ۲: ۳-۳ را مطالعه کنید. سپس دو طریقی را نام ببرید که بوسیله آن می‌توانیم محبت خود را نسبت به خدا نشان دهیم.

در عهدعتیق، خدا اغلب به صورت یک جنگجوی بزرگ و پرقدرت تصویر شده است. از طرفی دیگر دیدن او به عنوان خدای محبت در عهدعتیق مرا به اندیشه وا می‌دارد. یکی از متحیرکننده‌ترین نمونه‌ها درباره محبت خدا، او را به صورت خدای خشمگینی نشان می‌دهد که قصد مجازات شهری گناهکار را دارد، اما نسبت به انجام این کار بی‌میل است و قصد خود را عملی نمی‌کند. چرا خدا مطابق نقشه‌اش عمل نمی‌کند؟ اگر چه دیوارها قبلاً فرو ریخته و ویران شده بودند و مانعی وجود نداشت. اما آنچه مانع از انجام این کار شد، محبت او نسبت به انسان‌های گناهکار بود. خدا چنین می‌فرماید: «و من در میان ایشان کسی را طلبیدم که دیوار را بنا نماید و برای زمین به حضور من در شکاف بایستد تا آن را خراب ننمایم، اما کسی را نیافتم!» (حزقیال ۳۰: ۲۲). اگر شخص عادل پیدا می‌شد تا در آنجا از خدا تقاضای رحمت نماید، خدا آن شهر را از بین نمی‌برد. چه محبت عظیمی!

داود پادشاه، اشعیا و ارمیای نبی از خدا به عنوان پدر نام می‌برند. چه خصوصیتی از یک پدر خوب در ارتباط با فرزندان‌ش باعث شده بود آنها چنین مقایسه‌ای بکنند؟ داود پادشاه می‌گوید خدا نسبت به فرزندان‌ش رحیم و مهربان است و بیاد می‌آورد که آنها محتاج کمک هستند (مزمور ۱۰۳: ۱۳-۱۴). اشعیا از خدا به عنوان یک پدر دلسوز و مهربان سخن می‌گوید (اشعیا ۶۳: ۱۶؛ ۶۴: ۸). ارمیا خدا را به عنوان پدری

معرفی می‌نماید که پس از تنبیه کردن فرزندان نامطیع خود، آنها را بسوی خانه رهبری می‌کند (ارمیا ۷:۳۱-۹).

در عهدجدید، نمونه‌های بسیاری درباره محبت خدا داریم. زمانی که مسیح جسم پوشید تا مجازات گناهان ما را متحمل گردد. مجازات وحشتناک گناه یعنی مرگ را آشکار کرد. او نجات ما را بوسیله چیز بسیار با ارزشی یعنی جان خود، مهیا نمود (یوحنا ۱۶:۳ و ۱۷). به دلیل محبت بسیار زیاد خدا نسبت به ما، می‌دانیم که اگر ما نیز او را دوست داشته باشیم، هرگز اجازه نخواهد داد اتفاقی در زندگی ما روی دهد که در نهایت به نفع و خیریت ما نباشد. می‌توانیم بدون توجه به شرایطی که داریم به محبت او اعتماد کنیم و محبت او ما را از ترس و عذاب‌رهایی می‌بخشد (اول یوحنا ۴:۱۸؛ دوم تیموتائوس ۱:۷).

۹- در دفتر خود، تمام صفات خدا را که در اشعیا ۴۳:۱-۵ ذکر شده، بنویسید. در این قسمت باید سه صفت ذاتی و دو صفت اخلاقی خدا را بیابید.

۱۰- آیا دوستانی دارید که هنوز درک نکرده‌اند که خدا آنها را دوست دارد؟ متی ۲۴:۱۴؛ ۲۸:۱۹ و اعمال ۱:۸ را مطالعه کنید و سپس در دفتر خود بنویسید که مسئولیت شما در قبال اشخاصی که از محبت خدا بی‌خبر هستند، چیست؟

حزقیال ۱۸:۱-۳۲ آشکار کننده محبت خدا نسبت به قوم خود است. در بعضی اوقات، هنگامی که قادر به تشخیص علت مشقت و سختی خود نبودند، خدا به آنها توضیح می‌داد که انتظارش از آنها خدمت مطیعانه است. هدف از داوری نیز این بود که آنها را به خود بیاورد و باعث ادامه یافتن و تصحیح رابطه آنها با خدا گردد. آیات ۳۱ و ۳۲ بیان کننده شدت محبت خدا نسبت به قوم اسرائیل و اشتیاق شدید او برای نجات قومش است.

«تمامی تقصیرهای خویش را که مرتکب آنها شده‌اید از خود دور اندازید و دل تازه و روح تازه‌ای برای خود ایجاد کنید. زیرا که ای خاندان

اسرائیل برای چه بمیرید؟ زیرا خداوند یهوه می‌گوید: من از مرگ آنکس که می‌میرد مسرور نمی‌باشم. پس بازگشت نموده، زنده مانید.»

- ۱۱- تعیین کنید، کدامیک از جملات زیر درباره معنای محبت خدا برای ما و چگونگی آشکار شدن آن، صحیح است.
- (a) محبت خدا آشکار می‌سازد که مهم نیست انسان‌ها نسبت به خدا چه پاسخی می‌دهند، چون او گناهان آنها را نادیده می‌گیرد.
- (b) محبت خدا نشان‌دهنده نیکویی، مهربانی، حلم و رحمت او در ارتباط با انسان است. و از طریق بخشش گناه آشکار می‌گردد.
- (c) محبت خدا به تنبیه منتهی می‌شود و این محبت از طریق خودداری خدا در دادن فرصتی دیگر برای اطاعت از او آشکار می‌گردد.

عمل آفرینش خدا

اکنون به بررسی اعمال خدا می‌پردازیم که عبارتند از: (۱) آفرینش، (۲) فرمانروایی مطلق بر کائنات که شامل محافظت او از خلقتش نیز می‌گردد و (۳) مشیت الهی که هدف جاودانی خدا را عملی می‌سازد. ابتدا، نظری به تعلیم کتاب مقدس درباره آفرینش می‌اندازیم.

اغلب اسم اشخاص مختلف نه به دلیل آنچه هستند بلکه به دلیل کارهایی که انجام می‌دهند در تاریخ ثبت می‌گردد. برای مثال دلیل شهرت مادام ماری کوری این نیست که جزو یک خانواده سلطنتی بود، بلکه چون به عنوان یک فیزیکدان و شیمی‌دان، عناصر رادیوم و پولونیوم را کشف نمود.

آنچه در رابطه با خدای عظیم برای ما اهمیت دارد، وجود خودش است و در کنار آن اعمال خدا نیز برای ما از اهمیت زیادی برخوردار هستند. اولین عمل خدا آفرینش کائنات بود (پیدایش باب‌های ۱ و ۲). خدا از طریق قدرت آفرینش خود، تمام

چیزهای دیدنی و نادیدنی را بوجود آورد که شامل کائنات (خورشید، ماه، ستارگان، سیارات و غیره) و تمام موجودات از جمله موجودات روحانی می‌گردد. کاملاً مشخص است که خودش از این امر مستثنی است. این آفرینش به‌طور واضح در کتاب مقدس بیان گردیده است.

کتاب مقدس یک سری از اعمال خدا را بیان می‌کند که بر روی هم فرآیند عظیم آفرینش را تشکیل می‌دهند (پیدایش باب‌های ۱ و ۲ و مزمور ۶:۳۳). حقیقت آفرینش از چند طریق برای زندگی ما مهم و با معنا است:

(۱) دانستن این حقیقت که خالق عالم هستی، خود قبل از همه وجود داشت و همه چیز بوسیله او خلق شده است باعث می‌گردد که در برابر عظمت و جلال خدای جاودانی متحیر گشته و به کوچکی و پستی خود پی ببریم.

(۲) مالک و خالق تمامی کائنات از مخلوقاتش دعوت می‌کند و انتظار دارد که با اطاعت او را پرستش و خدمت کنند.

(۳) در خلقت خدا می‌توانیم یک مکاشفه عمومی از حکمت، توانایی و توجهی که او نسبت به خلقت خود دارد مشاهده کنیم (رومان ۱:۱۸-۲۰).

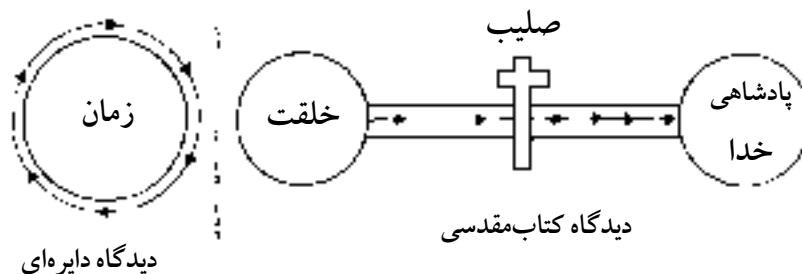
(۴) تعلیم کتاب مقدسی خلقت پایه‌ای برای ایمان ما است، چون هرگز نمی‌توانیم برای کسب نجات جاودانی، خود را به‌طور کامل به شخصی تسلیم کنیم که قدرتش کمتر از آفریننده‌ای است که در کتاب مقدس مکشوف شده است.

نباید تعجب کنیم که چرا خدا عالم هستی را بوجود آورد. او اینکار را برای جلال خودش انجام داد (به مزمور ۱۹:۱؛ اشعیا ۴۳:۷؛ ۴۸:۱۱؛ مکاشفه ۴:۱۱ رجوع کنید). انسان‌ها در زندگی فقط به دنبال خوشبختی هستند در صورتی که خوشبختی واقعی زمانی بدست می‌آید که شخص به دنبال جلال دادن خدا باشد. ما برای این هدف خلق شده‌ایم و کلید سعادت واقعی ما در همین امر است.

یکبار دوستی نزد من گله و شکایت می‌کرد که چون نمی‌تواند کار بزرگی برای خدا انجام دهد احساس غم و نارضایتی می‌کند. از او پرسیدم، «آیا در تمام کارهایی

که انجام می‌دهی بزرگ‌ترین هدف جلال یافتن خدا است؟ آیا راضی هستی به هر قیمتی که شده به این هدف برسی؟» دوستم فهمید که آرزوی او برای انجام دادن کاری بزرگ در حقیقت آن هدف مهمی بوده که در زندگی داشته است. او فقط با این فکر که می‌خواهد این کار را برای خدا انجام دهد، خودش را فریب می‌داد. مسیح فرمود «زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به جهت من و انجیل بر باد دهد آن را برهاند» (مرقس ۸:۳۵). ما خلق شده‌ایم تا باعث جلال خدا گردیم.

بعضی از جوامع، معتقدند که عالم هستی، جاودانی است و تاریخ بر روی یک مسیر دایره‌ای شکل بی‌پایان حرکت می‌کند که شامل آفرینش، نابودی و خلقت مجدد است. در چنین جوامعی تنها هدف واقعی انسان‌ها، داشتن یک زندگی بدون یأس و ناامیدی است. در تعلیم کتاب مقدس، عالم هستی دارای یک آغاز (آفرینش همه چیز)، یک هدف و مقصود (نجات انسان‌ها از طریق عیسی مسیح) و وعده حیات جاودانی در پادشاهی خدا است. این دو نظریه در شکل زیر نمایش داده شده‌اند.



۱۲- دیدگاه اشخاصی را که می‌شناسید با این دو دیدگاه مقایسه کنید. دیدگاه جامعه خود را با دیدگاه کتاب مقدس مقایسه کنید.

عمل آفرینندگی خدا فقط محدود به کارهای او در گذشته نمی‌شود. یوحنا ۳:۳؛ دوم قرنتیان ۵:۱۷؛ غلاطیان ۶:۱۵ و مزمور ۱۰:۵۱ بیان می‌کنند که خدا قلب اشخاصی را که از گناه توبه می‌کنند و با ایمان به سوی خدا می‌آیند، پاک و مقدس می‌گرداند.

این آیات همچنین به ما تعلیم می‌دهند زمانی که شخص برای نجات به سوی خدا باز می‌گردد، تولد دوباره یا خلقتی جدید، پیدا می‌کند. بنابراین، عمل آفرینندگی خدا، شامل خلقت روحانی نیز می‌گردد. این خلقت روحانی زمانی عملی می‌شود که شخص با ایمان عیسی مسیح را به عنوان نجات‌دهنده می‌پذیرد.

۱۳- جملات صحیح را مشخص کنید.

(a) خلقت و آفرینش خدا، صفات او را به طور کلی و عمومی برای مخلوقات خدا آشکار می‌نماید.

(b) خلقت ما را نسبت به ضعف و پستی خود در مقایسه با عظمت و جلال خدای ابدی آگاه می‌گرداند.

(c) خدا در قبال مکاشفه‌ای که از خود در خلقت آشکار کرده است انتظار هیچ پاسخی از جانب انسان‌ها ندارد.

(d) شناخت قدرت و ذات خدا که در خلقت او آشکار شده است باید باعث بوجود آمدن روحیه ستایش و جلال دادن خدا در ما گردد.

(e) عمل آفرینش خدا فقط محدود به وقایع گزارش شده در کتاب پیدایش باب‌های ۱ و ۲ می‌گردد.

عمل خدا در فرمانروایی مطلق

خالق عظیم کائنات بر هر آنچه خلق نموده است، فرمانروایی مطلق دارد. معنی فرمانروایی مطلق خدا چیست؟ لغت مطلق به معنای «بالاترین و برترین در قدرت و وجود» است. خدا برتر و بالاتر از تمام مخلوقات و عالم هستی است. لغت فرمانروایی به معنی «آزاد بودن از هر گونه کنترل خارجی، قادر به انجام دادن هرآنچه که اراده کند» است.

بنابراین منظور از فرمانروایی خدا، حاکمیت مطلق او بر تمام کائنات است (اول تیموتائوس ۱۵:۶). فرمانروایی خدا در کنترل و هدایت کردن تمام وقایع کائنات بر طبق خواست و اراده‌اش، دیده می‌شود (افسیسیان ۱۱:۱). کتاب مقدس واضحاً درباره فرمانروایی خدا تعلیم می‌دهد: (۱) به‌عنوان خالق، حق حاکمیت بر ما دارد (اول تواریخ ۱۱:۲۹؛ متی ۱۵:۲۰؛ حزقیال ۴:۱۸؛ ۲) او هرآنچه اراده کند، انجام می‌دهد (مزمور ۳:۱۱۵؛ دانیال ۳:۴؛ ۳) در تمامی اعمال خدا، هدف و قصد خاصی وجود دارد (رومیان ۸:۲۸، اشعیا ۴۸:۱۱).

در روزنامه درباره قاتل بی‌رحمی خواندم که یک دختر بچه زیبای ۵ ساله را کشته بود. اگر خدا واقعاً نیکو و فرمانروای مطلق است و قادر به انجام هر آنچه دوست دارد، است، چطور امکان دارد چنین وقایعی رخ دهد؟ چرا خدا اجازه می‌دهد چنین وقایعی اتفاق بیفتند؟ در حین مطالعه و بررسی درباره فرمانروایی مطلق خدا، پاسخ‌هایی برای این سؤالات پیدا خواهیم کرد. فرمانروایی مطلق خدا شامل محافظت و نگهداری از کائنات و تدبیر الهی می‌شود. ابتدا به بررسی محافظت و نگهداری از کائنات می‌پردازیم.

محافظت و نگهداری از کائنات

هیچ معماری، هرچقدر هم که باهوش باشد، قادر نخواهد بود خانه‌ای بسازد که هرگز احتیاج به تعمیر نداشته باشد. هیچ باغبان ماهری نمی‌تواند بدون هرس کردن، وجین کردن و آب دادن به تخم‌های کاشته شده، گل‌های زیبایی بوجود آورد. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که کائنات نیز احتیاج به محافظت و نگهداری دارند (اعمال ۲۸:۱۷؛ عبرانیان ۳:۱).

خدا فعالانه از کائنات محافظت و نگهداری می‌کند. کتاب مقدس بیان می‌کند که خدا به دنبال آفرینش و خلقت کائنات از طریق محافظت و نگهداری از آنها به کار خود ادامه می‌دهد (مزمور ۱۰۴). این محافظت شامل انسان‌ها و حیوانات (مزمور ۶:۳۶) و اشخاص صالح و عادل می‌گردد (امثال ۸:۲).

پولس رسول می‌فرماید. «زیرا که در او زندگی، حرکت و وجود داریم» (اعمال ۱۷:۲۸). خدا نمی‌توانست فرمانروای مطلق باشد اگر چیزها خارج از اراده و قدرت او خلق و بوجود می‌آمدند. قسمت‌هایی از کتاب مقدس از قبیل نحمیا ۹:۶ و مزمو ۱۴۵:۱۴-۱۶ تعلیم می‌دهند که خدا بوسیله عمل مداوم خود از کائنات محافظت می‌نماید. قسمت‌های دیگری از کتاب مقدس بیان می‌کنند که خدا از قوم خود محافظت می‌کند (تثنیه ۱:۳۰-۳۱؛ مزمو ۳۱:۲۰؛ اشعیا ۴۳:۲). ۱۷، ۱۹؛ اشعیا ۴۳:۲).

لازم است این حقیقت را درک نمائیم که محافظت الهی ضروری است، چون تمام مخلوقات خدا برای ادامه هستی و وجود خود کاملاً وابسته به او هستند. جهان هستی قدرتی برای محافظت و ادامه موجودیت خود ندارد. بلکه فقط به خواست و اراده خالق خود به موجودیتش ادامه می‌دهد. بوسیله کلام قدرتمند خدا است که تمام کائنات محافظت می‌گردند (عبرانیان ۱:۳).

اگر چه موجودیت تمام کائنات به اراده خدا بستگی دارد، اما خدا به هر قسمت از خلقت نیز توانایی و استعداد خاصی برای محافظت از خود بخشیده است. در جهان مادی، خدا از طریق قوانین و خصوصیات فیزیکی عمل می‌نماید که به آنها با عنوان «قوانین طبیعی» اشاره می‌کنیم. در دنیای عقلانی، خدا از طریق توانایی‌های عقل کار می‌کند. او به ما قدرت تفکر، احساس و تصمیم‌گیری بخشیده است و از طریق این خصوصیات با ما کار می‌کند. در محافظت از جهان، خدا آنچه را که خود بوجود آورده، نقض نمی‌کند و بر هم نمی‌زند بلکه از آنچه خلق نموده، محافظت می‌کند.

۱۴- (پاسخ‌های صحیح را مشخص کنید.) محافظت و نگهداری خدا از خلقتش به این معنا است که

(a) خدا در جایگزین کردن چیزهایی که آسیب دیده‌اند از قدرت محدودی برخوردار است.

(b) با عمل مداوم خود از تمام جهان محافظت می‌کند.

(c) هر قسمت از خلقت خدا می‌تواند از خود محافظت نماید.

- (d) خدا به هر قسمت از خلقت خود توانایی‌ها و خصوصیات لازم را بخشیده و از طریق همین خصوصیات از آنها محافظت می‌کند.
- (e) وجود کائنات منوط به اراده خداست.
- (f) خدا از قوم خود محافظت می‌کند.
- (g) خدا فقط از اشخاص صالح و درستکار محافظت می‌نماید.

تدبیر

تدبیر الهی جنبه دیگری از فرمانروایی مطلق خدا است. فرمانروایی مطلق خدا فقط به مفهوم محافظت نیست بلکه بُعد وسیع‌تری دارد و به معنی توانایی خدا در پیش‌بینی کردن، از قبل تهیه دیدن و نقشه و برنامه داشتن است. همچنین به توانایی خدا در به انجام رساندن هدف غایی خود در آفرینش اشاره می‌کند که عبارت است از بوجود آوردن پادشاهی خود تحت حاکمیت عیسی مسیح. فرمانروایی مطلق خدا از عمل او در محافظت، مراقبت و حاکمیتش بر مخلوقات سخن می‌گوید. اینکه خدا چگونه این عمل را انجام می‌دهد یک راز است، اما در رابطه با تدبیر الهی نکاتی وجود دارد که در ارتباط با ما است و باید از آنها باخبر باشیم:

- (۱) خدا شخصاً در دنیایی که خلق نموده، عمل می‌کند.
- (۲) همه چیز در طبیعت در مسیر آن هدفی که خدا تعیین نموده است، حرکت می‌کند.
- (۳) خدا، به انسان‌ها این توانایی را داده که با آزادی بین خوب و بد انتخاب کنند و مسئولیت انتخاب اخلاقی خود را بر عهده بگیرند.
- (۴) اگر انسان نجاتی را که خدا برای او مهیا کرده بپذیرد، خدا به او حیات جاودانی، شادی و جلال خواهد بخشید.

اهداف تدبیر الهی

تدبیر الهی دارای چندین هدف است که شامل رابطه خدا با اشخاصی می‌گردد که او را محبت کرده و از او اطاعت می‌کنند:

۱- تدبیر خدا از طریق اهمیتی که برای انسان قائل است آشکار می‌گردد. بسیاری از آیات کتاب مقدس بیان می‌کنند که خدا به شادمانی مخلوقات خود توجه دارد. «خداوند هیچ چیز نیکو را منع نخواهد کرد از آنانی که براستی سالک باشند» (مزمور ۱۱:۸۴). آیات دیگری از قبیل اعمال ۱۷:۱۴ و رومیان ۲۸:۸ نشان می‌دهند که خدا به فکر شادمانی و خیریت ما است.

۲- تدبیر خدا از طریق توجه او به رشد فکری و اخلاقی انسان‌ها دیده می‌شود. در طول تاریخ نحوه عملکرد خدا با انسان‌ها با توجه به درک و شناختی بوده است که آنها از این حقایق داشته‌اند: الف) انتظارات خدا از آنها؛ ب) قدوسیت خدا؛ ج) گناه در حقیقت اهانت نسبت به خدا است؛ د) طریقی که خدا برای بخشایش گناهان و مصالحه انسان با خودش عرضه کرده است. در ابتدا خدا به دلیل عدم بلوغ انسان‌ها به آنها اجازه انجام اعمالی از قبیل طلاق را داده بود (مرقس ۵:۱۰). قوانین مذهبی عهدعتیق و حاکمیت سیستم کهنات مربوط به مراحل بعدی است. آن قوانین و مراسم راه را برای مکاشفه بره خدا (مسیح)، تنها شخصی که گناه جهان را بر می‌دارد، آماده کردند. تدبیر خدا در هدایت انسان‌ها به سوی بلوغ روحانی به این منظور بود که آنها را آماده بسازد تا قوم خاص او باشند.

۳- هدف اصلی خدا از اداره کائنات عبارت است از جلال خودش (افسیان ۱۱:۱-۱۴). کاملیت خدا از طریق حاکمیت او دیده می‌شود. منظور این است که تدبیر الهی خدا، خصوصیات وجودی او را برای ما آشکار می‌کند. برای مثال محبت خدا از طریق تدارکی که برای مخلوقات خود و مخصوصاً اشخاصی که بوسیله پسرش نجات یافته‌اند، دیده می‌شود. راستی خدا هم از طریق قوانین طبیعی و هم از طریق امین بودن او در بجا آوردن وعده‌هایی که در کلامش داده است، دیده می‌شود. قدوسیت و عدالت خدا بوسیله تنفر او از گناه آشکار می‌شود. قدرت خدا از طریق

عمل او در آفرینش، نجات و تدبیر الهی دیده می‌شود. حکمت خدا در طریقی که او برای عملی کردن اهدافش بکار می‌گیرد، آشکار می‌شود. زمانی که عظمت خالق خویش را درک می‌کنیم، او را بیشتر جلال می‌دهیم و اکرام می‌کنیم.

۱۵- کدامیک از موارد زیر تعریف صحیح تدبیر الهی است؟

(a) محافظت و نگهداری از عالم هستی، به این طریق که خدا به تمام قسمت‌های خلقت خود این توانایی را می‌دهد که بدون وابسته بودن به او، از خود محافظت کنند.

(b) اداره کائنات بوسیله خدا از طریق محافظت، توجه و حاکمیت بر خلقت خویش، به منظور آماده کردن آن برای پادشاهی جاودانی خود.

۱۶- اهداف تدبیر الهی را با تعاریف مربوط به آنها منطبق کنید.

(a) عمل خدا در این محبت که تمام چیزها برای خیریت مردم باشد.

(b) تدارک خدا در جهت شناخت بیشتر انسان‌ها از او و انتظاراتی که او از آنها

دارد تا قوم خاصش باشند

(c) نتیجه آشکار شدن خصوصیات وجودی خدا

(۱) جلال یافتن خدا

(۲) رشد فکری و اخلاقی انسان‌ها

(۳) شادی انسان‌ها

جنبه‌های تدبیر الهی

تدبیر الهی از چه جنبه‌هایی برخوردار است؟ بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس معتقد هستند که تدبیر الهی دارای سه جنبه است. با این وجود معتقد هستند که این سه جنبه دارای نقاط اشتراک بوده و در عمل در کار خدا نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا کرد. این سه جنبه عبارتند از: محافظت، موافقت و حاکمیت.

(۱) **محافظت.** قبلاً درباره محافظت و نگهداری خدا از کائنات به عنوان قسمتی از فرمانروایی مطلق او بر همه چیز سخن گفتیم. خدا با عمل مداوم خود از خلقت خویش محافظت می‌کند. تمام مخلوقات خدا کاملاً به او وابسته هستند اگر چه خدا به هر قسمت از خلقت خصوصياتی در جهت حفظ خود-موجودیت بخشیده است. پیدایش ۲۴:۱ و ۲۵ بیان می‌کند که خدا به هر کدام از مخلوقات خصوصیات طبیعی بخشیده که فقط مختص به خودشان است. هر گیاهی موافق جنس خود رشد و تولید مثل می‌کند.

(۲) **موافقت.** اصطلاح موافقت به معنی «رضایت و اجازه دادن» است و بیان کننده این ایده است که هیچ فعالیت مادی و ذهنی بدون رضایت و اجازه خدا صورت نمی‌گیرد و قدرت خدا بر سایر قدرت‌هایی که تحت کنترل او هستند نظارت دارد. در اعمال ۲۸:۱۷ و اول قرنیتان ۶:۱۲ پولس رسول بیان می‌کند که بدون موافقت و رضایت خدا هیچ قدرت و یا انسانی نمی‌تواند به وجود و فعالیت خود ادامه دهد. بنابراین قدرت خدا بدون اینکه قدرت انسان را از بین ببرد و یا آزادی او را سلب نماید، بر آن حاکمیت دارد. انسان از قدرت‌های طبیعی که خدا در فکر و بدن او از طریق عملکرد طبیعی آنها قرار داده است، برخوردار است و از آنها استفاده می‌کند. از آنجا که موجودیت انسان وابسته به خدا است، نمی‌توان گفت که سهم انسان با سهم خدا برابر و یکسان است. در این قسمت یک سر وجود دارد: خدا به انسان قوای طبیعی بخشیده که بوسیله آنها انسان می‌تواند کارهای خیر و یا شر انجام دهد. زمانی که این قوای طبیعی در راه‌های شریرانه بکار می‌روند، انسان به تنهایی مسئول است، چرا که خدا هرگز انسان را مجبور به انجام اعمال شریرانه نمی‌کند (ارمیا ۴:۴۴؛ یعقوب ۱۳:۱-۱۴). خدا از این جهت که به انسان توانایی‌های طبیعی بخشیده است در اعمال انسان نقش دارد، اما استفاده شریرانه و زیان‌بار این توانایی‌ها از جانب انسان است. یک نمونه از این نقش خدا در اعمال انسان‌ها داستان یوسف است (پیدایش ۵:۴۵؛ ۲۰:۵۰). در این داستان می‌بینیم با وجود اینکه برادران یوسف از

توانایی‌های طبیعی خود در جهت بدی استفاده کردند، اما خدا عمل آنها را برای خیریت یوسف بکار برد. خدا با اعمال آنها موافقت کرد یا در واقع اجازه داد، اما از طریق آن، هدف خود را عملی ساخت. پولس رسول می‌فرماید خدا: «همه چیزها را موافق رأی اراده خود می‌کند» (افسیسیان ۱: ۱۱)، و اینکه خدا در ما عمل می‌کند «زیرا خداست که در شما برحسب رضامندی خود هم اراده و هم فعل را به عمل ایجاد می‌کند» (فیلیپیان ۲: ۱۳). خدا به ما در شرایط مختلف زندگی بصیرت می‌دهد و بوسیله روح القدس هدایت می‌کند. او به ما درباره نتایج و پی‌آمدهای قصوراتمان هشدار می‌دهد و با ملایمت ما را به سوی خود می‌کشد. خدا به زور اراده خود را در ما عملی نمی‌کند و آزادی ما را بی‌ارزش نمی‌شمارد.

در ارتباط با نجات، او پشت در قلب ما می‌ایستد و در را می‌کوبد و این ما هستیم که باید در قلب خود را به سوی او باز کنیم (مکاشفه ۳: ۲۰). سپس، روح القدس در ما داخل شده و ساکن می‌گردد. خدا تا زمانی که او را به عنوان خداوند زندگی خود قبول داریم و تسلیم او هستیم بر زندگی ما حاکمیت می‌کند. تا زمانی که خدا را محبت می‌کنیم و اجازه می‌دهیم که زندگی ما را کنترل کند، رابطه و مشارکت ما با او ادامه می‌یابد.

۳) **حاکمیت.** این اصطلاح اشاره به عمل خدا در اداره کردن امور می‌کند تا مقاصد الهی متحقق گردد. همانطور که قبلاً گفتیم، خدا جهان مادی را از طریق قوانینی که وضع نموده اداره می‌کند. انسان‌ها را بوسیله شریعت، استعدادهای فکر بشری و عمل روح القدس، اداره می‌کند. خدا در انجام این عمل از تمام عوامل مؤثر از قبیل شرایط، محرک‌ها، راهنمایی، ترغیب و نمونه استفاده می‌کند. خدا مستقیماً از طریق روح القدس، عقل، احساسات و اراده انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

خدا، حداقل به چهار روش حاکمیت می‌کند. شناخت این روش‌ها به ما کمک می‌کند تا رابطه بین حاکمیت و فرمانروایی مطلق خدا در عملی کردن نقشه الهی و اراده آزاد انسان را در انتخاب و عمل درک کنیم.

الف: گاهی اوقات خدا هیچ عملی برای جلوگیری از کاری که انسان تصمیم به انجام آن گرفته، نمی‌کند. این عمل خدا به معنای تأیید گناه انسان نیست، بلکه فقط عدم اعمال زور برای جلوگیری از آن را نشان می‌دهد. نمونه‌هایی از آن در کتاب اعمال ۱۴:۱۵-۱۶ و مزبور ۸۱:۱۲-۱۳ دیده می‌شود.

ب: بعضی اوقات خدا انسان را از گناهی که می‌خواهد انجام دهد، باز می‌دارد. برای مثال به پیدایش ۶:۲۰؛ ۲۴:۳۱ و هوشع ۶:۲ نگاه کنید. سراینده مزبور برای این نوع از هدایت و کمک خدا دعا می‌کند: «بنده‌ات را از اعمال متکبرانه باز دار» (مزبور ۱۹:۱۳).

ج: گاهی خدا بوسیله هدایت الهی، اعمال شریرانه انسان را کنار می‌گذارد و از آنها در جهت رسیدن به نتایج مثبت و خوب استفاده می‌کند. قبلاً در این باره نمونه یوسف را ذکر کردیم. برادران او گناه کردند، اما خدا از گناه آنها در جهت نیکویی استفاده نمود.

د: بالاخره، گاهی اوقات خدا گناه و شرارت را محدود می‌کند. برای نمونه در ایوب ۱:۱۲؛ ۶:۲ بیان شده است که خدا اعمال شریرانه را محدود کرد. همچنین پولس رسول در اول قرنتیان ۱۳:۱۰ بیان می‌کند که خدا وسوسه‌ها و تجربیاتی را که برای مسیحیان پیش می‌آید، محدود می‌نماید.

تدبیر الهی در واقع به ما نشان می‌دهد که خدا با محبت بر همه چیز تسلط کامل دارد. این محبت خدا به گونه‌ای عالی در سخنان پولس بیان شده است، «و می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و به حسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشد» (رومیان ۸:۲۸).

۱۷- جنبه‌های تدبیر الهی را با توضیحات آنها منطبق کنید.

(a) قدرت خدا با سایر قدرت‌هایی که تحت کنترل او هستند، همکاری می‌کند و گرچه اجازه می‌دهد آن قدرت‌ها تصمیمات خود را عملی سازند اما خود هرگز عامل انجام کارهای شریرانه نیست

(b) خدا طوری همه چیزها را اداره می‌کند که منجر به عملی شدن اهداف الهی او گردد. این بدین معنا است که خدا گاهی اوقات هیچ کاری انجام نمی‌دهد، بعضی وقت‌ها مانع انجام کاری می‌شود، گاهی هدایت و کنترل می‌کند و در بعضی اوقات اعمال شریرانه را محدود می‌سازد.

(c) خدا به مخلوقات خود توانایی و استعدادهای طبیعی بخشیده و از طریق این توانایی‌ها در جهت محافظت از آنها عمل می‌کند و تمام مخلوقات او برای ادامه خود-موجودیتشان کاملاً به او وابسته هستند.

(۱) محافظت

(۲) موافقت

(۳) حاکمیت

تأثیرات تدبیر الهی

تدبیر الهی چگونه بر تجربیات زندگی ما اثر می‌گذارد؟ بسیاری از آیات کتاب مقدس بیان‌کننده وعده‌های خدا درباره کامیابی و موفقیت عادلان است (به لایوان ۳: ۲۶-۱۳ و تثنیه ۱: ۲۸-۱۴ نگاه کنید). او ما را برکت می‌دهد و برکات او غیرقابل شمارش هستند.

اما اشخاص عادل اغلب متحیر و متعجب هستند که «چرا شریران کامیاب و موفق می‌گردند؟ چرا مجازات و تنبیه نمی‌گردند؟» سراینده مزمور پاسخ می‌دهد که (۱) کامیابی و موفقیت آنها موقتی و زودگذر است و (۲) خدا در نهایت آنها را داوری خواهد کرد (مزمور ۱۶: ۳۷-۲۲؛ ۷۳: ۱-۲۸ و ملاکی ۳: ۳ تا ۳: ۴).

زمانی که از شما می‌پرسند، «چرا خدا جلوی این همه خشونت و ظلم را نمی‌گیرد؟» می‌توانید با اطمینان پاسخ دهید که «فقط صبر کن و پایان آن را ببین. خدا نقشه خود را برای از بین بردن خودخواهی، یأس، تمرد و فساد قبلاً شروع کرده است. در نقشه جاودانی خدا، اشخاصی که او را دوست دارند برای همیشه موفق و کامیاب خواهند شد.» در ضمن خدا داوری و مجازات را به تعویق می‌اندازد تا به اشخاص گناهکار برای توبه فرصت دهد (رومیان ۴:۲ و دوم پطرس ۹:۳).

سؤال دیگری که اغلب از مسیحیان پرسیده می‌شود این است که: «اگر خدا کاملاً وقایع و اتفاقات زندگی ایمانداران را تحت کنترل دارد، چرا آنها به دلیل وجود تجربیات بسیار در رنج و عذاب هستند؟» کلام خدا برای این سؤال چندین پاسخ دارد:

۱) خدا به منظور رشد و بلوغ روحانی ایمانداران، اجازه می‌دهد که در زندگی آنها تجربیات پیش بیاید (مزمور ۱۲:۹۴؛ عبرانیان ۵:۱۲-۱۳).

۲) تجربیات باعث می‌گردد، ایمانداران برای خدمات بزرگ‌تر آماده شوند (اول قرنتیان ۹:۱۶؛ یعقوب ۱:۲-۱۲).

۳) در صورتی که عکس‌العمل ما در برابر مصیبت‌ها صحیح باشد، باعث جلال یافتن خدا می‌گردد (ایوب باب‌های ۱ و ۲ و ۴۲).

۴) وجود و تحمل تجربیات قسمتی از دعوت کلیسا است (یوحنا ۱۵:۱۸؛ ۱۶:۳۳؛ اعمال ۱۴:۲۲؛ اول پطرس ۴:۱۲-۱۹).

از آنجا که بعضی اوقات خدا فعالانه در زندگی مردم وارد عمل می‌شود، می‌توانیم از طریق دعا نقش مؤثری در زندگی دیگران داشته باشیم. موسی برای قوم اسرائیل نزد خدا شفاعت کرد و آنها را از هلاکت نجات داد. الیشع دعا کرد و لشکر پادشاه شکست خورد. در عهدعتیق و عهدجدید نمونه‌های بسیاری می‌بینیم که چگونه خدا در اثر دعا، در زندگی ایمانداران دخالت و عمل می‌کند. خدا بعضی از کارها را مستقیماً در جواب دعای ایمانداران انجام می‌دهد. گاهی اوقات بعضی کارها را بدون اینکه شخصی برای آن دعا کرده باشد، انجام می‌دهد. در بعضی مواقع نیز خدا کارهایی انجام می‌دهد که به ظاهر

مخالف آن چیزی است که برای آن دعا کرده‌ایم؛ چون او در حاکمیت مطلق خود برای خیریت ما عمل می‌کند. هنری تیسن این موضوع را به این صورت خلاصه می‌کند، «اگر برای چیزهایی که بوسیله دعا بدست می‌آیند دعا نکنیم، آنها را بدست نخواهیم آورد. اگر خدا بخواهد کاری انجام شود حتی اگر کسی برای آن دعا نکند، او آن را انجام خواهد داد. اگر برای اموری که خلاف اراده خدا هستند دعا کنیم، از دادن آنها خودداری خواهد فرمود. بدین طریق هماهنگی کاملی بین مقاصد و تدبیر الهی و آزادی انسان وجود دارد» (کتاب الهیات مسیحی).

همانطور که دیدیم، بعضی اوقات مسیحیان نیز به این دلیل که در دنیای گناهکار زندگی می‌کنند، دچار رنج و زحمت می‌شوند. خدا که بر همه چیز تسلط کامل دارد، همیشه از اعمال شریرانه انسان جلوگیری نمی‌کند. مسیحیان نیز همانند غیرمسیحیان امکان دارد در نتیجه یک حادثه و یا یک بی‌احتیاطی دچار رنج و زحمت شوند. خدا همیشه در قوانین طبیعی و یا در آزادی انتخاب انسان‌ها دخالت نمی‌کند. همه انسان‌ها در دنیایی زندگی می‌کنند که برای آنها اتفاقات بسیاری رخ می‌دهد و در نهایت همه خواهند مرد. هدف اصلی ما عملی کردن ایده‌آل‌ها و آرزوهایمان در زندگی نیست، بلکه زندگی کردن به گونه‌ای که باعث جلال یافتن خدا بشود. محبت خدا نسبت به ما هرگز تغییر نمی‌کند و به ما وعده داده است که اگر او را محبت کنیم در همه چیز برای خیریت و نیکویی ما عمل خواهد کرد. با درک چنین حقایقی می‌توانیم کاملاً به خدایی که بر همه چیز تسلط دارد اعتماد کنیم و ایمان داشته باشیم که علت تمام شرایطی که خدا برای ما پیش می‌آورد و یا اجازه می‌دهد پیش بیاید روزی برای ما نیز آشکار خواهد شد، همانطور که برای خدا آشکار است.

۱۸- به سؤال زیر در دفتر خود پاسخ دهید:

«چرا خدا اجازه می‌دهد طفل کوچکی به قتل برسد؟»

۱۹- آیات داده شده را مطالعه نمائید و در صورتی که آیه بیان کننده نمونه‌ای از تدبیر الهی است، عدد ۱ و در صورتی که آیه بیان کننده نمونه‌ای از انتخاب شخصی انسان‌ها است که خدا در آن مداخله نمی‌کند، عدد ۲ را بنویسید.

(a) داوران ۱۵:۱۶-۱۹ تدارک دیدن آب برای شمشون تشنه
(b) اعمال ۲۴:۲۴-۲۶ فلیکس تصمیم‌گیری خود را در مورد پذیرش پیام انجیل به تعویق می‌اندازد

(c) دانیال ۲:۱۰-۲۳ مکاشفه‌ای که به دانیال داده شد.

(d) پیدایش ۲۲:۱۳ قوچی که شاخ‌هایش در بوته‌ای گیر کرده بود.

(e) داوران ۱۱:۳۰-۳۶ نذر احمقانه یفتاح برای خداوند

۲۰- در دفتر خود در هر یک از شرایط ذکر شده، تأثیرات تدبیر الهی را توضیح دهید. پاسخ شما باید بر اساس اصول تعلیم داده شده در این درس باشد.

(a) ژان در میان یک عده اشخاص جنایتکار و خشن خدمت می‌کرد. او خدمت خود را وفادارانه تا زمانی که بوسیله یکی از آن اشخاص به قتل رسید ادامه داد. مرگ او باعث بیداری در جامعه شد و در نتیجه مردان و زنان جوان بسیاری به مسیح ایمان آوردند.

(b) روبرت بخاطر بیماری سرطان در حال فوت بود، اما در نتیجه دعای دوستش به‌طور معجزه‌آسایی شفا پیدا کرد.

(c) حمید در حین صعود از یک قله خطرناک، پایش لغزید و به پائین سقوط کرد و در نتیجه هر دو پایش شکست.

(d) آلیس از خانه به سمت کلیسا می‌رفت که چند نفر ناشناس به او حمله کردند و به سختی او را مجروح کردند. بعد از این اتفاق او تلاش بیشتری برای هدایت مردم به سوی مسیح نمود.

e) پسر کوچکی به نام رایموند از پیاده رو به داخل خیابان دوید و با اتوبوسی تصادف کرد و فوت نمود.

f) هانری فقط برای خودش زندگی می‌کرد و در کارش شخص امین و درستکاری نبود. با این وجود در ظاهر در تمام کارهایش موفق بود.

g) مبشری هنگام رفتن به فرودگاه لاستیک ماشینش پنچر شد و در نتیجه به پرواز خود نرسید. او بعداً خبر سقوط همان هواپیما را شنید که تمام مسافرانش کشته شده‌اند.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

خود آزمایی

سؤالات صحیح و غلط - جملات صحیح را با حرف (a) و جملات غلط را با حرف (b) مشخص کنید.

- ۱- قدوسیت یکی از صفات خدا است که بیان کننده کاملیت وجودی او است.
- ۲- از آنجا که خدا کاملاً قدوس و انسان گناهکار است، رابطه بین آنها یک رابطه شخصی نیست.
- ۳- اگر چه قدوسیت خدا باعث جدایی او از هر چیز گناه‌آلود می‌گردد، اما خدا به دلیل فیض و محبت خود از طریق مهیا نمودن یک قربانی به این جدایی پایان داد.
- ۴- محبت خدا به بهترین صورت بوسیله سخنان او آشکار می‌گردد.
- ۵- محبت واقعی از طریق عمل نمودن دیده می‌شود.
- ۶- اگر شخصی واقعاً خدا را دوست داشته باشد، محبت خود را از طریق اطاعت از او نشان می‌دهد.
- ۷- آفرینش به عنوان عمل خدا فقط به این خاطر مهم و با ارزش است که عظمت قدرت خدا را آشکار می‌کند و منتظر هیچ پاسخی از جانب مخلوقات نیست.
- ۸- فرمانروایی مطلق خدا به این معنا است که هیچ چیز خارجی بر او کنترل ندارد و هر آنچه را که دوست داشته باشد، می‌تواند انجام دهد.
- ۹- زمانی که درباره محافظت خدا از کائنات سخن می‌گوییم، منظورمان این است که او فعالانه از مخلوقات خود حفاظت می‌کند.
- ۱۰- تدبیر الهی عبارتست از توانایی خدا در از پیش دیدن همه چیز و هدایت مخلوقات بسوی هدفی که برای آنها مشخص کرده است. و این هدف چیزی نیست جز بوجود آوردن ملکوتی که تحت کنترل عیسی مسیح است.
- ۱۱- حاکمیت خدا شامل این واقعیت است که او گاهی اوقات گناه، شرارت و تجربیاتی را که برای مسیحیان پیش می‌آید، محدود می‌کند.

۱۲- با وجود اینکه دعا عملی است که باعث نزدیکی ما به خدا می‌گردد ولی نمی‌تواند تأثیری در عمل خدا بگذارد.

۱۳- خدا قوانین طبیعی را بوجود آورده و به انسان‌ها آزادی انتخاب بخشیده است و از طریق آنها عمل می‌کند تا هدف و قصد خود را عملی سازد.

۱۴- تدبیر الهی شامل این اصل می‌گردد که مسیحیان می‌بایست در این جهان همیشه رنج بکشند در صورتی‌که، انسان‌های گناهکار می‌توانند انتظار کامیابی و موفقیت داشته باشند.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۱۰) در این قسمت از کتاب مقدس، عیسی به شاگردانش مأموریت می‌دهد که خبر نجات و محبت خدا را به همه انسان‌ها برسانند. خدا ما را انتخاب کرده تا درباره محبت او با دیگران سخن بگوییم.

(۱) a) قدوس

b) جدایی

c) زشتی گناه

b (۱۱)

c (۲)

۱۲) پاسخ انتخابی شما - (در بسیاری از جوامع عقاید غلط فراوانی درباره آفرینش، معنای زندگی، مرگ و داوری وجود دارد. هیچ دیدگاهی به اندازه دیدگاه کتاب مقدس قابل اعتماد و آرامش بخش نیست.)

۳) خدا انتظار دارد که مقدس باشیم. او می‌خواهد مرا شریک قدوسیت خود بگرداند.

(۱۳) a) صحیح

b) صحیح

c) غلط

d) صحیح

e) غلط (عمل آفرینندگی خدا، زمانی که اشخاص مسیح را به عنوان نجات‌دهنده می‌پذیرند از طریق خلقت روحانی ادامه می‌یابد.)

۴) شخص سامری - برای اینکه کاری را انجام داد که درست است و معیار مسیحی را در زندگی خود بکار برد.

۱۴) پاسخ‌های b - d - e - f صحیح است.

b (۵)

b (۱۵)

۶) پاسخ‌های a - c - e - f صحیح است.

۳ (a (۱۶

۲ (b

۱ (c

۷) محبت خدا از طریق بخشش‌های او به قومش بیان شده است.

۲ (a (۱۷

۳ (b

۱ (c

۸) محبت خود را به خدا از طریق اطاعت از او و محبت کردن به دیگران، نشان

می‌دهیم. (در اینجا به‌طور آشکار می‌بینیم که محبت یک نیروی فعال است).

۱۸) پاسخ انتخابی شما - من به این نکته اشاره می‌کنم که خدا به انسان‌ها آزادی

انتخاب بخشیده، بنابراین انسان اگر بخواهد، می‌تواند گناه را انتخاب کند. وقتی چنین

اتفاقی می‌افتد، امکان دارد شخص بی‌گناه نیز دقیقاً مانند شخص گناهکار رنج بکشد.

کتاب مقدس به ما می‌گوید که در نهایت اشخاص گناهکار بوسیله خدا داوری شده و

به مجازات اعمال زشت خود خواهند رسید.

۹) آیه ۱: حکمت و قادر مطلق (ذاتی) و محبت (اخلاقی)

آیه ۲: قادر مطلق و حاضر مطلق (ذاتی) و محبت (اخلاقی)

آیه ۳: قدوسیت (اخلاقی)

آیه ۴: محبت (اخلاقی)

۱ (a (۱۹

۲ (b

۱ (c

۱ (d

۲ (e

۲۰) مثال «a» دو اصل را نشان می‌دهد: رنج می‌تواند نتیجه زندگی برای خدا در یک دنیای گناه‌آلود باشد و گاهی اوقات خدا از اعمال انسان‌های گناهکار استفاده می‌کند تا نتایج خوب و مثبتی ایجاد شود. مثال «b» نشان می‌دهد که خدا بعضی از کارها را در پاسخ به دعا انجام می‌دهد و هدف او جلال دادن خودش است. مثال‌های «c» و «e» نشان می‌دهد که همه انسان‌ها تحت تأثیر قوانین طبیعی و خطرات زندگی هستند. مثال «d» نشان می‌دهد که بعضی اوقات تجربیات باعث آماده شدن شخص برای خدمات بزرگ‌تر به خدا و جلال دادن نام او می‌گردد. مثال «f» نشان می‌دهد که غیرمسیحیان نیز امکان دارد از رحمت خدا بهره‌مند شوند. اما اگر هانری زندگی خود را به خدا تسلیم نکند، باید ابدیت را در جدایی از خدا بگذراند و به دلیل اعمال شریرانه خود داوری خواهد شد. مثال «g» نشان می‌دهد اگر چه بعضی اوقات ظاهراً برنامه و کارهای ما پیش نمی‌رود، اما خدا در همان شرایط برای خیریت و نیکویی ما عمل می‌کند.

مسیح: تجلی خدای نادیده

آیا تابحال شنیده‌اید که درباره پسر کوچکی بگویند: «او کپی پدرش است»؟ گاهی از خود می‌پرسیم: «دقیقاً چقدر به یکدیگر شباهت دارند؟» اگر پدر و پسر به یکدیگر شباهت داشته باشند، به راحتی آن را تشخیص می‌دهیم، اما گاهی اوقات شباهت‌ها واضح و آشکار نیستند. برای مثال، امکان دارد آنها در نحوه عملکرد و یا تفکر و یا شخصیت شبیه یکدیگر باشند. با نگاه کردن به بچه می‌توانید بفهمید در چه قسمت‌هایی به پدرش شباهت دارد.

عیسی به جهان آمد تا خدای پدر را به ما بشناساند. او تجلی خدای پدر است که غیرقابل رؤیت است. عیسی ماهیت و صفات اخلاقی خدا را آشکار می‌کند. از طریق تجسم، او طبیعت و شکل انسانی را بر خود گرفت و با این عمل ماهیت خدا و چگونگی ارتباط آن را با انسان آشکار کرد. مسیح فرمود: «کسی که مرا دید، پدر را دیده است.» (یوحنا ۹:۱۴).

در این درس، آموزه کتاب مقدس را درباره عیسی مسیح، شخصی که «منعکس کننده جلال خدا و مظهر دقیق وجود اوست» (عبرانیان ۳:۱) بررسی خواهیم کرد. در حین تفکر درباره زندگی مسیح بر روی زمین و اینکه او چگونه خدا را آشکار کرد، دعا نمائید تا به همان گونه، ما نیز زیبایی چهره مسیح را به دیگران نشان دهیم.

فهرست مطالب

انسانیت مسیح

الوهیت مسیح

اتحاد الوهیت و انسانیت در مسیح

اعمال مسیح



اهداف درس

پس از مطالعه این درس قادر خواهید بود:

- دلایل کتاب مقدسی درباره الوهیت و انسانیت مسیح را بیان کنید.
- در مورد ماهیت و هدف از تجسم مسیح توضیح دهید.
- اعمال مسیح و اهمیت آنها را بیان کنید.
- در نتیجه شناخت بهتر مسیح، محبت بیشتری در خود نسبت به او احساس نمایید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- درس را مطالعه کنید.

۲- به سؤالات پاسخ دهید قبل از اینکه به جوابهای آخر درس نگاه کنید. جوابهای نادرست خود را تصحیح کنید و پس از مطالعه درس به خودآزمایی پاسخ داده، جوابهای خود را مقایسه کنید.

متن درس

انسانیت مسیح

بدون هیچ شکی، در بین تمامی عناصر ایمان مسیحی، تجسم خداوند ما عیسی مسیح، مهم‌ترین است. تجسم به اتحاد بین الوهیت و انسانیت در وجود عیسی مسیح اشاره می‌کند. تعلیم صریح و آشکار کتاب مقدس این است که پسر جاودانی خدا به منظور نجات انسان‌ها، انسان گردید. زمانی که مسیح، پسر خدا «جسم پوشید» در واقع خدا به گونه کاملاً جدیدی در جهان عمل کرد. عیسی بوسیله قدرت روح القدس در رحم مریم باکره قرار گرفت. از طریق این عمل منحصر به فرد، خدا زنجیره نسل بشری را گسیخت و یک وجود ماوراءالطبیعی به میان آمد.

وقتی درک می‌کنیم که تجسم عمل خلاق و جدید خدا بود، تا حدودی از حالت رازگونه این معجزه کاسته می‌شود. پسر خدا آمد تا انسان را که مخلوقی است دارای گوشت و خون رهایی دهد. به همین دلیل او نیز گوشت و خون شد و به شکل انسان در آمد. او این عمل را به این دلیل انجام داد تا با مرگ خودش، نجات انسان را مهیا کند. خدا از طریق تجسم نقشه خود را برای رهایی و نجات دنیا عملی ساخت: «لیکن چون زمان به کمال رسید خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد»

(غلاطیان ۴:۴). هیچ طریق دیگری وجود نداشت که خدا به آن طریق بتواند نقشه نجات خود را عملی سازد.

بنابراین تجسم در واقع نقطه عطفی برای انسان گناهکار بود، چرا که بوسیله آن آشتی بین خدا و انسان ممکن گردید. از آنجا که انسانیت مسیح در نقشه نجات خدا از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، جا دارد که دلایلی را در ارتباط با انسان بودن مسیح بررسی کنیم، که عبارتند از: اجداد انسانی، رشد انسانی، ظاهر انسانی، محدودیت‌های انسانی و نام‌های انسانی او.

اجداد و رشد انسانی

متی و لوقا در اناجیل خود، اجداد انسانی مسیح را ذکر می‌کنند. در حقیقت متی در دنبال کردن اجداد مسیح - داود و حتی عقب‌تر به ابراهیم پاتریارخ می‌رسد (متی ۱:۱-۱۷). دو هدفی که متی از بیان نسب‌نامه مسیح دارد عبارتند از:

- (۱) اثبات این نکته که مسیح از نسل داود بوده و وارث تخت پادشاهی اسرائیل است، چون در غیر اینصورت هیچ یهودی مسیح را به‌عنوان ماشیح یا پادشاه نمی‌پذیرفت.
- (۲) ثابت کند که مسیح به‌عنوان نسل ابراهیم، آن فرزند وعده‌ای است که باعث برکت تمام جهان می‌گردد (پیدایش ۱۷:۲۲-۱۸).

لوقا در دنبال کردن اجداد مسیح به آدم، اولین انسان، می‌رسد (لوقا ۳:۲۳-۳۸). به‌رحال، هدف متی و لوقا تأکید به حقیقت انسان بودن مسیح است: او از زن زائیده شد (غلاطیان ۴:۴).

زمانی که می‌گوییم، مسیح دارای اجداد انسانی است، باید با دقت به این نکته اشاره کنیم که او دارای پدری با طبیعت انسانی نبود. تولد مسیح با تولد سایر انسان‌ها تفاوت داشت. لوقا بیان می‌کند که فرشته‌ای از جانب خدا به مریم گفت که او به زودی حامله خواهد شد. عکس‌العمل ناگهانی مریم این بود که: «این چگونه می‌شود و حال آنکه مردی را نشناختم» (لوقا ۱:۳۴). در پاسخ به این سؤال مریم درباره

معجزه آسا بودن تولد مسیح، که به عنوان یک امر ظاهراً غیر ممکن بیان شده است، فرشته به مریم یادآوری می کند که «نزد خدا هیچ امری محال نیست» (آیه ۳۷). اگر چه تولد مسیح یک معجزه کاملاً شگفت آور بود، اما باز هم یک تولد انسانی بود. رشد و بلوغ جسمی و فکری مسیح بر اساس همان قواعد و اصول رشد انسانی بود. در حقیقت رشد و بلوغ مسیح مانند سایر اهالی ناصره بود و او را به عنوان یک همشهری پذیرفته بودند (متی ۵۵:۱۳). لوقا بیان می کند که عیسی «نمو کرده، به روح قوی می گشت و از حکمت پر شده، فیض خدا بر وی می بود» (لوقا ۴۰:۲). رشد فکری مسیح نتیجه درس خواندن در مدارس آن زمان نبود (یوحنا ۱۵:۷). بلکه نتیجه تربیت والدین خدا ترس، حضور مرتب و منظم در مراسم کنیسه (لوقا ۴:۱۶)، رفتن به هیکل برای انجام مراسم (لوقا ۴۱:۲)، مطالعه وفادارانه کلام خدا و بکار بردن آن و دعا بود (مرقس ۱:۳۵، یوحنا ۴:۳۲-۳۴).

۱- لوقا ۵۲:۲ را مطالعه نموده، بگویید در این آیه به چه جنبه ای از رشد مسیح اشاره شده است.

(a) عقلانی

(b) روحانی

(c) جسمی

(d) اجتماعی

ظاهر و محدودیت های انسانی

تمام شواهدی که به ظاهر انسانی مسیح اشاره می کنند، کاملاً شبیه سایر انسان ها است. در حقیقت در فعالیت های روزانه، مسیح آنقدر شبیه دیگران بود که وقتی ادعا کرد که او و پدر یک هستند، شنوندگانش ناراحت و خشمگین شدند و در پاسخ به او گفتند که «تو انسان هستی»، بنابراین ادعای تو درباره خدا بودن صحیح نیست (یوحنا ۱۰:۳۳).

پیلاتس، حاکم رومی، عیسی را در مقابل یهودیان حاضر کرد و قبل از بیان هر ادعایی بر او، چنین گفت «اینک آن انسان» (یوحنا ۵:۱۹). زمانی که مسیح در دادگاه رومی محاکمه می‌شد، هیچ کس درباره انسان بودن مسیح سؤالی نکرد. پولس رسول در قرن اول میلادی درباره عیسی مسیح چنین شهادت می‌دهد «در شکل انسان یافت شد» (فیلیپیان ۲:۸).

اشخاصی که با مسیح معاشرت نزدیک داشتند و جزو همکاران او بودند هرگز درباره انسان بودن مسیح شک نکردند بلکه اغلب تحت تأثیر این نکته قرار می‌گرفتند که او یک انسان خارق‌العاده است: «این کیست که باد و دریا هم او را اطاعت می‌کنند» (مرقس ۴:۴۱).

زمانی که مسیح به شکل انسان درآمد، داوطلبانه محدودیت‌های انسانی را پذیرفت. در نتیجه، او نیز از نظر جسمی خسته (یوحنا ۴:۶)، گرسنه (مرقس ۱۱:۱۲) و تشنه (یوحنا ۱۹:۲۸) می‌شد. مورد وسوسه قرار می‌گرفت (متی ۴:۱-۱۱) و زمانی که دعا می‌کرد توسط پدر تقویت می‌گردید (لوقا ۲۲:۴۲-۴۴). او همچنین، درد (اول پطرس ۱:۴) و در نهایت مرگ را تجربه کرد (اول قرنتیان ۳:۱۵). مرگ مهم‌ترین دلیل برای اثبات محدودیت‌های انسانی مسیح است.

نام‌های انسانی

نام‌هایی که به مسیح اطلاق می‌گردید، انسانیت او را نیز نشان می‌داد. زمانی که فرشته درباره تولد طفل با یوسف سخن گفت به او امر کرد که نام طفل را عیسی (Jesus) بگذارند که در واقع شکل یونانی لغت یوشع (Joshua) در عهدعتیق است که به معنی «نجات دهنده» است (متی ۱:۲۱). او همچنین «پسر داود» و «پسر ابراهیم» نامیده شد (متی ۱:۱). اما نامی که در کتاب مقدس بیشتر از بقیه اسامی برای مسیح بکار برده شده است، «پسر انسان» است که آشکارا انسانیت مسیح را نشان می‌دهد. عیسی زمانی که درباره خود سخن می‌گفت، از این نام برای خودش استفاده کرد (متی ۲۶:۶۴-۶۵). حتماً متوجه شده‌اید که مسیح ادعا نکرد که «پسری از انسان» بلکه

«پسر انسان» است. این اصطلاح نه تنها بیان می‌کند که مسیح یک انسان واقعی است بلکه نشان می‌دهد که او نماینده نسل بشر است.

۲- لوقا ۴۰:۲ و ۵۱؛ ۸:۱۹-۲۱ و یوحنا ۷:۱-۸ را مطالعه کنید و سپس جملات صحیح را مشخص نمایید.

(a) مسیح مانند سایر کودکان مراحل رشد طبیعی فیزیکی، عقلانی و روحانی را طی کرد.

(b) اگر چه مسیح به عنوان یک پسر دارای خصوصیات برتری بود، اما باز هم از والدین خود اطاعت می‌کرد.

(c) زمانی که مسیح تعلیم می‌داد و در نتیجه در مرکز توجه همگان قرار گرفت، خانواده‌اش به‌طور کامل به مأموریت او پی برده و هیچ مخالفتی نکردند.

(d) برادرهای عیسی به دلیل کارهایی که او انجام می‌داد کاملاً متقاعد گردیدند که او از یک انسان عادی برتر است و خدمات علنی او را تأیید کردند.

۳- شواهد و دلایل انسانیت مسیح را با توضیح آنها منطبق کنید.

(a) مسیح، خستگی، گرسنگی، تشنگی، درد و در نهایت مرگ را تجربه کرد.

(b) عیسی با همان نام «یوشع» ولی در شکل یونانی آن نامیده می‌شود.

(c) نویسندگان اناجیل جد مسیح را تا داود، ابراهیم و آدم دنبال کردند.

(d) حاکم رومی که حکم مرگ عیسی را صادر کرد او را اینگونه معرفی نمود «اینک آن انسان» (یوحنا ۱۹:۵).

(e) عیسی مراحل رشد عقلانی، جسمی، روحانی و اجتماعی را گذراند.

(۱) اجداد انسانی

(۲) بلوغ و رشد انسانی

(۳) ظاهر انسانی

(۴) محدودیت‌های انسانی

(۵) نام‌های انسانی

الوهیت مسیح

دلایل مربوط به انسانیت مسیح را از کتاب مقدس بررسی کردیم و دیدیم که تمام آنها دلایل و شواهد کاملاً قطعی هستند. اکنون دلایل و شواهد کتاب مقدسی را درباره الوهیت مسیح و اهمیت این جنبه را بررسی می‌نمائیم.

اختیارات الهی

اولین سری دلایلی که درباره الوهیت مسیح در نظر خواهیم گرفت، اختیارات الهی است که فقط مختص خدا است، اما مسیح نیز از آنها استفاده کرد. این اختیارات عبارتند از: پذیرش و قبول پرستش دیگران، بخشایش گناهان، زنده کردن مردگان و داوری کردن.

پذیرش و قبول پرستش دیگران

با توجه به این حقیقت که خدا در ده فرمان پرستش هرگونه بت و خدایان دیگر را ممنوع کرده است (خروج ۳: ۲۰-۵)، اگر مسیح حقیقتاً خدا نبود این عمل او یک نوع توهین به مقدسات و کفرگویی تلقی می‌شد. زمانی که عیسی توسط شیطان وسوسه شد، این حکم خدا را تصدیق و تأیید نمود که فقط خداوند شایسته پرستش و خدمت است (متی ۴: ۱۰). با این وجود، او حق قانونی خود را برای دریافت پرستش اعلام کرد.

کتاب مقدس نشان می‌دهد، زمانی که مردم به دلیل جهل و نادانی خود، می‌خواستند رسولان را پرستش کنند، این مردان خدا با شدت هرچه بیشتر از این کار جلوگیری کردند (اعمال ۱۰: ۲۵-۲۶؛ ۱۴: ۱۱-۱۸). حتی فرشتگان مقدس نیز از اینکه مورد پرستش قرار بگیرند، امتناع کردند (مکاشفه ۱۹: ۱۰؛ ۲۲: ۸-۹)، در صورتی که

مسیح پرستش دیگران را پذیرفت و ادعا نمود که تمام انسان‌ها می‌بایست او را تکریم نمایند (یوحنا ۵:۲۳).

بخشایش گناهان

در کلام خدا می‌بینیم که مسیح از اختیار خود برای بخشایش گناهان استفاده می‌کند، کاری که فقط خدا حق انجام آن را دارد (مرقس ۲:۷). با وجود اینکه دشمنان مسیح از این عمل او بسیار مضطرب و خشمگین بودند ولی او حتی لحظه‌ای برای استفاده از این اختیار خود دچار شک و تردید نگشت (متی ۹:۲-۶).

زنه کردن مردگان

مسیح همچنین از اختیار خود برای حیات بخشیدن استفاده کرد (یوحنا ۵:۲۱؛ ۱۰:۱۰). حداقل در سه مورد مسیح مرده‌ای را زنده کرد (لوقا ۷:۱۱-۱۷؛ و ۸:۴۰-۵۶؛ یوحنا ۱۱:۴-۴۴). در آینده، تمام اشخاصی که مرده‌اند بوسیله کلام قدرتمند او زنده خواهند شد (یوحنا ۵:۲۱-۳۰). مسلماً زندگی و حیات بخشیدن کاری نیست که انسان بتواند به قدرت خود آن را انجام دهد.

داوری کردن

چهارمین دلیلی که نشان‌دهنده اختیارات الهی مسیح است، حق او برای داوری است: «زیرا که پدر بر هیچکس داوری نمی‌کند. بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است» (یوحنا ۵:۲۲). آیات زیر به شما بصیرت بیشتری درباره اختیار مسیح برای داوری الهی می‌دهند: متی ۲۵:۳۱-۴۶؛ اعمال ۱۰:۴۲؛ ۱۷:۳۱ و دوم قرنتیان ۵:۱۰. مسیح از تمام این اختیارات بدون هیچگونه شک و تردیدی استفاده کرد. انجام چنین اعمالی بدون اینکه مسیح خدا باشد یک نوع گستاخی و کفرگویی محسوب می‌شد.

۴- در دفتر خود، بدون مراجعه به کتاب، اعمالی را نام ببرید که مسیح در طی زندگی خود بر روی زمین آنها را انجام داد و نشان‌دهنده اختیارات الهی او هستند.

صفات الهی

صفات اخلاقی

شخصیت مسیح باعث تعجب و حیرت دیگران می‌شد. مردم از رفتاری که مسیح در هر شرایطی نشان می‌داد، شگفت‌زده می‌شدند. عکس‌العمل‌های مسیح در موقعیت‌های مختلف آشکار می‌کرد که او با دیگران متفاوت است. او دارای همان صفات اخلاقی و ذاتی خدا بود.

مسیح زندگی آنچنان پاک و مقدسی داشت که یکی از اشخاص بسیار نزدیک به او درباره وی چنین شهادتی می‌دهد «که هیچ گناه نکرد و مکر در زبانش یافت نشد» (اول پطرس ۲:۲۲). از آنجا که مسیح مقدس و بی‌گناه بود، حتی دشمنانش نیز نتوانستند او را به گناهی متهم کنند (یوحنا ۸:۴۶). هیچ انسانی قادر نیست این چنین زندگی کند، اما مسیح توانست، چون برتر از انسانها بود.

محبت مسیح نیز او را از سایرین متمایز می‌کرد. او محبت خود را به انسان‌ها در تمام مراحل زندگی اجتماعی خود ثابت کرد (لوقا ۱۹:۱۰؛ همچنین متی ۱۹:۱۱ را با مرقس ۱۰:۱۷-۲۲ مقایسه کنید). او برای پیروان و همچنین برای دشمنان خود نیز دعا کرد (لوقا ۲۳:۳۴؛ یوحنا ۹:۱۷ و ۲۰). محبت کامل مسیح، پسر خدا بودن او را آشکار کرد.

محبت مسیح به طرق مختلف دیده می‌شد. او فروتنی و تواضع واقعی را آشکار نمود. زمانی که مسیح خدمات عمومی خود را آغاز کرد، انگیزه‌اش خدمت کردن به دیگران بود (متی ۲۰:۲۸). به عنوان یک استاد و معلم با شستن پاهای شاگردانش معنی واقعی خدمت را به آنها نشان داد (یوحنا ۱۳:۱۴). با گناهکاران (لوقا ۷:۳۷-۳۹)

و ۴۴-۵۰)، شکاکان (یوحنا ۲۰:۲۹) و حتی با اشخاصی که او را ترک کردند (لوقا ۲۲:۶۱؛ یوحنا ۲۱:۱۵-۲۳) ملایم و مهربان بود.

محبت آشکار کننده اصولی بود که او تعلیم می داد! هیچ انسان معمولی چنین زندگی که سرشار از محبت باشد، نداشته است.

محبت او نسبت به خدای پدر کاملاً آشکار بود. مسیح با زندگی اش نشان داد که زندگی روحانی مؤثر، به داشتن رابطه نزدیک با خدا بستگی دارد. هیچ انسان معمولی، مانند مسیح دعا نکرد. او همیشه با غیرت و اشتیاق زیاد برای مدت طولانی دعا می کرد (لوقا ۳۹:۲۲-۴۴). گاهی اوقات تمام شب را در دعا به سر می برد و بعضی اوقات صبح زود برای دعا برمی خاست (مرقس ۱:۳۵). مسیح نمونه کاملی برای رشد و بلوغ زندگی روحانی ما است (اول پطرس ۲:۲۱).

هر شخصی که با مسیح رابطه نزدیک داشت، غیرممکن بود درباره انسان بودن او شک کند. از طرف دیگر نیز نمی توانست کاملیت او را با کس دیگری مقایسه کند. او نمونه کاملی از قدوسیت و محبت بود. پولس نیز می گوید: «تویی مسیح پسر خدای زنده» (متی ۱۶:۱۶).

۵- در دفتر خود، بیان کنید مسیح به چه طرقی قدوسیت و محبت خود را نشان داد؟

صفات ذاتی

پولس بیان می کند که مسیح قدرت و حکمت خدا است (اول قرنتیان ۱:۲۴) و خدا اراده کرد که الوهیت کامل او در فرزندش قرار گیرد (کولسیان ۱:۱۹؛ ۲:۹). متی انجیل خود را با این کلمات به پایان می رساند «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است» (متی ۱۸:۲۸). این آیات ثابت می کنند که عیسی، شخصیت دوم تثلیث، قادر مطلق است. تمام فرشتگان، ریاست ها و قدرت ها در کائنات، مطیع قدرت و حاکمیت او هستند (اول پطرس ۳:۲۲).

کتاب مقدس همچنین تعلیم می‌دهد که مسیح حاضر مطلق است. پولس می‌گوید که خدای پدر همه چیز را تحت کنترل پسر قرار داده و «پری او (پسر) که همه چیز را از هر لحاظ پر می‌سازد» (افسیان ۱: ۲۲-۲۳ - ترجمه هزاره نو). وقتی بیاد می‌آوریم که مسیح وعده داده هر جا دو یا سه نفر از ایمانداران دور همدیگر جمع شوند، او نیز آنجا حضور دارد، چقدر تشویق می‌شویم (متی ۱۸: ۲۰). اگر چه، شاید بعضی اوقات حضور او را احساس نکنیم، ولی می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که او همیشه با ما است!

عیسی مسیح همچنین دانای مطلق است (یوحنا ۲: ۲۴-۲۵؛ ۱۶: ۳۰؛ ۲۱: ۱۷). پولس به سر خدا که مسیح است اشاره می‌کند: «که در وی تمامی خزاین حکمت و علم مخفی است» (کولسیان ۲: ۲ و ۳). او از زندگی گناه‌آلود زن سامری (یوحنا ۴)، افکار شخص فریسی (لوقا ۸: ۶)، وقت و چگونگی ترک کردن دنیا (یوحنا ۱۲: ۳۳؛ ۱۳: ۱) و از ماهیت و پایان جهان (متی ۲۴ و ۲۵؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۲۱) آگاهی کامل داشت.

بعضی از قسمت‌های کتاب مقدس باعث می‌شوند که صفت عالم مطلق بودن مسیح را بیشتر بررسی کنیم. برای مثال در متی ۲۴: ۳۶ بیان شده است که هیچ کس از زمان بازگشت مسیح باخبر نیست، حتی پسر. مرقس نیز بیان می‌کند که مسیح به سوی درخت رفت با این انتظار که در آن میوه‌ای پیدا کند، اما چیزی پیدا نکرد (مرقس ۱۱: ۱۳).

در اینجا نکته مهمی وجود دارد که باید به آن توجه کرد. مسیح در مدتی که روی زمین زندگی می‌کرد، و یا در زمان انسان بودنش، از اختیاراتی که برای استفاده از صفات الهی داشت دست کشید. او از روی قصد تصمیم گرفت که در آن زمان از قدرت الهی‌اش استفاده نکند. او می‌توانست خود را نجات دهد، اما از این کار امتناع کرد (متی ۲۶: ۵۲-۵۴). او اینکار را آزادانه انجام داد، چون می‌دانست که بدون تسلیم شدن به درد و مرگ، به هیچ طریق دیگری نمی‌تواند، مأموریتش را که جان دادن برای انسان گناهکار بود به انجام رساند. اکنون که او مأموریتش را انجام داده است، تمام صفات الهی از جمله علم مطلق را دارا است.

در کتاب مقدس عیسی به عنوان پسر جاودانی خدا معرفی شده است (یوحنا ۱:۱؛ اول یوحنا ۱:۱؛ میکا ۵:۲). او همیشه وجود داشت و برای همیشه وجود خواهد داشت (عبرانیان ۱:۱-۱۲؛ ۸:۱۳). این آیات همچنین نشان می‌دهند که عیسی مسیح هرگز تغییر نخواهد کرد. این صفاتی که بیان کردیم، همه مربوط به خدا هستند و در نتیجه ثابت کننده الوهیت مسیح هستند.

۶- در دفتر خود، توضیح دهید که چرا مسیح در مدتی که بر روی زمین زندگی می‌کرد از تمام صفات الهی خود استفاده نکرد.

۷- در دفتر خود صفات اخلاقی و ذاتی مسیح را یادداشت کنید و آن را با صفات ذاتی و اخلاقی خدا که در درس اول و دوم بیان گردید، مقایسه کنید. سپس بیان کنید این مقایسه چه چیزی را آشکار می‌کند.

ادعاهای مسیح درباره خدا بودن

مسیح ادعا نمود که خدا است. در شب مرگ خود، از رسولان درخواست کرد که ادعاهای او را بر اساس اعمال عجیب و شگفت‌آورش بپذیرند (یوحنا ۱۴:۱۱). مسیح چه ادعاهایی نمود؟

۱) مسیح به یهودیان گفت که او و پدر یک هستند (یوحنا ۱۰:۳۰).

۲) مسیح در حضور شورای رهبران یهود، دوباره ادعا کرد که پسر خدا است (لوقا ۲۲:۷۰-۷۱؛ یوحنا ۱۹:۷).

۳) مسیح با صراحت و قاطعیت بیان کرد که نجات فقط از طریق او بدست می‌آید (یوحنا ۹:۱۰).

۴) مسیح گفت که او تنها راه رسیدن و دستیابی به خدای پدر است (یوحنا ۱۴:۶).

(۵) مسیح فرمود که هیچ کس نمی‌تواند کاری انجام دهد اگر او قدرت لازم را به او ندهد (یوحنا ۵:۱۵).

(۶) هنگامی که تعلیم می‌داد، اعلام کرد که از ازل وجود داشته است (یوحنا ۸:۵۸؛ ۵:۱۷).

(۷) به شاگردانش فرمود تا در نام او دعا کنند (یوحنا ۱۶:۲۳).

(۸) زمانی که شاگردانش را به مأموریت فرستاد به آنها قدرت انجام معجزات بخشید (لوقا ۹:۱-۲).

تمام این ادعاها، به‌اضافه اعمال معجزه‌آسایی که مسیح انجام داد، صحت و درستی ادعای او را مبنی بر خدا بودنش ثابت می‌کنند.

نام‌هایی که بر الوهیت او دلالت می‌کنند

نام‌هایی که فقط مختص خدا هستند، در عهدجدید برای عیسی مسیح بکار رفته‌اند. نویسندگان عهدجدید اغلب به او با عنوان پسر خدا اشاره می‌کنند. صدایی از آسمان در دو موقعیت متفاوت او را پسر خدا مخاطب ساخت (متی ۳:۱۷؛ ۵:۱۷). مسیح نیز از این عنوان برای اشاره به خودش استفاده کرد (یوحنا ۱۰:۳۶).

نام دیگری که نشان‌دهنده جنبه الهی مسیح است در پیشگویی اشعیا نبی بکار رفته و توسط فرشته‌ای که با یوسف سخن می‌گفت تکرار شد (اشعیا ۷:۱۴؛ متی ۲۲:۱-۲۳). طفل باید «عمانوئیل» نامیده شود یعنی «خدا با ما» (متی ۱:۲۳). این وجود الهی آمد تا برای مدتی بر روی زمین با انسان‌ها زندگی کند (یوحنا ۱:۱۴).

یوحنا می‌نویسد که عیسی کلمه خدا است. امروز این عنوان برای ما عجیب به نظر می‌رسد. در صورتی که در آن زمان از نظر فلاسفه این لغت بیان‌کننده تمام عقل و قدرتی بود که در پس کائنات وجود دارد. به همین دلیل یوحنا می‌گوید «کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد» (یوحنا ۱:۱۴). سخنان یک شخص بیان‌کننده آن چیزی است که فکر می‌کند. کلام خدا نیز بیان‌کننده افکار خدا است به گونه‌ای که

انسان بتواند آن را درک کند. خدا از خلقت خویش جدا نیست، بلکه خود را در آن آشکار می‌کند. یوحنا بیان می‌کند که کلمه (عیسی مسیح) از ابتدا خدا بود (یوحنا ۱:۱-۲).

به عیسی همچنین به عنوان خدا اشاره شده است. پولس نوشت که «(زیست کنیم) در حینی که منتظر آن امید مبارک، یعنی ظهور پر جلال خدای عظیم و نجات‌دهنده خویش عیسی مسیح هستیم» (تیتس ۲:۱۳).

نام عبری «ماشیح» نیز اغلب در ارتباط با عیسی بکار رفته است. معادل همین نام در یونانی «مسیح» است، که می‌توان آن را «مسح شده» ترجمه کرد. برای مردم عبرانی، شخص مسح شده چه کسی بود؟ در فرهنگ آنها وقتی شخصی از طرف خدا برای انجام کار خاصی دعوت می‌شد، رهبران مذهبی با ریختن روغن مقدس بر سر آن شخص، او را مسح می‌کردند. این عمل به‌طور تمثیلی نشان می‌داد که او برای خدمت جدا و انتخاب شده است. در بین قوم عبرانی مسح کردن انبیا، کاهنان و پادشاهان مرسوم بود. بنابراین زمانی که بطرس اعلام کرد که عیسی، مسیح و خداوند است، شنوندگانش منظور او را درک کردند (اعمال ۲:۳۶). پاسخ و عکس‌العمل چندین هزار نفر از قوم نشان می‌دهد که آنها عیسی را به عنوان ماشیح و یا شخص مسح شده، پذیرفتند.

عیسی همچنین خداوند نامیده شده است. گاهی اوقات این لقب برای ادای احترام و ادب بکار می‌رفت، اما در بسیاری از مواقع برای بیان الوهیت عیسی بکار رفته است (لوقا ۱:۴۳؛ ۲:۱۱؛ یوحنا ۲۰:۲۸؛ اعمال ۱۶:۳۱ و اول قرن‌تیا ۱۲:۳). این نام به همان صورتی که اغلب برای خداوندان بکار می‌رفت، ترجمه عبری «یهوه» است. بنابراین مسیح یعنی ماشیح، به عنوان «یهوه» عهدعتیق شناخته شده است.

۸- در دفتر خود، نام‌هایی را که به عیسی داده شده و نشان‌دهنده الوهیت او هستند یادداشت کنید و برای هر کدام یک آیه ذکر نمایید.

۹- جملات صحیح را مشخص کنید. الوهیت عیسی بوسیله آشکار می‌گردد.

- (a) مورد پرستش انسان قرار گرفتن، بخشایش گناهان، زنده کردن مردگان و داوری کردن
- (b) صفات اخلاقی او یعنی قدوسیت و محبت
- (c) صفات ذاتی او یعنی قادر مطلق، حاضر مطلق، علم مطلق و جاودانگی
- (d) طریقی که قوم او را پذیرفتند
- (e) ادعاهای او در مورد خدا بودن
- (f) نام‌های او که دلالت بر الوهیتش می‌کنند

اتحاد الوهیت و انسانیت در مسیح

آموزه تجسم موضوعی بود که در اوایل تأسیس کلیسا لاینحل باقی ماند. آموزه تثلیث پایه و اساسی محکم در عهدعتیق، و در بیانات عیسی و نوشته‌های الهامی عهدجدید داشت. اما سؤالی که باعث تعمق بیشتر در این مورد شد، این بود که: چگونه ممکن است که پسر جاودانی خدا، که در ماهیت و وجود با او برابر و یکسان است، جسم بیوشد و مانند سایر انسان‌ها بگردد؟

بعضی از اشخاصی که سعی می‌کردند درباره تجسم توضیح دهند، آنقدر بر انسانیت عیسی تأکید نمودند که عملاً الوهیت او را انکار کردند. بعضی دیگر دقیقاً برعکس عمل کردند، یعنی آنقدر بر الوهیت عیسی تأکید گذاشتند که انسانیت او را نادیده انگاشتند. بالاخره، رهبران کلیسای اولیه، بر اساس کلام خدا، تعریفی از تجسم بیان کردند که هنوز هم به عنوان پایه‌ای برای ایمان مسیحی درباره شخص عیسی در نظر گرفته می‌شود.

خصوصیات تجسم

تعریفی که بوسیله رهبران کلیسای اولیه درباره تجسم بیان گردید (در شورای کالسدون در سال ۴۵۱ م) عبارت است از:

«خداوند ما عیسی مسیح، خدای حقیقی و انسان حقیقی است. در الوهیت از نظر ذات و وجود در همه قسمت‌ها مانند خدای پدر و در انسانیت در همه چیز شبیه ما، جز در گناه. بنابراین عیسی دارای دو طبیعت است: الهی و انسانی. این دو طبیعت از یکدیگر متمایز هستند. اما اتحاد این دو طبیعت تمایز موجود را نابود نمی‌سازد، بلکه خصوصیات منحصر به فرد هر کدام از این دو طبیعت، بدون هیچ تغییری باقی می‌مانند».

این تعریف مسلماً راز تجسم را حل نمی‌کند. برعکس، همه مسیحیان در این احساس تعجب و حیرت پولس شریک هستند که: «سرّ دینداری عظیم است که خدا در جسم ظاهر شد» (اول تیموتائوس ۳: ۱۶). زمانی که اتحاد بین طبیعت الهی و انسانی مسیح و اهمیت آن را بررسی کنیم، بهتر خواهیم توانست این مفهوم مشکل را درک کنیم.

زمانی که درباره طبیعت انسانی و طبیعت الهی مسیح سخن می‌گوییم به وجود یا هستی لاینفک او اشاره می‌کنیم. وقتی می‌گوییم مسیح دارای طبیعت الهی است، منظورمان این است، تمام کیفیات و خصوصیات که یک شخص برای تعریف خدا بکار می‌گیرد درباره مسیح نیز صدق می‌کند. بنابراین مسیح خدا است نه فقط شبیه خدا، بلکه خود خدا.

هنگامی که می‌گوییم مسیح دارای طبیعت انسانی است، منظورمان این است که عیسی مسیح خدایی نیست که وانمود به انسان بودن می‌کند، بلکه واقعاً یک انسان است. او فقط خدا و یا فقط انسان نیست. او خدایی است که «جسم گردید و میان ما ساکن شد» (یوحنا ۱: ۱۴). مسیح زمانی که انسان شد، خدا بودنش متوقف نگردید. او

الوهیت خود را با انسانیت معاوضه نکرد، بلکه انسانیت را بخود گرفت یعنی طبیعت انسانی را به طبیعت الهی خود اضافه کرد. بنابراین، به دلیل تجسم، او هم خدا و هم انسان است، او خدایی است که انسان شد.

مسیح دارای تمام کیفیات انسانی از قبیل، بدن و خصوصیات فیزیکی بود. با این وجود نمی‌توانیم بگوییم که در عمق وجود و هستی خود، یک انسان است. او یک وجود الهی با یک طبیعت انسانی است. در واقع او شخصیت انسانی را به طبیعت خود اضافه نکرد. بلکه طبیعت انسانی را به شخصیت خود. شخصیت الهی آن چیزی است که در عمق وجود و هستی مسیح وجود دارد. اگر او شخص الهی نبود، نمی‌توانست مورد پرستش قرار گیرد، چون به مسیحیان دستور داده شده است که فقط خدا را پرستند.

پس می‌بینیم که تجسم پسر، الوهیت حقیقی و انسانیت حقیقی را در یک شخص همراه و متحد می‌کند. بنابراین هماهنگی و ارتباطی بین این دو طبیعت در مسیح وجود دارد که ما می‌توانیم از او به عنوان خدا یا انسان سخن بگوییم.

۱۰- تعیین کنید کدامیک از جملات زیر با توجه به تعلیم کتاب مقدس درباره تجسم صحیح هستند.

- (a) عیسی مسیح یک وجود الهی است که انسانیت ما را بر خود گرفت.
- (b) مسیح یک وجود انسانی است که الوهیت را بر خود گرفت.
- (c) از آنجا که مسیح یک وجود الهی است شایسته است که پرستیده شود.
- (d) در نتیجه طبیعت انسانی، عیسی گرسنگی، تشنگی، خستگی، درد و مرگ را تجربه کرد و در نتیجه طبیعت الهی، می‌خواست همیشه اراده پدر را انجام دهد، چون حقیقتاً خدا بود.

دلایل تجسم

به دلیل محدودیت‌هایی که داریم هرگز نخواهیم توانست به‌طور کامل علت انسان شدن خداوندمان را درک کنیم. چه چیزی می‌توانست باعث گردد که پسر خدا، جسم بپوشد، به زمین بیاید و جزئی از نژاد سقوط کرده انسان بشود و مورد حسادت و تنفر واقع گردد؟

قبل از همه چیز، باید به این نکته توجه داشت که خدا نمی‌تواند بمیرد. از طرف دیگر، وجود یک قربانی بی‌گناه و مقدس برای کفاره گناهان لازم و ضروری بود. از آنجا که همه انسان‌ها گناهکار هستند، خدا برای اینکه قربانی کامل و بی‌عیب را به منظور پرداخت مجازات گناه فراهم کند، جسم پوشید (عبرانیان ۹:۲). دوم، مسیح از طریق تجسم، خدای پدر را با تمام نیکویی و زیبایی‌اش، به انسان‌ها آشکار نمود (یوحنا ۱۴:۷-۱۱). سوم، با انسان شدن مسیح، خدا برای ما یک نمونه شایسته و کامل فراهم کرد (اول پطرس ۲:۲۱-۲۵). با بررسی عکس‌العمل‌های مسیح به‌عنوان انسان، می‌توانیم یک بودن خود را با او ببینیم و درک کنیم که هدف از زندگی مسیحی، شبیه مسیح شدن است (رومان ۸:۲۹).

مسیح به شاگردانش گفت، همانطور که پدر مرا فرستاده است من نیز شما را می‌فرستم (یوحنا ۱۷:۱۸؛ ۲۱:۲۰). این دستور شامل اعلام نجاتی است که خدا برای انسان فراهم کرده و در واقع قسمتی از فرمان بزرگ مسیح است که به تمام جهان بروید و خبر خوش انجیل را به همه موعظه کنید (مرقس ۱۶:۱۵). مسیح، تدارک خدا است برای نجات ما انسان‌ها و ما باید آن را به همه بازگو کنیم.

۱۱- کدامیک از دلایل زیر درباره تجسم صحیح است؟

- a) مسیح لازم بود جسم فانی انسان را بر خود بگیرد تا بتواند مجازات گناهان ما را پرداخت کند.
- b) تجسم ضروری بود چون خدا احتیاج داشت بفهمد که شبیه انسان گناهکار بودن یعنی چه.

c) از طریق تجسم، محبت، علاقه و تدارک خدا برای انسان، به ما آشکار شد.
 d) تجسم باعث شد که مسیح محدودیت‌ها و ضعف‌های انسانی را تجربه کند تا برای ما نزد خدای پدر شفاعت کند.

e) یکی از نتایج تجسم این است که انسان، دیگر طبیعت گناه‌آلود را به ارث نخواهد برد، چون قربانی پسر خدا در جسم، انسان را کاملاً پاک و بی‌گناه کرده است.

اعمال مسیح

اکنون به اعمال مسیح می‌رسیم. زمانی که از اعمال مسیح سخن می‌گوییم منظورمان، مرگ، قیام، صعود و جلال او است. این اعمال مسیح را به ترتیب وقوع آنها بررسی می‌کنیم.

مرگ او

مرگ مسیح به دلایل زیر با مرگ همه انسان‌ها متفاوت بود: اول، مرگ او کاملاً داوطلبانه و اختیاری بود. او درباره مرگ خود گفت: «کسی آن (زندگی) را از من نمی‌گیرد، بلکه من خود آن را می‌نهم» (یوحنا ۱۰:۱۸). در هنگام مرگ، او روح خود را تسلیم کرد (متی ۲۷:۵۰). مرگ بوسیله شیطان و یا قدرت برتر سربازان رومی به او تحمیل نشد، بلکه مسیح آن را به عنوان اراده و خواست خدا برای نجات انسان‌ها پذیرفت.

مرگ مسیح در واقع عملی بود که او انجام داد تا مجازات گناهان ما را پرداخت کند. مجازات گناه دوری و جدایی از خدا است. این بهایی است که او برای نجات ما پرداخت کرد. زمانی که مسیح روی صلیب بود، این جدایی وحشتناک را تجربه نمود. او فریاد کرد «الهی، الهی چرا مرا واگذاری؟» (مرقس ۱۵:۳۴). مسیح با این عمل خشم خدا را که به خاطر گناهان ما برافروخته شده بود، فرو نشانده و اجازه داد تا داوری الهی خدا بر او انجام شود. مسیح با قربانی کردن خودش، گناهان ما را کفاره

کرد و بوسیله مرگ خود گناهانمان را پوشانید. او این عمل را انجام داد تا ما بخشیده شویم و دوباره در هماهنگی و ارتباط با خدا قرار گیریم.

در اعصار گذشته، انسان‌ها سعی می‌کردند خشم خدایی را که می‌پرستیدند، رفع کنند. چقدر سعی و تلاش آنها تأثرآور بود! آنها هدایایی آماده می‌کردند و قربانی‌ها می‌گذرانیدند و بدون اینکه بفهمند آیا قربانی آنها پذیرفته شده است یا نه می‌رفتند. برای مثال قبیله سرخپوستی «ازتک»، ترس زیادی از آنچه که خدایان می‌نامیدند داشتند. آنها، انسان‌های بسیاری را قربانی کردند اما سخاوت، بهای سنگین و تلاش صادقانه‌شان همگی بی‌ارزش و پوچ بود. پاسخ کاهنانشان همیشه یک چیز بود: «خدای ما خون بیشتری می‌طلبد!»

کتاب مقدس نشان می‌دهد که پدر آسمانی واقعاً به‌خاطر گناهان ما خشمگین است، اما خشم او شبیه خشم خدای قبیله ازتک نیست. بدون اینکه ترس و یا شکی داشته باشیم، می‌دانیم چه کار باید بکنیم تا خشم خدا برگردد. او خودش این کار را انجام داد. او پسر خودش را به این منظور قربانی کرد. مسیح از طریق مرگ خود، مجازات گناهان را پرداخت و همه چیز را درست کرد. به این وسیله عدالت خدا حفظ شد. مجازات گناه پرداخت گردید، انسان بخشیده شد و به حضور خدای قدوس دسترسی پیدا کرد. پولس رسول این موضوع را در رومیان ۳: ۲۵-۲۶ به این صورت بیان می‌کند:

«خدا او را چون کفاره گناهان عرضه داشت، کفاره‌ای که توسط خون او و از راه ایمان حاصل می‌شود. او این را برای نشان دادن عدالت خود انجام داد، زیرا در تحمل الهی خویش، از گناهایی که پیشتر صورت گرفته بود، چشم پوشیده بود. او چنین کرد تا عدالت خود را در زمان حاضر ثابت کند، و تا خود عادل باشد و کسی را نیز که به عیسی ایمان دارد پارسا بشمارد» (ترجمه هزاره نو).

مرگ مسیح همچنین کاربردی عملی در زندگی روزانه ما دارد. پولس رسول در رساله به کلیسای غلاطیه چنین می‌گوید: «با مسیح مصلوب شده‌ام ولی زندگی

می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند» (غلاطیان ۲:۲۰). «آنانی که از آن مسیح هستند، جسم را با هوس‌ها و شهواتش مصلوب ساخته‌اند» (غلاطیان ۵:۲۴). این شامل مصلوب کردن نفس نیز است؛ به این معنا که خواهش و تمایلات خود را تسلیم اراده خدا کنیم. مصلوب شدن مسیح باید در واقع تبدیل به مصلوب شدن ما گردد. نجاتی که او مهیا کرده به ما این امکان را می‌دهد که یک زندگی مقدس که واقعاً منظور نظر خدا است، داشته باشیم. این باید زمانی که زندگی خود را تسلیم مسیح می‌کنیم و تحت کنترل روح القدس قرار می‌دهیم، عملی گردد (رومیان ۸:۱۱-۵).

۱۲- آیا شما طبیعت گناه‌آلود خود را با مسیح مصلوب کرده‌اید؟ در دفتر خود لیستی تهیه کنید و در آن چیزهایی را بنویسید که دیگران در زندگی شما می‌بینند و نشان می‌دهد شما نفس خود را مصلوب کرده و به مسئولیت مسیحی خود توجه لازم را می‌نمایید.

۱۳ - کدامیک از جملات زیر در رابطه با اهمیتی که کار مسیح برای ما دارد صحیح هستند؟

(a) مرگ او مجازات گناه را پرداخت کرد و خشم و غضب خدا را فرونشاند.
(b) از آنجا که مرگ مسیح نتیجه قدرتی خارج از کنترل او بود، بنابراین صرفاً یک اتفاق و حادثه است.

(c) مرگ مسیح باعث برقراری مجدد مشارکت بین خدا و انسان گردید.
(d) مرگ مسیح باعث راضی شدن حس عدالت‌خواهی خدا گردید که متوجه گناه انسان بود.

(e) به دلیل مرگ مسیح، حتی اگر به گناه کردن ادامه بدهیم، نباید منتظر مجازات باشیم.

(f) مرگ مسیح نمونه‌ای از تمایل و خواست خدا است برای تنبیه انسان‌ها برای ضعف و شکست انسانی‌شان.

قیام او

کار مسیح ناقص و ایمان ما پوچ و بیهوده می‌بود اگر او از مردگان قیام نمی‌کرد (اول قرن‌تین ۱۵:۱۴). قیام مسیح، کار او را بر روی زمین کامل کرد. بنابراین، قیام مسیح از میان مردگان، مسیحیت را از تمامی عقاید و مذاهب متمایز می‌گرداند. هیچ کدام از مذاهب نمی‌توانند ادعا کنند که قبر بنیانگذارشان خالی است. ما مسیحیان بر سر قبر خداوندمان دور همدیگر جمع نمی‌شویم، چون او در قبر نماند. ما او را به عنوان نجات‌دهنده زنده پرستش و تمجید می‌کنیم! او بر مرگ غالب شد! چون او زنده است، ما وارث حیات جاودانی هستیم.

قیام مسیح از مردگان، اساس ایمان مسیحی است. بدون قیام، مرگ مسیح بی‌معنی خواهد بود، چون قیام او ثابت می‌کند که مرگش مؤثر بوده و مورد قبول خدای پدر واقع شده است. به همین جهت پولس رسول می‌گوید: «(عیسی مسیح) به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد» (رومیان ۴:۲۵).

دلایل زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد چرا قیام مسیح برای ما از اهمیت زیادی برخوردار است. در اینجا بعضی از نتایج مهم قیام مسیح را بیان می‌کنیم:

۱) قیام مسیح نشان می‌دهد کار او برای جانشینی انسان گناهکار مورد پذیرش و قبول خدا قرار گرفته است. ما می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا مرگ مسیح را که به جانشینی از ما انجام شد پذیرفته است، چون او را از میان مردگان برخیزانید (اعمال ۲:۲۴ و ۳:۳۲؛ ۱۵:۳؛ ۱۰:۴؛ ۵:۳۰).

۲) قیام مسیح، الوهیت او را تأیید می‌کند. پولس در رومیان ۴:۱ چنین می‌گوید: «اما با رستاخیز از میان مردگان، به سبب روح قدوسیت، به مقام پسر قدرتمند خدا منصوب شد، یعنی خداوند ما عیسی مسیح» (ترجمه هزاره نو).

۳) مسیح با قیامش، رئیس کهنه ما در حضور خدا شده است (عبرانیان ۹:۲۴). او شفاعت کننده (رومیان ۸:۳۴)، رئیس و خداوند ما در پادشاهی آسمان (افسسیان ۱:۲۰-۲۲)، میانجی (اول تیموتائوس ۲:۵)، و وکیل مدافع ما است (اول یوحنا ۲:۱).

بنابراین، علاوه بر رهایی و نجاتی که از طریق مرگش برای ما مهیا کرد، در حضور تخت فیض و رحمت خدا برای ما شفاعت می‌کند.

(۴) قیام مسیح، نشان‌دهنده قدرت عظیم خدا در مهیا کردن نجات برای ما است. می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا قدرت لازم را به ما برای زندگی روحانی و خدمت مؤثر خواهد بخشید (فیلیپیان ۱۰:۳ را با فیلیپیان ۶:۱ مقایسه کنید). او قادر مطلق است.

(۵) رستاخیز مسیح به ما اطمینان می‌دهد که ایمانداران نیز از میان مردگان قیام خواهند کرد (یوحنا ۵:۲۸؛ ۶:۴۰؛ رومیان ۸:۱۱؛ اول قرنتیان ۲۰:۱۵-۲۳؛ اول تسالونیکیان ۴:۱۴).

بنابراین رستاخیز، نتیجه پیام نجات‌بخش مسیح است، که نقشه آن در ازل قبل از اینکه مسیح جسم پوشد و وارد نسل بشر بشود، ریخته شده بود. مسیح به جانشینی انسان‌های گناهکار مرگ را پذیرفت و مجازات گناهان انسان را پرداخت کرد تا ما بتوانیم زندگی کامل و مقدسی داشته باشیم. از این طریق، مسیح خشم خدا را فرو نشاند، انسان گناهکار را با خدا صلح و آرامش داد، و باعث شد انسان بتواند نسبت به روح‌القدس واکنش نشان بدهد. بنابراین کار مسیح بر روی زمین کامل شد و زمان آن رسید که به نزد پدر آسمانی بازگشت کند. او مأموریت خود را به پایان رسانید.

۱۴- جملات صحیح درباره نتایج رستاخیز مسیح را مشخص کنید.

(a) رستاخیز باعث شد مسیحیت جزو ادیانی قرار گیرد که بنیانگذارشان پس از مرگ زنده شد.

(b) رستاخیز نشان می‌دهد که خدا قربانی مسیح را به عنوان کفاره گناهان بشر پذیرفته است.

(c) الوهیت خداوند ما بوسیله قیامش از مردگان تأیید شد.

(d) رستاخیز مسیح باعث شد تا او کاهن اعظم ما بشود و در حضور خدا برای ما شفاعت کند.

e) قیام مسیح به ما این اطمینان را می‌بخشد که مسیحیان هرگز دوباره سقوط نخواهند کرد و از خدا دور نخواهند شد.

f) رستاخیز مسیح به ما اطمینان می‌دهد که ایمانداران نیز پس از مرگ در هنگام بازگشت مسیح از مردگان زنده خواهند شد.

صعود و جلال او

عهد جدید نشان می‌دهد که مسیح پس از رستاخیز، ۴۰ روز به خدمت خود روی زمین ادامه داد و سپس به آسمان صعود نمود: «... وقتی که ایشان همی نگریستند، بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود» (اعمال ۱: ۹). در موعظه رسولان، قیام و صعود مسیح کاملاً به یکدیگر مربوط و وابسته بودند (اعمال ۲: ۳۲-۳۵؛ افسسیان ۱: ۲۰؛ اول پطرس ۳: ۲۱-۲۲). قیام و صعود مسیح در واقع شروع جلال یافتن خداوند مصلوب شده‌مان است.

اصطلاح صعود از واقعه‌ای سخن می‌گوید که طی آن مسیح به آسمان بازگشت. اصطلاح جلال از «بلند کرده شدن»، «به مرتبه بالاتر ارتقاء پیدا کردن» سخن می‌گوید. صعود و جلال مسیح برای ما از اهمیت زیادی برخوردار است. مسیح در جلال یافتن، در مقام خود به عنوان خداوند حاکم قرار گرفت (اعمال ۲: ۳۳-۳۶؛ ۵: ۳۱؛ افسسیان ۱: ۱۹-۲۳؛ عبرانیان ۲: ۱۴-۱۸؛ ۴: ۱۴-۱۶). این مقام پر جلال مسیح، نتایج بسیار عالی برای ایمانداران دارد، که بعضی از آنها را در زیر بیان می‌کنیم:

۱) اگر چه مسیح اکنون در آسمان است، اما از نظر روحانی در همه جا حضور دارد و تمام کائنات را پر ساخته است (افسسیان ۴: ۱۰). بنابراین ایمانداران در همه جا او را می‌پرستند و در نام او دعا می‌کنند (اول قرنتیان ۲: ۲).

۲) همانطور که قبلاً بیان کردیم، مسیح اکنون در آسمان برای ما شفاعت می‌کند (عبرانیان ۴: ۱۴؛ ۵: ۵-۱۰).

۳) مسیح به ایمانداران عطایا بخشیده است (افسسیان ۴: ۸-۱۱)، که شامل عطایا به اشخاص (اول قرنتیان ۱۲: ۴-۱۱) و کلیسا می‌گردد (افسسیان ۴: ۸-۱۳).

(۴) مسیح روح القدس را به ایمانداران بخشیده است (اعمال ۲: ۳۳).
 (۵) مسیح به عنوان پادشاه و نجات‌دهنده جلال یافته، باعث توبه و ایمان آوردن انسان‌ها می‌گردد (اعمال ۵: ۳۱؛ ۱۱: ۱۸؛ دوم پطرس ۱: ۱).
 (۶) خداوند صعود کرده و جلال یافته ما، با بدن انسانی و جلال یافته خود به آسمان بازگشت. این حقیقت در رساله به عبرانیان تأکید شده است. نویسنده رساله اعلان می‌کند که چون مسیح شریک تجربیات انسانی گردید، می‌تواند برای ما کاهن اعظم رحیم و امین باشد (عبرانیان ۲: ۱۴-۱۸؛ ۴: ۱۴-۱۶). این حقیقت برای ما سرچشمه قدرت و آرامش است.

- ۱۵- در دفتر خود اصطلاحات صعود و جلال یافتن را توضیح دهید.
- ۱۶- تعیین کنید کدامیک از جملات زیر درباره نتایج اعمال مسیح صحیح هستند.
- (a) مسیح با حضور خود تمام کائنات را پر ساخته و به همین دلیل بوسیله انسان‌ها پرستیده می‌شود.
- (b) مسیح کار خودش را برای انسان‌ها به پایان رساند و بعد از آن دیگر با زندگی روحانی آنها کاری ندارد.
- (c) مسیح به عنوان کاهن اعظم خدمت خود را برای انسان‌ها انجام می‌دهد.
- (d) مسیح هم به اشخاص ایماندار و هم به کلیسا به عنوان یک کل، عطایا می‌بخشد.
- (e) روح القدس بر ایمانداران ریخته شده است.
- (f) مسیح با مرگ خود مجازات گناهان را پرداخت و خشم و غضب خدا را فرو نشاند.
- (g) مرگ مسیح باعث برقراری ارتباط بین خدا و انسان شد.
- (h) ایمانداران احتیاج ندارند که در زندگی روحانی بیش از این رشد کنند، چون این کار بوسیله مسیح انجام شده است.

i) رستاخیز مسیح به ایمانداران این اطمینان را می‌دهد که آنها نیز پس از مرگ، از میان مردگان، زنده خواهند شد.

دیدیم که تمام اعمال مسیح برای ما از معنا و مفهوم زیادی برخوردار است. او بوسیله مرگ خویش مجازات گناهان ما را پرداخت. رستاخیز مسیح به ما اطمینان زندگی جاودانی با او را می‌دهد. او از طریق صعود و جلال یافتن، در آن مقام خود به عنوان خداوند حاکم و قادر قرار گرفت. اکنون مسیح کلیسای خود را بنا می‌کند و از آن نگهداری می‌نماید و هر چیزی را که برای رشد و بلوغ روحانی ما لازم است، فراهم می‌کند.

خودآزمایی

۱- کدامیک از موارد زیر جزو شواهد کتاب مقدسی در ارتباط با انسانیت مسیح است.

- (a) محدودیت‌ها و نام‌های انسانی
- (b) اجداد انسانی
- (c) گناهان انسانی
- (d) ظاهر و رشد انسانی

۲- شواهد کتاب مقدسی درباره الوهیت مسیح آشکار می‌کند که:

- (a) او همیشه از اختیارات الهی خود استفاده می‌کرد.
- (b) رفتار، ادعاها و خصوصیات مسیح ثابت می‌کنند که او بالاتر از یک انسان معمولی بود.
- (c) دلایل موجود فقط به ادعاهای مسیح و شهادت دوستان او محدود می‌شود.

۳- کدامیک از جملات زیر به طرز صحیح، آموزه مسیحی را درباره ماهیت تجسم بیان می‌کنند. خداوند عیسی مسیح

- (a) خدایی بود که وانمود می‌کرد انسان است
- (b) دارای طبیعت انسانی بود
- (c) دارای طبیعت الهی بود.
- (d) خدای واقعی و انسان واقعی بود.

۴- کتاب مقدس برای ما آشکار می‌کند که عیسی مسیح

- (a) انسانی بود که الوهیت را بر خود گرفت.
- (b) خدایی است که انسانیت ما را بر خود گرفت.
- (c) دارای بعضی از خصوصیات وجود انسانی بود.
- (d) دارای بعضی از خصوصیات وجود الهی بود.

۵- هدف اصلی از تجسم عبارت است از:

- (a) عملی شدن نقشه خدا برای رهایی انسان‌ها
- (b) به پایان رساندن حاکمیت شریعت عهدعتیق
- (c) بوجود آوردن یک نمونه اخلاقی برای انسان‌ها
- (d) اینکه انسان‌ها درک نمایند، خدا حقیقتاً چگونه است.

۶- مرگ مسیح به عنوان یک عمل در نظر گرفته می‌شود، چون

- (a) عملی بود که مسیح داوطلبانه به منظور پرداخت مجازات گناهان ما بر عهده گرفت.
- (b) همراه با تحمل و تقلائی جسمی بسیار زیاد بود.
- (c) به او تحمیل شد.

۷- تجسم ضروری بود، چون

- (a) مسیح می‌بایست یک بدن فانی داشته باشد تا بتواند مجازات گناهان ما را متحمل گردد.
- (b) می‌بایست پدر آسمانی را به انسان‌ها آشکار نماید.
- (c) از آن طریق خدا عمق گناه را درک کرد و فهمید که شبیه یک انسان گناهکار بودن یعنی چه.
- (d) از آن طریق مسیح به ما یک نمونه کامل داد.

۸- یکی از مفاهیم عملی مرگ مسیح، مصلوب شدن نفس است. منظور این است که تمام اشخاصی که به مسیح تعلق دارند باید:

- (a) به دلیل گناهانشان، شخصاً مرگ را تجربه کنند.
- (b) طبیعت گناه‌آلود خود را مصلوب کنند، چون نجات فقط از طریق داشتن یک زندگی مقدس، امکان پذیر است.
- (c) درک کنند که مسیح بوسیله مرگ خود، طبیعت گناه‌آلود را از آنها دور کرده و آنها کاملاً مقدس هستند.

۹- رستاخیز مسیح مهم است چون:

(a) ثابت می‌کند که خدای پدر قربانی مسیح را به عنوان کفاره گناهان ما پذیرفته است.

(b) الوهیت مسیح را ثابت می‌کند.

(c) تضمین می‌کند که امکان ندارد مسیحیان لغزش بخورند.

(d) مسیح امروز کاهن اعظم ما است و در حضور خدای پدر برای ما شفاعت می‌کند.

(e) به ایمانداران این اطمینان را می‌دهد که آنها نیز در هنگام بازگشت مسیح از مردگان قیام خواهند کرد.

۱۰- صعود و جلال یافتن مسیح از اهمیت برخوردار هستند، چون

(a) شروع قسمت جدیدی از خدمت مسیح است. او به عنوان خدای حاکم و قادر، کلیسا را بنا و از آن محافظت می‌کند و در همه جا حضور دارد.

(b) پایان کار مسیح برای انسان‌ها است.

(c) شروع پرستش واقعی روحانی است.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۹) فقط پاسخ «d» غلط است

۱) عقلانی، جسمی، روحانی و اجتماعی. عیسی در همه این قسمت‌ها رشد کرد.

۱۰) d - c - a صحیح هستند.

۲) b - a صحیح هستند

۱۱) d - c - a صحیح هستند.

۳) a ۴

b ۵

c ۱

d ۳

e ۲

۱۲) پاسخ انتخابی شما

۴) او پرستش دیگران را قبول کرد. گناهان را بخشید، مردگان را زنده کرد و اجازه داشت که تمام انسان‌ها را داوری کند.

۱۳) d - c - a صحیح هستند.

۵) او قدوسیت خود را بوسیله گناه نکردن نشان داد و محبت خود را بوسیله فروتنی، مهربانی، خدمت، بخشندگی، رابطه نزدیکی با خدای پدر و طریق‌های بسیار دیگر.

۱۴) فقط e - a غلط هستند.

۶) مسیح خودش محدودیت‌های انسانی را پذیرفت تا بتواند مأموریت خود را انجام دهد و برای انسان گناهکار بمیرد.

۱۵) صعود اشاره به واقعه‌ای می‌کند که طی آن مسیح با بدن جلال یافته خود به آسمان بازگشت. جلال یافتن اشاره می‌کند که مسیح به دست خدا با جلال و اکرام نشسته است.

۷) صفات اخلاقی مسیح: قدوسیت و محبت؛ صفات ذاتی مسیح: حکمت، قدرت مطلق، علم مطلق، حضور مطلق و جاودانگی. مقایسه نشان می‌دهد که اینها همان صفات خدا هستند.

۱۶) فقط $h - b$ غلط هستند.

۸) a) کلمه (یوحنا ۱: ۱۴)

b) پسر خدا (یوحنا ۱۰: ۳۶)

c) ماشیح، مسیح، مسح شده (اعمال ۲: ۳۶)

d) عمانوئیل (اشعیا ۷: ۱۴)

e) خداوند (لوقا ۲: ۱۱).

روح القدس: مدیری دانا

آیا تابحال فکر کرده‌اید که چرا مسیح به شاگردانش گفت: «و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است» (یوحنا ۱۶:۷)؟ علت این بود که مسیح در آن زمان به دلیل محدودیت‌های انسانی نمی‌توانست در یک زمان در بیش از یک مکان باشد. با این وجود، او می‌دانست که بعد از آمدن روح القدس، دیگر محدودیتی وجود نخواهد داشت و او می‌توانست در هر مکانی که بخواهد باشد و هر کاری که بخواهد بکند.

بنابراین، از طریق روح القدس، خدا نه تنها به ما مأموریت می‌دهد، بلکه در ما ساکن می‌گردد و قدرت می‌دهد تا آن مأموریت را انجام دهیم. او در ما ساکن می‌شود و ما را هدایت می‌کند، با ما مشارکت دارد و آرامی می‌بخشد و برای تمام نیازهای روحانی به ما قدرت می‌بخشد.

در درس گذشته نقشه خدا را برای رهایی انسان مطالعه کردیم و دیدیم که مسیح انسان‌ها (چه مرد و چه زن) را آنقدر دوست دارد که خود را فروتن کرد و انسان شد. اکنون در مطالعه درباره روح القدس باز هم همان محبت عمیق نسبت به انسان‌ها و همان خصوصیات و صفات عالی را شاهد خواهیم بود.

در حین مطالعه این درس، دعای من این است که بیش از قبل، شخصیت و کار روح القدس را درک کرده، تحت تأثیر آن قرار گیرید. در نتیجه، رابطه شخص شما با او قوی‌تر خواهد شد و بر خدمت شما به دیگران تأثیر خواهد گذاشت (دوم قرنتیان ۱۸:۳).



فهرست مطالب

الوهیت روح القدس
شخصیت روح القدس
خدمت روح القدس

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس قادر خواهید بود که:
- دلایلی را درباره الوهیت روح القدس بیان کنید.
 - خصوصیات شخصیتی روح القدس را بیان کنید و درباره اهمیت آنها توضیح دهید.
 - خدمت روح القدس را در ارتباط با بی ایمانان، ایمانداران و کلیسا بیان کنید.
 - ثمره روح را در زندگی روزانه خود رشد و توسعه دهید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- درس را مطالعه کنید. آیات داده شده را حتماً از روی کتاب مقدس مطالعه کنید. چون برای درک بهتر درس ضروری است.

- ۲- به خودآزمایی آخر درس پاسخ دهید و جواب‌های خود را مقایسه کنید.
۳- درس‌های ۱ الی ۴ را دوره کنید و به آزمون میانی شماره ۱ پاسخ دهید.

متن درس

الوهیت روح القدس

در درس اول، در ارتباط با ماهیت خدا، درباره خصوصیات ذاتی او که در زیر ذکر شده است، سخن گفتیم:

- | | |
|--------------------|--------------------------|
| ۱- خدا روح است. | ۴- او خدای تثلیث است. |
| ۲- خدا واحد است. | ۵- خدا ازلی و ابدی است. |
| ۳- خدا شخصیت دارد. | ۶- خدا تغییر ناپذیر است. |

همچنین دیدیم که این خصوصیات به‌طور یکسان برای خدای پدر، پسر و روح القدس بیان شده است. سه شخصیت تثلیث در جلال و عظمت با یکدیگر برابر و سهیم هستند. چون هر سه شخصیت تثلیث در این خصوصیات سهیم هستند، این مطالب را مجدداً در مورد مسیح تکرار نکردیم و در ارتباط با روح القدس نیز احتیاج به انجام چنین کاری نیست. با این وجود، می‌خواهیم به‌طور خلاصه این حقیقت را عنوان کنیم که روح القدس، خدای حقیقی است و دارای صفات شخصیتی متمایزی است. ابتدا، درباره الوهیت روح القدس بررسی خواهیم کرد.

الوهیت روح القدس بوسیله صفات او، رابطه‌اش با سایر شخصیت‌های تثلیث، اسامی الهی که به او داده شده است و اعمالی که انجام می‌دهد ثابت می‌گردد.

صفات الهی

روح القدس دارای خصوصیات طبیعت الهی است. برای مثال، او ازلی و ابدی است به این معنا که «از نظر زمانی نامحدود است، بدون آغاز و بدون پایان، بی‌هیچ

محدودیتی»، و این همچنین یکی از صفات ذاتی خدا است. نویسنده رساله به عبرانیان بیان می‌کند که او «روح ازلی» (عبرانیان ۱۴:۹) است. ابدی و ازلی بودن همان صفتی است که برای بیان جاودانی بودن خدای پدر و عیسی مسیح، پسر خدا در جاهای دیگر بکار رفته است.

روح القدس نیز دارای صفات الهی زیر است:

- ۱) او در همه جا حضور دارد (حضور مطلق). داود پادشاه در مزمور خود می‌گوید «از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟» (مزمور ۱۳۹:۷-۱۰).
- ۲) او از همه چیز آگاهی دارد (دانای مطلق). پولس رسول این صفت الهی را برای ایمانداران قرن‌س چنین توضیح می‌دهد: «... زیرا که روح همه چیز حتی عمق‌های خدا را نیز تفحص می‌کند» (اول قرنتیان ۲:۱۰-۱۱). به علاوه، آن شخصی که از افکار و عمیق‌ترین اسرار خدا باخبر است، اراده او را نیز می‌داند و به ما کمک می‌کند تا مطابق اراده خدا دعا کنیم (رومیان ۸:۲۶-۲۷).
- ۳) او تمام قدرت را در اختیار دارد (قادر مطلق). روح القدس قدرت دارد که بدون هیچ محدودیتی آنچه را خدا اراده کرده است، به انجام رساند (لوقا ۱:۳۵؛ اعمال ۱:۸).

۱- صفات الهی روح القدس را با توضیح آن منطبق کنید.

- a) آزاد بودن از هرگونه محدودیت زمانی
 - b) پر کردن تمام کائنات به گونه‌ای که در همه جا حضور دارد
 - c) توانایی روح القدس در انجام دادن هر آنچه خدا اراده کند بدون هیچ محدودیتی
 - d) علم و دانش نامحدود
- ۱) قادر مطلق
 - ۲) دانای مطلق
 - ۳) حاضر مطلق
 - ۴) ازلی و ابدی بودن

اسامی الهی

زمانی که پطرس درباره فریب حنانيا سخن گفت، به نکته قابل توجهی اشاره کرد که دروغ گفتن حنانيا به روح القدس در واقع دروغ گفتن به خدا بود (اعمال ۵: ۱-۴). بنابراین پطرس رسول الوهیت را به روح القدس نسبت می دهد. پولس بر این حقیقت تأکید می کند که روح القدس خداوند است و به وسیله اوست که ما بتدریج به شباهت مسیح در می آییم (۲ قرنتیان ۳: ۱۷-۱۸). در زمان پولس الوهیت فقط به خدا نسبت داده می شد. در واقع، در آن زمان امپراطورهای رومی و حاکمان مصری اجازه نداشتند از این لقب برای خود استفاده کنند، مگر اینکه به طور رسمی به این مقام خداوندی برسند. این نشان می دهد که وقتی پولس از روح القدس به عنوان خداوند سخن می گوید، الوهیت او را درک کرده است.

۲- کدامیک از موارد کتاب مقدسی زیر را می توان برای اثبات الوهیت روح القدس استفاده کرد؟

- a) پولس رسول به روح القدس به عنوان خداوند اشاره می کند.
- b) مسیح به روح القدس به عنوان مشاور و هدایت کننده اشاره می کند.
- c) اشعیا به روح خداوند اشاره می کند.
- d) پطرس بیان می کند که دروغ گفتن به روح القدس، دروغ گفتن به خدا است.

اتحاد و پیوستگی الهی

بعضی از آیات کتاب مقدس الوهیت روح القدس را بوسیله اتحاد الهی او آشکار می کنند. در دو نمونه ای که در زیر بیان شده است، معاشرت روح القدس با سایر شخصیت های تثلیث دیده می شود. در اینجا برابری شخصیت های تثلیث را در الوهیت شاهد هستیم.

(۱) متی ۱۹:۲۸ - نحوه تعمید دادن: «... ایشان را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید.»

(۲) دوم قرنتیان ۱۴:۱۳ - دعای برکت رسولان: «فیض خداوندان عیسی مسیح و محبت خدای پدر و شراکت روح القدس»

(۳) اول قرنتیان ۱۲- در این باب، کلیسا به عنوان بدن مسیح معرفی شده است (آیه ۲۷). علاوه بر این خدا در کلیسا اشخاصی را تعیین کرده که در توسعه و رشد کلیسا کمک می کنند (آیه ۲۸) و روح القدس با اقتدار عطایا را به این افراد می بخشد (آیه ۱۱). این معاشرت و اتحادی که در اینجا دیده می شود، فقط می توان به این طریق توضیح داد که هر سه شخصیت تثلیث در ذات و وجود برابر و یکسان هستند. فقط بر اساس مساوات است که روح القدس می تواند از اختیارات الوهیت استفاده کرده، عطایای روحانی را مطابق اراده خود تقسیم کند (اول قرنتیان ۱۲: ۴-۶ و ۱۱).

(۴) در اعمال رسولان ۲۸: ۲۵-۲۸، پولس رسول بینش و بصیرت مفیدی درباره این مطلب به ما می دهد. او می گوید که روح القدس سخنانی را که در اشعیا ۹: ۶-۱۰ نوشته شده، بیان کرده است، در صورتی که مطابق کتاب اشعیا این سخنان را خدا گفت. این دو قسمت را با یکدیگر مقایسه کنید. این مقایسه نشان می دهد که چون روح القدس نماینده خدای پدر است، از جانب پدر روی زمین عمل می کند. مثال زیر مطلب فوق را بهتر آشکار می کند: روح القدس اشخاص را بسوی مسیح هدایت می کند (یوحنا ۶: ۴۴)، حقیقت را آشکار می کند (یوحنا ۱۴: ۲۶؛ ۱۶: ۱۳) و ایمانداران را هدایت می کند (رومیان ۸: ۱۴).

(۵) پیدایش باب اول - همکاری و عمل خدای پدر، پسر و روح القدس در پیدایش ۲۶: ۱ دیده می شود. در آنجا خدا می گوید: «انسان را شبیه خود بسازیم.» استفاده از ضمیر جمع نشان دهنده حضور شخصیت های تثلیث در خدای واحد است. که در درس اول درباره آن سخن گفتیم. این امر دلالت بر این واقعیت می کند که هر سه شخصیت در عمل خلقت شرکت داشتند.

قسمت‌هایی از کتاب مقدس که در مورد ارتباط روح القدس با سایر شخصیت‌های تثلیث بیان گردید، نشان می‌دهد که بر اساس کتاب مقدس روح القدس در الوهیت با پدر و پسر برابر و یکسان است.

۳- آیات ذکر شده از کتاب مقدس (در ستون سمت راست) با دلایلی که الوهیت روح القدس را ثابت می‌کنند (در ستون سمت چپ) منطبق کنید.

- | | |
|-----------------------------------|---|
| (a) اعمال ۲۸:۲۵-۲۸ و اشعیا ۹:۶-۱۰ | (۱) وجود شخصیت‌های تثلیث در خدای واحد در کار آفرینش |
| (b) اول قرنتیان ۱۲ | (۲) کار روح القدس در زمین |
| (c) دوم قرنتیان ۱۳:۱۴ | (۳) اقتدار الهی |
| (d) پیدایش باب اول | (۴) برابری شخصیت‌های تثلیث در الوهیت |
| (e) متی ۱۹:۲۸ | |

شخصیت روح القدس

اجزاء اصلی شخصیت

در درس اول دیدیم که اجزاء اصلی شخصیت عبارتند از: (۱) عقل (توانایی فکر کردن)؛ (۲) احساس (توانایی احساس کردن)؛ (۳) اراده (توانایی تصمیم گرفتن). اکنون آیات کتاب مقدس را در رابطه با روح القدس بررسی نموده، خواهیم دید که این اجزاء چگونه در مورد او بکار رفته است.

کتاب مقدس به‌طور واضح و صریح درباره شخصیت روح القدس سخن می‌گوید. پولس رسول در سخنان خود درباره زندگی در روح، گفتار خود را با اشاره به «فکر روح» به پایان می‌رساند (رومیان ۸:۲۷) که آشکار کننده توانایی عقلانی روح القدس است. پولس رسول همچنین درباره احساس روح سخن می‌گوید (رومیان ۱۵:۳۰) و به توانایی روح القدس در احساس کردن اشاره می‌کند که در این مورد منظور احساس محبت و

توانایی احساس کردن است. بالاخره، پولس با ایمانداران قرن‌تس درباره اعمال مقتدرانه روح‌القدس در بخشیدن عطایا به ایمانداران مطابق رأی خود سخن می‌گوید که نشان‌دهنده اراده روح‌القدس است (اول قرن‌تس ۱۱:۱۲). این آیات نشان می‌دهند که روح‌القدس اجزاء و خصوصیات اساسی یک شخصیت را دارا است.

۴- در این تمرین اجزاء و خصوصیات اصلی شخصیت را (در ستون سمت چپ) با توضیح صحیح آنها (در ستون سمت راست) منطبق کنید.

(۱) عقل	(a) توانایی تصمیم‌گیری
(۲) احساس	(b) توانایی فکر کردن، دلیل آوردن و فهمیدن
(۳) اراده	(c) توانایی احساس کردن، بیان‌کننده احساسات

دیگر عناصر شخصیت

علاوه بر اجزای اصلی شخصیت، عناصر دیگری نیز وجود دارند که به ما در درک شخصیت کمک می‌کنند و عبارتند از:

(۱) شراکت شخصی، (۲) اعمال شخصی، (۳) نام‌های شخصی، (۴) ضمائر شخصی و (۵) رفتارهای شخصی. تمام این خصوصیات در مورد روح‌القدس نیز، همانطوری که خواهیم دید، صدق می‌کند.

۱- شراکت شخصی. قبلاً بیان کردیم که هنگام تعمیم آب و دعای برکت رسولان از روح‌القدس در کنار پدر و پسر نام برده شده است. این شراکت بین سه شخص تثلیث، دلالت بر شخصیت روح‌القدس می‌کند. آیا چنین دستوری احمقانه به نظر نمی‌رسد که شخص را به نام پدر، پسر و «نیرو»، «دم»، «قدرت» یا «باد» تعمیم دهند (متی ۱۹:۲۸)؟ مطمئناً احمقانه خواهد بود، چون فقط یک شخصیت می‌تواند با سایر شخصیت‌ها در عمل متحد شود.

به طور قطع این پایه و اساسی بود که بر آن رسولان و رهبران در شورای اورشلیم چنین نوشتند: «زیرا که روح القدس و ما صواب دیدیم که باری بر شما ننهییم جز این ضروریات» (اعمال ۲۸:۱۵). شخصیت روح القدس آشکارا بوسیله معاشرت او با سایر شخصیت های تثلیث دیده می شود.

۲- اعمال شخصی. هنگام بررسی و مطالعه اعمال روح القدس که در کتاب مقدس بیان شده، خواهیم دید که آنها چگونه معنا و مفهوم کامل تری به شخصیت روح القدس می بخشند. تمام آیات ذکر شده را حتماً مطالعه کنید.

آیات	اعمال شخصی
دوم پطرس ۱:۲۱	روح القدس آشکار می کند، برمی انگیزاند و توانا می سازد.
اول قرنتیان ۱۰:۲	تفحص می کند.
اعمال ۲:۱۳ مکاشفه ۷:۲	سخن می گوید، اشخاص را برای خدمت دعوت می کند.
یوحنا ۱۵:۲۶	شهادت می دهد.
اعمال ۶:۷-۱۶	در خدمت کردن هدایت می کند، اغلب آنها را از انجام دادن کاری باز می دارد.
رومیان ۸:۲۶	برای ما شفاعت می کند.
یوحنا ۱۴:۲۶	تعلیم می دهد
یوحنا ۸:۱۱-۱۶	ملزم می کند.
یوحنا ۱۳:۱۶	ما را هدایت می کند.
یوحنا ۱۴:۱۶	مسیح را جلال می دهد.
یوحنا ۳:۵	به ما تولد دوباره می بخشد.

۵- اعمال ذکر شده در جدول بالا چه چیزی را درباره طبیعت روح القدس آشکار می کند؟ به این سؤال در دفتر خود پاسخ دهید.

۳- نام‌های شخصی. مسیح در شب مصلوب شدنش به شاگردانش خبر داد که آنها را ترک خواهد کرد. مسیح می‌دانست که با مرگش، شاگردانش، رهبر، تسلی‌دهنده و دلگرمی خود را از دست خواهند داد، پس به آنها گفت: «من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی‌دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد» (یوحنا ۱۴:۱۶).

بلافاصله پس از این صحبت، مسیح، روح‌القدس یعنی شخصی را که جای او را خواهد گرفت معرفی می‌کند (یوحنا ۱۴:۲۶). همچنین، مسیح آنها را مطمئن می‌سازد که به همان صورتی که او آمد تا پدر را آشکار سازد، روح‌القدس نیز مسیح و اراده او را برای انسان‌ها آشکار خواهد کرد (آیات یوحنا ۱۴:۱۵-۱۸ و ۲۶:۱۵ و ۱۳:۱۶-۱۵ را با یکدیگر مقایسه کنید). همچنین در کلام خدا روح‌القدس به عنوان تسلی‌دهنده معرفی شده است و به عنوان پشتیبان و مشورت‌دهنده، خدمت مسیح را ادامه می‌دهد و به انجام می‌رساند. این مسئولیت احتیاج به قوه تشخیص، احساس و شخصیتی حساس دارد تا بتواند مانند پسر خدا عمل کند.

روح‌القدس بوسیله پدر و به درخواست پسر (یوحنا ۱۵:۲۶) به منظور جلال دادن پسر و خدمت کردن به ایمانداران در نیازهای روحانی آنها فرستاده شد. روح‌القدس، روح راستی (یوحنا ۱۴:۱۷)، روح حیات (رومیان ۸:۲)، روح نعمت (عبرانیان ۱۰:۲۹)، روح پسرخواندگی (رومیان ۸:۱۵؛ غلاطیان ۴:۵-۷)، روح وعده (اعمال ۵:۱)، روح قدوسیت (رومیان ۴:۱) و وکیل مدافع (اول یوحنا ۲:۱) یا پشتیبان و تسلی‌دهنده (یوحنا ۱۴:۱۶، ۲۶) نامیده شده است.

این تسلی‌دهنده همچنین روح قدوس (افسیسیان ۳۰:۴)، روح عیسی (اعمال ۷:۱۶)، روح مسیح (رومیان ۸:۹)، روح عیسی مسیح (فیلیپیان ۱۹:۱) و روح خدا (اول یوحنا ۲:۴) نامیده شده است. اگر چه نام‌ها متفاوت هستند اما همگی به یک شخصیت اشاره می‌کنند. این نام‌های مختلف، جنبه‌های متفاوت طبیعت و کار روح‌القدس را بیان می‌کنند.

۴- ضمائر شخصی. احتمالاً متوجه شده‌اید که باب‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶ انجیل یوحنا به‌طور خاص درباره روح القدس است. مهم است بدانیم که یوحنا برای اینکه همه توجه‌ها را به طرف شخصیت روح القدس جلب کند، از ضمائر شخصی استفاده می‌کند. برای مثال، ضمیر مذکر "ekeinos" که در یوحنا ۱۳:۱۶ بکار رفته به روح القدس اشاره می‌کند و نشان‌دهنده شخصیت او است. این همان ضمیری است که در اول یوحنا ۲:۶؛ ۳:۳، ۵، ۷ و ۱۶ برای عیسی بکار برده شده است.

۵- رفتارهای شخصی. بالاخره، این حقیقت که روح القدس می‌تواند مفعول رفتارهای شخصی قرار بگیرد نیز به شخصیت او اشاره می‌کند. کتاب مقدس نشان می‌دهد که او می‌تواند مورد امتحان قرار گیرد (اعمال ۹:۵)، محزون شود (افسیان ۳۰:۴)، به او دروغ گفته شود (اعمال ۳:۵)، مورد کفر و مخالفت قرار گیرد (متی ۱۲:۳۱-۳۲)، با او مقاومت شود (اعمال ۵:۷) و بی‌حرمت گردد (عبرانیان ۱۰:۲۹). یک قدرت یا نیروی غیر شخصی نمی‌تواند مفعول چنین رفتاری قرار بگیرد و قادر نخواهد بود به چنین رفتارهایی پاسخ دهد.

۶- کدامیک از اصطلاحات زیر را می‌توان در رابطه با روح القدس بکار برد؟

(a) پشتیبان و مشاور

(b) هدایت کننده

(c) قدرتی که دارای شخصیت نیست.

(d) او (He)

(e) وجود الهی

(f) وکیل مدافع

(g) آن (It)

(h) شخصی که امتحان می‌شود

(i) شخص

(j) تعلیم دهنده

(k) دارای عقل و خرد

(l) حاکم و مقتدر

(m) شخصی که احساس دارد

(n) شخصی که می‌تواند مورد بی‌حرمتی قرار گیرد

مهم است که شخصیت روح‌القدس را بشناسیم و درک کنیم. زمانی که درک می‌کنیم که او یک شخصیت متمایز در تثلیث است، آنگاه می‌فهمیم که او شایسته پرستش، وفاداری، محبت و احترام ما است. تفکر ما باید این باشد که به او اجازه دهیم وجود ما را پر سازد و از ما برای جلال خود استفاده کند.

خدمت روح‌القدس

قبلاً یک جنبه از خدمت روح‌القدس را دیدیم، زمانی که با پدر و پسر در کار آفرینش همکاری می‌کرد. در ارتباط با این خدمت روح‌القدس، سراینده مزمور چنین می‌گوید: «چون روح خود را می‌فرستی آفریده می‌شوند و روی زمین را تازه می‌گردانی» (مزمور ۱۰۴: ۳۰). همانطور که توجه کردید، این آیه از عملکرد روح‌القدس در محافظت و نگهداری از خلقت خود نیز سخن می‌گوید.

زمانی که اشعای نبی درباره قدرت بی‌نهایت عظیم خدا در خلقت و محافظت (هدایت و مواظبت الهی)، بحث می‌کند، می‌گوید: «کیست که روح خداوند را قانون داده یا مشیر او بوده او را تعلیم داده باشد؟» (اشعیا ۴۰: ۱۳). با در نظر گرفتن این سؤال می‌توانیم به محدودیت توانایی بشر در درک اسرار خدا پی ببریم. بنابراین در پاسخ به این سؤال فقط می‌توانیم بگوییم که قادر نیستیم که روح‌القدس را کاملاً درک کنیم، اما می‌توانیم از طریق حضور او لمس شویم، برکت بیابیم، هدایت گردیم و بوسیله قدرت او توانا شویم. همچنین همانطور که تأثیرات باد قابل مشاهده است، می‌توانیم تأثیرات خدمت روح‌القدس را نیز ببینیم، اگر چه راز آن را نمی‌دانیم (یوحنا ۳: ۸).

اگر چه انسان فانی نمی‌تواند وسعت اعمال روح غیرفانی خدا را درک کند، اما می‌تواند بعضی از خدمات عمومی روح القدس را که در کتاب مقدس آشکار شده است توضیح دهد. این قسمت‌ها یک تصویر کامل از شخصیت روح القدس و خدمت او به ما می‌دهند. در مطالعه خود، خدمت روح القدس را در ارتباط با: (۱) دنیای بی‌ایمان، (۲) اشخاص ایماندار و (۳) کلیسا به عنوان یک کل، بررسی خواهیم نمود.

در ارتباط با دنیای بی‌ایمان

علاوه بر عمل روح القدس در خلقت و محافظت، او در دنیای بی‌ایمان نیز عمل می‌کند. بر اساس انجیل یوحنا ۸:۱۶-۱۱ روح القدس انسان‌ها را نسبت به گناه، عدالت و داوری ملزم می‌کند.

۱- ملزم کردن نسبت به گناه. مسیح فرمود زمانی که روح القدس بیاید «جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. اما بر گناه زیرا که به من ایمان نمی‌آورند» (یوحنا ۸:۱۶-۹). روح القدس انسان‌ها را نسبت به گناه و ایمان نیاوردن به عیسی مسیح، ملزم خواهد کرد.

۲- ملزم کردن نسبت به عدالت. «اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید» (یوحنا ۱۰:۱۶). این روح القدس است که برای انسان‌ها، عدالت خداوند ما عیسی مسیح و ناراستی دیگران را آشکار می‌کند. او به یاد انسان‌ها می‌آورد که به دلیل پیروزی بر گناه، خدا اکنون گناهکاران را عادل اعلام می‌کند و آنها را قادر می‌سازد تا از طریق ایمان به او عادل شوند.

۳- ملزم کردن نسبت به داوری. «اما بر داوری از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است» (یوحنا ۱۱:۱۶). روح القدس از طریق نشان دادن رابطه بین مرگ مسیح و رستخیزش و داوری جهان، غیر ایمانداران را نسبت به عدالت ملزم می‌سازد. مسیح از طریق مرگ و قیام خود از مردگان، بر شیطان که محکوم به مرگ ابدی است، غالب شد.

صلیب، نشان‌دهنده پرداخت مجازات گناه، مهیا شدن کفاره برای اشخاصی که ایمان می‌آورند و از بین رفتن قدرت گناه و شیطان در زندگی آنها است.

از تعلیم مسیح درباره خدمت روح‌القدس (یوحنا ۱۴:۱۶-۱۷، ۲۶:۱۵؛ ۲۶:۱۶-۱۵) می‌توانیم چنین نتیجه بگیریم که در غیاب خداوندان مسیح بر روی زمین و از جانب خدای پدر، روح‌القدس به بی‌ایمانان شهادت می‌دهد. او بی‌ایمانان را نسبت به گناه ملزم و به سوی مسیح جلب می‌کند (یوحنا ۶:۴۴). سپس فکر ایمانداران را نسبت به مسئولیت روحانی آنها روشن می‌کند (اول یوحنا ۹:۱).

۷- کدامیک از مثال‌های زیر نشان‌دهنده چگونگی خدمت روح‌القدس به دنیای بی‌ایمان است.

(a) روح‌القدس به شخص گناهکار نشان می‌دهد که تنها طریق عادل شدن، ایمان آوردن به کفاره مسیح است.

(b) روح‌القدس از طریق حضورش در جهان، پیروزی نهایی بر شیطان را بدست می‌آورد.

(c) روح‌القدس با آشکار کردن این حقیقت که مسیح مجازات گناهان را یکبار برای همیشه پرداخت کرده است، می‌تواند بی‌ایمانان را نسبت به داوری ملزم کند.

(d) روح‌القدس بی‌ایمانان را نسبت به گناه ملزم می‌کند.

در ارتباط با اشخاص ایماندار

کمک روح‌القدس

خدمت روح‌القدس به ایمانداران را در دو دسته بررسی می‌کنیم: (۱) کمک روح‌القدس و (۲) تعمید روح‌القدس. مسیح به شاگردانش گفت که رفتن او برای آنها بهتر است، چون بعد از آن روح‌القدس به آنها کمک خواهد کرد (یوحنا ۱۶:۷).

روش‌های مختلفی که روح القدس برای کمک به ایمانداران استفاده می‌کند، باعث حیرت و تعجب من می‌شود.

۱) ما از طریق عمل روح القدس به مسیح ایمان می‌آوریم. ما نیز همانند بی‌ایمانان از نظر روحانی مرده بودیم، اما زمانی که با توبه و ایمان به سوی خدا آمدیم از نظر روحانی زنده شدیم و خلقتی تازه پیدا کردیم (دوم قرنتیان ۵:۱۷). بوسیله روح خدا از سر نو تولد یافتیم و یک طبیعت تازه پیدا کردیم. دانشمندان الهیات این تجربه را «تولد تازه» می‌نامند (یوحنا ۳:۵-۷؛ افسسیان ۲:۵ و تیتس ۳:۵).

۲) روح القدس به ما قدرت می‌دهد تا درباره مسیح شهادت دهیم (اعمال رسولان ۸:۱). زمانی که تصمیم می‌گیریم خبر خوش انجیل را به دیگران اعلام کنیم، مشکلاتی بروز می‌کند. شرایط، انسان‌ها و روح‌های شریر سعی می‌کنند، مانع کار ما شوند. برای پیروز شدن بر تمام این موانع احتیاج به قدرت ویژه‌ای داریم. روح خدا منبع و منشأ قدرتی است که برای دادن شهادت مؤثر به آن محتاجیم.

۳) روح القدس به ما تعلیم می‌دهد (یوحنا ۱۴:۲۶؛ ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۱۳). من شاید تحصیلات بالایی نداشته باشم، اما وقتی برای دریافت کمک به روح القدس رو می‌آورم، او مرا تعلیم می‌دهد. او اکنون نیز مشتاق است که حقایق الهی را برای من و سایرین آشکار سازد (اول قرنتیان ۱۲:۲-۱۴).

۴) روح القدس برای ما نزد پدر شفاعت می‌کند. منظور این است که او احتیاجات ما را به حضور پدر آسمانی می‌برد. آیا تا بحال شده است که در موقعیت‌های خاص ندانید چگونه باید دعا کنید؟ من این تجربه را داشته‌ام. گاهی اوقات احساس می‌کنیم که نمی‌توانیم دعا کنیم. در چنین لحظاتی می‌توانیم روی دعای روح القدس حساب کنیم. (رومیان ۸:۲۶)

۵) روح القدس روز به روز ما را به سوی پیروزی و شبیه شدن به مسیح هدایت می‌کند. زمانی که تولد تازه پیدا می‌کنیم و روح القدس بر زندگی ما حاکم می‌گردد، متوجه می‌شویم که از دو طبیعت برخوردار هستیم: یکی در ارتباط با جنبه طبیعی یا

جسمی و دیگری در ارتباط با بُعد روحانی. متوجه می‌شویم که بدن ما هنوز تحت تأثیر وسوسه‌های نفس قرار می‌گیرد. تنشی که در درون خودمان بین نیکویی و بدی تجربه می‌کنیم در رومیان باب ۷ توضیح داده شده است. در این باب پولس می‌گوید: «زیرا می‌دانم که در من یعنی در جسم هیچ نیکویی ساکن نیست زیرا که اراده در من حاضر است اما صورت نیکو کردن نی» (رومیان ۷:۱۸). در این قسمت پولس رسول اشاره‌ای به کمک روح‌القدس نمی‌کند، اما در باب ۸، نوزده بار در ارتباط با زندگی پیروزمند از روح‌القدس نام می‌برد. حاکمیت و کنترل روح‌القدس در زندگی مسیحی، کلید پیروزی بر گناه است. روح‌القدس عامل رشد روحانی ما است و می‌خواهد به ما نشان بدهد که چگونه بر طبیعت نفسانی خود غالب شویم (رومیان ۸:۱-۱۴).

جایگاه و اهمیتی که در زندگی خود به روح‌القدس می‌دهیم، تعیین‌کننده خصوصیات اخلاقی ما است. انسان با یک سری رفتارهای ثابت و مشخص متولد نمی‌گردد. خصوصیات اخلاقی، نتیجه رفتارهایی هستند که همیشه آنها را تکرار می‌کنیم. خصوصیات اخلاقی انسان‌های نفسانی که فقط برای لذت جسم خود زندگی می‌کنند، منظره تأثرآور و رقت‌انگیزی دارد. اما خصوصیات اخلاقی اشخاص ایماندار که اجازه می‌دهند روح‌القدس زندگی آنها را هدایت کند، همانطور که خواهیم دید کاملاً متفاوت است. راه حلی که بوسیله پولس رسول بیان می‌گردد این است که «اما می‌گویم به روح رفتار کنید پس شهوات جسم را بجا نخواهید آورد» (غلاطیان ۵:۱۶).

۶) روح‌القدس در زندگی مسیحیان ثمره روح را تولید می‌کند. یکبار دوستی از من پرسید که چرا گروهی از مردم که ادعا می‌کنند رابطه بسیار نزدیکی با روح‌القدس دارند، روحانیت خود را به رخ دیگران می‌کشند و فخر می‌فروشند. او می‌گفت نمی‌تواند تصور کند که روح‌القدس به خود بیبالد و فخر کند. من کاملاً با او موافق هستم. برای دوری و اجتناب از شهوانیت و غرور، احتیاج داریم که در روح قدم بزنیم.

قدم زدن در روح با بیانی ساده این است که شخص کاملاً به روح‌القدس اعتماد کند و ایمان داشته باشد که روح‌القدس قادر است در تمام جنبه‌های زندگی نیازش را برآورده سازد. اگر چه وعده یک زندگی کامل و بدون گناه به ما داده نشده، اما زمانی

که از روح القدس پر هستیم و بوسیله او کنترل می شویم به گونه حیرت آوری تغییر می یابیم و به جای دیده شدن اعمال طبیعت نفسانی (غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱)، ثمره روح در ما دیده می شود، یعنی: «محبت، خوشی، سلامتی، حلم، مهربانی، نیکویی، ایمان، تواضع و پرهیزکاری» (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳). این خصوصیات و ثمره در واقع صفات روح القدس است. باید به دقت، رفتارها، روابط و اعمال خود را مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم آیا ثمره روح در آنها دیده می شود یا فاقد آن هستند.

۸- شش روشی را که روح القدس به ایمانداران کمک می کند، توضیح دهید.

- (a) تولد تازه:
- (b) شهادت دادن:
- (c) تعلیم دادن:
- (d) شفاعت کردن:
- (e) هدایت نمودن:
- (f) ثمره روح:

تعمید روح القدس

در کتاب مقدس، رابطه بین روح القدس و ایمانداران بوسیله چند اصطلاح توضیح داده شده است. یکی از آنها، همانطور که قبلاً دیدیم، اصطلاح تعمید به معنی «غسل دادن» است (متی ۳: ۱۱؛ اعمال ۵: ۱). زمانی که شخصی تعمید می گیرد چه اتفاقی می افتد؟ او کاملاً خیس می شود و آب او را کاملاً فرا می گیرد! چقدر پر جلال است دانستن اینکه چنین امکانی وجود دارد که خدا وجود خالی ما را به طور کامل با حضورش پر سازد! اصطلاح دیگری که برای بیان رابطه بین ایمانداران و روح القدس بکار می رود «پری» است (اعمال ۲: ۴؛ ۳۱: ۴). زمانی که کاسه ای پر است دیگر ظرفیت بیشتری ندارد. به همین صورت، روح القدس می خواهد به قدری از قدرت و جلال خودش را به ما بدهد که دیگر گنجایش بیشتر از آن را نداشته باشیم. در نتیجه قدرت، حکمت

و مسح لازم برای خشنود کردن خدا و خدمت مؤثر در بدن مسیح را بدست خواهیم آورد. می‌توانیم مانند مسیحیان اولیه در موقعیت‌های مختلف از روح القدس پر شویم. همانطور که به تدریج ظرفیت ما بیشتر می‌شود، روح القدس به پر کردن ما ادامه می‌دهد تا مراحل جدیدی از پری و مسح الهی را تجربه کنیم. به ایمانداران نصیحت شده است که «از روح پر شوید» (افسیان ۱۶:۵).

سومین طریق این رابطه عبارت است از ریزش روح القدس بر ما (یوئیل ۲۸:۲-۲۹). یوئیل درباره آن باران پائیزی صحبت می‌کند که تمام کشاورزان در اسرائیل منتظر و مشتاق آن بودند، چون باعث رشد کامل غلات آنها برای زمان درو می‌شد. ما نیز باید مشتاق و منتظر بارش روح القدس بر زندگی و کلیسای خود باشیم تا بتوانیم از تمام توانایی خود برای نشان دادن جلال خدا استفاده کنیم.

عهد جدید اشاره می‌کند که برای شروع کار مخصوص روح القدس در زندگی ما باید یک تجربه شخصی و اولیه داشته باشیم. اما نباید این تعمید اولیه را به عنوان نقطه اوج رابطه داشتن و قدم زدن در روح پنداشت.

در کتاب اعمال رسولان شاهد هستیم که ایمانداران بعد از تعمید اولیه (اعمال باب ۲) باز هم تجربیات دیگری از پری دوباره داشتند (اعمال ۳۱:۴). با شروع زندگی در روح، آنها با روح القدس قدم زده و از نظر روحانی رشد می‌کردند. برای مثال دوم قرنتیان ۱۸:۳، رومیان ۲۹:۸ و دوم پطرس ۱۸:۳ را با یکدیگر مقایسه کنید. این رابطه باید روز به روز بهتر و زیباتر شود و با گذشت زمان شاهد رشد روحانی باشیم. بعد از اینکه روح القدس کار نیکوی خود را در ما آغاز کرد، اگر با او قدم بزنیم و اجازه بدهیم زندگی ما را کنترل کند، او کار خود را در ما به کمال خواهد رساند (فیلیپیان ۶:۱).

۹- برای تکمیل جملات زیر یکی از اصطلاحات «تعمید»، «پری»، و «ریزش» را بکار ببرید.

(a) از دیدگاه الهی، تعمید در روح در روح دیده می‌شود.

- (b) ایماندارانی که تعمید روح نگرفته و مشتاق مرحله اولیه زندگی در روح هستند، احتیاج به روح دارند.
- (c) اصطلاحی که اشاره به ظرفیت ایمانداران برای روح القدس می کند، است.

سمبول های روح القدس

مطالعه تعلیم کتاب مقدس درباره روح القدس را نمی توان بدون اشاره به سمبول های کتاب مقدسی روح القدس که بیان کننده جنبه های مختلف کار روح است، پایان داد. مطالعه قسمت هایی از کتاب مقدس که در جدول زیر آمده است، نشان می دهد که سمبول های روح القدس چگونه بکار رفته اند.

آیه	سمبول	توضیح
(۱) متی ۱۱:۳	آتش	آتش هر آنچه را که ناپاک است می سوزاند و از بین می برد.
(۲) متی ۱۶:۳	کبوتر	نشان دهنده نجات و ملایمت است.
(۳) اول پادشاهان ۱۶:۱۹ اول یوحنا ۲:۲۰	روغن مسح مسح شدن بوسیله روح القدس	در عهدعتیق اغلب پادشاهان و انبیا را به عنوان نشان دادن تأیید خداوند برای خدمتشان، با روغن مسح می کردند.
(۴) لوقا ۱۳:۱۱	بخشش، عطا	روح القدس، بخشش و عطای خدا است برای ما.
(۵) یوحنا ۳۷:۷-۳۹	نهرهای آب زنده	روح القدس وجود ما را با حیات و زندگی جدید پر می سازد.
(۶) دوم قرن ۲۲:۱ افسیان ۱۳:۱-۱۴	مهر یا بیعانه	روح القدس به عنوان ضمانتی برای زندگی جاودانی با پدر به ما داده شده است.
(۷) یوحنا ۲۰:۲۲ حزقیال ۹:۳۷، ۱۴	دم (نفس) باد	روح القدس نفس خدا است که به ما زندگی می بخشد.

- ۱۰- در دفتر خود این سمبول ها را بنویسید و بیان کنید که چگونه می توانید در زندگی تان از مفاهیمی که برای هر کدام بیان شد برای خدمت بهتر و مؤثرتر به خدا

استفاده کنید. این تمرین به شما کمک می‌کند تا حقایق بیشتری درباره کار روح‌القدس در زندگی خودتان و خوشی روح درک کنید.

در ارتباط با کلیسا

مطالعه ما درباره روشهای خدمت روح‌القدس به دنیای بی‌ایمان و اشخاص ایماندار زمینه مناسبی فراهم کرد تا درباره خدمت روح‌القدس به بدن مسیح به عنوان یک مجموعه سخن بگوییم.

در دوران عهدعتیق، خدمت روح‌القدس در بین قوم خدا بیشتر از طریق اشخاصی که روح آنها را برای انجام خدمت مخصوصی مسح می‌کرد، دیده می‌شد. در دوران عهدجدید این خدمت بسیار واضح‌تر است، چون فقط محدود به گروهی خاص از ایمانداران نمی‌گردد. اکنون می‌خواهیم ببینیم چرا و چگونه خدمت روح‌القدس در عهدجدید با عملکرد او در دوران عهدعتیق متفاوت است.

هنگامی که مسیح تعمید آب می‌گرفت، یحیی تعمیددهنده، او را به عنوان شخصی که با روح‌القدس تعمید خواهد داد، معرفی کرد (یوحنا ۱: ۳۳). در نتیجه کار رهایی‌بخش مسیح، این امکان برای پیروانش فراهم شد تا تعمید روح‌القدس بگیرند. روح‌القدس به عنوان نماینده مسیح همیشه با ایمانداران می‌ماند (یوحنا ۱۴: ۱۶). مسیح بعد از قیام از مردگان به شاگردانش گفت که به زودی در روح‌القدس تعمید خواهند گرفت و قدرت خواهند یافت (اعمال ۱: ۵ و ۸).

برخلاف مسح خاصی که در دوران عهدعتیق فقط برای انجام وظیفه مشخصی وجود داشت، در عهدجدید این تجربه تازه یعنی تعمید در روح‌القدس به ایمانداران قدرت لازم برای زندگی روحانی و خدمت مؤثر و مستمر را می‌بخشد. حضور روح‌القدس نباید مانند دوران عهدعتیق فقط به منظور انجام کاری خاص و یا شرایط ویژه‌ای محدود گردد، بلکه باید به‌طور دائم در اشخاصی که به مسیح ایمان می‌آورند، ساکن گردد (یوحنا ۷: ۳۸-۳۹؛ ۱۴: ۱۷). نتیجه این سکونت جدید و حضور پر قدرت

روح القدس، رشد سریع کلیسا بود و ایمانداران به مسیح در تجربیات و ایمان یکدیگر شریک بودند.

بنابراین در تجربه عهدجدید برای ایمانداران این امکان وجود دارد که از طریق سکونت روح القدس در آنها، بتوانند زندگی مقدس داشته و خدا را به طور شایسته خدمت کنند. آنها دیگر مانند عهدعتیق، برای زندگی کردن فقط از یک ملاک بیرونی (شریعت) که توانایی لازم برای بجا آوردن انتظارات آن را هم نداشتند برخوردار نبودند. زمانی که روح القدس در ایمانداران عضو کلیسا ساکن می گردد و فعالیت های آنها را هدایت می کند، آنها قدرت لازم را برای عملی کردن کار و اراده خدا بر روی زمین، بدست می آورند.

۱۱- تعیین کنید اعمال ذکر شده از روح القدس در زندگی مردم، مربوط به کدام دوره زمانی می گردد. این تمرین به شما در تشخیص تفاوت موجود بین خدمت روح القدس در عهدعتیق و عهدجدید کمک می کند.

a) ساکن شدن موقتی روح القدس برای بعضی از خدمات ویژه

b) ساکن شدن در تمام اشخاصی که به مسیح ایمان می آورند

c) حضور شخصی و درونی روح القدس

d) حضور غیر شخصی و بیرونی روح القدس

e) اشخاص به راحتی با پذیرش روح القدس، تعمید روح می گیرند.

f) گاهی اوقات روح القدس افراد خاصی را به دلایل ویژه ای مسح می کند.

(۱) عهدعتیق

(۲) عهدجدید

پیروان مسیح نه تنها قدرت یافتند به طور مؤثر شهادت دهند، بلکه تا از پیام انجیل دفاع کنند. این موضوع، عملی شدن مستقیم مرقس ۹:۱۳-۱۱ است. در ابتدا پطرس قدرت کافی نداشت تا از رابطه اش با مسیح حمایت کند (متی ۶۹:۲۶-۷۵). با این وجود، بعد از چند تجربه مشخص از قبیل شاهد رستائیز مسیح بودن و پر شدن از

روح القدس در روز پنطیکاست (اعمال ۲)، او جرأت پیدا کرد تا موعظه کند و با ارائه دلیل از ایمان خود دفاع کند (اعمال ۴:۸-۲۰)

به علاوه، روح القدس سفرهای بشارتی کلیسا را کنترل می‌کرد و خادمین را هدایت می‌کرد که به کدام منطقه بروند و کجا نروند (اعمال ۱۳:۲؛ ۱۶:۶-۷). از طریق هدایت الهی، مسیحیان کلیسای اولیه به مراکز مهمی دسترسی پیدا کردند که برای ادامه مأموریت کلیسا یعنی رساندن پیام انجیل به همه، ضروری بود (مرقس ۱۵:۱۶). در اولین مأموریت بشارتی کلیسا، این روح القدس بود که پولس و برنابا را برای انجام آن خدمت انتخاب کرد (اعمال ۱۳:۲).

روح القدس همچنین کلیسا را در اداره صحیح امور هدایت می‌کرد. همانطور که کلیسا رشد می‌کرد و از موانع ملیتی، فرهنگی و مذهبی عبور می‌کرد، سؤال‌های مختلفی بوجود می‌آمد که می‌بایست در هماهنگی کامل با کتاب مقدس و محبت مسیحی به آنها پاسخ داده می‌شد. تعصب و تبعیض ذاتی انسان‌ها خبر از شقاق و جدایی در بدن مسیح می‌داد، اما هدایت روح القدس باعث شد تا یعقوب و سایر رسولان بتوانند مشکل را حل کنند و مشورت عاقلانه‌ای بدهند (اعمال ۱۵:۲۸-۲۹). این امر باعث رشد هرچه بیشتر کلیسا و حاکم شدن روح اتحاد و یکدلی شد.

روح القدس، پولس و سایر رسولان را هدایت کرد تا با نوشتن رساله‌های الهامی باعث تشویق و تسلی کلیسا گردند و به آنها تعلیم و هشدارهای لازم را بدهند و قوانین انضباطی کلیسا را تعیین کنند. برای مثال پولس رسول به سؤالات ویژه‌ای که در ارتباط با نحوه رفتار اجتماعی در کلیسای قرن‌س بوجود آمده بود، پاسخ داد (اول قرن‌تین ۴۰:۷). نویسنده رساله به عبرانیان درباره تأدیب الهی به عنوان فرایندی از رشد سخن می‌گوید که بوسیله آن خدا ایمانداران را بسوی رشد روحانی رهبری می‌کند.

در فرایند رشد روحانی، روح القدس در نقش یک مدیر دانا، هر کدام از ایمانداران را با بخشیدن عطایایی که برای خدمتشان در جهان و در بدن مسیح یعنی کلیسا احتیاج دارند، آماده و مجهز می‌کند. رومیان ۴:۸-۱۲، اول قرن‌تین ۱:۱۲-۲۸ و

افسیان ۱۱:۴-۱۶ را با یکدیگر مقایسه کنید. پولس می گوید: «عملها گوناگونند، اما همان خداست که همه را در همه به عمل می آورد. ظهور روح، به هر کس برای منفعتِ همگان داده می شود» (اول قرنتیان ۱۲:۶-۷ - ترجمه هزاره نو)

بنابراین، روح القدس امکانات زیر را برای کلیسا مهیا می کند:

۱- قدرت برای بشارت دادن

۲- حکمت و دلیری لازم برای دفاع از ایمان

۳- عطایای لازم برای خدمت به بدن مسیح و تمام اعضای آن

۴- رهبرانی که کار را اداره کنند

۵- رؤیا و دید لازم برای انجام دادن مأموریت بزرگ

۱۲- توضیحات داده شده درباره خدمات روح القدس را با واکنش ایمانداران

منطبق کنید.

a) ایمانداران نسبت به نجات دیگران آگاه و مشتاق می شوند.

b) ایمانداران در کلیسا مانند یک بدن متحد عمل می کنند و هر شخص خدمت

ویژه خود را انجام می دهد.

c) ایمانداران تعمید روح القدس می گیرند.

d) ایمانداران قدرت می یابند تا از انجیل دفاع کنند.

e) ایمانداران به کتاب مقدس اعتماد می کنند و در هنگام رویارویی با مشکلات و

تصمیم گیری دعا می کنند.

۱) بهره مند شدن از قدرت اولیه برای زندگی و خدمت

۲) بخشیدن عطایا

۳) دادن دید و جهت

۴) حل کردن مشکلات

۵) بخشیدن حکمت و دلیری

آیا دقت می‌کنید که چقدر برای داشتن زندگی روحانی، قدرت یافتن، دید داشتن، خدمت مؤثر، تقویت شدن در زمان بروز تجربیات، و کار کردن برای رشد و پیروزی در زندگی شخصی، لازم است به روح القدس متکی باشیم؟ روح القدس را پرستش کنید. خواستار حضور او در زندگی خود بوده و مشتاق باشید که مطابق اراده او در روحانیت رشد کنید. همیشه در زندگی‌تان با او در ارتباط باشید و نسبت به صدا، خواسته‌ها، تأدیب‌ها و هدایت‌های او حساس و هوشیار باشید تا افکار، سخنان و رفتار روزمره شما نشان‌دهنده این امر باشد که او زندگی شما را هدایت و کنترل می‌کند. آنگاه در زندگی خود از نظر روحانی حقیقتاً کامیاب و موفق خواهید شد.

خودآزمایی

- سؤالات صحیح و غلط - جملات صحیح را با حرف (a) و جملات غلط را با حرف (b) مشخص کنید.
- (۱) خصوصیات و صفات الهی یعنی ازلی و ابدی بودن، قادر مطلق بودن، حاضر مطلق بودن و دانای مطلق بودن را می‌توان برای روح القدس بکار برد.
- (۲) اصطلاح «خداوند» که در نوشته‌های پولس وجود دارد و فقط اشاره به الوهیت می‌کند، درباره روح القدس نیز بکار رفته است.
- (۳) دعای برکت رسولان و قاعده تعمید آب نشان‌دهنده یکسان و برابر بودن خصوصیات الهی در هر سه شخصیت تثلیث است.
- (۴) روح القدس از یک وجود فاقد شخصیت و خصوصیتی شبیه باد برخوردار است.
- (۵) اعمال، اسامی، شراکت، ضمائر و رفتارهای شخصی عواملی هستند که ثابت می‌کنند روح القدس دارای شخصیت است.
- (۶) از آنجا که ما محدود و فانی و روح القدس نامحدود و جاودانی است، نمی‌توانیم درباره شخصیت و اعمال او چیزی درک کنیم.
- (۷) روح القدس کاری با اشخاص ناپاک و گناهکار ندارد.
- (۸) روح القدس با شفاعت کردن برای ایمانداران، به‌طور خاص به آنها کمک می‌کند.
- (۹) پطرس رسول تعلیم داد که در ارتباط با ایمان و عمل یک مسیحی، تجربه شخصی بیشتر از کتاب مقدس می‌تواند شخص را هدایت کند.
- (۱۰) یک تفاوت عمده بین خدمت روح القدس در زمان عهدعتیق بین قوم اسرائیل و زمان عهدجدید در کلیسا این است که در عهدجدید روح القدس در ایمانداران ساکن می‌شود.

- (۱۱) خدمت روح القدس محدود به رساندن انجیل به نقاطی که هنوز پیغام را نشنیده‌اند و دفاع از آن در برابر مقامات رسمی دولت‌ها است.
- (۱۲) روح القدس یک مدیر قابل اطمینان در مواقع مشکل است.
- (۱۳) همانطور که شخص ایماندار اجازه می‌دهد روح القدس او را به سوی پیروزی بر طبیعت گناه‌آلود هدایت نماید، او هر چه بیشتر و بیشتر به شباهت خداوندش در می‌آید.
- (۱۴) زندگی در روح زمانی آغاز می‌گردد که ما از روح القدس پر می‌شویم.
- (۱۵) زمانی که شخص ایماندار با روح القدس تعمید می‌یابد، در واقع او به بلوغ کامل روحانی رسیده است.
- (۱۶) تعمید در روح القدس پایه و اساس زندگی وافر و رشد در روح است.
- (۱۷) روح القدس به عنوان ضمانت حیات ابدی با پدر، به ما داده می‌شود.
- (۱۸) مسح شدن با روغن نمایانگر خلوص و پاکی روح القدس است.
- (۱۹) در کتاب مقدس تعمید در روح القدس به نه‌های آب حیات تشبیه می‌شود.
- (۲۰) ساکن شدن روح القدس در ایماندار این ضمانت را می‌دهد که او همیشه مقدس و کاملاً مؤثر خواهد بود.

این آخرین درس از بخش اول این کتاب درسی است. بعد از اتمام این خودآزمایی، دروس ۱ تا ۴ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی ۱ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۴ (a) ۱

۳ (b)

۱ (c)

۲ (d)

۷) پاسخ‌های a - c - d صحیح هستند و پاسخ « b » غلط است (مسیح بوسیله مرگ و قیام خود بر گناه پیروز شد).

۲) پاسخ‌های a - c - d الوهیت روح القدس را ثابت می‌کنند. اما پاسخ «b» الوهیت روح القدس را ثابت نمی‌کند چون پشتیبانی و تسلی دادن یکی از عملکردهای روح القدس است.

۸) پاسخ انتخابی شما که می‌تواند شبیه پاسخ‌های زیر باشد:

(a) روح القدس از طریق تولد تازه ما را وارد خانواده الهی می‌کند.

(b) او به ما قدرت می‌دهد تا به مسیح شهادت دهیم.

(c) او ما را تعلیم می‌دهد.

(d) او برای ما نزد خدا دعا می‌کند (شفاعت می‌کند).

(e) اگر به او اجازه بدهیم ما را به سوی پیروزی و شبیه شدن به مسیح هدایت می‌کند.

(f) زمانی که زندگی خود را تحت کنترل روح القدس قرار می‌دهیم، او در ما ثمره روح (صفات مسیح‌گونگی) را بوجود می‌آورد.

۲ (a) ۳

۳ (b)

۴ (c)

۱ (d)

۴ (e)

(۹) a ریزش

(b) تعمید

(c) پری

(۴) a ۳

(b) ۱

(c) ۲

(۱۰) پاسخ شما می تواند شبیه پاسخ های زیر باشد:

آتش: روح القدس مرا مقدس می گرداند.

کبوتر: او با ملایمت و آرامی مرا هدایت می کند.

روغن مسح: روح القدس مرا برای خدمت مؤثر مسح می کند.

عطا: روح القدس بخشش و عطای خدا است به من.

نهر آب زنده: او مرا کاملاً پر می سازد و به من حیات می بخشد.

مهر یا بیعانه: خدا از طریق روح القدس تضمین می کند که در آینده در پادشاهی

جاودانی او سهمیم خواهیم بود.

دم، باد: روح القدس به من زندگی جاوید می بخشد.

(۵) آنها آشکار می کنند که این اعمال فقط می تواند به وسیله وجودی که از

شخصیت برخوردار است انجام شود نه بوسیله یک قدرت فاقد شخصیت. در نتیجه

آنها به شخصیت روح القدس اشاره می کنند.

(۱۱) a ۱

(b) ۲

(c) ۲

(d) ۱

(e) ۲

(f) ۱

(۶) تمام موارد صحیح هستند به استثناء c - g

۳ (a) ۱۲

۲ (b)

۱ (c)

۵ (d)

۴ (e)

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

بخش دوم

مخلوقات خدا

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

انتشارات ایلام
نسخة الكتروني



فرشتگان:

نیروهای تاریکی و نیروهای روشنائی

یکبار در اثر صدای شلیک گروه‌های متخاصم که در نزدیکی خانه ما در حال جنگ بودند بیدار شدم. در همان حین که بمب‌ها از بالای سر ما می‌گذشتند و همسر و خانواده‌ام در جستجوی پناهگاهی بودند، شاهد بودم چگونه سربازها غذا را از اشخاص بی‌گناه و غیرنظامی به زور می‌گرفتند. من از جنگ متنفر هستم!

یک فرمانروای خوب و حکیم زمانی که مورد حمله دشمن قرار می‌گیرد، چه کاری باید انجام بدهد؟ اگر واقعاً به فکر حفظ جان مردم باشد، باید در مقابل دشمن مقاومت کند. در غیر اینصورت می‌داند که اگر دشمن پیروز شود چه اتفاقی خواهد افتاد.

در قلمرو روحانی نیز چنین شرایطی حاکم است. نیروهای اهریمنی شیطان درصدد فرصتی هستند که به استحکامات ما حمله کنند و ما را از نظر روحانی از بین ببرند. اما تا زمانی که اعتماد ما به خدا است، کاملاً ایمن هستیم. نیروهای روحانی خدا به ما در مقابله با دشمن یعنی شریر کمک می‌کنند. بنابراین جنگ روحانی زمینه‌ای است که در آن درباره فرشتگان مطالعه می‌کنیم.

در بخش اول درباره خدا و حاکمیت او بر کائنات مطالبی فرا گرفتیم. اکنون به مطالعه موضوعاتی که تحت حاکمیت الهی او قرار دارند خواهیم پرداخت، یعنی فرشتگان، انسان و مشکل گناه. در سه درس بخش دوم نه تنها به بررسی ریشه و عامل گناه خواهیم پرداخت بلکه نتایجی را که برای تمام مخلوقات خدا بوجود آورده بررسی خواهیم کرد.

دعای من این است که در حین مطالعه این درس که درباره پادشاه و خداوندان و نیروهای روحانی تحت کنترل او است، شما بتوانید این مطلب که خدا نجات

یافتگان را به سوی پیروزی نهایی رهبری می‌کند درک کنید و در نتیجه بیشتر به او نزدیک شوید و او را بپرستید.



فهرست درس

ماهیت فرشتگان
خصوصیت اخلاقی فرشتگان
تعداد فرشتگان
طبقه‌بندی و اعمال فرشتگان

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس قادر خواهید بود که:
- بر اساس کلام خدا درباره ماهیت، خصوصیات، تعداد، طبقه‌بندی، اعمال و صفات اخلاقی فرشتگان توضیح دهید.
 - درباره منشأ و ماهیت شیطان و فرشتگان شریر او توضیح دهید.

- بر اساس دلایل کتاب مقدسی نشان دهید که قدرت نامحدود خدا، پیروزی نهایی ایمانداران را بر قدرت‌های شریر تضمین می‌کند.
- هر چه بیشتر به ارزش کمک و خدمت فرشتگان پی ببرید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- به عنوان زمینه‌ای برای این درس، افسسیان ۶: ۱۰-۱۸؛ دوم پطرس ۲: ۱-۲۲ و رساله یهودا را مطالعه کنید.
- ۲- درس را مطالعه کرده و تمام آیات ذکر شده را بخوانید، چون به درک بهتر مطالب کمک زیادی می‌کنند. به تمام سؤالات درس و خودآزمایی پاسخ دهید.

متن درس

ماهیت فرشتگان

نویسنده رساله به عبرانیان چنین نصیحت می‌کند که «از غریب‌نوازی غافل مشوید زیرا که به آن بعضی نادانسته فرشتگان را ضیافت کردند» (عبرانیان ۱۳: ۲).

در این آیه مطلبی درباره ماهیت فرشتگان وجود دارد؛ آنها مافوق طبیعی هستند و به همین دلیل هاله‌ای از معما دورشان را گرفته است. این واقعیت بارها و بارها در عهدعتیق و عهدجدید نشان داده شده است.

هنگام مطالعه کتاب مقدس متوجه می‌شویم که کلام خدا وجود فرشتگان را تأیید می‌کند. کتاب مقدس چه مطالبی درباره فرشتگان به ما می‌آموزد؟ منشأ فرشتگان از کجاست؟ از چه خصوصیتی برخوردار هستند؟ یافتن پاسخ این سؤالات به ما کمک می‌کند تا درباره اهداف وجود فرشتگان و اهمیت آنها در زندگی خود مطالب بیشتری درک کنیم. اجازه دهید ابتدا حقایقی را که کتاب مقدس درباره منشأ (آغاز) و صفات فرشتگان بیان می‌کند، بررسی نمائیم.

منشأ فرشتگان

فرشتگان چگونه موجوداتی هستند؟ فرشتگان گروهی از مخلوقات خدا هستند که به عنوان پیام‌آوران یا خدمتگزاران خدا عمل می‌کنند. آنها در دانایی و قدرت از انسان برتر هستند. تعدادی از فرشتگان در جهت عملی کردن اهداف خدا خدمت می‌کنند و با قدوسیت و داوطلبانه اراده خدا را به جا می‌آورند. فرشتگان دیگری که بر علیه خدا طغیان کرده‌اند، برای همیشه از او جدا شده‌اند. این جدایی جاودانی آشکارا فیض و رحمت خاص خدا را نسبت به انسان گناهکار که از طریق مسیح، نجات برای او مهیا شده است، آشکار می‌کند.

لغت «فرشته» در زبان اصلی کتاب مقدس به معنی «پیام‌آور» است. گاهی اوقات لغت پیام‌آور اشاره به انسان‌ها می‌کند (یک کاهن در ملاکی ۷:۲) و گاهی به صورت یک مفهوم مجازی و غیر شخصی بکار رفته است (باد در مزمور ۴:۱۰۴). از آنجا که این لغت در معانی مختلف بکار رفته، باید در هر قسمت با در نظر گرفتن متن، معنی دقیق آن را مشخص کنیم. به‌طور کلی، هرگاه در کتاب مقدس صحبت از فرشتگان می‌شود به موجوداتی روحانی و مافوق طبیعی اشاره دارد که پیام‌آوران مخصوص خدا هستند.

منشأ فرشتگان از کجا است؟ نویسنده مزامیر می‌گوید که فرشتگان، خورشید، ماه و ستارگان به همراه سایر مخلوقات آسمانی بوسیله خدا آفریده شدند (مزمور ۱۴۸:۲-۵). یوحنا جمله کامل‌تری درباره عمل خلقت مسیح بیان می‌کند: «همه چیز بواسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت» (یوحنا ۱:۳). از آنجا که کتاب مقدس واضحاً خلقت همه چیز را به خدا نسبت می‌دهد، بنابراین می‌فهمیم که فرشتگان نیز مخلوق خدا هستند. آیات زیر این مطلب را برای ما بیشتر واضح می‌کنند.

۱- جملات زیر را کامل کنید.

(a) کولسیان ۱:۱۶ بیان می‌کند که مسیح را آفرید (فرشتگان را نیز شامل می‌شود)

(b) در اول تیموتائوس ۶:۱۳-۱۶ می‌خوانیم که تنها خدا است که به همه

موجودات می‌بخشد (از جمله به فرشتگان)

دقیقاً نمی‌دانیم چه زمانی فرشتگان خلق شدند، چون کلام خدا در این باره چیزی نمی‌گوید. فقط می‌دانیم که قبل از وقایع ذکر شده در باب سوم کتاب پیدایش است، زیرا در آنجا به شیطان به عنوان وجود فرشته‌ای در ارتباط با انسان اشاره شده است. مانند تمام مخلوقات ذیشعور خدا، فرشتگان نیز جاودانی هستند (لوقا ۲۰:۳۶)

۲- با توجه به دلایل کتاب مقدسی درباره منشأ فرشتگان، می‌توان نتیجه گرفت که آنها:

- a) موجودات غیرفانی هستند که همیشه وجود داشته‌اند.
- b) موجودات غیرفانی هستند که هرگز از بین نخواهند رفت.
- c) مانند انسان موجودات فانی هستند که از دانایی و قدرت بیشتری برخوردار هستند.
- d) نژادی از موجوداتی هستند شبیه خدا

خصوصیات فرشتگان

هنگام بحث درباره منشأ فرشتگان به یکی از خصوصیات آنها یعنی مخلوق بودنشان اشاره کردیم. با مطالعه کتاب مقدس می‌توانیم به دیگر خصوصیات فرشتگان نیز پی ببریم. فرشتگان موجوداتی روحانی هستند. «آیا همگی ایشان روحهای خدمتگزار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند شد، فرستاده می‌شوند؟» (عبرانیان ۱:۱۴). انسان را نمی‌توان یک موجود روحانی در نظر گرفت چون دارای دو طبیعت است: طبیعت مادی (جسم) و غیر مادی (روح). از آنجا که فرشتگان «روح» هستند نمی‌توان برای آنها بدنی مادی در نظر گرفت. رساله افسسیان ۶:۱۲ نیز به همین نکته اشاره می‌کند «زیرا که ما را گشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با و فوج‌های روحانی شرارت در جای‌های آسمانی». این آیه به فرشتگان شریری اشاره می‌کند که کار شیطان را انجام می‌دهند.

کتاب مقدس همچنین بیان می‌کند که فرشتگان اغلب خود را با ظاهری انسانی آشکار کرده‌اند (داوران ۱۱:۶-۲۴؛ یوحنا ۱۲:۲۰)، اما این گونه ظهور غیرمعمول به این معنا نیست که بدن مادی جزء ضروری وجود آنها است. بلکه زمانی که لازم بود با انسان‌ها در ارتباط باشند، بدن مادی را بر خود گرفتند. چون فرشتگان دارای بدن مادی نیستند بنابراین برای آنها رشد، سن و مرگ بی‌معنا است.

فرشتگان وجودی شخصی هستند. آنها جنبه‌های اصلی شخصیت را دارا هستند: عقل، احساسات و اراده. اشاراتی درباره توانایی عقلانی فرشتگان از دیدگاه انسان‌ها در عهدعتیق در دوم سموئیل ۲۰:۱۴ بیان شده است. لوقا ۳۴:۴ نشان می‌دهد که حتی فرشتگان شریر نسبت به انسان‌ها از دانایی بیشتری برخوردار هستند. مکاشفه ۱۲:۱۲ بر این موضوع دلالت دارد که فرشته شریر توانایی بروز دادن احساسات (خشم) را دارد. در لوقا ۱۰:۱۵ مسیح درباره تجلی بسیار مثبتی از احساسات (شادی) بوسیله فرشتگان مقدس سخن می‌گوید. پولس رسول به توانایی شریر در فریب دادن انسان‌ها برای اینکه خواست او را بجا آورند، اشاره می‌کند (دوم تیموتائوس ۲:۲۶). اینها نمونه‌های بسیار کمی از اشارات فراوان کتاب مقدس درباره طبیعت شخصی فرشتگان است.

فرشتگان جنسیت ندارند. گرچه بعضی از اسامی‌ای که به فرشتگان داده شده، اسامی مذکر است (جبرائیل و میکائیل) ولی نمی‌توان آنها را بر اساس جنسیت تقسیم‌بندی کرد. انجیل می‌گوید که فرشتگان نه ازدواج می‌کنند و نه می‌توان با آنها ازدواج کرد (متی ۲۲:۳۰). از آنجا که فرشتگان، تولیدمثل نمی‌کنند به آنها به عنوان یک گروه یا فوج اشاره می‌شود نه یک نژاد. احتمالاً توجه کرده‌اید که در عهدعتیق به فرشتگان به عنوان «پسران خدا» اشاره شده است و هرگز ذکری از «پسران فرشتگان» وجود ندارد (به ایوب ۱:۶؛ ۲:۱؛ ۳۸:۷ رجوع کنید).

همانطور که قبلاً اشاره کردیم فرشتگان نسبت به انسان‌ها از دانایی بیشتری برخوردار هستند. سخن مسیح نشان می‌دهد که حکمت و دانایی فرشتگان بیشتر است: «اما از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان» (متی ۲۴:۳۶). اگرچه دانایی فرشتگان از انسان‌ها بیشتر است ولی باز هم محدود است.

پطرس رسول هنگامی که درباره جلال آینده سخن می‌گوید، ذکر می‌کند که «.... فرشتگان نیز مشتاق هستند که در آنها نظر کنند» (اول پطرس ۱:۱۲).

بررسی خصوصیات فرشتگان ما را به این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد که قدرت فرشتگان بیشتر از سایر خصوصیات آنها مورد تأکید قرار گرفته است. پطرس رسول بیان می‌کند که فرشتگان نسبت به انسان‌ها بسیار قدرتمندتر هستند (دوم پطرس ۱۱:۲). نویسنده مزمور می‌گوید: «ای فرشتگان او که در قوت زورآورد و کلام او را بجا می‌آورد» (مزمور ۲۰:۱۰۳). پولس رسول به آنها به عنوان «فرشتگان قوت خود (عیسی)» اشاره می‌کند (دوم تسالونیکیان ۷:۱).

قدرت فرشتگان شریر نیز بیشتر از سایر خصوصیاتشان مورد تأکید قرار گرفته است: «رئیس این جهان» (یوحنا ۳۱:۱۲)، «مرد زورآور» (لوقا ۲۱:۱۱)، «قدرت ظلمت» (لوقا ۵۳:۲۲)، «قدرت‌ها و جهان‌داران این ظلمت» (افسیسیان ۱۲:۶)، «تمامی قوت دشمن» (لوقا ۱۹:۱۰). زمانی که شیطان مسیح را آزمایش می‌کرد، تمام پادشاهی جهان را به او نشان داد و گفت: «جمع این قدرت و حشمت آنها را به تو می‌دهم، زیرا که به من سپرده شده است و به هر که می‌خواهم می‌بخشم» (لوقا ۴:۶).

با وجود این، اگر چه دانایی و قدرت آنها مافوق انسان است، ولی باز هم محدود است. در زمان آخر فقط یک فرشته کافی خواهد بود تا شیطان را اسیر کند و او را به درون چاه بی‌انتها بیاندازد (مکاشفه ۲۰:۲-۳). اما قبل از این دوره، شیطان و فرشتگان او با میکائیل و فرشتگانش جنگ خواهند کرد. شیطان در این جنگی که در آسمان روی خواهد داد، شکست خواهد خورد و به بیرون انداخته خواهد شد (مکاشفه ۱۲:۷-۹). بر اساس دانیال باب ۱۰، فرشتگان شریر و نیکو در ارتباط با قوم‌ها و ملت‌ها با یکدیگر در حال جنگ و ستیز هستند. هم میکائیل، رئیس ملائکه (یهودا ۹) و هم شیطان (ایوب ۱ و ۲) از قدرت محدود برخوردار هستند.

دلیل دیگری که نشان‌دهنده محدود بودن فرشتگان است، در این امر دیده می‌شود که آنها حاضر مطلق نیستند. شیطان در پاسخ به سؤال خدا درباره کاری که انجام داده بود، گفت: «از تردد کردن در زمین و سیر کردن در آن» می‌آید (ایوب ۷:۱؛ اول

پطرس ۸:۵). فرشتگان خداوند گزارش دادند که «ما در جهان تردد نموده‌ایم» (زکریا ۱۱:۱). این جابجایی و حرکت از مکانی به مکان دیگر مستلزم وقت است (دانیال ۵:۱۰ و ۱۲-۱۴). این محدودیت نشان‌دهنده این حقیقت است که جنگ روحانی‌ای که قوم خدا درگیر آن هستند برای یک دوره زمانی ادامه خواهد یافت.

همچنین باید بدانیم که فرشتگان، انسان‌های جلال یافته نیستند. کتاب مقدس بین «گروه بی‌شماری از فرشتگان» و «روح‌های نجات یافتگانی که به مرحله کمال رسیده‌اند» در اورشلیم آسمانی تفاوت و تمایز قائل می‌شود (عبرانیان ۱۲:۲۲-۲۳). این تمایز همچنین در عبرانیان ۱۶:۲ دیده می‌شود «زیرا که در حقیقت فرشتگان را دستگیری نمی‌نماید بلکه نسل ابراهیم را دستگیری می‌نماید».

در حقیقت انسان «اندکی کمتر از فرشتگان» است (مزمور ۸:۴-۵)، اما در آینده انسان برتر و بالاتر خواهد بود (عبرانیان ۷:۲). پولس رسول می‌گوید: «آیا نمی‌دانید که فرشتگان را داوری خواهیم کرد» (اول قرنتیان ۳:۶). بنابراین همه ما می‌دانیم کسی که از اهمیتی کمتر و یا مقام پایین‌تری برخوردار است، اشخاصی را که مقام بالاتری دارند محاکمه و داوری نمی‌کند.

۳- سه روش را نام ببرید که بوسیله آن صفات و خصوصیات فرشتگان محدود شده است.

۴- صفات و خصوصیات فرشتگان را با توضیح آنها منطبق کنید.

- (a) تولید مثل نمی‌کنند و تعداد آنها زیاد نمی‌شود.
- (b) در هر زمان می‌توانند فقط در یک مکان حضور داشته باشند.
- (c) می‌توانند نقشه و هدف رهبرشان را به انجام برسانند.
- (d) از کار انسان‌ها باخبر و آگاه هستند.
- (e) بدن مادی ندارند.
- (f) در یک زمان مشخصی موجودیت یافتند.
- (g) در کتاب مقدس به وضوح از انسان‌ها متمایز شده‌اند.

h) دارای عقل، احساسات و اراده هستند.

- ۱) مخلوق
- ۲) روح
- ۳) شخصی
- ۴) نداشتن جنسیت
- ۵) با شعور
- ۶) قدرتمند
- ۷) حاضر مطلق نبودن
- ۸) انسان‌های جلال یافته نبودن

خصوصیت اخلاقی فرشتگان

فرشتگان مقدس آفریده شدند

در صفحات قبل به فرشتگان مقدس و فرشتگان شریر اشاره کردیم. در این قسمت خواهیم دید که همه فرشتگان در ابتدا مقدس آفریده شدند، اما تعدادی از آنها سقوط کردند و سقوط آنها نتایج وپی‌آمدهای گسترده‌ای برای کائنات داشت. کتاب مقدس درباره منشأ فرشتگان بسیار کوتاه سخن می‌گوید. بهر حال در کلام خدا می‌خوانیم که پس از پایان یافتن خلقت «خدا هر چه ساخته بود دید و همانا بسیار نیکو بود» (پیدایش ۱: ۳۱). مطمئناً این شامل مقدس بودن فرشتگان به هنگام خلقت نیز است. البته کتاب مقدس درباره سقوط آنها نیز سخن می‌گوید. اکنون درباره توانایی فرشتگان برای انجام اعمال صحیح و اشتباه و همچنین قدرت تشخیص و پیروی از ملاک‌های رفتاری صحیح مطالعه خواهیم کرد.

۵- آیات ذکر شده را مطالعه کنید و بر اساس آنها جملات داده شده را تکمیل نمایید.

(a) یوحنا ۴:۸ - یکی از گناهانی که باعث سقوط فرشتگان شریر شد عبارت است از

(b) دوم پطرس ۴:۲ - خدا فرشتگانی را که نپخشید

(c) یهودا آیه ۶ - بعضی از فرشتگان خود را حفظ نکردند بلکه

(d) اول تیموتائوس ۶:۳ - یکی از دلایل اصلی سقوط فرشتگان شریر، گناه بود.

انتخاب آزاد فرشتگان

همانطور که قبلاً دیدیم همه فرشتگان کامل و بی نقص آفریده شدند. در ابتدا توجه و محبت آنها نسبت به خالق و انجام اراده اش بود. اگر چه کتاب مقدس جزئیات را بیان نمی کند، ولی ما عقیده داریم که فرشتگان توانایی انجام دادن یا انجام ندادن گناه را داشتند. ظاهراً آنها از موقعیت و رابطه شان با خالق خویش آگاهی داشتند. همچنین می دانستند که اطاعت و یا عدم اطاعت سرنوشت آنها را تعیین می کند.

فرشتگان توانایی انتخاب برای گناه کردن داشتند و یا از انجام آن خودداری نمایند و مجبور نبودند که برای حفظ مقامشان از خدا اطاعت کنند. انتخاب آنها کاملاً ارادی بود. متأسفانه ما از جزئیات این واقعه بی خبر هستیم و نمی دانیم چگونه تعدادی از فرشتگان سقوط کردند. با این وجود، پولس رسول تحت الهام الهی بیان می کند که علت سقوط فرشتگان شریر، غرورشان بود (اول تیموتائوس ۶:۳).

چندین قسمت از کتاب مقدس به پادشاهان زمینی اشاره می کند که به نظر می رسد نمونه و سمبولی از شیطان هستند. برای مثال در حزقیال ۱۲:۲۸-۱۹ درباره پادشاه صور گفته شده است که به دلیل غروری که به زیبایی خود داشت، سقوط کرد. این غرور باعث شد که توانایی خود را برای رفتار و قضاوت صحیح از دست بدهد.

پادشاه بابل نیز به دلیل غرور و جاه طلبی بسیار زیادش بر اساس اشعیا ۱۴:۱۲-۱۵ محکوم به نابودی شده است. چه این نمونه ها به طور سمبولیک به سقوط شیطان

اشاره بکنند یا نه، می‌دانیم که دسته‌ای از فرشتگان در نتیجه عمل ارادی خود انتخاب کردند که موقعیتشان را از دست بدهند و مکان خود را ترک کنند (یهودا آیه ۶).

به نظر می‌رسد که همان طرز رفتاری که باعث شد شیطان گناه بکند به تعداد زیادی از فرشتگان نیز سرایت کرد. مکاشفه ۴:۱۲ امکان دارد به همین واقعه اشاره می‌کند، وقتی که یک سوم فرشتگان در طغیان و شورش شیطان بر علیه خدا از او پیروی کردند. با وجود این می‌دانیم که شیطان رهبر روحانی این فریب و شورش بوده است (یوحنا ۸:۴۴). شورش و طغیان شیطان و بقیه فرشتگان نتیجه انتخاب و تصمیم خودشان بود نه انتخاب و تصمیم خدا. نتیجه عمل آنها مصیبت و داوری بود: «خدا بر فرشتگانی که گناه کردند شفقت ننمود» (دوم پطرس ۲:۴).

نجاتی که برای انسان‌ها بوسیله خدا مهیا گردید، برای فرشتگان سقوط کرده قابل دسترسی نیست. فرشتگان سقوط کرده به حیات و موجودیت خود در قلمرو شیطان ادامه خواهند داد (متی ۱۳:۶، ۴۱:۲۵؛ اول یوحنا ۵:۱۸-۱۹). ادامه حیات فرشتگان سقوط کرده، که در قسمت بعد درباره آن سخن خواهیم گفت، هشدار دائمی است برای ما نسبت به خطر رد کردن خدا یا غفلت از فیض و رحمتی که خدا برای ما مهیا کرده است. تعدادی از فرشتگانی که گناه کردند، مورد داوری قرار گرفتند و جزو فرشتگان شریر شدند (متی ۴۱:۲۵). بقیه که گناه نکردند، همراه خدای پدر باقی ماندند و جزو فرشتگان مقدس گردیدند (مرقس ۸:۳۸). کتاب مقدس شورش و داوری دیگری را درباره فرشتگان ذکر نمی‌کند. بنابراین ظاهراً فرشتگان شریر به‌طور غیر قابل تغییر تصمیم گرفتند که شیطان را پیروی کنند. فرشتگانی که تصمیم گرفتند اراده خدا را انجام دهند، برای همیشه مقدس و آنهایی که مطابق میل خود رفتار کردند برای همیشه شریر هستند.

فرشتگان مقدس آنهایی هستند که تصمیم گرفتند به رابطه خود با خدا ادامه دهند و او را در آسمان نظاره کنند (متی ۱۰:۱۸)، و اراده او را عملی سازند (متی ۱۰:۶). آنها فرشتگان نور هستند (شیطان نیز سعی می‌کند خود را چون فرشته نور نشان دهد - دوم قرنتیان ۱۱:۱۴).

- ۶- کدامیک از جملات زیر بوسیله کتاب مقدس آشکارا تأیید می شود یا به طور ضمنی به آن اشاره و یا کاملاً رد می شود.
- (a) شیطان به دلیل جاه طلبی و غرور زیادش سقوط کرد.
- (b) فرشتگان، کامل آفریده شدند.
- (c) یک سوم فرشتگان تصمیم گرفتند که از شیطان پیروی کنند.
- (d) تمام فرشتگان سقوط کرده فرصتی برای توبه خواهند داشت.
- (e) تمام فرشتگان آزادانه انتخاب کردند که گناه کنند یا از انجام آن خودداری کنند.
- (f) خدا بلافاصله بر فرشتگانی که گناه کرده بودند داوری نمود.
- (g) فرشتگان در تصمیمی که مبنی بر گناه کردن یا نکردن گرفتند برای همیشه تأیید شدند.
- (h) شیطان به عنوان فرشته نور معرفی شده است.
- (i) همانطور که فرشتگان مقدس اراده خدا را انجام می دهند، فرشتگان شریر اراده شیطان را بجا می آورند.
- (j) شیطان از همان لحظه آفریده شدن، شریر بود.
- (۱) به طور آشکارا تأیید می شود.
- (۲) به طور ضمنی اشاره می شود.
- (۳) کاملاً رد می گردد.

تعداد فرشتگان

قبل از اینکه به طبقه بندی و اعمال فرشتگان مقدس و شریر اشاره کنیم، نگاهی به مطالبی خواهیم کرد که کتاب مقدس درباره تعداد فرشتگان بیان می کند. اگر چه کتاب مقدس تعداد دقیق فرشتگان را بیان نمی کند، اما می دانیم که تعداد آنها بسیار زیاد است. در قسمت های زیر از کتاب مقدس، به تعداد زیاد فرشتگان اشاره شده است.

۱- زمانی که الیشع و خادم او در شهر دوتان بوسیله لشکر پادشاه ارام محاصره شده بودند، خدا لشکر بسیار بزرگی از فرشتگان را برای محافظت از خادم خود فرستاد (دوم پادشاهان ۶: ۱۴-۱۷).

۲- بر اساس گفته نویسنده مزبور، «ارابه‌های خدا کرورها و هزارهاست» (مزبور ۱۷: ۶۸).

۳- موسی هنگام برکت دادن قوم اسرائیل اشاره می‌کند که خداوند با «کرورهای مقدسین آمد» (تثنیه ۲: ۳۳).

۴- دانیال در رؤیا دید که آن قدیم‌الایام (خدا) بر تخت داوری جلوس نموده. سپس شرایط را چنین بیان می‌کند «هزاران هزار او را خدمت می‌کردند و کرورها کرور به حضور وی ایستاده بودند» (دانیال ۱۰: ۷).

۵- نویسنده رساله به عبرانیان به خوانندگان خود درباره جلال و امتیاز آمدن به حضور خدای زنده یادآوری می‌کند که در حضور او محفل شاد «گروه بی‌شماری از فرشتگان» وجود دارد (عبرانیان ۱۲: ۲۲).

۶- بالاخره، زمانی که خدا به یوحنا، شاگرد محبوبش عظمت و جلال تخت آسمانی خود را مکاشفه نمود، یوحنا چنین نوشت:

«و دیدم و شنیدم صدای فرشتگان بسیار را که گرداگرد تخت و حیوانات و پیران بودند و عدد ایشان کرورها کرور و هزاران هزار بود» (مکاشفه ۵: ۱۱).

با توجه به این شواهد می‌بینیم که تعداد فرشتگان مقدس بسیار زیاد است. علاوه بر اینها، می‌دانیم که لشکر فرشتگان شریر شیطان نیز وجود دارد و تعداد آنها هم زیاد است (مکاشفه ۷: ۱۲-۱۲).

۷- کتاب مقدس درباره تعداد فرشتگان چه تعلیمی می‌دهد؟

a) تعداد بسیار زیادی از فرشتگان نسبت به خدا وفادار نماندند و سقوط کردند.

b) تعداد غیرقابل شمارشی از فرشتگان نیکو و شریر وجود دارند.

- c) تعداد زیادی از فرشتگان خدا را خدمت می‌کنند و تعداد کمی به شیطان خدمت می‌کنند.
- d) تعداد فرشتگان رو به کاهش است.

سازماندهی و اعمال فرشتگان

شواهدی از سازماندهی فرشتگان

شواهد کتاب مقدسی بسیار دال بر وجود یک سازماندهی مؤثر از نیروهای روحانی است که وظایف خاص محوله را به انجام می‌رسانند. تعدادی از این شواهد کتاب مقدسی عبارتند از:

- ۱- اول پادشاهان ۱۹:۲۲. در این قسمت میکای نبی حقایق درباره طبقه‌بندی فرشتگان آشکار می‌کند: «خداوند را بر کرسی خود نشسته دیدم و تمامی لشکر آسمان نزد وی بطرف راست و چپ ایستاده بودند». خدا بر تخت جلوس کرده و تمام فرشتگان مقدس آسمانی در اطراف او هستند.
- ۲- متی ۵۳:۲۶. مسیح این سخنان را به پطرس می‌گوید: «آیا گمان می‌بری که نمی‌توانم الحال از پدر خود درخواست کنم که زیاده از دوازده فوج از ملائکه برای من حاضر سازد؟» طبقه‌بندی ذکر شده در اینجا شبیه تشکیلات ارتش روم در آن زمان است. همچنین نشان می‌دهد که فرشتگان همیشه آماده و حاضر هستند تا فرمان پدر آسمانی را انجام دهند.
- ۳- لوقا ۸:۲-۱۴. فرشته پیام‌آور که به چوپانان ظاهر شد و خبر تولد مسیح را اعلام نمود، ناگهان «فوجی از لشکر آسمانی» با او همراه شدند. فرشته پیام‌آور و دسته فرشتگان خدا را تسبیح می‌خواندند. فرشته پیام‌آور و دسته فرشتگان به‌طور حتم اراده خدای پدر و مسئولیتی را که به آنها سپرده شده بود، انجام می‌دادند.

۴- مکاشفه ۱۹:۱۰-۱۴. رؤیای یوحنا ی رسول درباره لشکر پیروزمند فرشتگان در زمان بازگشت خداوند، آشکار کننده دقت، نظم، سازماندهی، اقتدار و هدف است: «لشکرهایی که در آسمانند بر اسب‌های سفید و به کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می‌آمدند.»

حتماً متوجه شدید که کتاب مقدس سازماندهی فرشتگان مقدس را بیان می‌کند. در این درس همچنین خواهیم دید که نیروهای شریر نیز سازمانی برای خود دارند که در مخالفت با خدا است.

اعمال فرشتگان مقدس

از آنجا که مطالعه ما درباره دو گروه متضاد از فرشتگان یعنی فرشتگان مقدس و شریر است، ابتدا اعمال فرشتگان مقدس را بررسی خواهیم کرد. در حین مطالعه اعمالی که آنها انجام می‌دهند، فرا خواهیم گرفت که این فرشتگان برای انجام کارهایشان چگونه سازماندهی شده‌اند.

فرشتگان خدا را پرستش می‌کنند. یکی از اعمالی که فرشتگان انجام می‌دهند و در کتاب مقدس به تصویر کشیده شده، این است که در حضور خدا می‌ایستند و او را پرستش می‌کنند (مزمور ۱۰۳:۲۰؛ ۱۴۸:۲؛ اشعیا ۶:۷-۱). آنها صدای خود را برای پرستش خداوند بلند می‌کنند، چون خدا شایسته است که بوسیله مخلوقاتش پرستیده شود. آنها خدا را برای وجود خودش، آنچه فراهم کرده است، و طریقی که برای نجات مهیا کرده، پرستش و عبادت می‌نمایند (مکاشفه ۹:۵-۱۲ را با مکاشفه ۵:۱۳-۱۴ مقایسه کنید).

فرشتگان مقدس در اعمال عظیم خداوند در آفرینش (ایوب ۳۸:۷) و عمل زیبای خدا در جذب گناهکاران در خانواده الهی (لوقا ۱۵:۱۰) شادی می‌کنند. آسمان به صورت معبد پر جلالی که فرشتگان در آن به شکل گروه‌های آسمانی وجود دارند و در حضور خدا او را پرستش و عبادت می‌کنند، تصویر شده است (متی ۱۸:۱۰).

فرشتگان روح‌های خدمتگذار هستند. فرشتگان نه تنها خدا را پرستش می‌کنند و برای حضور و اعمالش شادی می‌نمایند بلکه اراده او را عملی می‌سازند (مزمور ۱۰۳:۲۰). فرشتگان به عنوان روح‌های خدمتگذار، فرستاده می‌شوند تا آنانی را که وارث نجات هستند، خدمت کنند (عبرانیان ۱:۱۴). توجه کنید چگونه فرشتگان این خدمت را هم در عهدعتیق و هم در عهدجدید انجام می‌دادند:

۱- پولس به عنوان یک زندانی و در شرایط بسیار خطرناک بوسیله یک فرشته تشویق و دلگرم می‌شود (اعمال ۲۷:۲۳-۲۴).

۲- فیلیپس، بوسیله یک فرشته برای خدمت هدایت می‌شود (اعمال ۸:۲۶).

۳- کرنیلیوس در جستجوی راهی برای خشنود کردن خدا، بوسیله یک فرشته هدایت می‌شود (اعمال ۱۰:۳-۷).

۴- پطرس رسول به گونه‌ای معجزه‌آسا بوسیله یک فرشته از زندان آزاد می‌گردد (اعمال ۱۲:۷-۱۰).

۵- مسیح حداقل در دو مورد بوسیله فرشته‌ها تقویت می‌گردد (متی ۴:۱۱؛ لوقا ۲۲:۴۳).

۶- الیشع بوسیله لشکری از فرشتگان مقدس در برابر ارتش ارام محافظت می‌شود (دوم پادشاهان ۶:۸-۲۳).

۷- داود پادشاه پس از فرار از دست ایملک فهمید که بوسیله فرشته‌های خداوند محافظت و رهایی داده شده است (مزمور ۳۴:۷).

فرشتگان مجری عدالت الهی هستند. در عملی کردن اراده خدا، فرشتگان مجری داوری و تنبیه دشمنان خدا نیز هستند. برای مثال به دوم پادشاهان ۳۵:۱۹ نگاه کنید، «پس فرشته خداوند در آن شب بیرون آمده صد و هشتاد و پنج هزار نفر از اردوی آشور را زد.» همچنین در اعمال ۲۳:۱۲ می‌خوانیم، «در ساعت فرشته خداوند او را زد زیرا که خدا را تمجید نمود و کرم او را خورد که بمرد.»

آیات فراوانی از کتاب مقدس به فرشتگان به عنوان مجریان تدبیر الهی و داوری خدا چه در گذشته و چه در آینده و همینطور به عنوان همراهان ویژه مسیح در بازگشت او، اشاره می کنند.

- ۸- کدامیک از اعمال زیر را فرشتگان انجام می دهند؟ فرشتگان
- (a) خدا را پرستش و عبادت می کنند و اراده او را انجام می دهند.
 - (b) به عنوان روح های خدمتگذار، نجات یافتگان را خدمت می کنند.
 - (c) انسان را نسبت به گناه ملزم کرده، او را به سوی نجات هدایت می کنند.
 - (d) قوم خدا را تقویت کرده، رهایی می دهند و آنها را محافظت، هدایت و تشویق می کنند.
 - (e) مجریان داوری و تنبیه خدا بر دشمنانش هستند.

فرشتگان در امور ملت ها تأثیر می گذارند. کتاب دانیال نبی ۱۰:۱۳ و ۲۰ نشان می دهد که فرشتگان شریری وجود دارند که بر ملت ها حکومت کرده و با فرشتگان مقدس مخالفت و جنگ می کنند. بر اساس آیات بیان شده و همچنین دانیال ۲۱:۱۰ - ۱:۱۱ می توان نتیجه گرفت که امور ملت ها به فرشتگان سپرده شده است. از مقایسه آیات ذکر شده از دانیال با افسسیان ۲۱:۱؛ ۱۲:۶ و کولسیان ۱:۱۶؛ ۲:۱۵ می فهمیم که در تمام اوقات، جنگ روحانی در قلمروهای آسمانی برقرار است. این جنگ بوسیله نیروهای شریر به منظور فریب ذهن و احساسات انسان ها است تا روح های آنها را تصاحب کند.

در یک مورد جنگ آنقدر سخت و شدید بود که فرشته مقرب یعنی میکائیل که در رساله یهودا آیه ۹ به عنوان رئیس فرشتگان نامیده شده است، وارد جنگ می شود. میکائیل همچنین به نام فرشته قوم اسرائیل نامیده شده که وظیفه اش محافظت و پیروز ساختن قوم است (دانیال ۱۰:۱۳ و ۲۱:۱۲). او در روز بازگشت مسیح نیز صدای ستایش و تمجید خود را بلند خواهد نمود (اول تسالونیکیان ۴:۱۶).

تنها نام دو فرشته در کتاب مقدس ذکر شده است: میکائیل، رئیس فرشتگان و جبرائیل که یک پیام‌آور مخصوص است (دانیال ۸:۱۶؛ ۹:۲۱؛ لوقا ۱:۱۹ و ۲۶). البته تعداد زیادی از فرشتگان پیام‌آور که نامشان ذکر نشده است خدا را خدمت می‌کنند. کتاب مقدس شواهد محدودی درباره دسته‌های دیگر فرشتگان مقدس بیان می‌کند که عبارتند از:

۱- کروبین (پیدایش ۲۴:۳؛ دوم پادشاهان ۱۹:۱۵؛ حزقیال ۱۰:۱-۲۲؛ ۲۸:۱۴-۱۶). کروبین، محافظان تخت خدا هستند. آنها همچنین از باغ عدن محافظت می‌کردند.

۲- سرافین (اشعیا ۶:۲ و ۶). سرافین موجودات آسمانی را در عبادت خدا رهبری می‌کنند. و وظیفه دیگر آنها تقدیس نجات‌یافتگان است تا بتوانند آنطور که شایسته است خدا را پرستش و خدمت کنند.

۳- پاسبانان (دانیال ۴:۱۳ و ۱۷). ظاهراً وظیفه آنها نظارت بر فعالیت‌های ویژه‌ای است. آنها در انجام وظیفه خود وفادار و امین هستند و در ارتباط با رساندن پیغام خدا به انسان‌ها نیز دیده می‌شوند.

۴- حیوان‌ها یا موجودات زنده (مکاشفه ۴:۶-۹؛ ۶:۱-۷؛ ۷:۱۵). این فرشتگان ظاهراً با سرافین، کروبین و سایر فرشتگان متفاوت هستند. آنها خدا را پرستش می‌کنند، بر اجرای داوری‌های خدا نظارت می‌نمایند و در اطراف تخت خدا فعالیت می‌کنند.

در کل، تمام این فرشتگان، خدا را به‌طور مؤثر خدمت می‌کنند و در هر لحظه آماده هستند تا اراده و نقشه او را برای انسان‌ها عملی سازند.

۹- اسامی گروه‌های هر کدام از فرشتگان را با توضیح آنها منطبق کنید.

(a) پیام‌آوران مخصوصی که برای نظارت بر فعالیت‌های ویژه‌ای تعیین شده‌اند.

(b) پیام‌آور ویژه

(c) فرشتگانی که از تخت خدا محافظت می‌کنند.

(d) فرشتگانی که در اطراف تخت خدا فعالیت می‌کنند و بر اجرای داوری‌های خدا نظارت دارند.

(e) گروهی از فرشتگان که در حضور خدا می‌ایستند، او را پرستش می‌کنند و آماده برای انجام اراده خدا هستند.

(f) فرشتگانی که وظیفه مخصوص آنها در ارتباط با تقدیس و پرستش در حضور خدا است.

(g) فرشته مخصوص قوم اسرائیل

(۱) میکائیل

(۲) جبرائیل

(۳) فرشتگان مقدس

(۴) کروبیان

(۵) سرافین

(۶) پاسبانان

(۷) حیوان‌ها یا موجودات زنده

قلمرو و حدود عملکرد فرشتگان مقدس

قبل از اینکه بررسی اعمال فرشتگان مقدس را به پایان برسانیم، لازم است مطالبی از کتاب مقدس درباره قلمرو و حدود عملکرد آنها بیان کنیم.

اول - فرشتگان مقدس، خدمتگذاران تدبیر الهی در ارتباط با قوم خدا و کلیسا هستند. «فرشتگان خود را بادها می‌گرداند و خادمان خود را شعله آتش» (عبرانیان ۷:۱)، همچنین به مزمو ۴:۱۰۴ رجوع کنید. به بیانی دیگر، خدا از فرشتگان نه به عنوان پیام‌آوران معمولی بلکه به‌طور خاص به عنوان آشکارکنندگان قدرت او در ارتباط با قوانینی که قرار داده، استفاده می‌کند (تثنیه ۲:۳۳؛ اعمال ۵:۳۰؛ غلاطیان ۱۹:۳ و عبرانیان ۲:۲). دخالت فرشتگان در اعمال طبیعی انسان‌ها، در بعضی مواقع و

به صورت استثنایی است. فرشتگان به خواست و تصمیم خود وارد عمل نمی‌شوند، بلکه فقط به فرمان خدا. آنها بین خدا و قوم او وساطت نمی‌کنند.

دوم- قدرت فرشتگان که وابسته به خدا و از جانب او است، بر اساس قوانین روحانی و جهان طبیعی بکار گرفته می‌شود. فرشتگان بر خلاف خدا، نمی‌توانند چیزی را خلق کنند و یا بدون اجازه خدا عملی را انجام دهند. آنها نمی‌توانند قلب انسان را تفتیش کنند و یا در قوانین طبیعت تغییری بوجود آورند. همچنین نمی‌توانند مستقیماً بر فکر انسان‌ها تأثیر بگذارند، چون این کار روح القدس است. فرشتگان، آشکارا در عملکرد خود از محدودیت‌هایی برخوردار هستند.

سوم - کتاب مقدس اشاره می‌کند که ظهور فرشتگان معمولاً پیش از وقایع مهم و جدید است؛ وقایعی که نقشه خدا را آشکار می‌سازند. برای مثال، می‌توانیم عملکرد فرشتگان را در وقایع زیر ببینیم:

- در آفرینش (ایوب ۳۸:۷)

- هنگام اعطای شریعت (غلاطیان ۳:۱۹)

- دقیقاً قبل و هنگام تولد مسیح (لوقا ۱:۱۱ و ۲۶؛ ۲:۱۳).

- هنگام وسوسه شدن مسیح در بیابان و باغ جتسمانی (متی ۴:۱۱؛ لوقا ۲۲:۴۳).

- هنگام قیام مسیح از مردگان (متی ۲۸:۲).

- در زمان صعود مسیح (اعمال ۱:۱۰-۱۱).

- هنگام وقایع آخر زمان، قبل از بازگشت ثانوی مسیح (به اشارات فراوان کتاب مکاشفه درباره اعمال فرشتگان و متی ۲۵:۳۱ رجوع کنید).

۱۰- تعیین کنید که کدامیک از جملات زیر درباره اعمال فرشتگان مقدس

توضیح می‌دهند. فرشتگان

(a) بین خدا و انسان وساطت می‌کنند.

(b) خدمتگذاران مخصوص تدبیر الهی هستند.

(c) در هنگام اعطای شریعت، آشکار کننده قدرت ویژه الهی بودند.

- (d) در هنگام خلقت حضور داشتند.
- (e) در تأثیر گذاشتن بر ذهن انسان‌ها مؤثر هستند.
- (f) مسئول هستند که انسان‌ها را به‌طور مستقیم وسوسه کنند.
- (g) به‌طور خاص در وقایع مهم نقشه نجات خدا دخیل بودند.
- (h) بر قوانین روحانی و جهان طبیعت حاکم هستند.

اعمال فرشتگان شریر

کتاب مقدس همانطوری که آشکار می‌کند خدا در آسمان تخت و پیروان خود را دارد، همچنین نشان می‌دهد که شیطان نیز در قلمرو تاریکی روحانی خود دارای ملکوتی است. شخصی به گونه کنایه‌آمیزی گفته است که شیطان تقلیدی از خدا است. شیطان نیز برای خود تختی دارد (مکاشفه ۱۳:۲). در کتاب مقدس به شیطان به‌عنوان «رئیس این جهان» (یوحنا ۱۴:۳۰؛ ۱۶:۱۱) و «رئیس قدرت هوا» (افسیان ۲:۲) اشاره شده است. او رئیس و رهبر نیروهای شرارت است و کتاب مقدس بیان می‌کند که او دارای فرشتگانی است (متی ۴۱:۲۵) که مخالف خدا هستند (مکاشفه ۷:۹-۱۲).

شواهد بیشتری درباره نیروهای شرارت در رسالات پولس رسول دیده می‌شود. (در کولسیان ۱:۱۶ پولس به «تخت‌ها و سلطنت‌ها و ریاسات و قوات» و در افسسیان ۱۲:۶ به «ریاست‌ها و قدرت‌ها و جهان‌داران این ظلمت و فوج‌های شرارت در جای‌های آسمانی» اشاره می‌کند که مسیح بوسیله صلیب خود بر آن غالب شد (کولسیان ۱۵:۲). در هر کدام از این موارد می‌توان سلسله مراتبی در قدرت‌های شرارت دید. این ملکوت شریر در راستای شورش و تمرد بر علیه خداوندمان عیسی مسیح سازمان یافته است و عوامل مختلف قدرت شیطان بر علیه خدا و قوم او عمل می‌کنند. در هنگام مطالعه درباره شیطان مطالب بیشتری درباره فرشتگان شریر خواهیم آموخت.

رئیس فرشتگان شریر

فرشتگان شریر در مخالفت با خدا هستند و سعی می‌کنند اراده او عملی نگردد. این موضوع در نام‌هایی که به رئیس فرشتگان شریر داده شده است، دیده می‌شود:

۱- او شیطان نامیده شده است که به معنی دشمن یا مخالف است. او دشمن خدا و همچنین دشمن انسان‌ها است (زکریا ۱:۳؛ متی ۳۹:۱۳؛ اول پطرس ۵:۸).

۲- او ابلیس خوانده شده است که به معنی متهم کننده است. او از خدا به مردم (پیدایش ۳:۴-۱۳) و مردم به خدا (ایوب ۱:۹ و ۱۶؛ مکاشفه ۱۲:۱۰) بدگویی می‌کند.

۳- از آنجا که او انسان‌ها را به انجام گناه وسوسه می‌کند، به نام وسوسه‌کننده نامیده شده است. روش او ارائه دادن دلایل عقلانی برای انجام گناه است و سود احتمالی‌ای که در نتیجه انجام آن به شخص می‌رسد (متی ۳:۴؛ اول تسالونیکیان ۵:۳).

چون شیطان از محدودیت برخوردار است و قادر مطلق، دانای مطلق و یا حاضر مطلق نیست، از روش‌های متفاوت برای مخالفت با خدا استفاده می‌کند. کاملاً واضح است که او نمی‌تواند مستقیماً به خدا حمله کند، بنابراین به انسان یعنی اشرف مخلوقات خدا به روش‌های مختلف حمله می‌کند. او:

- دروغ می‌گوید (یوحنا ۸:۴۴؛ دوم قرنتیان ۱۱:۳)

- وسوسه می‌کند (متی ۱:۴)

- می‌دزد (متی ۱۹:۱۳)

- آزار و زحمت می‌دهد (دوم قرنتیان ۷:۱۲)

- مانع می‌شود (اول تسالونیکیان ۲:۱۸).

- غریب می‌کند (لوقا ۲۲:۳۱).

- برای فریب دادن انسان‌ها خود را به صورتی که نیست، نشان می‌دهد (دوم

قرنتیان ۱۴:۱۱)

- تهمت می‌زند (مکاشفه ۱۲:۱۰)

- به بیماری مبتلا می‌کند (لوقا ۱۳:۱۶)
- داخل انسان‌ها شده، آنها را تسخیر می‌کند (یوحنا ۱۳:۲۷)
- می‌کشد و از بین می‌برد (یوحنا ۸:۴۴؛ اول پطرس ۵:۸)

شیطان، همانطور که قبلاً گفتیم، فرشتگان شریر را که در زمان شورش و تمردش بر علیه خدا به او پیوستند، رهبری می‌کند. خدا به شیطان اجازه داده قدرت و اقتداری را که در هنگام آفرینش به او داده شده بود، برای خود حفظ کند. فرشتگان شریر که به جای وفادار بودن نسبت به خالقشان و حفظ مقام و مسکنی که خدا به آنها بخشیده بود از شیطان پیروی کردند، در تمرد و شورش خود برای همیشه باقی می‌مانند (یهودا ۶). آنها خود را کاملاً وقف و تسلیم رهبرشان که آنها را فریب داده بود، کردند و داوطلبانه تصمیم گرفتند که به او در رسیدن به اهداف شریرانه‌اش کمک کنند.

- ۱۱- اسامی داده شده را با توضیحات آنها منطبق کنید.
- a) موجودی که مورد حمله شیطان قرار می‌گیرد تا از خدا روی گرداند.
- b) یکی از همکاران ابلیس در جنگ بر علیه خدا.
- c) به معنای دشمن یا مخالف است.
- d) نامی که نشان‌دهنده فریب دادن دیگران برای انجام گناه است.
- e) نامی که نشان‌دهنده بدگویی کردن و اتهام وارد کردن به دیگران است.

۱) شیطان

۲) ابلیس

۳) وسوسه کننده

۴) انسان

۵) فرشته شریر

اعمال فرشتگان شریر

فرشتگان شریر به عنوان لشکر پادشاهی ظلمت شیطان، بر ضد خدا، ایمانداران و نقشه او عمل می کنند (متی ۴۱:۲۵؛ افسسیان ۱۲:۶؛ مکاشفه ۷:۱۲-۱۲). بعضی بین فرشتگان شریر و دیوها تفاوت قائل می شوند. بهرحال، دلیلی وجود ندارد که نشان بدهد آنها یکی نیستند.

فرشتگان شریر سعی می کنند قوم خدا را از او جدا سازند (رومیان ۸:۳۸)، با فرشتگان مقدس جنگ می کنند (دانیال ۱۰:۱۲-۱۱:۱)، انسان ها را به بیماری های جسمی و فکری مبتلا می نمایند (متی ۹:۳۳؛ ۱۲:۲۲؛ مرقس ۵:۱-۱۶؛ لوقا ۹:۳۷-۴۲)، تعالیم غلط را منتشر می کنند (دوم تسالونیکیان ۱:۲-۱۲؛ اول تیموتائوس ۱:۴) و داخل انسان ها و حتی حیوانات شده، آنها را تسخیر می کنند (متی ۲۴:۴؛ مرقس ۸:۵-۱۴؛ لوقا ۸:۲؛ اعمال ۷:۸؛ ۱۶:۱۶).

گاهی اوقات خدا از فرشتگان شریر برای تنبیه اشخاص گناهکار (مزمور ۷۸:۴۹؛ اول پادشاهان ۲۳:۲۲) و تأدیب و تزکیه اشخاص خداپرست (ایوب باب های ۱ و ۲؛ اول قرنتیان ۵:۵) استفاده می کند.

سرنوشت فرشتگان شریر

سرنوشت فرشتگان شریر، عاقبت اشخاص گناهکار را به تصویر می کشد. آیات زیر درباره سرنوشت فرشتگان شریر توضیح می دهد:

- دیوهایی که وجود دو مرد را تسخیر کرده بودند، با فریاد به مسیح گفتند: «آمده ای تا ما را قبل از وقت عذاب کنی» (متی ۸:۲۹).

- مسیح درباره «آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است» سخن گفت (متی ۴۱:۲۵).

- پولس رسول می گوید: «آنگاه آن بی دین ظاهر خواهد شد که عیسی خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش، او را نابود خواهد ساخت» (دوم تسالونیکیان ۲:۸).

- یعقوب رسول می گوید: «شیاطین نیز ایمان دارند و می لرزند» (یعقوب ۱۹:۲).
- یوحنا رسول می گوید: «وای بر زمین زیرا که ابلیس به نزد شما فرود شده است با خشم عظیم چون می داند که زمانی قلیل دارد» (مکاشفه ۱۲:۱۲).
- یوحنا رسول می گوید در نهایت «تا ابدالاباد شبانه روز عذاب خواهند کشید» (مکاشفه ۱۰:۲۰).

- ۱۲- آیات داده شده را مطالعه کرده و جملات زیر را کامل کنید.
- (a) دوم پطرس ۴:۲. «خدا بر فرشتگانی که گناه کردند، شفقت ننمود بلکه ایشان را به انداخته به سپرد تا برای نگاه داشته شوند».
- (b) یهودا آیه ۶. «فرشتگانی را که ریاست خود را حفظ نکردند بلکه مسکن حقیقی خود را ترک نمودند، در زنجیرهای ابدی در تحت به جهت نگاه داشته است».
- (c) مزمو ۴۹:۷۸. خدا داوری خود را بوسیله فرستادن عملی کرد.
- (d) متی ۱۶:۸؛ مرقس ۹:۲۵-۲۶. روح های شریر، وجود انسان ها را کردند.
- (e) لوقا ۱۰:۱۳-۱۶. روح های شریر می توانند انسان ها را کنند.
- (f) مکاشفه ۷:۱۲-۱۲؛ افسسیان ۶:۱۲. مکان فعالیت شیطان و روح های شریر هم و هم است.

از مطالعه اعمال و سرنوشت فرشتگان شریر می توان نتایج مهمی بدست آورد:

- ۱- ما نباید فریب مکرهای شیطان را بخوریم و اجازه بدهیم ما را گول بزند (دوم قرن ۱۱:۲). نباید اجازه بدهیم که او در زندگی ما جایی برای خود پیدا کند (افسسیان ۲۷:۴). بلکه باید برای مقابله کردن با او آماده باشیم و از سلاح های روحانی که خدا در اختیار ما قرار داده، استفاده کنیم (یعقوب ۷:۴؛ افسسیان ۶:۱۰-۱۸).

- ۲- نباید درباره شیطان به گونه ای سبک و اهانت آمیز سخن گفت (یهودا ۸ و ۹). همچنین نباید قدرت او را در لطمه زدن و ویران کردن زندگی روحانی ایمانداران ناچیز

بشماریم. از طرف دیگر هرگز نباید فراموش کنیم که مسیح در صلیب بر شیطان پیروز شده است (عبرانیان ۲:۱۴) و ما با ایمان به پیروزی مسیح زندگی می‌کنیم.

۳- قدرت شیطان و فرشتگان شریر از نظر زمان و حوزه عملکرد محدود است و بستگی به اجازه خدا دارد. آنها قادر مطلق، دانای مطلق و حاضر مطلق نیستند.

۴- نباید بیماری و مصیبت‌های طبیعی را به شیطان و فرشتگان او نسبت دهیم. مگر اینکه به‌طور خاص این موضوع برای ما مکاشفه شده باشد. قدرت آنها برای انجام شرارت، واقعی ولی محدود است.

۵- اگر چه نیروهای شریر بر ضد خدا هستند ولی خدا از آنها برای اهداف خودش استفاده می‌کند. با وجود اینکه خدا از شریر برای به انجام رساندن قصد خود استفاده می‌کند، اما در زمان معین آنها را داوری و مجازات خواهد کرد.

۶- قدرت روح‌های شریر نسبت به انسان‌ها بستگی به اراده و خواست خود انسان‌ها دارد. روح‌های شریر نمی‌توانند بدون وجود حداقل یک رضایت ابتدایی از جانب انسان‌ها، قدرت خود را در رابطه با آنها بکار ببرند. این بدین معناست که ایمانداران می‌توانند از طریق دعا و ایمان به خدا با قدرت شریر مقاومت کنند! ما این وعده مطمئن خدا را داریم که: «ای فرزندان شما از خدا هستید و بر ایشان غلبه یافته‌اید، زیرا او که در شما است بزرگ‌تر است از آنکه در جهان است» (اول یوحنا ۴:۴).

۱۳- تعیین کنید کدامیک از جملات زیر صحیح هستند.

(a) نام‌هایی که به شیطان داده شده، نشان‌دهنده مقاصد او است.

(b) چون شیطان نمی‌تواند مستقیماً به خدا حمله کند، به انسان‌ها حمله می‌کند تا آنها را از خدا دور سازد.

(c) شیطان خلق شد تا رئیس فرشتگان شریری باشد که بر علیه خدا شورش کرده‌اند.

- (d) فرشتگان شریر از همان ابتدا بوسیله خدا به این صورت خلق شدند.
- (e) فرشته‌های شریر از هیچ محدودیتی برخوردار نیستند و در هر زمان می‌توانند بر خلاف هر کس عمل کنند.
- (f) خدا امکان دارد از فرشته‌های شریر برای مقاصد خود به منظور مجازات گناهکاران و یا تأدیب افراد خوب استفاده کند.
- (g) بعضی از فرشته‌های شریر تا زمان فرا رسیدن داوری در بند هستند در صورتی که بقیه آزاد هستند تا اراده شیطان را بجا آورند.
- (h) شیطان و فرشتگان شریر از نظر زمان و حوزه عملکرد محدود بوده و وابسته به اجازه خدا هستند.
- (i) بر اساس کلام خدا ایمانداران برای مقابله با شیطان و قدرت او کاملاً مجهز هستند و باید در برابر آن مقاومت کنند.
- (j) شیطان نمی‌تواند برخلاف خواست و اراده ایمانداران، وجود آنها را تسخیر کند.

خودآزمایی

- سؤالات صحیح و غلط. جملات صحیح را با حرف (a) و جملات غلط را با حرف (b) مشخص کنید.
- (۱) فرشتگان به صورت موجودات روحانی آفریده شده‌اند.
 - (۲) تمام فرشتگان مقدس آفریده شده بودند.
 - (۳) فرشتگان را می‌توان هم یک گروه و هم یک نژاد در نظر گرفت.
 - (۴) در بین فرشتگان مقدس یک سازماندهی وجود دارد که ظاهراً بر اساس وظیفه و عملکرد آنها است.
 - (۵) فرشتگانی که مقام و مسکن آسمانی خود را ترک کردند، خودشان چنین تصمیمی گرفتند.
 - (۶) فرشتگان دارای شخصیت بوده و از نظر قدرت و دانایی از انسان بالاتر هستند.
 - (۷) اکثر فرشتگان دانای مطلق، حاضر مطلق و قادر مطلق هستند.
 - (۸) کتاب مقدس نشان می‌دهد که سقوط شیطان به دلیل غرور او بود.
 - (۹) شواهد کتاب مقدسی وجود رئیس فرشتگان، کروبین، سرافین و فرشتگان بسیار دیگری که نام خاصی ندارند را تأیید می‌کند.
 - (۱۰) قدرت شیطان از نظر زمان و حوزه عملکرد محدود است و بستگی به اجازه خدا دارد.
 - (۱۱) کتاب مقدس بیان می‌کند حداقل نصف فرشتگان تصمیم گرفتند که از شیطان پیروی کنند و در نتیجه سقوط کردند.
 - (۱۲) شیطان می‌تواند ما را وسوسه کند تا سقوط کنیم، اما نمی‌تواند ما را مجبور به سقوط کند.
 - (۱۳) امکان دارد انسان‌ها برخلاف خواست خودشان و با وجود مقاومتی که با شیطان می‌کنند، وجودشان بوسیله او تسخیر شود.

- ۱۴) کتاب مقدس نشان می‌دهد که تعداد فرشتگان آنقدر زیاد است که یک گروه بزرگ و غیرقابل شمارش را تشکیل می‌دهند.
- ۱۵) لغت «فرشته» به معنی «پیام‌آور» است و کار اصلی فرشتگان را بیان می‌کند.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

- ۷) b
- ۱) a) همه چیزهای دیدنی و نادیدنی
- b) حیات
- ۸) e - d - b - a
- ۲) b
- ۹) a) ۶
- b) ۲
- c) ۴
- d) ۷
- e) ۳
- f) ۵
- g) ۱
- ۳) آنها دانای مطلق، قادر مطلق و حاضر مطلق نیستند.
- ۱۰) g - d - c - b
- ۴) a) ۴
- b) ۷
- c) ۶
- d) ۵

۲ (e)

۱ (f)

۸ (g)

۳ (h)

۴ (a) (۱۱)

۵ (b)

۱ (c)

۳ (d)

۲ (e)

(۵) a حفظ نکردن راستی و حقیقت

(b) گناه کرده بودند

(c) موقعیت؛ مسکن حقیقی خود را ترک کردند.

(d) غرور (غرور بیش از حد)

(۱۲) a جهنم - زنجیرهای ظلمت - داوری

(b) ظلمت - قصاص یوم عظیم

(c) فرشتگان شریر

(d) تسخیر

(e) علیل

(f) جای‌های آسمانی - زمین

۲ (a) (۶)

۱ (b)

۲ (c)

۳ (d)

۲ (e)

۱ (f)

۱ (g)

۳ (h)

۱ (i)

۳ (j)

۱۳ (c-d-e) غلط هستند و بقیه موارد صحیح هستند.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

انسان: خلقت خاص خدا

مردم نظرات بسیار متفاوتی درباره منشأ انسان بیان می‌کنند. فلاسفه، معتقدین به نظریه تکامل و جامعه‌شناسان هر کدام تفکرات و نظریه‌های خود را اعلام می‌کنند. کوشش و تلاش انسان‌های دنیوی برای توضیح درباره منشأ و پیشرفت انسان، به ما جواب قانع‌کننده‌ای نمی‌دهد، چون آنها معتقد هستند که وجود انسان نتیجه یک تصادف است، بدون اینکه هدف و معنایی در کار باشد. برخلاف آن، نویسنده مزمور درباره منشأ خود به خدا چنین می‌گوید: «ترا حمد خواهم گفت زیرا که به‌طور مهیب و عجیب ساخته شده‌ام..... در دفتر تو همه اعضای من نوشته شده. در روزهایی که ساخته می‌شد» (مزمور ۱۳۹: ۱۴ و ۱۶).

ما به شباهت خدا ساخته شده‌ایم. بوسیله خالق خود آفریده شده‌ایم تا عادلانه و با احساس مسئولیت بر زمین حکمرانی کنیم. خدا به ما توانایی تفکر، احساس و انتخاب اخلاقی داده است. ما قابلیت انجام بسیاری از کارها را داریم، اما امکان نیز دارد که از قابلیت‌های طبیعی خود به خوبی استفاده نکنیم و آنها را به هدر دهیم و خدایی را که تمام آنها را به ما بخشیده، انکار کنیم. تنها روشی که می‌توان بوسیله آن قابلیت‌های بالقوه بزرگی را که خدا به ما بخشیده است کشف کنیم، اطاعت از کلام خدا است. ناطاعتی ما باعث می‌شود که این قابلیت‌های بالقوه هرگز در زندگی ما ظاهر نشود.

در درس گذشته درباره قلمروهای روحانی توضیح دادیم. اکنون به مطالعه مخلوق دیگری از خدا یعنی نژاد انسانی می‌پردازیم. لغات انسان و بشر در این درس هر دو به نژاد انسانی یعنی جنس مذکر و مؤنث اشاره می‌کنند. در حین مطالعه این درس می‌توانید خود را بهتر بشناسید و وظایف خود را به عنوان شخصی که حاکمیت خدا را در زندگی خود پذیرفته است بیشتر درک کنید.



فهرست درس

منشأ انسان

طبیعت انسان

جاودانی بودن انسان

اهداف درس

پس از مطالعه این درس قادر خواهید بود:

- دیدگاه کتاب مقدس را درباره منشأ، طبیعت و ابدی بودن انسان بیان کنید.
- اجزای تشکیل دهنده وجود انسانی را تشخیص دهید.
- مراحل را که طی آن شخص یک تصمیم اخلاقی می گیرد، توضیح دهید.
- تمایل بیشتری برای دیده شدن جلال خدا در زندگی خود داشته باشید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- کتاب پیدایش باب‌های یک الی سه را به عنوان پیش زمینه درس مطالعه کنید. علاوه بر این، تمام آیاتی را که در درس بیان می‌شود حتماً بخوانید.
- ۲- پس از مطالعه درس به خودآزمایی پاسخ دهید و جواب‌های خود را مقایسه کنید.

متن درس

منشأ انسان

خلقت خاص خدا

کتاب مقدس به‌طور معقول و مستقیم به این سؤال پاسخ می‌دهد که «انسان چگونه بوجود آمد؟» کتاب مقدس درباره منشأ، مقصد و سرنوشت انسان سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که انسان خلقت خاص خدا است. انسان مخلوق بی‌مانند و بی‌نظیر خدا است. کتاب مقدس نشان می‌دهد که انسان نتیجه عمل خاص الهی است: «خداوند چنین می‌گوید من زمین را ساختم و انسان را بر آن آفریدم» (اشعیا ۴۵: ۱۱ و ۱۲). آیات دیگر کتاب مقدس نیز همین مطلب را بیان می‌کنند.

- ۱ - آیات داده شده را مطالعه کنید و بیان نمائید هر کدام چه مطلبی درباره منشأ انسان می‌گویند.

(a) پیدایش ۱: ۲۷.....

(b) پیدایش ۵: ۱-۲.....

(c) پیدایش ۶: ۷.....

(d) پیدایش ۶:۹

(e) تثبیه ۳۲:۴

(f) مزمور ۳:۱۰۰

(g) یعقوب ۹:۳

آفریده شدن بقیه مخلوقات به سادگی فقط از طریق فرمان الهی که فوراً انجام می‌شد، صورت گرفت (به پیدایش ۲۰:۱ و ۲۴ رجوع کنید)، اما خدا در خلقت انسان یک عمل خاص و ویژه انجام داد. اول اینکه، خدا انسان را از عناصر زمینی بوجود آورد و سپس در بینی او روح حیات دمید (پیدایش ۷:۲) و انسان به یک موجود زنده تبدیل شد. این دمیدن الهی، از جانب خدا به انسان یک طبیعت روحانی بخشید که باعث شد از تمام مخلوقات دیگر که در باب اول پیدایش به آنها اشاره شده است، مقام بالاتری داشته باشد. علاوه بر این، فرمان خدا مبنی بر حاکمیت و تسلط انسان بر زمین نشان‌دهنده برتری انسان بر سایر مخلوقات زمینی است (پیدایش ۱:۲۸).

همچنین می‌توانیم توجه خاص خدا را به انسان ببینیم، زمانی که او را برکت می‌دهد تا بارور و کثیر شوند (پیدایش ۱:۲۸؛ ۲:۵) و نژاد انسان تمام زمین را پر سازد و بر سایر مخلوقات زمینی و تمام گیاهان دانه‌دار تسلط و حاکمیت داشته باشد. مهم‌ترین تفاوت بین انسان و سایر مخلوقات خدا این است که انسان به شباهت خدا آفریده شد (پیدایش ۱:۲۶). هیچ مخلوق دیگری به جز انسان به شباهت خدا آفریده نشد. همانطور که در این درس خواهیم دید، شباهت انسان به خدا، شباهت فیزیکی نبود بلکه یک شباهت اخلاقی و روحانی.

در بررسی تفاوت‌های موجود بین انسان و حیوانات، شواهد بیشتری درباره طبیعت ویژه انسان کشف خواهیم کرد. اکنون بعضی از این تفاوت‌ها را در نظر می‌گیریم:

۱- انسان توانایی سخن گفتن دارد یعنی توانایی بیان مفاهیم و اندیشه‌های واقعی و انتزاعی به روشی خلاق و پویا. «من در خانه سفیدی زندگی می‌کنم که دارای پنج اطاق است»، این جمله نمونه‌ای از یک مفهوم واقعی است. و جمله: «دوست داشتن

از تنفر بهتر است»، نمونه‌ای از یک مفهوم انتزاعی است. هر دو این مفاهیم به دلیل توانایی انسان برای فکر کردن، درک نمودن و بیان اندیشه‌ها از طریق سخن گفتن، می‌توانند به انسان دیگری منتقل شوند. اما هیچ حیوانی قادر به انجام این عمل نیست.

۲- انسان می‌تواند از زیبایی لذت ببرد. اما حیوانات به یک باغ زیبا علاقه و تمایل بیشتری نسبت به یک علفزار از خود نشان نمی‌دهند.

۳- انسان می‌تواند بین بد و خوب تشخیص دهد. اما حیوانات این توانایی را ندارند. برای مثال، امکان دارد یک سگ به دلیل ناپاااعتی که کرده است تنبیه شود و از این تنبیه احساس خوبی نکند. همچنین ممکن است در اثر تکرار تنبیه بتوان آن را تربیت نمود، اما یک سگ هرگز یاد نمی‌گیرد که دزدیدن تخم‌مرغ یا خوردن جوجه‌های یک مرغ از نظر اخلاقی کار اشتباهی است.

۴- انسان تمایل عمیق و درونی برای پرستیدن یک موجود مافوق طبیعی دارد، اما حیوانات هرگز قادر به پرستیدن و احترام گذاشتن نیستند.

۵- انسان می‌تواند برنامه‌ریزی کند، نیازهای آینده را پیش‌بینی نماید و تغییراتی در وقایع بوجود آورد. او همچنین از ایجاد سبک‌های جدید معماری و سبک‌های جدید هنری لذت می‌برد. او همیشه در تلاش است تا با تغییر محیط، زندگی راحت‌تر و بهتری برای خود مهیا کند. اما حیوانات توانایی بوجود آوردن و پیش‌بینی کردن را ندارند. تمام اعمالی که حیوانات برای آماده کردن شرایط زندگی خود انجام می‌دهند، در واقع در اثر غریزه طبیعی آنها است. برای مثال، پرندگان بر اساس غریزه طبیعی برای جوجه‌های خود آشیانه می‌سازند و در طول قرن‌ها، آنها همان نوع آشیانه کوچک را می‌سازند که اجدادشان می‌ساختند.

این موارد آشکارا نشان می‌دهد که انسان مخلوق ویژه و خاص خدا است. خلقت او نتیجه یک تصادف نیست و از تکامل یک نوع حیوان پست‌تر بوجود نیامده است.

در درس‌های گذشته متوجه شدیم که خدا کائنات را آفریده است و از آن محافظت و نگهداری می‌کند. طبیعت به خودی خود بیشتر گرایش به خرابی و نابودی دارد تا پیشرفت. همه چیز کهنه و فرسوده می‌شود و چیزهای منظم به سوی بی‌نظمی حرکت می‌کنند. طبیعت برای بقا و بهتر شدن احتیاج به دانایی و قدرتی برتر و خارج از خود دارد. در اثر عمل خاص خدا که بر تمام کائنات فرمانروایی می‌کند، این مخلوق برتر، بوجود آمد (کولسیان ۱: ۱۶-۱۷).

۲- کدامیک از جملات زیر نشان می‌دهند که انسان، خلقت خاص خدا است.

(a) انسان به همان شکلی آفریده شد که حیوانات و گیاهان خلق شدند.

(b) فقط انسان بود که در اثر دمیدن خدا، زندگی و حیات یافت.

(c) به انسان حاکمیت و تسلط بر گیاهان و حیوانات بخشیده شد.

(d) انسان به شباهت خالق خود آفریده شد.

(e) انسان از تمام مخلوقات روی زمین متفاوت و برتر است.

(f) انسان تنها موجودی است که به هیچ قدرت برتری وابسته نیست.

به شباهت خدا خلق شده

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که انسان به شباهت و صورت خدا آفریده شد (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶؛ اول قرنتیان ۷: ۱۱؛ یعقوب ۳: ۹). انسان می‌تواند مانند خدا به گونه‌ای هدف‌دار و با معنا فکر کند. هر کدام از ما می‌توانیم به روش خود چیزهای مفید و زیبا بسازیم. همچنین می‌توانیم از طریق مطالعه، اصولی را در خلقت کشف کنیم که شواهدی از آفرینش خدا ارائه می‌دهند. «به شباهت خدا» شامل چه چیزهای دیگری می‌شود؟ و چه چیزهایی را شامل نمی‌گردد؟

اصطلاح «به شباهت خدا» به این معنا نیست که انسان کپی کاملی از خدا است. بلکه منظور این است که انسان در بعضی چیزها به خدا شباهت دارد. در درس اول دیدیم که خدا روح و در نتیجه غیرقابل رؤیت است. بنابراین می‌فهمیم که منظور از

شبیه بودن به خدا یک شباهت فیزیکی و مادی نیست. اگر شباهت ما به خدا یک شباهت فیزیکی و مادی نیست، پس منظور چیست؟

۱- شباهت شخصیتی. اگر چه خدا روح است، ولی روح انسانی ما قادر است با روح الهی خدا ارتباط برقرار نماید چون انسان مانند خدا یک وجود شخصی است. این امکان به ما داده شده که بر اساس یک رابطه شخصی، با خدا مشارکت داشته باشیم و همچنین مانند خدا می‌توانیم با سایر موجودات ارتباط داشته باشیم.

۲- شباهت اخلاقی. انسان مانند خدا، می‌تواند بین بد و خوب تشخیص دهد. خصوصیات اصلی شخصیت انسان یعنی عقل، احساس و اراده معطوف به خدا بود. ماهیت اخلاقی انسان نمونه‌ای محدود از ماهیت اخلاقی نامحدود و کامل خدا بود. انسان آزادی انتخاب و عمل داشت و مسئولیت آن نیز با خودش بود. در همان حین که انسان از آزادی‌اش برای انتخاب بین نیکویی و شرارت استفاده می‌کرد، می‌توانست مورد آزمایش قرار گیرد و با استفاده از قدرت تشخیص خود آن را توسعه و رشد دهد. واقعیت این است که انسان از اینکه باید بین بد و خوب انتخاب کند، باخبر و آگاه بود.

۳- ماهیت منطقی. انسان به دلیل داشتن ماهیت منطقی، هوش، توانایی استدلال، توانایی شناخت خدا و دیگران، به خدا شباهت دارد. به این توانایی همچنین به عنوان شباهت عقلی انسان به خالق خودش اشاره می‌شود.

۴- قابلیت تسلط و حکمرانی. انسان از این لحاظ که قادر به حکمرانی و کنترل امور است، به خدا شباهت دارد. انسان می‌تواند حیواناتی را که از او قوی‌تر هستند رام و اهلی نماید. او رودخانه‌ها را به منظور تهیه انرژی الکتریکی بوسیله سدها مهار می‌کند. بیابان‌ها را به زمین‌های حاصلخیز و پرثمر تبدیل می‌کند. این توانایی که خدا به انسان داده، بازتابی از حکمرانی و فرمانروایی مطلق خدا بر تمام کائنات است.

۵- خودآگاهی. از آنجا که انسان به شباهت خدا آفریده شده، از وجود خود باخبر و آگاه است. یک طفل در همان اوایل زندگی احساس می‌کند که از سایر افراد خانواده متمایز و جدا است. بدون توجه به اینکه خانواده و یا محیط تربیتی از او چه انتظاری دارند، درک می‌کند که از اشخاص دیگر متمایز است. او رؤیاها، آرزوها، امیدها، ترس‌ها و محرک‌های خود را دارد و به هیچ انسان دیگری شباهت ندارد. سایر مخلوقات از این خودآگاهی برخوردار نیستند.

۶- ماهیت اجتماعی. پایه و اساس ماهیت اجتماعی، محبت خدا است. خدا از ازل و تا به ابد این محبت را در تثلیث ارائه می‌دهد. مسیح فرمود «همچنانکه پدر مرا محبت نمود من نیز شما را محبت نمودم. در محبت من بمانید یکدیگر را محبت نمائید همچنانکه شما را محبت نمودم» (یوحنا ۹:۱۵ و ۱۲). از آنجا که ما نیز دارای ماهیت اجتماعی هستیم، به دنبال داشتن ارتباط و مشارکت با خدا و دیگران می‌باشیم و در همین راستا زندگی خود را بر اساس کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده سازمان می‌دهیم. محبت و توجه ما نسبت به دیگران مستقیماً از ماهیت اجتماعی ما نشأت می‌گیرد.

۳- آیات زیر را مطالعه نموده و بیان کنید هر کدام به چه جنبه‌ای از شباهت انسان به خدا اشاره می‌کنند.

- (a) پیدایش ۱۸:۲
- (b) افسسیان ۲۴:۴
- (c) کولسیان ۱۰:۳
- (d) مزمو ۱۳۹:۱۳-۱۶
- (e) رومیان ۸:۱۰-۱۱
- (f) پیدایش ۲۶:۱ و ۲۸
- (g) اول پطرس ۱:۱۵

کتاب مقدس به ما یک گزارش معقول و قابل اعتماد درباره منشأ انسان می‌دهد. و درباره طبیعت و توانایی‌های بالقوه‌ای که انسان با آن خلق شده است، سخن می‌گوید. همچنین این حقیقت را آشکار می‌سازد که انسان به شباهت خالق خویش آفریده شده است. این مطالب به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که به چه دلیلی انسان مخلوق خاص خدا است و به چه دلیلی از سایر مخلوقات برتر است. کتاب مقدس همچنین تعلیم می‌دهد که انسان اگر چه به عنوان یک وجود اخلاقی از مقام بالایی برخوردار است، اما مسئولیت‌های بسیار مهمی نیز بر عهده دارد. مسئولیت‌هایی که بر سرنوشت جاودانی او تأثیر می‌گذارند. این موضوع را در درس بعدی بررسی خواهیم کرد.

طبیعت انسان

اگر شناخت کامل‌تری از طبیعت انسان داشته باشیم، راحت‌تر می‌توانیم مشکلات خود را حل کنیم و بفهمیم چرا به این گونه که هستیم، رفتار می‌کنیم. درست است که انسان موجودی پیچیده است؛ او دارای بدنی شگفت‌انگیز، ذهنی خلاق و توانایی تشخیص بین بد و خوب را دارد و اینها فقط قسمت کوچکی از خصوصیات برجسته انسان است. این توضیح آشکار می‌سازد که انسان دارای یک جنبه فیزیکی یا مادی است که قابل رؤیت است و همینطور یک جنبه غیر فیزیکی که قابل رؤیت و تجزیه کردن در آزمایشگاه نیست. اکنون به بررسی جنبه‌های مختلف طبیعت انسانی می‌پردازیم.

جنبه مادی (فیزیکی)

تشخیص جنبه فیزیکی یا مادی انسان بسیار آسان است. این جنبه چیزی است که ما به چشم می‌بینیم و دکترها آن را معاینه می‌کنند و یا روی آن عمل جراحی انجام می‌دهند. قابل اندازه‌گیری، وزن کردن و تجزیه کردن در آزمایشگاه است. در واقع منظور از جنبه فیزیکی همان بدن انسان است.

کتاب مقدس بارها درباره بدن انسان سخن می‌گوید و رهایی، شامل جنبه فیزیکی ما نیز می‌گردد (رومان ۸:۲۳؛ اول قرنتیان ۶:۱۲-۲۰). کتاب مقدس چه ارزشی برای بدن انسانی قائل می‌شود؟ هر چند کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد، جنبه غیر فیزیکی انسان بسیار مهم‌تر از بدن است (متی ۲۸:۱۰)، اما ما را به سمتی هدایت نمی‌کند که بدن‌های خود را حقیر و بی‌ارزش بشماریم و یا آن را شریر بینداریم. بلکه برعکس، پولس رسول تعلیم می‌دهد که اگر چه بعد از مرگ بدن‌های ما فاسد می‌شود اما روزی به‌طور معجزه‌آسا احیا خواهد شد: «... عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم که شکل جسم ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسد مجید او مصور شود...» (فیلیپیان ۳:۲۰ و ۲۱).

پولس در رساله خود به کلیسای قرنتس، بیان می‌کند که بدن ایمانداران اعضای بدن مسیح است و بدن آنها هیكل روح القدس است و به همین دلیل به مسیحیان مسئولیت می‌دهد که با بدن خود نیز خدا را جلال دهند (اول قرنتیان ۶:۱۵ و ۱۹-۲۰).

مسیح نیز با تجسم خود در واقع برای بدن انسانی احترام و اهمیت بسیار زیادی قائل شد. لوقا بیان می‌کند که مسیح در «قامت» (لوقا ۲:۴۰) رشد می‌کرد. در واقع، نویسنده رساله به عبرانیان نشان می‌دهد که برای اینکه مسیح بتواند کاهن اعظم دلسوز و نجات دهنده ما باشد، ضروری بود که جسم بپوشد و بدن انسانی را بپذیرد (عبرانیان ۲:۱۴-۱۵ و ۱۷-۱۸).

۴- آیات ذکر شده را با توضیح مربوط به آن منطبق کنید

- a) بدن انسان خلقت شگفت‌آور خدا است و خدا اعلام نمود که بسیار نیکو است.
- b) چون مسیح یک بدن انسانی داشت قادر بود که کاهن اعظم دلسوزی برای ما باشد.
- c) از بدن انسانی ما و تمام قسمت‌های آن به عنوان نمونه‌ای برای بیان بدن مسیح استفاده شده است.
- d) بدن به عنوان مسکن و هیكل روح القدس باید مورد احترام قرار بگیرد.

- (e) رهایی ما از فساد شامل بدن مادی ما نیز می‌گردد
(f) باید از بدن خود در قدوسیت برای خدمت خدا استفاده کنیم.
(g) بدن‌های انسانی ما احیاء شده و به صورت بدن پر جلال مسیح در می‌آید.

(۱) پیدایش ۱: ۲۷ و ۳۱

(۲) رومیان ۱: ۱۲

(۳) اول قرن‌تیاں ۱۵: ۶ و ۱۹-۲۰

(۴) مزمور ۱۳۹: ۱۳-۱۶

(۵) عبرانیان ۱۴: ۲ و ۱۵-۱۷ و ۱۸

(۶) اول قرن‌تیاں ۱۴: ۶

(۷) فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱

(۸) رومیان ۸: ۲۳

(۹) اول قرن‌تیاں ۱۲: ۱۲-۲۷

جنبه غیر مادی (غیر فیزیکی)

در حالی که تشخیص جنبه مادی انسان آسان است، توضیح دادن درباره جنبه غیر مادی (غیر فیزیکی) او بسیار مشکل است. برای مثال، کلام خدا در اول تسالونیکیان ۲۳: ۵ از نفس یا جان و روح سخن می‌گوید که به همراه بدن مادی، تمامیت شخص را تشکیل می‌دهند. در حالی که در متی ۲۸: ۱۰ به نظر می‌رسد که فقط نفس یا جان جنبه غیر مادی انسان را تشکیل می‌دهد. آیا وجود انسان از دو قسمت تشکیل شده است و یا از سه قسمت؟ آیا روح و نفس یکی هستند و یا با یکدیگر متفاوتند. تشخیص و تعیین این موضوع که آیا روح و نفس یکی هستند و یا دو قسمت مجزا از وجود انسانی هستند، بسیار مشکل است. در حین بررسی دقیق‌تر ابعاد غیر مادی انسان، درباره این موضوع تعمق بیشتری خواهیم نمود.

بعضی از دانشمندان کتاب مقدس معتقد هستند زمانی که خدا انسان را آفرید در او یک روح حیات دمید. بعضی دیگر معتقد هستند که جنبه غیر مادی انسان شامل

دو قسمت می‌گردد. یکی نفس یا جان که سرچشمه حیات زیستی ما است و یا آن قسمتی که باعث می‌گردد تبدیل به یک مخلوق زنده بگردیم. قسمت دوم روح است، که سرچشمه حیات عقلانی ما است و یا آن قسمتی که مربوط به استدلال و درک کردن می‌شود.

۵- آیات زیر را مطالعه کنید و مشخص نمایید که آیا هر آیه به یک قسمت و یا هر دو قسمت از جنبه غیر مادی انسان اشاره می‌کند.

- (a) پیدایش ۷:۲
- (b) مزمو ۱۱:۴۲
- (c) اول قرنتیان ۳:۵
- (d) عبرانیان ۱۲:۴
- (e) اول تسالونیکیان ۲۳:۵

چندین عامل مهم در حیات منطقی انسان وجود دارد. همانطور که توجه خواهید کرد، سه عامل اول همان عوامل اصلی شخصیت هستند:

- (۱) عقل: توانایی درک کردن، استدلال نمودن و به خاطر آوردن
- (۲) احساس: توانایی احساس کردن، تحت تأثیر قرار گرفتن بوسیله آنچه شخص می‌داند یا تجربه می‌کند.

(۳) اراده: توانایی انتخاب کردن، تصمیم گرفتن و عمل نمودن

(۴) وجدان: خودآگاهی در ارتباط با تشخیص خوب و بد

در هنگام مطالعه درباره ماهیت خدا (درس اول)، فهمیدیم که خدا ما را با عوامل اصلی شخصیت یعنی: عقل، احساس و اراده خلق کرد. این قابلیت‌ها ما را قادر می‌سازد تا با خدا و انسان‌های دیگر به گونه‌ای با معنا و مسئولیت‌پذیر ارتباط برقرار کنیم. این عوامل غیر مادی به همراه جنبه مادی باعث می‌گردد که ما به عنوان یک وجود کامل قادر به زندگی کردن باشیم. ما محیط خود را کنترل می‌کنیم و آن را به

صورتی در می‌آوریم که برای زندگی مناسب و ضروری است. سعی می‌کنیم خالق خود را که برای ادامه حیات و نجات جاودانی‌مان همه چیز را مهیا کرده است، خشنود نمائیم.

اراده و وجدان دو عامل بسیار مهم از جنبه اخلاقی، وجود غیر مادی ما را تشکیل می‌دهند که در قسمت بعد آنها را مطالعه خواهیم کرد.

۶- با توجه به مطالبی که بیان شد، می‌توان با اطمینان گفت که:

(a) انسان از سه قسمت تشکیل شده است: بدن، نفس یا جان و روح
(b) کتاب مقدس آشکارا تعلیم می‌دهد که انسان وجودی است که از سه قسمت تشکیل شده است.

(c) انسان از دو قسمت تشکیل شده است: بدن و نفس یا جان
(d) کتاب مقدس آشکارا تعلیم می‌دهد که انسان وجودی است که از دو قسمت تشکیل شده است

(e) کتاب مقدس از بدن، نفس، روح، روح حیات و سایر اصطلاحات استفاده می‌کند تا درباره طبیعت انسان توضیح دهد، اما به‌طور آشکار بیان نمی‌کند که وجود انسان از سه قسمت یا دو قسمت تشکیل شده است.

۷- چهار عامل حیات منطقی انسان عبارتند از

جنبه اخلاقی

قابلیت‌های عقلانی وجود غیر مادی که آن را مطالعه کردیم به ما در انجام اعمال صحیح یا غلط کمک می‌کنند. عقل به ما این قدرت را می‌دهد تا بفهمیم چه چیزی صحیح است و چه چیزی اشتباه. احساس باعث می‌شود که در یک مسیر مشخص حرکت کنیم و اراده به ما کمک می‌کند تا تصمیم بگیریم. اما بدون وجدان، هیچ نوع عمل اخلاقی وجود نخواهد داشت.

وجدان را می‌توان به عنوان یک «صدای درونی» در نظر گرفت که از قوانین اخلاقی خدا در ارتباط با جهت دادن به اعمال ما استفاده می‌کند و ما را تشویق می‌کند که آن را اطاعت کنیم: به منظور شناخت و درک بیشتر ماهیت این قدرت اخلاقی، اکنون به بررسی وجدان و اراده در ارتباط با اعمال خود می‌پردازیم.

وجدان

به‌طور خلاصه دیدیم که وجدان ما با طرز رفتار و اعمال ما رابطه دارد. این توانایی فکری ما را قادر می‌سازد که به‌طور مناسب بین اعمال و طرز رفتارهایی که ممکن است باعث خشنودی و یا عدم رضایت خدا بگردد، داوری کنیم. خدا در کلام خود ملاک و معیاری برای زندگی آشکار نموده است. تعالیم و کاربرد عملی حقایق الهی که دریافت کرده‌ایم به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه باید زندگی کنیم. بنابراین آنچه درباره اراده خدا در کلامش مکاشفه شده است و آنچه از بکارگیری این حقایق در زندگی روزمره خود می‌آموزیم، پایه و اساسی برای عملکرد وجدان بوجود می‌آورد.

وجدان ما را در ارتباط با درست یا اشتباه بودن اعمالی که می‌خواهیم انجام دهیم، هدایت می‌کند و یا هشدار می‌دهد. پولس رسول وقتی درباره انسان‌ها می‌گوید که «از ایشان ظاهر می‌شود که عمل شریعت بر دل ایشان مکتوب است و ضمیر ایشان نیز گواهی می‌دهد و افکار ایشان با یکدیگر یا مذمت می‌کنند یا عذر می‌آورند» (رومیان ۲: ۱۵)، در واقع نمونه‌ای از عملکرد وجدان را بیان می‌کند.

برای مثال، ایمان‌داری بنام دیوید را در نظر بگیرید که تاجر است و باید تصمیم بگیرد که: «آیا باید برای شام خوردن با یک تاجر مهم به مکانی که مرکز تفریحات شرورانه است بروم؟ یا اینکه باید بر روی عقاید خود حتی اگر به قیمت از دست دادن سود این معامله باشد، بایستم و دعوت او را نپذیرم؟».

ملاک و معیار دیوید برای زندگی، کلام خدا است. او می‌داند که کلام خدا درباره معاشرت بد چه تعلیمی می‌دهد (دوم قرنتیان ۷: ۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۳۳). وجدانش به او هشدار می‌دهد که پذیرش این دعوت اشتباه است چون مخالف ملاک و معیار

خدا است. همچنین به یاد دیوید می‌آورد که می‌باید مطابق خواست خدا رفتار کند. در واقع وجدان دیوید بر اساس کلام خدا بین عمل خوب و بد تفاوت قائل می‌شود. چون دیوید یک ایماندار است، وجدانش تحت تأثیر و هدایت روح القدس با او سخن می‌گوید.

اگر دیوید شهادت وجدان خود و مسئولیت اخلاقی‌اش را نادیده می‌گرفت، بعداً احساس شرم و پشیمانی می‌کرد و از نتایج عمل خود می‌ترسید. تسلیم شدن به وسوسه باعث بوجود آمدن احساس شکست می‌گردد، یعنی شکست در زندگی کردن بر اساس معیار خدا. بقیه عواملی که همراه احساس شکست هستند یعنی احساس شرم، پشیمانی و ترس مربوط به وجدان نمی‌گردند بلکه مربوط به احساسات هستند. بنابراین وجدان در ارتباط با نگرش‌ها و رفتار ما مانند یک داور و قاضی عمل می‌کند.

۸- سه احساسی که در نتیجه ناطاعتی یک ایماندار از وجدان بوجود می‌آید، عبارتند از....

از آنجا که خدا ما را با این هدایت کننده یا «صدای» درونی خلق نموده است، باید مطالب بیشتری درباره چگونگی عملکرد وجدان و محدودیت‌هایی که دارد بدانیم. اول، وجدان نیز مانند عقل با رشد و بلوغ ما توسعه می‌یابد. وقتی می‌خواهیم مسئولیت‌های خود را درک کنیم، در واقع شروع به شناخت نتایج و پی‌آمدهای منطقی اعمالمان می‌کنیم. دوم، کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که وجدان می‌تواند آلوده، فاسد و داغ کرده شود:

«ولی همه را این معرفت نیست، زیرا بعضی تا بحال به اعتقاد اینکه

بت هست آن را چون قربانی بت می‌خورند و ضمیر ایشان چون

ضعیف است نجس می‌شود» (اول قرنتیان ۷:۸)

«هرچیز برای پاکان پاک است لیکن آلودگان و بی‌ایمان را هیچ چیز

پاک نیست بلکه فهم و ضمیر ایشان ملوث است» (تیتس ۱:۱۵)

«به ریاکاری دروغ‌گویان که ضمایر خود را داغ کرده‌اند» (اول)

تیموتائوس (۲:۴)

این آیات نشان می‌دهند که بی‌توجهی و سهل‌انگاری در زندگی مسیحی، نادیده گرفتن صدای وجدان، و ترک کردن ایمان می‌تواند عملکرد وجدان را که خدا بخشیده است بی‌ثمر و بی‌تأثیر بگرداند. اگر چه نمی‌توان آن را از بین برد. سوم، وجدان مصون از خطا و لغزش‌ناپذیر (بدون هیچ گونه اشتباه و کامل) نیست. وجدان در صورتی که معیارهای غلطی به آن داده شود می‌تواند شخص را به گونه‌ای اشتباه هدایت کند. پولس رسول قبل از اینکه در راه دمشق با مسیح ملاقات کند، در رفتار غلط و اشتباه خود بسیار با وجدان و وظیفه‌شناس بود. او فکر می‌کرد که کار صحیح را انجام می‌دهد. غیرت و صداقت او ستودنی ولی عملکردش منجر کننده و غلط بود! علت این بود که عقل او تفسیری اشتباه از عهدعتیق پذیرفته بود، در نتیجه وجدانش بر اساس همان تفسیر غلط و اشتباه او را به بیراهه هدایت می‌کرد (اعمال باب ۹).

بنابراین، وجدان ما، اعمال و رفتارهای ما را بر اساس موارد زیر مورد قضاوت و داوری قرار می‌دهد:

- ۱) شناخت و درک ما از وجود خدا.
 - ۲) اراده مکاشفه شده خدا.
 - ۳) آگاهی و شناخت اخلاقی که خدا به ما بخشیده است.
 - ۴) آنچه تعلیم یافته‌ایم (معیاری که در اختیار وجدان گذاشته شده است).
 - ۵) ملاک و معیارهای اجتماعی که پذیرفته‌ایم.
- می‌دانیم که نسبت به خدا پاسخگو و مسئول هستیم. باید توجه داشت که معیارهای اجتماعی، به دلیل وجود گناه و رد کردن معیارهای خدا، همیشه صحیح و درست نیست. بنابراین تنها ملاک مورد پذیرش خدا برای وجدان، ملاکی است که بر اساس کلام خدا و تفسیری که روح‌القدس از آن می‌کند، استوار شده باشد.

۹- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) وجدان، ما را باخبر می‌سازد که آیا بر اساس ملاک و معیار پذیرفته شده، مسئولانه زندگی می‌کنیم یا نه.
- (b) ایمانداران معمولاً می‌توانند برای تشخیص آنچه صحیح یا غلط است، بوسیله معیارهای اجتماعی هدایت شوند.
- (c) وجدان، همیشه بر طبق معیاری که به آن داده شده است، قضاوت می‌کند.
- (d) اگر وجدان، بر اساس و پایه کلام خدا قرار گرفته باشد، هرگز نمی‌تواند آلوده، فاسد و یا داغ کرده شود.
- (e) وجدان یک مسیحی عمدتاً بر اساس تفسیر او از اعمال صحیح و غلط شکل می‌گیرد.
- (f) اگر صدای وجدان پیوسته نادیده گرفته شود، می‌تواند آلوده، فاسد و داغدار شود.
- (g) اگر شخص پیوسته برخلاف آنچه وجدانش می‌گوید رفتار کند، وجدانش ممکن است از بین برود.

اراده

اراده در واقع توانایی ما برای انتخاب و تصمیم‌گیری میان راه‌های ممکن و عمل کردن بر طبق آن است. در ارتباط با هر عملی، قبل از اینکه بتوانیم احساس خود را درباره آن بیان کنیم، باید از آن شناخت داشته باشیم. سپس بر اساس شناخت و احساسی که داریم می‌توانیم بوسیله اراده، عملی را که می‌خواهیم انتخاب کنیم. می‌توانیم در حدود توانایی خود آزادانه انتخاب کنیم که چه عملی را انجام دهیم. برای مثال می‌توانیم اراده کنیم که بدویم. اما نمی‌توانیم اراده کنیم که مانند یک ماهی در زیر آب زندگی کنیم. چون دویدن در حدود توانایی انسان است ولی زندگی کردن در زیر آب خارج از توانایی انسان است. همانطور که در درس بعد خواهیم دید، انسان بوسیله گناه محدود شده است و نمی‌تواند بوسیله اراده به راحتی موقعیت اخلاقی خود را تغییر دهد و عادل بگرداند.

چه چیزی بر اراده تأثیر می‌گذارد؟ آیا کاملاً در کنترل انسان است یا تحت کنترل خدا؟ در تصمیم‌گیری چه مراحل وجود دارد؟ اکنون در حین مطالعه کامل‌تر طبیعت انسان درباره این موضوعات توضیح خواهیم داد.

زمانی که خدا انسان را آفرید به او قدرت انتخاب کردن را بخشید. همچنین قدرت گناه کردن و یا اجتناب از آن را. خدا انسان را در باغ عدن قرار داد و شرایطی فراهم نمود تا او بتواند رابطه‌اش را با خدا ادامه دهد:

«و خداوند خدا آدم را امر فرموده، گفت از همه درختان باغ

بی‌ممانعت بخور، اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری زیرا

روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد» (پیدایش ۲: ۱۶ و ۱۷)

آدم به این فرمان خداوند چگونه پاسخ داد؟ تصمیم‌گیری او احتمالاً شامل مراحل زیر بود:

۱- عقل آدم، معیار و ملاک خدا را پذیرفت. آدم فهمید که خدا به او چه می‌گوید.

۲- احساس او درستی سخنان خدا را تأیید کرد.

۳- اراده او آماده شد تا بین پذیرش و یا رد وسوسه شیطان تصمیم بگیرد

(پیدایش ۳: ۶-۴).

۴- در این زمان بحرانی، وجدان آدم، نتایج حاصل از عمل کردن برخلاف حکم خدا را سنجید.

۵- آدم به‌طور ارادی تسلیم وسوسه شد.

بنابراین آدم عمداً از حکم خدا ناطاعتی کرد و بلافاصله نتایج آن را متحمل شد. وجدانش او را محکوم کرد و باعث شد درک نماید که در نگاه داشتن حکم خدا کوتاهی کرده است و احساس شرم، پشیمانی و ترس بکند، چون ناطاعتی او باعث شده بود که دیگر بی‌گناه و پاک نباشد (پیدایش ۳: ۷-۱۰). اکنون طبیعت او دچار فساد و تباهی شده بود. از آنجا که آدم از حکم و خواست خدا ناطاعتی کرد، انسان بوسیله طبیعت گناه‌آلود او محدود شد. او دیگر نمی‌تواند بدون کمک خدا و فقط بوسیله قدرت اراده خودش از حکم خدا اطاعت کند. پولس رسول می‌گوید: «زیرا

می‌دانم که در من یعنی در جسد من هیچ نیکویی ساکن نیست زیرا که اراده در من حاضر است اما قدرت نیکویی کردن نی» (رومیان ۷:۱۸).

با وجود این، خدا نمی‌خواست انسان را در آن فساد و تباهی ترک کند. بنابراین او را در همان شرایط مورد فیض و رحمت خود قرار داد و از او خواست که از گناهانش توبه کند و نجاتی را که برایش فراهم نموده، بپذیرد (تیتس ۲:۱۱). در این زمان است که روح القدس ابتکار عمل را بدست می‌گیرد و اراده انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا بسوی خدا بازگشت نماید (فیلیپیان ۲:۱۳). اشخاصی که بازگشت کنند می‌توانند فرزندان خدا بشوند (یوحنا ۱:۱۲).

اگر چه خدا فیض خود را از انسان سقوط کرده دریغ نمی‌کند و او را قادر می‌سازد تا مسیح را به عنوان نجات دهنده خود بپذیرد، اما هرگز انسان را مجبور نمی‌کند که ایمان بیاورد. انسان بوسیله عمل ارادی خود ممکن است نجات را بپذیرد و تبدیل به فرزند خدا بگردد و یا ممکن است نجات را رد کند و زیر محکومیت (داوری) خدا باقی بماند. او در انتخاب خود آزاد است. در این فرایند، هم اراده خدا و هم اراده انسان دخیل است (تیتس ۲:۱۱-۱۲؛ یوحنا ۷:۱۷).

۱۰- آیات داده شده را با جملات منطبق کنید.

a) فیض خدا به ما تعلیم می‌دهد که به زندگی بی‌بند و بار و شهوات دنیوی پاسخ منفی بدهیم.

b) خدا است که در وجود شما کار می‌کند تا بتوانید با رغبت از او اطاعت کنید و اعمالی را بجا آورید که مورد پسند او است.

c) اگر شخصی بخواهد اراده خدا را انجام دهد، پی خواهد برد که آنچه من می‌گویم از جانب خدا است.

d) می‌خواهم شخص خوبی باشم اما نمی‌توانم.

(۱) یوحنا ۷:۱۷

(۲) فیلیپیان ۲:۱۳

(۳) تیطس ۱۱:۲-۱۲

(۴) رومیان ۷:۱۸

۱۱- در مراحل که منجر به گرفتن تصمیم می‌شود، دیدیم که تمام توانایی‌های انسان عمل می‌کنند. جملات زیر را کامل کنید و درباره این مراحل توضیح دهید.

(a) عقل

(b) احساس

(c) وجدان

(d) اراده

اگر چه توانایی‌های معقول ما در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی دخیل هستند، اما تا زمانی که اجازه می‌دهیم روح خدا ذهن ما را کنترل نماید، روح‌القدس بر ما تأثیر مثبت می‌گذارد (به رومیان ۵:۸-۹ و ۱۲-۱۴ رجوع کنید) و در وجود ما عمل می‌کند تا با رغبت و تمایل اراده او را بجا آوریم (فیلیپیان ۲:۱۳).

در روند بلوغ مسیحی، زندگی کردن با روح‌القدس و قدم زدن با او باعث رشد روحانی ما در زندگی می‌گردد (غلاطیان ۵:۱۶-۱۸ و ۲۵)

جاودانگی انسان

پس از مرگ چه اتفاقی برای انسان می‌افتد؟ چیزهای زیادی درباره زندگی پس از مرگ وجود دارد که ما از آن بی‌خبر هستیم، اما کتاب مقدس حقایقی را به ما تعلیم می‌دهد که نشان می‌دهد، زندگی پس از مرگ وجود دارد.

زمانی که اعضای بدن انسان از عمل کردن باز می‌ایستند، مرگ فیزیکی روی می‌دهد. بدن انسان فاسد می‌گردد و تبدیل به خاک می‌شود (به پیدایش ۳:۱۹ رجوع کنید). اما قسمت غیرفانی وجود انسان که کتاب مقدس به آن با عنوان روح یا جان

اشاره می‌کند، به حیات و موجودیت خود ادامه می‌دهد. آیات بسیاری از کلام خدا این حقیقت را تأیید می‌کنند:

لوقا ۲۳:۴۳ «عیسی به وی گفت: هرآینه به تو می‌گویم امروز با من در فردوس خواهی بود.»

دوم قرنتیان ۵:۸ «این را بیشتر می‌پسندیم که از بدن غربت کنیم و به نزد خداوند متوطن شویم.»

فیلیپیان ۱:۲۲ و ۲۳ «اگر زیستن در جسم، همان ثمر کار من است، پس نمی‌دانم کدام را اختیار کنم. چون که خواهش دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم زیرا این بسیار بهتر است.»

یوحنا ۵:۲۴ «هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید، بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است.»

وقتی آدم گناه کرد، مرگ فیزیکی یک قسمت از لعنتی بود که بر انسان قرار گرفت «.... زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت» (پیدایش ۳:۱۹). اگر چه در هنگام مرگ، حیات مسیحیان به عنوان یک موجود کامل (مادی و غیرمادی) متوقف می‌شود، اما آنها امید مبارکی دارند، یعنی بازگشت ثانوی مسیح که در آن زمان دارای بدن‌های جلال یافته، خواهند شد. مسیح به وسیله مرگ خود برای گناهان ما و قیامش از مردگان، برخاستن ما را نیز از میان مردگان تضمین نموده است. این حقیقت در اول قرنتیان ۱۵:۴۲-۴۹ توضیح داده شده است:

«به همین نهج است نیز قیامت مردگان. در فساد کاشته می‌شود و در بی‌فسادی بر می‌خیزد؛ در ذلت کاشته می‌گردد و در جلال بر می‌خیزد؛ در ضعف کاشته می‌شود و در قوت بر می‌خیزد؛ جسم نفسانی کاشته می‌شود و جسم روحانی بر می‌خیزد؛ اگر جسم نفسانی هست هرآینه روحانی نیز هست. و همچنین نیز مکتوب است که انسان اول یعنی آدم نفس زنده گشت، اما آدم آخر روح حیات‌بخش شد. لیکن

روحانی مقدم نبود بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی. انسان اول از زمین است، خاکی؛ انسان دوم خداوند است از آسمان. چنانکه خاکی است، خاکیان نیز چنان هستند و چنانکه آسمانی است، آسمانی‌ها همچنین هستند. و چنانکه صورت خاکی را گرفتیم. صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت»

در نقطه مقابل، زمانی که یک بی‌ایمان می‌میرد، روح یا جان آنها به حیات خودآگاه خویش در مکانی پر از رنج و درد به نام جهنم ادامه می‌دهد. در داستانی که مسیح درباره مرد ثروتمند و ایلعازر (لوقا ۱۶: ۱۹-۲۴) بیان کرد دیدگاهی اجمالی درباره این واقعیت به ما داد. در جهنم، مرد ثروتمند می‌توانست فکر کند، به یاد آورد، صحبت و احساس کند. همچنین از خودآگاهی نیز برخوردار بود.

بنابراین می‌بینیم که انسان بوسیله خدا به عنوان موجودی ابدی و فناپذیر خلق شد. این واقعیت برای اشخاصی که کفاره مسیح را پذیرفته‌اند و او را خدمت و اطاعت می‌کنند، امید مبارکی است. زمانی که ایمانداران بمیرند، روح آنها بلافاصله در حضور خدا خواهد بود. در زمان بازگشت ثانوی مسیح بدن‌های فانی آنها قیام خواهد نمود و به بدن‌های جلال یافته تبدیل خواهد شد (اول قرنیتان ۱۵: ۵۰-۵۷) چه روز پر جلالی خواهد بود! اما بی‌ایمانان با محکومیت و عذاب جاودانی روبرو خواهند شد و برای همیشه از حضور خدا محروم خواهند بود (به مکاشفه ۷: ۱۰-۱۰ رجوع کنید).

۱۲- در دفتر خود بر اساس مطالب گفته شده، پاسخ دهید.

- a) زمانی که شخص می‌میرد برای بدن او چه اتفاقی می‌افتد؟
- b) در هنگام مرگ برای روح یا جان چه اتفاقی می‌افتد؟
- c) در زمان بازگشت ثانوی مسیح برای ایمانداران چه اتفاقی روی خواهد داد؟
- d) سرنوشت جاودانی اشخاصی که به مسیح ایمان نیاورده‌اند چه خواهد بود؟
- e) درباره این جمله توضیح دهید: انسان موجودی فناپذیر است.

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی - صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب کنید.

- ۱- دیدگاه کتاب مقدس درباره خلقت انسان این است که او:
- (a) یکی از موجودات زنده‌ای بود که خدا در زمان مشخصی خلق نمود.
 - (b) خلقت ویژه و خاص خدا بود، بالاتر از سایر مخلوقات و خدا او را برکت داد.
 - (c) در اثر گذشت تدریجی زمان بوسیله تکامل از شکل پست‌تری از حیات بوجود آمد تا در نهایت بر خلقت حکمرانی نماید.
- ۲- زمانی که می‌گوییم «انسان به شباهت خدا آفریده شد»، منظورمان این است که او:
- (a) در تمام جزئیات کاملاً شبیه خدا است.
 - (b) در حال حاضر به گونه‌ای محدود شبیه خدا است اما در نهایت کاملاً شبیه خدا و دارای قدرت و حاکمیت نامحدود خواهد بود.
 - (c) از نظر شخصیتی، اخلاقی، آگاهی اجتماعی و قابلیت حکمرانی شبیه خدا است.
- ۳- وجود انسان از تشکیل شده است.
- (a) هر دو جنبه مادی و غیر مادی
 - (b) یک بدن فیزیکی که بعد از مرگ فاسد می‌گردد و یک نفس که می‌میرد اما در زمان داوری خدا دوباره احیاء می‌شود.
 - (c) یک بدن فیزیکی که شریر و یک جنبه غیر فیزیکی که نیکو است.
- ۴- بعضی از دانشمندان کتاب مقدس معتقد هستند، جنبه غیر فیزیکی انسان که سرچشمه حیات زیستی است، عبارت است از:
- (a) بدن
 - (b) نفس یا جان
 - (c) روح

(d) روح حیات (نفس)

۵- نفس، روح، روح حیات و وجدان اصطلاحاتی هستند که در کتاب مقدس برای اشاره به انسان بکار رفته است.

(a) وجود فیزیکی

(b) وجود غیر فیزیکی

(c) شخصیت

(d) بدن

۶- کدامیک از جملات زیر در ارتباط با عوامل وجود منطقی انسان صحیح است.

(a) عقل که به انسان توانایی درک و استدلال نمودن می بخشد.

(b) احساسات که از طریق آن انسان می تواند احساس کند و بوسیله آنچه می داند تحت تأثیر قرار گیرد.

(c) وجدان که اعمال و رفتار انسان را بر اساس معیاری برای خوبی یا بدی می سنجد.

(d) اراده که به انسان توانایی انتخاب کردن و عمل نمودن می بخشد.

۷- زمانی که موضوعی کاملاً درک شد، ابتدا

(a) اراده، ناگهان تصمیم به عمل می گیرد.

(b) عقل نکات مثبت و منفی آن را از طریق مقایسه با یک ملاک یا معیار می سنجد.

(c) احساسات، شخص را به عمل کردن وا می دارد.

(d) وجدان باعث احساس تقصیر و شرم می شود.

۸- در مراحل تصمیم گیری، شخص ابتدا باید

(a) درباره واقعیت های مربوط به موضوع، درک و شناخت داشته باشد.

(b) تصمیم بگیرد که بر اساس ملاک و معیارهای جامعه خود، چگونه می خواهد عمل کند.

(c) احساسات و نتایج حاصل از تصمیم خود را در نظر بگیرد.

۹- وجدان عاملی است که

- (a) شخص را بر اساس تمایلاتش وادار به تصمیم‌گیری می‌کند.
- (b) اعمال شخص را با معیار و ملاکی که پذیرفته است، می‌سنجد.
- (c) باعث می‌شود یک تصمیم، عملی گردد.
- (d) انتخاب نهایی را انجام می‌دهد.

۱۰- اراده انسان می‌تواند بر طبق اراده خدا عمل کند، چون

- (a) تمایل به خوبی دارد
- (b) وجدان انسان، اراده خدا را برای او آشکار می‌کند.
- (c) رحمت و فیض خدا باعث نجات او شده و او را قادر ساخته که از خدا اطاعت کند.
- (d) از داوری خدا می‌ترسد.

۱۱- کدامیک از جملات زیر در ارتباط با سرنوشت انسان صحیح است؟

- (a) بدن و نفس انسان به همین صورتی که هست، ابدی و جاودانی است.
- (b) بدن مادی انسان فاسد خواهد شد، اما نفس یا جان انسان برای همیشه در آرامش کامل به سر خواهد برد.
- (c) بدن انسان می‌میرد و روح یا نفس ایمانداران بلافاصله در حضور خدا خواهد بود و در بازگشت ثانوی مسیح بدنی قیام کرده و جلال یافته دریافت خواهد کرد و بی‌ایمانان برای همیشه در جهنم عذاب خواهند کشید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

- (۱) a) خدا انسان را به شباهت خود آفرید.
b) خدا انسان را زن و مرد و به شباهت خود آفرید.
c) خدا انسان را آفرید.
d) خدا انسان را به شباهت خود آفرید.
e) خدا انسان را بر روی زمین آفرید.
f) خداست که انسان را آفرید.
g) انسان به شباهت خدا خلق شده است.
۷) عقل، احساس، اراده و وجدان
۲) e - d - c - b
۸) شرم، پشیمانی و ترس
۳) a) ماهیت اجتماعی
b) شباهت اخلاقی
c) ماهیت عقلانی
d) خودآگاهی
e) شخصیت
f) قابلیت تسلط و حکمرانی
g) شباهت اخلاقی
۹) a) صحیح
b) غلط
c) صحیح
d) غلط
e) غلط (وجدان شخص با کلام خدا که توسط روح القدس تفسیر می‌شود، شکل می‌گیرد)

(f) صحیح

(g) غلط

(۴) (a) ۱ و ۴

(b) ۵

(c) ۹

(d) ۳

(e) ۸ و ۶

(f) ۲

(g) ۷

(۱۰) (a) ۳

(b) ۲

(c) ۱

(d) ۴

(۵) (a) روح حیات (یک قسمت)

(b) نفس (یک قسمت)

(c) روح (یک قسمت)

(d) نفس و روح (دو قسمت)

(e) نفس و روح (دو قسمت)

(۱۱) پاسخ شما باید شبیه به پاسخ‌های زیر باشد.

(a) تشخیص می‌دهد درباره چه چیزی باید تصمیم گرفته شود.

(b) باعث می‌گردد که انسان یکی از دو راه را انتخاب کند.

(c) راه‌های پیشنهاد شده را بر اساس معیارهای اخلاقی شخص می‌سنجد.

(d) درباره موضوع تصمیم می‌گیرد.

(۶) e

(۱۲) پاسخ شما باید شبیه به پاسخ‌های زیر باشد.

(a) فاسد می‌شود و تبدیل به خاک می‌گردد.

(b) روح ایمانداران بلافاصله در بهشت در حضور خدا خواهد بود و روح

بی‌ایمانان در جهنم رنج خواهد برد.

(c) بدن فانی آنها قیام خواهد کرد و به بدن غیرفانی و جلال یافته تبدیل

خواهد شد.

(d) محکومیت و عذاب جاودانی و محروم بودن از حضور خدا

(e) انسان بوسیله خدا به صورت موجودی که دارای دو بعد فیزیکی و غیر

فیزیکی است، خلق شد که روح یا جان او هرگز از بین نخواهد رفت و برای

همیشه به حیات خود یا در حضور خدا و یا در جهنم که مکان مجازات جاودانی

است، ادامه خواهد داد.

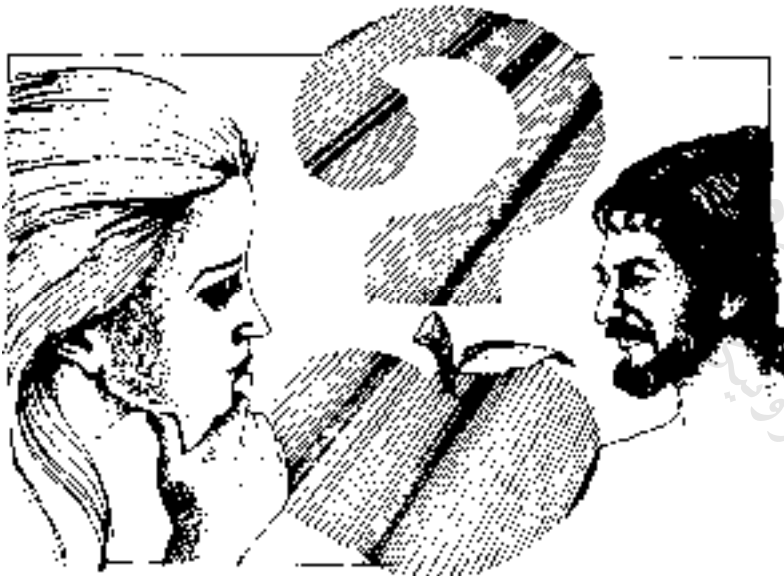
گناه و نجات: مشکل و راه حل آن

«ژان، کارگرانی که در خانه همسایه مشغول کار هستند، امروز می‌خواهند سیمان را مخلوط کنند، چون پیراهن نو پوشیده‌ای نزدیک آنها نرو.» همسرم دوست دارد این داستان را بیان کند تا نشان دهد که برادرش چقدر از این هشدار مادر عصبانی و خشمگین شده بود. در آن زمان او شش سال داشت. پس با بی‌اعتنائی، با قدی که مناسب سنش بود، در محوطه ساختمان راه می‌رفت. دقیقاً همان موقع که او به آنجا رسید، پروانه‌ای روی ظرف مخلوط‌کننده سیمان نشست. ژان به سرعت خم شد تا پروانه در حال تقلا را آزاد کند ولی ناگهان تعادل خود را از دست داد و توی ظرف سیمان افتاد! تمام سر و صورت و پیراهن او پر از سیمان شد. شجاعت ژان تبدیل به ترسی دردناک شد، چطور باید با مادرش روبرو شود؟ نتیجه این ناطاعتی او چه خواهد بود؟

شرایط انسان نیز شبیه همین مورد است. خلقت پر جلال خدا که درباره آن سخن گفتیم در اثر گناه فاسد شده است. در این درس، تعلیم کلام خدا را درباره منشأ و نتایج گناه بررسی خواهیم کرد. اما خدا را شکر که مطالعه ما فقط به تباهی انسان محدود نمی‌گردد بلکه درباره راه حلی که مسیح برای مشکل گناه مهیا کرده، سخن خواهیم گفت. دعای ما این است که روح‌القدس به شما در درک این موضوعات مهم کمک کند.

فهرست درس

- واقعیت گناه
- منشأ گناه
- ماهیت گناه
- نتایج گناه
- تجدید حیات گناهکار



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس قادر خواهید بود:
- مثالهایی را ذکر کنید که نشان‌دهندهٔ واقعیت گناه باشد.
- بیان کنید که کتاب مقدس درباره منشأ گناه چه تعلیمی می‌دهد.
- درباره ماهیت و نتایج گناه توضیح دهید.
- مراحل را نام ببرید که منجر به تجدید حیات یک گناهکار می‌گردد.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- پیدایش باب‌های ۲ و ۳ و رومیان باب‌های ۵ و ۶ را در ارتباط با مشکل گناه و همچنین اشعیا باب ۵۳ را که در ارتباط با راه حلی است که خدا برای گناه مهیا کرده، بخوانید. سپس درس را مطالعه کنید.
- ۲- پس از پاسخ دادن به خودآزمایی، درس‌های ۵ الی ۷ را مرور کنید و به آزمون میانی شماره ۲ پاسخ دهید.

واقعیت گناه

گناه را می توان ناطاعتی و قصور از قوانینی دانست که خدا به مخلوقات هوشمند خود عطا کرده است. از آنجا که قوانین خدا در واقع بیان کننده ماهیت اخلاقی خدا هستند، انسان می بایست این قوانین را برای رضایت و خشنودی او حفظ نماید. کلام خدا به طور آشکار واقعیت، منشأ، ماهیت، نتایج و درمان گناه را بیان می کند. در این درس به بررسی جنبه های مختلف گناه می پردازیم.

همانطور که در درس قبل بیان کردیم، انسان موجودی هوشمند و دارای قدرت تفکر است. بنابراین تشخیص می دهد که محکوم به گناه است اگر (۱) مرتکب عملی بشود که نباید آن را انجام دهد؛ (۲) از انجام کاری که می باید انجام دهد امتناع کند؛ (۳) به گونه ای زندگی کند که خدا نمی خواهد؛ و یا (۴) مطابق آنچه خدا می خواهد زندگی نکند. دلایل و شواهد بسیاری درباره واقعیت گناه وجود دارد. اولین دلیل در کلام خدا دیده می شود.

دلیل کتاب مقدسی

گناه یکی از موضوعات اصلی کتاب مقدس است. باب سوم پیدایش اولین گناهی را که انسان مرتکب شد، بیان می کند. باب چهارم، در ادامه داستان بیان می کند که چگونه مشکل گناه ادامه پیدا کرد و در فرزندان آدم و حوا، اولین والدین، اثر گذاشت. در این زمان، خدا به قائن هشدار داد: «اگر نیکویی می کردی، آیا مقبول نمی شدی؟ و اگر نیکویی نکردی، گناه بر در، در کمین است و اشتیاق تو دارد، اما تو بر وی مسلط شوی» (پیدایش ۴:۷). با این وجود، قائن تسلیم احساس حسادت، تنفر و طغیان خود شد و برادر خود را کشت.

۱- ماهیت گناه آدم و حوا و قائن چه بود؟ (پیدایش ۳: ۱۱ و ۴: ۷)

هنگامی که گزارش کتاب مقدس را دنبال می‌کنیم، باز هم شاهد تکرار گناه هستیم. خدا شریعت را برای هدایت قوم اسرائیل بخشید (خروج ۱۷-۲۰). خدا همه قوانینی را که برای قوم مقرر کرده بود، به موسی اطلاع داد و به وضوح چگونگی کفاره شدن گناه را بیان کرد و اینکه چطور قوم اسرائیل می‌توانند قربانی‌های مناسب را برای گناهی که مرتکب می‌شوند، بگذرانند (لاویان باب‌های ۴ الی ۷). او حتی در سال یک روز مشخص را تعیین نمود تا تمام قوم اسرائیل برای گناهان خود قربانی بگذرانند (لاویان باب ۱۶). پنج کتاب اول عهدعتیق به اسم کتب «شریعت» نامیده می‌شوند، چون شامل تمام قوانینی است که خدا برای قوم خود وضع کرد تا زندگی مقدسی داشته باشند و گناهانشان بخشیده شود.

کتاب‌های تاریخی یعنی از یوشع تا استر، گزارشی از قصور و شکست غم‌انگیز قوم اسرائیل در اطاعت از قوانین خدا است. این کتاب‌ها آشکار کننده ناطاعتی، سرکشی، لجاجت و روی برگرداندن قوم اسرائیل از خدا و قوانین او هستند.

- ۲- داوران ۶: ۷-۲ را با ۲: ۱۰-۱۹ مقایسه کنید و بگوئید پس از مرگ یوشع بنی‌اسرائیل چگونه تغییر روش داد؟
- ۳- داوران ۷: ۳، ۹، ۱۲، ۱۵؛ ۱: ۴؛ ۱: ۶ را مطالعه کنید و بگوئید در این آیات چه موضوعی تکرار شده است؟

نویسنده مزمور به خوبی غم و اندوه خود را برای گناهی که مرتکب شده است بیان می‌کند: «ای خدا به حسب رحمت خود بر من رحم فرما. به حسب کثرت رأفت خویش گناهانم را محو ساز، مرا از عصیانم بکلی شست و شو ده و از گناهانم مرا طاهر کن، اینک در معصیت سرشته شدم ...» (مزمور ۵۱: ۱ و ۲ و ۵). انبیا برای گناهی که باعث سقوط قوم اسرائیل شده بود، گریه می‌کردند (حزقیال ۲۳؛ ارمیا ۵؛ دانیال ۹: ۲۳).

عهد جدید درباره خیانت یهودای اسخریوطی (متی ۲۶:۱۴-۱۶) سخن می گوید و زجری را که نجات دهنده ما، کسی که گناهان جهان را متحمل شد، به تصویر می کشد (لوقا ۲۲:۳۹-۴۴؛ یوحنا ۱۹:۱-۳ و ۱۸). همچنین به نقشه بسیار بد حنایا و صغیره اشاره می کند (اعمال ۵:۱-۱۱). یکی از واضح ترین دلایل و شواهد واقعی بودن گناه در رساله رومیان ۱:۱۸-۳۲ دیده می شود.

«و چون روا نداشتند که خدا را در دانش خود نگاه دارند، خدا ایشان را به ذهن مردود واگذاشت تا کارهای ناشایسته بجا آورند. مملو از هر نوع ناراستی و شرارت و طمع و خباثت، پر از حسد و قتل و جدال و مکر و بدخوبی؛ غمازان و غیبت کنندگان و دشمنان خدا و اهانت کنندگان و متکبران و لاف زنان و مبدعان شر و نامطیعان والدین؛ بی فهم و بی وفا و بی الفت و بی رحم. زیرا هر چند انصاف خدا را می دانند که کنندگان چنین کارها مستوجب موت هستند، نه فقط آنها را می کنند، بلکه کنندگان را نیز خوش می دارند» (رومیان ۱:۲۸-۳۲).

۴- بر اساس مطالب ذکر شده و رساله اول یوحنا ۵:۱۷، گناه را تعریف کنید.

نیاز به حکومت

کتاب مقدس نه تنها نمونه های بسیاری از واقعیت گناه را ارائه می دهد، بلکه دلیل نیاز غیر قابل اجتناب برای وجود حکمران در جامعه را بیان می کند. در داوران ۲۱:۲۵ چنین می خوانیم: «و در آن ایام در اسرائیل پادشاهی نبود و هرکس آنچه در نظرش پسند می آمد، می کرد.» تا آن زمان خدا از داوران استفاده می کرد تا بر اساس هدایت خدا قوم اسرائیل را رهبری کنند، اما در اول سموئیل باب ۸ می خوانیم که قوم اسرائیل از سموئیل می خواهند پادشاهی را نصب کند تا آنها را رهبری کند. آنها دوست داشتند همان نوع حکومتی را داشته باشند که قوم های دیگر داشتند (داوران

۵:۲۱). چون قوم نمی‌خواستند از خدا اطاعت کنند، بنابراین احتیاج به حکومت و پادشاه داشتند.

مردم گاهی اوقات در آرزوی مدینه فاضله هستند، مکانی ایده‌آل که در آنجا عدالت کامل حکمفرما است و هماهنگی اجتماعی وجود دارد. در این مکان هر شخص مشغول کار و فعالیت خود است و با خوشحالی برای سعادت و آسایش دیگران همکاری می‌کند و از چیزهای خوب زندگی به طور کامل بهره می‌یابد. البته چنین جامعه‌ای در روی زمین نمی‌تواند وجود داشته باشد، چون انسان به طور ذاتی موجودی خودخواه و متمرّد است. گناه یکی از واقعیت‌هایی است که ما در زندگی روزمره با آن روبرو هستیم. هیچ کس از تأثیر آن در امان نیست. نتایج تأسف‌بار گناه هر روزه در روزنامه‌ها، رادیو و سایر رسانه‌های گروهی اعلام می‌شود و به طور آشکار نشان‌دهنده نیاز به یک حکومت برای کنترل جامعه است.

گناه واقعی است و نتیجه خرافات یا بی‌سوادی نیست، بلکه نتیجه طبیعت انسان است که برخلاف قوانین خدا و بر اساس تمایلات شریانه خود زندگی می‌کند.

۵- در دفتر خود، دو دلیل برای واقعیت گناه بیان کنید و برای هر کدام مثالی ذکر نمایید.

منشأ گناه

از قرن‌ها پیش فلاسفه در مورد این موضوع بحث کرده‌اند که آیا گناه جاودانی است و همیشه در کنار خوبی وجود داشته است یا نه. بعضی معتقد هستند که ستیز بین بدی و خوبی همیشه وجود داشته و تا ابد ادامه خواهد یافت. آیا زمانی بوده که فقط نیکویی و خوبی وجود داشته است؟ اگر چنین است، گناه چه زمانی بوجود آمد؟ به منظور پاسخ دادن به این سؤالات، به بررسی منشأ گناه در کائنات و نژاد انسانی می‌پردازیم.

در کائنات

در درس پنجم درباره گناه فرشتگان که باعث سقوطشان شد و آنچه کلام خدا درباره منشأ گناه در کائنات می گوید، مطالعه کردیم. اکنون به طور خلاصه آن حقایق را مرور می کنیم تا ببینیم چگونه به انتقال و گسترش گناه در نژاد انسانی مربوط می گردند. ابتدا درس پنجم قسمت «خصوصیت اخلاقی فرشتگان» را مرور کنید. مطالب زیر خلاصه آن قسمت است:

۱- فرشتگان گروهی از مخلوقات هستند که به صورت موجوداتی مقدس، کامل و دارای شخصیت خلق شدند و اراده و خواست آنها هماهنگ با خالقشان بود.
۲- فرشتگان ظاهراً دارای قدرت انتخاب بودند و از عواقب ناطاعتی اطلاع داشتند.

۳- در میان فرشتگان، شیطان از مقام بالایی برخوردار بود (حزقیال ۱۲:۲۸؛ دوم قرنتیان ۴:۴؛ افسسیان ۲:۲).

۴- شیطان از همان ابتدا رهبر شورش و تمرد بر علیه خدا بود (یوحنا ۸:۴۴؛ اول یوحنا ۳:۸).

۵- با توجه به بعضی از پادشاهان زمینی که در کلام خدا چون سمبولی از شیطان به آنها اشاره شده است، می فهمیم که گناه شیطان غرور بوده است (حزقیال ۱۱:۲۸-۱۹ و اشعیا ۱۴:۱۳-۱۴ را با اول تیموتائوس ۳:۶ مقایسه کنید).

با توجه به آیات ذکر شده می توانیم بفهمیم که شیطان از اینکه تحت فرمان خدا باشد ناراضی بود. او بیشتر به فکر جاه طلبی خود بود تا خدمت کردن به خدا. او آنقدر به زیبایی خود می بالید که حتی فکر می کرد می تواند از خالق خود برتر و بالاتر باشد. او خودپسند، ناراضی و طمع کار بود و به آن چیزهایی که خدا به او بخشیده بود قانع نبود بلکه در آرزوی آن چیزی بود که فقط مختص به خالق است. علائم گناه را که در شیطان می بینیم، ظاهراً ریشه و عامل اصلی سقوط بقیه فرشتگان شریر است.

این موضوع برای ما اهمیت بسیار زیادی دارد، چون زمانی که شیطان و فرشتگان پیرو او بر علیه خدا شورش و طغیان کردند، در عالم هستی گناه به صورت یک اصل درآمد. گناه آنها در مخالفت با حاکمیت و اقتدار پدر آسمانی بود. هدف شیطان خراب و باطل کردن نقشه خدا در هر قسمت از کائنات است. او رئیس تشکیلاتی است که بر علیه خدا و حاکمیت او عمل می‌کنند.

۶- کدامیک از جملات زیر در ارتباط با منشأ گناه صحیح هستند.

- (a) خدا به منظور امتحان سرسپردگی مخلوقاتش گناه را در کائنات بوجود آورد.
- (b) گناه، مانند نیکویی یک اصل جاودانی است که برای حفظ تعادل بوجود آمده است.
- (c) گناه زمانی بوجود آمد که مخلوقات خدا تصمیم گرفتند که از خالق خود اطاعت نکنند و مطابق میل خودشان رفتار نمایند.
- (d) گناه در کائنات زمانی بوجود آمد که شیطان به دلیل غرور و جاه‌طلبی، می‌خواست مقام بالاتری داشته باشد.
- (e) قدرت انتخاب برای انسان و فرشتگان به یک اندازه ضروری بود، چون خدا نمی‌خواهد هیچ موجودی او را به اجبار پرستش و عبادت کند.

در نژاد انسانی

همانطور که قبلاً دیدیم، خدا انسان را بدون طبیعت گناه‌آلود خلق کرد و او را در محیطی ایده‌آل قرار داد و تمام نیازهای او را برآورده کرد. خدا به آدم ذهنی قدرتمند و چالش‌های فراوان بخشید تا از وقت و انرژی خود استفاده کند. خدا همچنین به او معاون و همراهی به نام حوا بخشید. سپس برای آنها قوانین ساده‌ای وضع نمود تا آدم و حوا را از نتایج ناپاااعتی آگاه نماید. و با این زوج ارتباط و مشارکت بسیار نزدیک و صمیمانه برقرار کرد.

هشدار و اخطار خدا به آدم و حوا در حکم یک امتحان و آزمایش ساده بود. در میان تمام آن امتیازات و امکانات، آنها فقط از یک چیز منع شدند: میوه یک درخت. این امتحان آشکار کننده اطاعت یا ناطاعتی آنها از حکم خدا بود. آدم و حوا به صورت ماشینی که بدون هیچ نوع تصمیم‌گیری، خدا را پیرستد آفریده نشدند. اراده آنها به سوی خدا متمایل بود، اما از آنجا که این قدرت را داشتند که آن را بپذیرند و یا رد کنند، می‌توانستند آزادانه انتخاب کنند. این توانایی شرط لازم هر نوع امتحان و آزمایشی است.

شیطان زمانی که بر علیه خدا شورش کرد، برخلاف آدم و حوا، هیچ وسوسه کننده‌ای نداشت. مدتی بعد از اینکه خدا آدم و حوا را در باغ عدن قرار داد، شیطان به حوا نزدیک شد و به او گفت که خدا چیزی را از او و آدم دریغ داشته که بسیار خوب و مفید است. نکته قابل توجه این است که حوا در برابر مطلبی که بر ضد خدا گفته شد هیچ مخالفتی نکرد- در واقع شیطان با بیان این جمله که «هرآینه نخواهید مرد»، خدا را دروغ‌گو معرفی کرد (پیدایش ۳:۴). حوا نه تنها اعتراضی نکرد بلکه حتی سعی هم نکرد که جمله اشتباهی را که شیطان بر علیه خدای قدوس بیان کرده بود، اصلاح کند. او بیشتر به فکر منفعت و سودی بود که در اثر پیروی از وسوسه شیطان بدست می‌آورد. او تسلیم احساس، اشتیاق و جاه‌طلبی خود برای دانایی جدید گردید.

بنابراین، حوا در اثر فریب شیطان، آزادانه دست به عملی زد که بیشتر مطابق خواست خودش بود تا اراده و خواست خدا. پیدایش ۳:۱-۵ بیان می‌کند که حوا می‌خواست (۱) چیزی را داشته باشد که خدا آن را منع کرده بود، (۲) چیزی را بداند که خدا برای او آشکار نکرده بود؛ و (۳) چیزی باشد که خدا برای او در نظر نگرفته بود.

در واقع حوا خودش را بر خدا ترجیح داد و این عمل گناه است. او فقط چیزی را در نظر گرفت که می‌خواست انجام دهد. به میوه درخت نگاه کرد و چنین برای خود توجیه که چون خوراک خوبی است، پس خوردن قسمتی از آن نمی‌تواند اشتباه باشد. او همچنین استدلال کرد که چون میوه زیبایی است و باعث دانایی می‌گردد، بنابراین خوردن آن اشتباه نخواهد بود. اما او مهم‌ترین حقیقت را فراموش کرد: خدا خوردن میوه آن درخت را منع کرده بود! فقط در نظر گرفتن آنچه خودش

می‌خواست باعث شد که او و آدم، آشکارا برخلاف حکم خدا از میوه آن درخت بخورند. اگر چه آنها توانایی لازم برای درک نتایج عمل خود را داشتند ولی از خودشان نپرسیدند که آیا با این عمل، خدا جلال پیدا می‌کند. چرا آنها دقیق‌تر درباره کاری که می‌خواستند انجام دهند، فکر نکردند؟

اولین اجداد ما تصمیم گرفتند که هشدار خدا را نادیده بگیرند. اگر چه آنها وسوسه شدند ولی هیچ کسی آنها را مجبور نکرد که برخلاف حکم خدا عمل کنند. این ناطاعتی آنها باعث بوجود آمدن گناه در نسل بشر گردید (به رومیان ۱۲:۵ نگاه کنید) و نگرشی که آنها را به سوی این عمل سوق داد، جزو طبیعت بشر گردید. من آن را احساس می‌کنم و شما هم همینطور. بنابراین گناه وارد جهان شد و تأثیر شیرانه خود را بر نسل بشر گذاشت و باعث قطع شدن رابطه انسان با خدا گردید. گناه تأثیر خود را بر نسل آدم نیز گذاشت. هر شخصی، از آدم یک طبیعت گناه‌آلود به ارث می‌برد که در نهایت او را به سوی مرگ روحانی سوق می‌دهد.

۷- پیدایش ۲۲:۳-۲۳ و رومیان ۱۲:۵ را مطالعه کنید و در دفتر یادداشتان به سؤالات زیر پاسخ دهید.

(a) گناه آدم چه تأثیری بر زندگی خود او گذاشت؟

(b) گناه آدم چه تأثیری بر تمام نسل او گذاشت؟

۸- در دفتر خود توضیح دهید که چرا مجازات خدا برای آدم و حوا و متعاقباً نسل آنها تصدیق شد.

ماهیت گناه

آیا بهتر نمی‌بود اگر گناه یک ماده فیزیکی بود و ما می‌توانستیم آن را در قرنطینه نگه‌داریم. آن وقت از پژوهشگران درخواست می‌کردیم که دارو یا سرمی کشف کنند و گناه را از بین ببرد. سپس گروه‌های متخصص به جوامع مختلف می‌رفتند و این

دارو را به دیگران تزریق می کردند تا برای همیشه قدرت و نتایج گناه نابود شود. در نتیجه جوامع بشری تغییر می کردند و مردم می توانستند برای جلال خدا زندگی کنند. همه ما می دانیم که گناه نه میکروب است و نه ویروس. پس ماهیت گناه چیست؟ در قسمت اول این درس تعریف کوتاهی از گناه ارائه دادیم که عبارت بود از ناطاعتی و قصور در انجام دادن کلام خدا. این تعریف شامل تمام کارهای اشتباهی که مردم انجام می دهند، می شود. شامل کارهایی که نباید انجام دهیم، ولی انجام می دهیم و کارهایی که باید انجام دهیم ولی از انجام آنها امتناع می ورزیم. در زبان های عبری و یونانی که برای نوشته شدن عهدعتیق و عهدجدید بکار رفته اند، از لغات پرمعنایی برای توضیح گناه بر علیه خدا استفاده شده است. دانشمندان کتاب مقدس که درباره شکل گیری لغات بکار رفته مطالعه می کنند، توضیح می دهند که چه عقایدی این لغات را ایجاد کرد. مطالعات آنها به ما درک و فهم بیشتری درباره معنی لغت گناه می دهد. هر کدام از این اصطلاحات عمل یا حالتی که عدم تأیید خدا را برمی انگیزد، به شکلی متفاوت بیان می کند. اکنون به بررسی بعضی از این اصطلاحات می پردازیم. (امکان دارد اصطلاحاتی که در اینجا بکار رفته است، دقیقاً اصطلاحات ترجمه فارسی کتاب مقدس نباشد، چون این اصطلاحات از زبان عبری یا یونانی گرفته شده است - مترجم).

۱- خطا (رومیان ۵: ۱۴-۱۷). ما اغلب به این جمله برمی خوریم که «هر گونه تخلف و استفاده غیرقانونی ممنوع است». معنی این جمله چیست؟ خطا یا تخلف به معنی تجاوز به حقوق دیگران است. زمانی که انسان ها چنین جملاتی بکار می برند، دوست ندارند که هیچ کسی به حقوق آنها تجاوز کند. به منظور جلوگیری از تخلف، انسان ها معمولاً آنچه را که حق آنها است، مشخص می کنند و همچنین مجازات تخلف از آن را نیز تعیین می کنند. به همین صورت، خدا نیز یک سری از اصول اخلاقی را تعیین کرده است که ما به عنوان قانون یا شریعت به آن اشاره می کنیم.

انسان با تخلف از این قوانین، مرتکب گناه می‌شود؛ یعنی قانون خدا را نادیده می‌گیرد. بی‌قانونی، گناه است (اول یوحنا ۳:۴).

۲- به هدف نزدن (خروج ۲۰:۲۰). زمانی که شخص گناه می‌کند، در واقع در برآوردن هدف خدا برای زندگیش شکست می‌خورد. در این حالت، گناه به معنی نزدن به هدف است. او از آن چیزی که خدا برایش در نظر گرفته دور می‌افتد. نزدن به هدف اصطلاحی است که مربوط به تیراندازی می‌شود، یعنی وقتی که شخص نمی‌تواند تیر خود را به وسط هدفی که در نظر دارد، بزند.

۳- خودخواهی (مزمور ۳۶:۱۱۹؛ فیلیپیان ۳:۲). علت اولین ناپاکی غرور و خودخواهی بود. چون انسان در طلب چیزی بود که خدا آن را برای او ممنوع کرده بود. او تسلیم خودخواهی و غرور خود شد.

۴- تمرد (خروج ۲۱:۲۳؛ اول سموئیل ۱۱:۲۴). تمرد به معنی ناطاعتی و عمل کردن بر ضد کسی است که بر سر قدرت است. همچنین به معنی انحراف از شریعت خدا است. اشعیا این موضوع را به اینگونه بیان می‌کند: «جمع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود» (اشعیا ۵۳:۶). این دقیقاً همان کاری است که مردم امروز انجام می‌دهند. هر کدام می‌خواهند «کار خودشان را انجام دهند» یعنی اینکه از تمایلات و خواهش‌های خود پیروی کنند. این مطلب برای همه جوامع و ملیت‌ها صدق می‌کند. انسان‌ها نمی‌خواهند از نقشه‌ای که خدا برای آنها در نظر دارد، پیروی کنند.

۵- فساد (یعقوب ۲۷:۱). وقتی شخصی از روی قصد گناه می‌کند، از عمل اشتباه خود آگاه است و وجدانش او را محکوم می‌کند. احساس تقصیری که از نتیجه گناه بوجود می‌آید، شخص را از فساد (ناپاکی) خودش باخبر می‌سازد. او احساس ناپاک

بودن می کند. به همین دلیل است که کتاب مقدس در مورد نیاز به پاک شدن از فساد گناه صحبت می کند (مزمور ۵۱: ۲ و ۷؛ اول یوحنا ۱: ۷).

به طور خلاصه، گناه عبارت است از شکست خوردن مخلوقات هوشمند خدا در اطاعت کردن از قوانین او. هر چیزی که هدفش جلال دادن خدا نباشد، گناه است (رومیان ۳: ۲۳). هر چیزی در انسان که ذات مقدس خدا را نشان نمی دهد و یا مخالف آن عمل می کند، گناه است.

۹- اصطلاحات داده شده را با توضیح مربوط به آنها منطبق کنید.

a) شخص بیشتر به فکر راه های خودش است تا اطاعت کردن از خواست و طریق خدا

b) نتایجی که احتیاج به پاک شدن دارند

c) شکست خوردن در انجام اراده و قصد خدا در زندگی

d) تجاوز کردن از حدودی که خدا تعیین کرده است.

e) عمل کردن بر ضد حاکمیت خدا، یعنی انحراف از شریعت خدا

(۱) خطا

(۲) نزدن به هدف

(۳) خودخواهی

(۴) تمرد

(۵) فساد

نتایج گناه

کتاب پیدایش باب سوم، نتایج اسف بار اولین گناه را بیان می کند. با همان قاطعیتی که خدا گفته بود «از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری»، همچنین به آنها هشدار داده بود که «زیرا روزی که از آن خوردی هر آینه خواهی مرد» (پیدایش ۲: ۱۷). با

بی‌توجه بودن نسبت به هشدار الهی و خوردن میوه‌ای که ممنوع شده بود، انسان نمی‌توانست کمتر از نتایج تعیین شده انتظار داشته باشد. در ادامه درس، به‌طور خلاصه نتایج مهم گناه اولیه آدم را بررسی می‌کنیم.

رابطه قطع شده با خدا

درک و آگاهی آدم و حوا از اینکه خودشان آزادانه از خدا ناطاعتی کرده‌اند، باعث شد که فوراً احساس تقصیر کنند. آنها دیگر بی‌گناه و مقدس نبودند و وجدانشان به دلیل کاری که انجام داده بودند آنها را سرزنش و محکوم می‌کرد. آنها خود را در حضور یکدیگر و خدا برهنه دیدند و با خجالت سعی کردند خودشان را از خدا مخفی کنند. زمانی که خدا با آنها روبرو شد، هر کدام سعی کردند دیگری را مقصر معرفی کنند. آدم، حوا را مقصر دانست و حوا، مار (شیطان) را (پیدایش ۳: ۱۲-۱۳). با این اعتراف تأسف بار رابطه زیبا و شخصی آنها با خدا پایان یافت. آنها مرگ روحانی را تجربه کردند (پیدایش ۲: ۱۷) و از باغ عدن بیرون رانده شدند و زندگی جدیدی را که با آنچه تا بحال داشتند بسیار متفاوت بود، آغاز کردند.

طبیعت گناه‌آلود

گناه آدم و حوا نه تنها قلب آنها را فاسد و گناه‌آلود کرد، بلکه به قلب تمام نسل‌های آنها نیز سرایت کرد. کلام خدا آشکار می‌نماید که همان یک گناه، به عنوان اصلی گناه‌آلود به تمام نسل بشر منتقل شد (رومیان ۵: ۱۲). در نتیجه تمام جهان زیر کنترل قدرت گناه قرار گرفت (غلاطیان ۳: ۲۲)، و همه ما «زیر خشم و غضب خدا» قرار گرفتیم (افسیسیان ۳: ۲). این طبیعت گناه‌آلود مانع از این می‌شود که انسان بتواند خدا را خشنود کند. هر انسانی به دلیل طبیعت گناه‌آلودش مانند آدم عمل می‌کند. کلام خدا آشکار می‌کند که همه ما با طبیعت گناه‌آلود به دنیا آمده‌ایم (مزمور ۵۱: ۵). ما تمایل داریم فکر کنیم که اطفال کامل هستند و طبیعت گناه‌آلود ندارند ولی

وقتی جنگ و دعوای برادرها و خواهرها را مشاهده می کنیم، می فهمیم که خودخواهی جزیی از طبیعت انسانی است. آمادگی و استعداد اطفال برای ناطاعتی از همان طبیعت گناه آلودشان سرچشمه می گیرد.

۱۰- بر اساس آیات داده شده تعیین کنید کدام قسمت از وجود انسان بوسیله گناه، فاسد و گناه آلود شده است.

(a) اول تیموتائوس ۲:۴؛ تیطس ۱:۱۵

(b) رومیان ۱:۲۸؛ اول قرنتیان ۱۴:۲؛ دوم قرنتیان ۴:۴؛ افسسیان ۴:۱۸

(c) افسسیان ۱:۲ و ۵؛ کولسیان ۲:۱۳ و ۱۸

(d) ارمیا ۹:۱۷-۱۰؛ افسسیان ۴:۱۹

(e) رومیان ۱:۲۸؛ ۷:۱۸-۲۰

(۱) عقل

(۲) احساسات

(۳) اراده

(۴) وجدان

(۵) روح (که دچار مرگ روحانی شده است)

این تمرین به ما نشان می دهد که تمام قسمت های وجود انسان بوسیله گناه، فاسد و گناه آلود شده است و در چنین شرایط و موقعیتی انسان به هیچ صورتی نمی تواند خدا را خشنود و راضی کند. البته منظور این نیست که انسان، بدون خدا نمی تواند هیچ عمل خوبی انجام دهد و یا قدردان باشد، بلکه منظور این است که انسان، تا زمانی که از نظر روحانی دوباره زنده نشود، نمی تواند هیچ عملی انجام دهد که از نظر خدا با ارزش باشد. چون شباهت او به خدا، از بین رفته است.

ما نه تنها از نتایج گناه آدم و تأثیرات طبیعت گناه آلودی که از او به ما رسیده رنج می بریم، بلکه از نتایج گناهان خود نیز در رنج و عذاب هستیم. اگر من تبیل هستم و کار نمی کنم از نتایج آن رنج خواهم برد.

اغلب ما نه تنها از نتایج گناه خود، بلکه از نتایج گناهان دیگران نیز رنج می‌بریم. شهروندان کشوری که زمامداران آن دچار فساد و تباهی هستند، نمی‌توانند از امکاناتی که یک حکومت خوب قادر است آن را فراهم کند، بهره‌مند شوند. فرزندان پدری که معتاد است، امکان دارد از نتایجی که حاصل اعتیاد پدرشان است، رنج ببرند. مردم در تصادف اتومبیل که در نتیجه مستی راننده‌ها روی می‌دهد، فوت می‌کنند. جامعه به‌طور کلی از اعمال جنایتکاران رنج می‌برد و آنها نیز مجازات عمل خود را در زندان متحمل می‌گردند.

در درس ششم دیدیم که جنبه خوب انسان قابل تحسین است، ولی اکنون می‌خواهیم به جنبه غم‌انگیز آن نیز نگاهی بیاندازیم. انسان بدون خدا در فساد و تباهی بسر می‌برد. هر چه به زمان‌های آخر نزدیک‌تر می‌شویم، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که در همه جا شاهد شرایط بسیار سخت و وحشتناکی باشیم. پولس رسول تحت الهام خدا چنین می‌نویسد:

«اما این را بدان که در ایام آخر زمان‌های سخت پدید خواهد آمد، زیرا که مردمان خودپرست خواهند بود و طماع و لاف‌زن و متکبر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس و ناپاک و بی‌الفت و کینه‌دل و غیبت‌گو و ناپرهیز و بی‌مروت و متنفر از نیکویی و خیانت‌کار و تندمزاج و مغرور که عشرت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند» (دوم تیموتائوس ۳: ۱-۵).

- ۱۱- کدامیک از جملات زیر بهترین توضیح را درباره نتایج گناه بیان می‌کند.
- (a) امروز نه تنها به دلیل گناه آدم و طبیعت گناه‌آلودی که به ارث برده‌ایم، بلکه همچنین از نتایج گناهان دیگران نیز رنج می‌کشیم.
- (b) هر شخص از نتایج گناهان خود رنج می‌برد، اما گناه او تأثیری در زندگی دیگران ندارد.
- (c) نتایج گناه در طول زمان‌های آخر کاهش می‌یابد چون مردم روشنفکتر می‌شوند.

تأثیر بر روی بدن انسان

در باغ عدن مرض و بیماری برای آدم و حوا شناخته شده نبود. میکروب، ویروس و انواع مختلف بیماری‌ها در نتیجه گناه بوجود آمدند و پس از آن اکثراً در ارتباط با داوری دیده می‌شوند (خروج ۲۶:۱۵؛ تثنیه ۵۸:۲۸-۶۲). درد، خستگی و بیماری جسمی همگی قسمتی از فرایندی هستند که بوسیله گناه آغاز شد و در نهایت به مرگ جسمی ختم می‌گردد (پیدایش ۱۶:۳-۱۹). در واقع مرگ در زندگی بشر نتیجه سقوط انسان است. فرایند حیات نیز تلاش انسان است برای رسیدن به خدا، زندگی کردن و خشنود ساختن او، و این نگرش مخالف دسیسه‌های شیطانی است (پیدایش ۱۵:۳).

تأثیر بر روی محیط

به دلیل لعنتی که در اثر گناه بوجود آمد، تمام کائنات زیر لعنت قرار گرفت (پیدایش ۱۷:۳-۱۸). در زندگی حیوانات نیز خشونت دیده می‌شود. اشعیا ۱۱:۶-۹ بیان می‌کند در هنگام برقراری ملکوت خدا، حیوانات درنده تبدیل به حیوانات آرام و اهلی می‌گردند. این امر باعث می‌شود باور کنیم که قانون حاکم بر جنگل یعنی شکار شدن ضعیف‌ترها بوسیله قوی‌ترها، نتیجه لعنت گناه است و توازن موجود در طبیعت نیز از هم گسیخته شده است.

زندگی گیاهی نیز تحت تأثیر گناه قرار گرفته است. علف هرز و خارها، گیاهان خوب را از بین می‌برند. گیاهان غذایی، بدون تلاش و سعی بسیار انسان رشد نمی‌کنند و ثمر نمی‌دهند. تلاش و مبارزه انسان برای بدست آوردن غذا از زمین، نیروی بدنی زیادی را طالب است. پولس رسول این موضوع را به اینگونه بیان می‌کند:

«زیرا که انتظار خلقت، منتظر ظهور پسران خدا است. زیرا خلقت مطیع بطالت شد نه به اراده خود، بلکه بخاطر او که آن را مطیع گردانید. در امید که خود خلقت نیز از قید فساد خلاصی خواهد یافت تا در آزادی جلال

فرزندان خدا شریک شود. زیرا می‌دانیم که تمام خلقت تا الان با هم در آه کشیدن و درد زه می‌باشند» (رومیان ۸: ۱۹-۲۲).

مجازات و جدایی ابدی

آخرین نتیجه گناه که به آن اشاره می‌کنیم از همه غم‌انگیزتر است. کلام خدا آشکار می‌کند که گناهکارانی که توبه نمی‌کنند برای همیشه از مجازات ابدی رنج خواهند برد. چقدر دوست داشتیم که اینطور نبود؛ اما جرأت نمی‌کنم چشمان خود را بر حقیقتی که واضحاً بیان شده، ببندم.

۱۲- آیات زیر را مطالعه کنید و بگوئید هر کدام چه مطلبی درباره مجازات جاودانی بیان می‌کنند.

- (a) متی ۴۱:۲۵
- (b) مرقس ۴۸:۹
- (c) رومیان ۸:۲-۹
- (d) یهودا آیه ۱۳
- (e) مکاشفه ۱۴:۱۰-۱۱

نویسندگان کتاب مقدس گاهی به این مجازات با عنوان «هلاکت جاودانی» اشاره می‌کنند (به مزمور ۵:۵۲؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۶-۹ رجوع کنید). توجه کنید که در متی ۴۶:۲۵ از لغت «جاودانی» هم برای ملکوت و هم برای جهنم استفاده شده است: عذاب جاودانی (جهنم)؛ حیات جاودانی (ملکوت). انسان‌هایی که از گناهان خود توبه نکرده‌اند و مشکل گناه را در زندگی خود حل نشده باقی گذاشته‌اند، دور از حضور خدا از مجازات جاودانی رنج خواهند برد.

تجدید حیات گناهکار

در میان ناامیدی، نور امیدی درخشید. خدا به دلیل رحمت و فیض خود برای رهایی از نتایج گناه و مرگ روحانی راه فراری تدارک دیده است. او برای افرادی که هدیه سخاوتمندانه او را بپذیرند، راهی مهیا کرده است تا در حضور خدا از جلال ابدی برخوردار شوند. ما می‌توانیم هم از نظر روحانی و هم از نظر جسمی تجدید حیات بیابیم و تمام تأثیرات گناه از بین برود.

تجدید حیات روحانی

خدا بوسیله مرگ تنها فرزند خود، عیسی مسیح، که کفاره گناهان ما را پرداخت، تجدید حیات روحانی را برای انسان‌ها ممکن ساخت. انجیل یوحنا این حقیقت را چنین بیان می‌کند:

«زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد. زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا بوسیله او جهان نجات یابد» (انجیل یوحنا ۳: ۱۶-۱۷).

من و شما می‌توانیم فرصتی برای دریافت تجدید حیات روحانی داشته باشیم، به شرط آنکه از گناهان خود توبه و آنها را ترک کنیم. بهر حال باید قربانی خدا را برای نجات بپذیریم و از او بخواهیم که به ما کمک کند. این عمل احتیاج به ایمان دارد «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید بوسیله ایمان» (افسیسیان ۲: ۸). و در نهایت باید اعتراف کنیم که «مسیح خداوند است» (رومیان ۹: ۱۰). زمانی که به او ایمان آورده، گناهان خود را اعتراف و ترک می‌کنیم و اجازه می‌دهیم که مسیح، خداوند زندگی ما باشد، تغییر می‌کنیم، زندگی روحانی را بدست می‌آوریم (افسیسیان ۲: ۱-۹؛ کولسیان ۲: ۱۳) و در مسیح خلقت جدیدی می‌گردیم. «پس اگر کسی در مسیح باشد خلقت

تازه‌ای است، چیزهای کهنه درگذشت اینک همه چیز تازه شده است» (دوم قرنتیان ۵:۱۷). پولس رسول به ایمانداران نصیحت می‌کند که طبیعت کهنه را کنار بگذارند و اجازه بدهند خدا در آنها طبیعت جدیدی بوجود آورد که باعث جلال او می‌گردد (افسیسیان ۴:۱۷-۲۸؛ کولسیان ۳:۱-۱۷).

مسیح بوسیله مرگ خود، مجازات گناهان را پرداخت و خشم خدا را نسبت به گناه فرو نشاندد. ما بوسیله او عادل شمرده می‌شویم. او بخشش ما را تضمین می‌کند و رهایی کامل و مجانی را برای ما مهیا می‌نماید. همچنین به ما طبیعت تازه‌ای می‌بخشد. اگر چه با طبیعت کهنه و گناهکار متولد شدیم، اما او ما را در خانواده الهی و مقدس خدا می‌پذیرد. علاوه بر این او به ما مقام پسر خدا بودن را می‌بخشد و ما را وارثان خدا می‌گرداند (رومیان ۸:۱۷). مسیح نه تنها تمام این چیزها را برای تجدید حیات روحانی ما مهیا می‌کند بلکه مانند یک وکیل مدافع برای ما نزد داور قادر مطلق شفاعت می‌کند و فیض و رحمت خدا را برای ما طلب می‌نماید (عبرانیان ۷:۲۵؛ اول یوحنا ۲:۱).

هدیه نجات، مسئولیت‌های مختلفی برای نوایمانان به همراه دارد. آنها باید «در نور سلوک نمایند» (اول یوحنا ۱:۷؛ یوحنا ۱:۴-۹). اگر چه مسیحیان در این جهان هرگز به کاملیت دست نمی‌یابند، اما می‌توانند در نور سلوک کنند و نسبت به آن مسئول باشند. اگر مسیحیان چنین رفتار کنند، دو چیز اتفاق می‌افتد: (۱) با سایر ایمانداران مشارکت دارند، و (۲) از گناه پاک می‌شوند. پاکی و تقدس زمانی عملی می‌گردد که ایمانداران به روح القدس اجازه می‌دهند تا هر گونه قصور، طرز برخورد اشتباه و گناه را آشکار کند. ایمانداران باید به گناهان خود اعتراف کرده، تحت کنترل روح القدس با هر نوع وسوسه‌ای در زندگی خود مقابله کنند (رومیان ۸:۵). (برای مطالعه بیشتر درباره آموزه نجات می‌توانید به کتاب «حیات در مسیح» رجوع کنید).

۱۳- بر اساس مطالب گفته شده، در دفتر خود، سه عملی را که مسیح بوسیله مرگ خود انجام داد، بیان کنید.

تجدید حیات جسمی

مسیح با مرگ خود بر روی صلیب تجدید حیات روحانی و هم جسمی را برای ما مهیا کرد. زمانی که مسیح روی صلیب رنج کشید، بیماری به عنوان جزیی از لعنت گناه، حاکمیت خود را بر انسان از دست داد. کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد که شفا جزیی از تجدید حیات است.

یکی از زیباترین آیات کتاب مقدس درباره شفایی است که خدا مهیا کرده است: «لکن او غم‌های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود. ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخم‌های او ما شفا یافتیم» (اشعیا ۵۳: ۴-۵)

۱۴- آیات زیر را مطالعه کنید و بگوئید هر کدام در مورد شفای الهی چه مطلبی بیان می‌کنند.

(a) متی ۱۷: ۸

(b) اول پطرس ۲: ۲۴

مسیح در خدمت عمومی خود بر روی زمین، بیماری‌های بسیاری را شفا بخشید. او همچنین شاگردان خود را فرستاد تا پیام ملکوت خدا را اعلام کنند و بیمارانی را شفا بخشند (متی ۱۰: ۷-۸؛ مرقس ۱۶: ۱۸؛ لوقا ۹: ۱-۲ و ۱۰: ۹).

بعد از اینکه مسیح به آسمان صعود کرد، معجزه شفای الهی بوسیله پیروان او ادامه یافت. یعقوب تعلیم می‌دهد که رهبران کلیسا باید برای بیمارانی دعا کنند و انتظار داشته باشند که خدا آنها را شفا دهد (یعقوب ۵: ۱۴). این موضوع بوسیله گفتار مسیح که او آمده تا ما حیات بیابیم «و آن را زیادت‌تر حاصل کنند» (یوحنا ۱۰: ۱۰)، تأیید شده است.

جهان هنوز از بیماری‌ها و رنج‌ها آزاد نشده است، اما شهادت تاریخ کلیسا این است که اشخاصی که به مسیح اعتماد می‌کنند، می‌توانند در جواب دعا و ایمان خود شفا یابند. بنابراین ما می‌توانیم برکات روحانی، مادی و جاودانی را تجربه کنیم، چون مسیح آن را در صلیب خود برای ما مهیا کرده است. بوسیله آدم، گناه وارد نسل بشر شد و بوسیله مسیح ما از گناه و نتایج آن آزاد شدیم! بیایید پرستش‌های قلبی خود را برای نجاتی که خدا برای ما مهیا کرده به حضور او اعلام کنیم.

۱۵- هر یک از جملات صحیح درباره تجدید حیات روحانی و جسمی را تعیین کنید.

(a) مهم‌ترین جنبه تجدید حیات روحانی این است که رابطه و مشارکت ما با خدا دوباره برقرار می‌شود.

(b) چون مسیح بر روی صلیب به جانشینی از ما جان خود را برای گناهان داد، اکنون نسل بشر می‌تواند از مجازات گناه در امان باشد.

(c) لازمه تجدید حیات روحانی، توبه، ترک کردن گناهان و سلوک نمودن در راستی است.

(d) بیماری قسمتی از لعنت گناه است که ما باید آن را به عنوان جزیی از زندگی خود بپذیریم.

(e) لازمه شفای الهی، ایمان است.

(f) نتیجه سلوک کردن در نور، پاکی و مشارکت داشتن با سایر ایمانداران است.

(g) از زمان عهدجدید تا امروز، ایمانداران بسیاری شفای الهی را تجربه کرده‌اند.

(h) تنها چیز لازم برای شفای الهی، دعای یکی از رهبران کلیسا است.

(i) تمام تأثیراتی که گناه آدم بر نسل بشر گذاشت بوسیله مرگ کفاره‌کننده مسیح بر روی صلیب خنثی شده است.

خودآزمایی

جملات زیر را کامل کنید.

- (۱) منشأ گناه در نسل بشر به گناه باز می گردد.
- (۲) منشأ گناه در کائنات به تمرد و شورش باز می گردد.
- (۳) دو دلیل واقعی بودن گناه عبارت است از
- (۴) مراحمی که برای تجدید حیات یک گناهکار ضروری است عبارتند از ...
- (۵) مهم ترین و غم انگیزترین نتیجه گناه عبارتست از ...

سؤالات صحیح و غلط - جملات صحیح را با حرف «a» و جملات غلط را با حرف «b» مشخص کنید

- (۶) اگر شیطان گناه نمی کرد، انسان به هیچ صورتی نمی توانست مرتکب گناه شود.
- (۷) شریعت و قوانین ضروری است چون انسان دارای طبیعت گناه آلود است.
- (۸) کلام خدا دلایل بسیاری بیان می کند که نشان می دهد انسان بوسیله طبیعت گناه آلود خود نمی تواند خدا را خشنود کند.
- (۹) بر اساس شواهد کتاب مقدسی غرور و خودخواهی باعث سقوط شیطان گردید.
- (۱۰) هدف و برنامه شیطان در دنیای امروز این است که نقشه ای داشته باشد که اصلاً شبیه نقشه خدا نیست.
- (۱۱) خوردن میوه درخت بوسیله حوا، فقط به این دلیل گناه محسوب می شد که بوسیله خدا منع شده بود.
- (۱۲) به دلیل وارد شدن گناه به نسل بشر، انسان از نظر روحانی مرده متولد می شود.

این آخرین درس از بخش دوم است. بعد از انجام این خودآزمایی، دروس ۵-۷ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۲ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۸) پاسخ شما باید شامل این حقایق باشد: خدا اراده فرمود که به انسان این توانایی را بدهد که با تصمیم خودش خدا را خدمت کند. برای اینکه انتخابی صورت بگیرد وجود یک آزمایش ضروری بود. سپس آدم و حوا تصمیم گرفتند به جای اطاعت از خدا، از خواهش‌های جسمانی خود پیروی کنند. چون آنها بر علیه خدا گناه کردند و از قانون او اطاعت ننمودند، ما طبیعت گناه‌آلود را از آنها به ارث برده‌ایم. داوری خدا عادلانه بود، چون آدم و حوا آزادانه خودشان بین بد و خوب انتخاب کردند و می‌دانستند که باید نتایج و عواقب آن را متحمل گردند.

۱) ناطاعتی از خدا

۳ (a) ۹

۵ (b)

۲ (c)

۱ (d)

۴ (e)

۲) نسل جدید آنچه را که در نظر خدا شریرانه بود انجام می‌دادند (بر علیه خدا مرتکب گناه می‌شدند).

۴ (a) ۱۰

۱ (b)

۵ (c)

۲ (d)

۳ (e)

۳) بنی اسرائیل آنچه در نظر خدا ناپسند بود بارها و بارها انجام می‌دادند.

a) ۱۱

۴) گناه عبارت است از ناپاطعتی و قصور در انجام دادن قوانین خدا. این شامل تمام کارهای اشتباهی که مردم انجام می دهند، می گردد.

۱۲) a) آنانی که رد شدند، به همراه ابلیس و فرشتگانش در آتش جاودانی وارد خواهند شد.

b) کسانی که مجازات می شوند به جهنم، مکانی که کرم آن نمی میرد و آتش آن خاموش نمی گردد، انداخته خواهند شد.

c) برای اشخاصی که مرتکب بدی می شوند، خشم، غضب، رنج و عذاب مهیا خواهد بود.

d) ظلمت ابدی جهنم برای آنها آماده شده است.

e) آنانی که خدا را رد می کنند، در آتش خواهند سوخت و شبانه روز آرامی نخواهند داشت.

۵) پاسخ شما باید شامل این حقایق باشد: کتاب مقدس در مورد واقعیت گناه، شروع آن بوسیله آدم و حوا، قائن و سپس گناهان قوم بنی اسرائیل دلایل تاریخی ارائه می دهد. عهد جدید نمونه های زیادی از گناه ذکر می کند و همچنین طریق نجاتی را که خدا مهیا کرده است، اعلام می کند. از آنجا که انسان ها خودخواه و سرکش هستند، در هر مکانی از جهان نیاز به یک حکومت وجود دارد.

۱۳) می توان هر کدام از این موارد را نام برد: او خشم خدا را نسبت به گناه فرو نشاند؛ مجازات گناهان ما را پرداخت کرد؛ ما را عادل گردانید؛ بخشش ما را تضمین کرد؛ رهایی کامل مهیا نمود؛ به ما طبیعت تازه ای بخشید و ما را پسران و وارثان خدا گردانید؛ برای ما نزد خدا شفاعت می کند و ما را در زندگی روزانه هدایت می کند.

۶) a) غلط

b) غلط

c) صحیح

d) صحیح

e) صحیح

(۱۴) a) او ضعف‌ها و بیماری‌های ما را برداشت.

b) از زخم‌های او، شما شفا یافته‌اید.

(۷) a) محکوم به مرگ شد

b) حاکم شدن مرگ

(۱۵) a) صحیح

b) غلط

c) صحیح

d) غلط

e) صحیح

f) صحیح

g) صحیح

h) غلط

i) صحیح

بخش سوم

نظام الهی

انتشارات ایلام
نسخة الکترونیکی



انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

کتاب مقدس: مکاشفه نوشته شده خدا

در درس‌های گذشته، حقایق فراوانی درباره ماهیت خدا، طبیعت انسان، منشأ و ماهیت گناه، فرشتگان و کار آنها و نقشه خدا برای نجات انسان سقوط کرده، آموختیم. حتماً متوجه شدید که مرجع اصلی ما برای تمام این آموزه‌ها، کتاب مقدس است. کتاب مقدس در واقع مکاشفه نوشته شده خدا از خود و خلقتش است.

پذیرش این موضوع کاملاً منطقی است که خدای با محبت، عادل و دارای شخصیت که حاکم و پادشاه کل جهان است، بخواهد خود را بوسیله مکاشفه نوشته شده به مخلوقاتی که قدرت درک دارند، آشکار کند. چقدر مایه افتخار است که خدا از انسان‌هایی که تسلیم اراده او بودند به عنوان نویسندگان کتاب مقدس استفاده کرد. برای ما بسیار الهام‌بخش خواهد بود که به مطالعه اصولی بپردازیم که نشان می‌دهند چگونه نوشته‌های بیش از ۴۰ نفر در طول زمانی ۱۶۰۰ سال تحت محافظت الهی قرار داشته و کتاب مقدس امروزی ما را تشکیل می‌دهند.

در این بخش، ابتدا نقشه خدا را برای رهایی انسان به همان صورتی که در کتاب مقدس مکاشفه شده است، مطالعه خواهیم کرد. سپس به بررسی دلایلی می‌پردازیم که به ما این اطمینان را می‌دهند که کتاب مقدس حقیقتاً کلام مقدس خدا است. بعد از آن، کلیسا را در نظر خواهیم گرفت یعنی جمعی که خدا از آنها برای فرا خواندن انسان‌های گناهکار به سوی خود، رشد آنها در ایمان و تبدیل آنها به شاهدانی مؤثر، استفاده می‌کند. در درس آخر، هنگام مطالعه وقایع آینده، هدف نهایی از نجات را مطالعه خواهیم کرد.



فهرست مطالب

- ضرورت نوشته شدن مکاشفه الهی
- الهامی بودن کتاب مقدس
- منحصر به فرد بودن کتاب مقدس
- تفسیر کتاب مقدس
- اعتبار کتاب مقدس

اهداف درس

- پس از مطالعه درس قادر خواهید بود که:
- اصطلاحات مربوط به الهامی بودن کتاب مقدس را توضیح دهید.
- ضرورت نوشته شدن مکاشفه الهی را بیان کنید.
- درباره منحصر به فرد بودن و اعتبار کتاب مقدس توضیح دهید.
- توضیح دهید، چرا کتاب مقدس در زندگی ایمانداران و کلیسا عالی ترین ملاک و معیار است.
- اهمیت تفسیر صحیح کتاب مقدس را بیان کنید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- درس را مطالعه کنید و تمام آیات ذکر شده را بخوانید و با دقت به سؤالات جواب دهید.

۲- به خودآزمایی درس پاسخ داده، جواب‌های خود را مقایسه کنید.

متن درس

ضرورت نوشته شدن مکاشفه الهی

اکثر ما از حافظه خوبی برخوردار نیستیم. اگر خدا در مقطع خاصی از زندگی من، در یک ملاقات کاملاً مستقیم و رو در رو، خودش را به من مکاشفه می‌کرد، پس از مدتی در مورد بعضی از جزئیات این ملاقات شک می‌کردم و با گذشت زمان، دیگر آن را به یاد نمی‌آوردم. شاید می‌توانستم بعضی از قسمت‌های آن را بوضوح به یاد آورم، اما مطمئن هستم که بسیاری از جزئیات برایم نامشخص می‌بود. اگر می‌بایست بلافاصله تمام جزئیات این مکاشفه را برای یکی از فرزندانم توضیح بدهم، احتمالاً او نیز نمی‌توانست تمام مطالبی را که به او می‌گفتم به خاطر بسپارد و اگر سال‌ها بعد او نیز قرار بود این اطلاعات را به فرزندان خودش انتقال دهد، گذشت زمان حافظه او را تار می‌کرد و شکل داستان عوض می‌شد. در نتیجه می‌توان دید که این روش برای انتقال مکاشفه خدا روشی قابل اعتماد نیست.

روایات شفاهی، یعنی مطالبی که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد، امکان دارد در اثر گذشت زمان تغییرات زیادی کند. بنابراین کاملاً واضح است که این روش برای شناخت خدا و درک نقشه‌های او روش قابل اعتمادی نیست.

خدای عظیم و حکیم محبت خودش را نسبت به ما بوسیله تدارک دیدن برای نیازهایمان آشکار کرده است. او نیازهای جسمانی ما را برای زنده ماندن، به روش‌های

مختلف رفع کرده است. برای مثال طرح شگفت‌انگیز خدا در چرخه آب، باعث می‌شود آب مورد نیاز زمین تصفیه و دوباره تولید گردد. روش خدا برای فراهم کردن اکسیژن هوا نیز کمتر از مثال فوق، شگفت‌انگیز نیست. ما در هنگام بازدم، دی اکسید کربن را وارد هوا می‌سازیم، در حالی که گیاهان دی اکسید کربن را جذب کرده و به جای آن اکسیژن آزاد می‌کنند و بدین وسیله مواد غذایی مورد نیاز خود را تهیه می‌کنند.

اگر خدا با این دقت برای نیازهای جسمانی ما تدارک می‌بیند، مسلماً انتظار نخواهد داشت بدون کمک او، بتوانیم مشکلات روحانی خود را حل کنیم. بدون مکاشفه‌ای از جانب خدا، هیچ انسانی قادر نخواهد بود حتی از شرایط ناامید کننده و نیازش برای کمک، آگاه شود. به منظور درک ضرورت مکاشفه از جانب خدا، لازم است بدانیم لغت مکاشفه در ارتباط با خدا چه معنایی دارد. مکاشفه در ارتباط با خدا به این معنا است که او حقایق را برای انسان‌ها درباره شخصیت و اهداف خود آشکار می‌سازد که انسان‌ها به هیچ طریق دیگری نمی‌توانستند از آن حقایق باخبر گردند.

۱- معنای اصطلاح «مکاشفه» را در ارتباط با خدا توضیح دهید.

از آنجا که خدا عظیم و با محبت است و انسان برای حل مشکل گناه به شدت به کمک احتیاج دارد، می‌توان انتظار داشت که خدا آشکارا درباره خود و انتظاری که از انسان دارد با او سخن بگوید. به علاوه، کاملاً منطقی است که خدا بخواهد این مکاشفه، از هر گونه گزند در امان بماند، تا تمام انسان‌ها بتوانند درباره او شناخت پیدا کنند. بنابراین خدا ترتیبی داد تا مکاشفه او نوشته شود و بدین وسیله محفوظ بماند.

۲- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) برای اینکه تمام انسان‌ها بدانند خدا چه انتظاری از آنها دارد، ضروری بود که خدا مکاشفه نوشته شده‌ای درباره خودش، مهیا کند.
- (b) روایات شفاهی مطمئن‌ترین روش برای انتقال مکاشفه خدا از نسلی به نسل دیگر است.

- c) روایات شفاهی نسبت به گزارش نوشته شده از امتیاز بیشتری برخوردار است چون می‌توان آن را زنده نگاه داشت و بر اساس نیازهای انسان تغییر داد.
- d) گزارش‌های نوشته شده باعث می‌گردد آنچه اتفاق افتاده است، به‌طور کاملاً صحیح حفظ شود تا هرگز آنچه را که روی داده، فراموش نکنیم.

الهامی بودن کتاب مقدس

تعریف الهام

ما ایمان داریم، کتاب مقدس مکاشفه مصون از خطای خدا درباره شخصیت خود و اهدافی که برای انسان‌ها دارد، است. این مکاشفه بوسیله انسان‌ها و تحت الهام روح القدس نوشته شده است. کتاب مقدس در واقع سخنان خدا درباره حقایق الهی است که انسان فقط از طریق مکاشفه خدا می‌تواند از آنها باخبر شود. منظور ما از کتاب مقدس، همان ۶۶ کتابی است که عهدعتیق و عهدجدید را تشکیل می‌دهد (بعضی، کتاب‌های آپوکریفا را نیز جزو کتاب‌های رسمی کتاب مقدس قرار می‌دهند).

منظور از الهام این است که روح القدس، نویسندگان کتاب مقدس را در انتخاب موضوعات و انتخاب کلماتی که می‌نوشتند هدایت می‌کرد. الهام در واقع توانایی خاص روح القدس برای یک عملکرد ویژه بود. خدا در قلب و فکر نویسندگان کتاب مقدس آن چیزی را قرار داد که می‌خواست آنها بنویسند و آنها نیز تحت کنترل روح القدس آن را به نگارش در آوردند. روح القدس نویسندگان کتاب مقدس را در نگارش آنچه خدا می‌خواست، از هر گونه خطا و غفلت حفظ کرد. با این وجود، قابل توجه است که خدا هنگام نوشته شدن کلامش، از شخصیت نویسندگان استفاده کرد. سبک نگارش و گنجینه لغات هر کدام از کتاب‌های کتاب مقدس مختص نویسنده آن است.

نویسندگان کتاب مقدس لزوماً از این حقیقت آگاه نبودند که آنچه می‌نویسند، می‌باید جزئی از مکاشفه مکتوب الهی قرار گیرد. با این وجود، زمانی که به آنها الهام

می‌شد، مطیعانه آن را می‌نوشتند و درباره لغاتی که بکار می‌بردند، هیچ شکی نداشتند. برای مثال، خدا لوقا را تحت تأثیر قرار داد تا از تمام شاهدان عینی زندگی مسیح تحقیق کند تا بتواند گزارشی صحیح و موثق درباره زندگی مسیح بنویسد (لوقا ۱: ۱-۴). پولس اغلب به سؤالاتی که از طرف کلیساها مطرح می‌گردید، پاسخ می‌داد و تعلیمی را که کلیساها احتیاج داشتند، بیان می‌کرد و یا نصیحت‌هایی به اشخاص مختلف می‌کرد (اول قرن‌تین ۱: ۱۰-۱۳؛ ۱: ۷؛ غلاطیان ۱: ۶-۷؛ اول تیموتائوس ۳: ۱؛ فلیمون آیه ۱۰). با این وجود، هرآنچه او می‌نوشت تحت الهام روح القدس بود. دو قسمت از عهدجدید به ما بینشی با ارزش درباره کیفیت الهامی که نویسندگان کتاب مقدس از آن برخوردار بودند، می‌دهد. پولس رسول می‌گوید: «تمامی کتب الهام خدا است» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶)، یعنی اینکه به وسیله خدا الهام (دمیده) شده است. پطرس رسول نیز چنین می‌گوید:

«هیچیک از پیشگویی‌های کتاب آسمانی، از فکر خود انبیاء تراوش نکرده، بلکه روح القدس در وجود این مردان خدا قرار می‌گرفت و حقیقت را به ایشان عطا می‌کرد تا بازگو نمایند» (دوم پطرس ۱: ۲۰ و ۲۱، از ترجمه تفسیری)

نویسندگان کتاب مقدس اغلب خودشان درباره الهامی بودن نوشته‌های خود و یا سایر نویسندگان کتاب مقدس سخن می‌گفتند و این حقیقت را با گفتن این جمله بیان می‌کردند که «خدا با آنها سخن گفت».

۳- پس از مطالعه آیات زیر بیان کنید در هر آیه چه گفته‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد، خدا از طریق نویسنده آن کتاب سخن گفته است.

- (a) خروج ۱۴: ۱۷
- (b) خروج ۴: ۲۴
- (c) اشعیا ۱: ۴۳
- (d) ارمیا ۱: ۱۱

(e) عاموس ۱:۳، ۶، ۹.....

(f) اول قرنتیان ۱۴:۳۷.....

(g) دوم پطرس ۳:۱۵-۱۶.....

بنابراین متوجه می‌شویم که الهام روح القدس به نویسندگان برای نوشته شدن کتاب مقدس یک توانایی خاص برای یک عملکرد ویژه بود.

۴- مشخص کنید کدامیک از موارد زیر این جمله را به طرز صحیح کامل می‌کنند: الهامی بودن کتاب مقدس اشاره به
انتشارات آیلام
نسخه الکترونیک

(a) هر نوع نوشته ادبی می‌کند که بر اساس موضوعات کتاب مقدسی باشد.
(b) این موضوع اشاره می‌کند که هر فکر و عملی که در کتاب مقدس نوشته شده، فکر و خواست خدا است.

(c) توانایی خاص روح القدس برای انجام یک عملکرد ویژه می‌کند.
(d) این موضوع اشاره می‌کند که اشخاصی خاص تحت هدایت روح القدس انتخاب شدند تا آن چیزی را که خدا درباره خود و اهدافش مکاشفه کرده است، بنویسند.
(e) سبک نگارش و گنجینه لغات نویسندگان کتاب مقدس می‌کند.
(f) این امر می‌کند که تمام قسمت‌های آن، چه موضوعات و چه لغات انتخاب شده الهامی هستند.

دلایل الهام

اکنون می‌خواهیم به دلایل الهامی بودن کتاب مقدس بپردازیم. در این قسمت سه دلیل را بررسی خواهیم کرد: ۱- مسیح اعتبار عهد عتیق را تصدیق می‌کند و به آن احترام می‌گذارد. ۲- انجام شدن نبوت‌های کتاب مقدس. ۳- هماهنگی موجود بین مطالب کتاب مقدس.

۱- مسیح اعتبار عهدعتیق را تصدیق می‌کند و به آن احترام می‌گذارد
 مسیح نظر خود را درباره عهدعتیق به سه طریق بیان می‌کند: اول، شهادت می‌دهد که عهدعتیق هرگز از بین نخواهد رفت (متی ۱۷:۵ و ۱۸؛ لوقا ۱۰:۲۶؛ ۲۲:۲۱؛ یوحنا ۱۰:۳۵). دوم، مسیح فرمود که عهدعتیق درباره او سخن می‌گوید (متی ۲۴:۲۶؛ مرقس ۹:۱۲؛ لوقا ۱۸:۳۱؛ ۲۴:۴۴؛ یوحنا ۵:۳۹). سوم، عیسی با نقل قول کردن از عهدعتیق، اعتبار آن را تأیید می‌کند (متی ۴:۴، ۷، ۱۰؛ ۱۳:۲۱؛ ۲۶:۳۱).
 مسیح هیچوقت نگفت که جمله یا تعلیمی از عهدعتیق اشتباه و بی‌ارزش است. بدون شک اگر قسمتی از عهدعتیق الهامی نبود، مسیح درباره آن سخن می‌گفت. در صورتی که او نوشته‌های مقدسی را که یهودیان آن را الهامی می‌دانستند، پذیرفت. تکریم و تأیید عهدعتیق بوسیله مسیح و استفاده از آن قوی‌ترین دلیل برای الهامی بودن عهدعتیق است.

۲- انجام شدن نبوت‌های کتاب مقدس

کتاب مقدس صرفاً کتابی نیست که بوسیله نویسندگان با استعداد نوشته شده باشد. عملی شدن تعداد زیادی از نبوت‌های این کتاب ثابت می‌کند که روح القدس در نوشته شدن آن دخالت داشته است چون به هیچ روشی امکان نداشت که این وقایع بوسیله انسان‌ها پیشگویی گردد. بسیاری از این وقایع قبلاً عملی شده‌اند و بقیه در زمان موعود عملی خواهند شد.

محل تولد عیسی: میکای نبی حدود ۷۰۰ سال پیش از تولد مسیح، درباره شهر کوچکی که ماشیح می‌بایست در آن متولد گردد، پیشگویی می‌کند: «ای بیت لحم افراته، هر چند که در یهودا روستای کوچکی بیش نیستی، با وجود این از تو کسی برای من ظهور خواهد کرد که از ازل بوده است و او قوم من اسرائیل را رهبری خواهد نمود» (میکا ۵:۲، ترجمه تفسیری). لحظه‌ای تمام وقایعی را که روی داد تا یوسف و مریم در زمان تولد عیسی در این شهر باشند، تجسم کنید. از دیدگاه انسانی چنین چیزی تقریباً غیر ممکن است. مدت کوتاهی پس از اینکه آنها به شهر رسیدند،

عیسی متولد شد. روح القدس در آن علم مطلق خود می دانست که آن پادشاه الهی، نمی بایست در اورشلیم متولد گردد، بلکه در شهر کوچک بیت لحم.

خیانت به عیسی: حدود ۱۰۰۰ سال پیش از تولد عیسی، نویسنده مزمو، خیانت به مسیح را پیشگویی می کند. چه کسی می توانست حدس بزند، شخص مسح شده ای که امت های بسیاری مشتاق دیدنش بودند، شخصی که می بایست قوم اسرائیل را نجات دهد و از طرف خدا برگزیده شده بود تا پادشاه جاودانی باشد، از جانب یک دوست به او خیانت شود: «حتی بهترین دوستم نیز که به او اعتماد داشتم و نان و نمک مرا می خورد، دشمن من شده است» (مزمو ۹:۴۱، از ترجمه تفسیری) نحوه مرگ عیسی: سومین پیشگویی که بسیار باعث تعجب من شده است، بیان نحوه اعدام مسیح است. در آن زمان که داود پادشاه مزمو ۲۲ را می نوشت، این نحوه اعدام در اسرائیل رایج نبود. یهودیان در زمان داود شخصی را که محکوم به مرگ بود، سنگسار می کردند. اما مزمو ۲۲ روش دیگری را ذکر می کند: «دست ها و پاهای مرا سوراخ کرده اند» (آیه ۱۶ - ترجمه تفسیری). این نحوه اعدام برای یهودیان بسیار عجیب بود، اما دقیقاً با روش مصلوب کردن رومی ها، انطباق داشت.

حتی جزئیات مصلوب شدن عیسی نیز پیشگویی شده است. خدا به منظور آماده کردن قوم اسرائیل برای خروج از مصر، دستورات ویژه ای به موسی داد. بره فصح می بایست ذبح شده و خون آن روی سر در خانه پاشیده شود. همچنین گوشت بره ذبح شده باید به روشی خاص بریان می شد. بدون شک خدا به دلایلی این دستورات را به قوم داد. یکی از این دلایل کاملاً واضح بود: هیچ استخوانی نباید شکسته بشود. اگر قرار بود گوشت بره ذبح شده را آب پز کنند لازم بود برای قرار دادن آن در دیگ، استخوان ها شکسته شود. روح القدس می دانست که بره فصح قوم اسرائیل، نمونه ای از آن بره کاملی بود که باید برای گناهان بشر ذبح شود. بنابراین ۱۰۰۰ سال پیش از تولد عیسی نبوت شد که او باید کوفته گردد، دست ها و پاهای او سوراخ شود، اما هیچ یک از استخوان هایش شکسته نگردد (اشعیا ۵۲:۱۳-۱۵ و ۵۳:۱-۱۲ را با مزمو ۲۰:۳۴ مقایسه کنید).

۵- یوحنا ۱۹:۳۱-۳۷ را مطالعه کنید، سپس در دفتر خود بنویسید که چه مطالبی درباره نبوت‌هایی که بیان کردیم، یاد می‌گیرید.

نبوت‌های دیگر: نبوت‌های بسیار دیگری در کتاب مقدس وجود دارند که عملی شدن آنها را نمی‌توان تصادفی دانست. نبوت‌های بسیاری درباره تجدید حیات قوم بنی اسرائیل به عنوان یک کشور وجود دارد که در جلوی چشمان خود ما عملی شده است (اشعیا ۱:۲-۳۵؛ حزقیال ۳۷؛ زکریا ۸:۷-۸؛ ۹:۱۰). تعداد نبوت‌های به انجام رسیده در کتاب دانیال آنقدر زیاد است که نقادان لیبرال سعی کرده‌اند آنها را یک گزارش تاریخی واقعی معرفی کنند نه یک نبوت. دانشمندان زمان حاضر کتاب مقدس تحقیقات خود را برای کشف دلایل جدیدی که ثابت می‌کند، دانیال در زمان اسارت بابل زندگی می‌کرده و در همان زمان مکاشفه‌ای درباره وقایع آینده دریافت نموده است، ادامه می‌دهند.

۳- هماهنگی شگفت‌آور مطالب کتاب مقدس

اگر چه کتاب مقدس توسط ۴۰ نویسنده و در دوره زمانی حدود ۱۶۰۰ سال نوشته شده است، اما در تمام کتاب‌های کتاب مقدس یک موضوع مهم و برجسته وجود دارد یعنی رهایی و نجات انسان بوسیله خدا از طریق قربانی فرزندش، عیسی مسیح. در کتاب مقدس تنها یک سیستم تعلیمی، یک معیار اخلاقی، یک نقشه نجات و یک نقشه الهی برای همه دوره‌ها وجود دارد. کتاب‌های کتاب مقدس نه تنها با یکدیگر مغایرت نداشته و تعالیم آنها در هم و گیج کننده نیست، بلکه در هماهنگی کامل، یکدیگر را تکمیل می‌کنند. در کتاب مقدس مکاشفه‌های شگفت‌آوری وجود دارد که به شکلی مهیج بیان شده‌اند و اوج این نبوت‌ها درباره پیروزی نهایی بر شیطان است. کتاب‌های کتاب مقدس اگر چه با هم متفاوت هستند اما همه یک روند، یک موضوع و یک عملکرد را بیان می‌کنند. چهار انجیل به ما اطلاعاتی درباره زندگی مسیح می‌دهند و هر کدام جنبه متفاوتی از شخصیت و خدمات او را بیان می‌کنند و با همدیگر یک کل را بوجود می‌آورند.

- ۶- بدون مراجعه به مطالب گفته شده، در دفتر خود به سؤالات زیر پاسخ دهید.
- (a) سه دلیل درباره الهامی بودن کتاب مقدس، بیان کنید.
 - (b) مسیح چگونه نشان داد که اعتبار عهدعتیق را به رسمیت می شناسد.
 - (c) یک نمونه از نبوت های کتاب مقدسی را که به انجام رسیده است، ذکر کنید.
 - (d) موضوع اصلی کتاب مقدس که از کتاب پیدایش تا کتاب مکاشفه دیده می شود، چیست؟

منحصر به فرد بودن کتاب مقدس

زمانی که از منحصر به فرد بودن کتاب مقدس سخن می گوئیم، منظورمان این است که کتاب مقدس مکاشفه کامل و نوشته شده از حقیقت الهی است. دیدیم که خدا اشخاصی را انتخاب نمود تا مکاشفه الهی را به نگارش درآورند. همچنین درباره زمان طی شده جهت تکمیل این مکاشفه الهی سخن گفتیم. اکنون به دو موضوع مهم می رسیم: ۱- چه زمانی مکاشفه الهی کامل گردید؟ ۲- مکاشفه الهی شامل چه کتاب هایی می گردد؟ اکنون به بررسی این دو موضوع می پردازیم.

کامل شدن مکاشفه الهی

در قسمت های قبلی، روش برخورد عیسی را با عهدعتیق بررسی کردیم. عیسی تأیید خود را بوسیله نقل مکرر از عهدعتیق نشان داد. با این وجود، زمانی که او به پایان خدمت خود بر روی زمین نزدیک می شد، اعلام کرد که هنوز حقایق بسیاری وجود دارد که باید برای شاگردانش مکاشفه کند.

«بسیار چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم، لیکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید. و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر

خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. هر چه از آن پدر است، از آن من است، از این جهت گفتم که از آنچه آن من است، می‌گیرد و به شما خبر خواهد داد» (انجیل یوحنا ۱۶: ۱۲-۱۵)

مطابق این قسمت از کلام خدا می‌بینیم که حقایق بیشتری وجود دارد که بوسیله روح القدس مکاشفه خواهد شد. این حقایق شامل: وقایع آینده («از امور آینده به شما خبر خواهد داد»)، هدایت و آشکار ساختن («زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت») و تعالیم بیشتر («شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد») است که برای داشتن زندگی خداپسندانه ضروری است («او مرا جلال خواهد داد»).

در سخنان عیسی دو موضوع بسیار مهم وجود دارد:

۱- عیسی وعده داد که روح القدس از طریق هدایت ایمانداران به جمیع راستی مکاشفه الهی را کامل خواهد کرد. او ایمانداران را قادر می‌سازد تا تعالیم عیسی را درک کنند و آنها را در زندگی خود بکار گیرند.

۲- عیسی به مکاشفه عهدجدید اشاره می‌کند، پیش از آنکه به نویسندگان آن الهام و نوشته شود. در واقع او پیشاپیش به عهدجدید اعتبار بخشید. اعتبار بخشیدن به معنای به رسمیت شناختن اقتدار و صحت چیزی است. بدین وسیله نوشته شدن اناجیل، کتاب اعمال رسولان، رسالات و کتاب مکاشفه پیشگویی و تأیید می‌گردد.

نویسندگانی چون پولس رسول اظهار می‌دارند که آنچه می‌نویسند از طریق مکاشفه دریافت کرده‌اند. پولس از تجربه خود در رساله افسسیان ۳: ۱-۱۲ سخن می‌گوید و بیان می‌کند که خود و سایر رسولان و انبیا درباره حقایقی که قبلاً پوشیده بود، مکاشفه الهی دریافت کرده‌اند. پطرس رسول نیز درباره اهمیت و ارزش حقایقی که روح القدس الهام کرد تا نوشته شود، سخن می‌گوید (دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱). همچنین در دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶ او به تعالیم پولس رسول به عنوان کلام خدا اشاره می‌کند.

اکثر اناجیل و رسالات پیش از سال ۶۴ یا ۶۵ م نوشته شده بودند و در کلیساها استفاده می‌شدند. سپس حدود ۲۵ یا ۳۰ سال بعد از آن، مطالب کتاب مکاشفه، به یوحنا رسول الهام گردید. اکنون که کتاب مقدس کامل شده است ما نمی‌توانیم چیزی به آن اضافه و یا از آن کم کنیم. خدا به طور پیوسته اراده و نقشه خود را در دوره زمانی حدود ۱۶۰۰ سال آشکار کرد و هر آنچه می‌خواست درباره خود و نقشه‌اش برای ما آشکار کند، بیان کرد.

این بدین معنا است که الهام خاصی را که روح القدس به اشخاص داد تا کلام خدا را بنویسند، امروز دیگر به کسی داده نمی‌شود. آن نوع الهام فقط مختص نویسندگان کتاب مقدس بود. ما می‌توانیم از خدا الهام بیابیم تا در گسترش ملکوت او همکاری کنیم. اما نه آن نوع الهامی که برای نوشته شدن مکاشفه الهی بود. پس از مطالعه، بررسی و بکارگیری تعالیم کتاب مقدس در زندگی خود می‌توانیم با اطمینان بگوییم که خدا به‌طور واضح و پیوسته با ما سخن گفته است. آنچه خدا می‌خواست بیان کند، به‌طور کامل مکاشفه نموده است و احتیاج به چیز بیشتری نیست.

درک این مطلب مهم است که خدا هنوز هم با کلیسای خود سخن می‌گوید. بوسیله عطای نبوت، روح القدس همچنان اراده و نقشه خدا را برای ایمانداران مکاشفه و آشکار می‌کند. با وجود این، تمام این نبوت‌ها می‌بایست مطابق با کلام خدا باشد و باعث تعلیم، تشویق و تسلی ایمانداران گردد (اول قرنتیان ۱۴: ۳). این نبوت‌ها نمی‌توانند جانشین و یا مغایر با مکاشفه‌ای باشند که در زمان رسولان به عنوان تعالیم اساسی به کلیسا داده شد.

۷- دیدیم که عیسی از طریق نقل مکرر از عهدعتیق در خدماتش، اعتبار آن را تأیید کرد. در دفتر خود به این سؤالات درباره عهدجدید پاسخ دهید.

a) چه قسمتی از کتاب مقدس نشان می‌دهد که عیسی از پیش نوشته‌های عهدجدید را تأیید کرده است؟

- (b) حقایق بیشتری که عیسی گفت برای شما مکاشفه خواهد شد، شامل چه چیزهایی است؟
- (c) دو قسمت از کلام خدا را بیان کنید که نشان دهد رسولان خودشان تشخیص داده بودند که آنچه می نویسند، مکاشفه الهی است.
- ۸- توضیح دهید چرا درک این حقیقت برای ما مهم است که مکاشفه نوشته شده خدا، مکاشفه کامل او است.

کانن (کتاب‌های رسمی) کتاب مقدس

حدود ۲۰۰۰ سال از آخرین مکاشفه کتاب مقدس می‌گذرد. این کتاب همانطور که ابتدا در عهدعتیق آشکار شد، شامل نقشه‌هایی بخش خدا بود و دعوت نهایی او از انسان که در عهدجدید دیده می‌شود.

امکان دارد این سؤال برای شما مطرح شود که «چگونه این نوشته‌ها که حقیقت را آشکار می‌کنند، در یک مجموعه جمع شده و تشکیل کتاب مقدس را داده‌اند؟ چه زمانی این کار انجام شد؟ چه مرجع یا اشخاصی مسئول انجام این کار بوده‌اند؟» اکنون می‌خواهیم به این سؤالات پاسخ دهیم.

جمع‌آوری کتاب‌های عهدعتیق

۳۹ کتاب عهدعتیق جزو کانن (کتاب‌های رسمی) کتاب مقدس هستند. کانن (Canon) از لغت یونانی "Kanon" گرفته شده که معنی آن «میله یا نی» است و بعداً به معنای «وسیله سنجش و اندازه‌گیری» نیز بکار رفت. در ارتباط با کتاب مقدس، کانن به کتاب‌هایی اشاره می‌نماید که بوسیله ملاک‌های مشخصی سنجیده شده‌اند و تمام خصوصیات لازم را برای اینکه به عنوان مکاشفه خدا پذیرفته شوند، دارا هستند.

آغاز مکاشفه خدا بوسیله موسی در حدود سال ۱۴۵۰ ق.م به ثبت رسید و آخرین قسمت آن در اواخر قرن پنجم ق.م نوشته شد. موسی نویسنده پنج کتاب اول عهدعتیق شناخته شده است که معمولاً به آنها به عنوان کتب شریعت اشاره می‌شود.

بعد از آن، در کتاب مقدس عبری، کتاب‌های انبیا قرار دارد که شامل کتاب‌هایی می‌شود که به انبیا مکاشفه شده است. سومین قسمت، «نوشته‌ها» است که شامل سه گروه می‌گردد: ۱- کتاب‌هایی که برای مناسبت و موقعیت‌های خاصی نظیر عیدها نوشته شده‌اند (برای مثال کتاب استر که در عید پوریم قرائت می‌شد)؛ ۲- کتب شعری (مزامیر، امثال و ایوب)؛ و ۳- کتاب‌های تاریخی (دانیال، عزرا، نحمیا، تواریخ که بوسیله اشخاصی نوشته شده است که نبی نبوده‌اند، اگر چه دانیال عطای نبوت را داشت). کتاب‌های تشکیل دهنده کتاب مقدس عبری همان ۳۹ کتاب عهدعتیق هستند که در کتاب مقدس فارسی گنجانده شده است.

یوسفوس یکی از مورخان یهودی (سال ۹۵ م) اشاره می‌کند که کتاب‌های عهدعتیق در قرن پنجم قبل از میلاد تحت نظارت عزرا و اعضای کنیسه جمع‌آوری شدند. ۳۹ کتابی که در سه گروه شریعت، کتب انبیا، و نوشته‌ها به آنها اشاره شد، توسط یهودیانی حفظ شد که این کتب را به عنوان الهام الهی و تنها ملاک برای ایمان و عمل قبول داشتند. گزارشات مربوط به مباحثات انجام شده بین سال‌های ۷۰ تا ۱۰۰ م در جامنیا و فلسطین نشان می‌دهند که همان ۳۹ کتابی که عهدعتیق زمان حاضر را تشکیل می‌دهند، همان کتاب‌هایی هستند که آن زمان به عنوان کتب رسمی (کانن) شناخته شدند.

جمع‌آوری کتاب‌های عهدجدید

در طول دو قرن قبل از میلاد، قوم اسرائیل تحت جفا و فشارهای بسیار سختی از جانب حکومت‌های خارجی قرار داشت. در نتیجه، برای قوم این سؤال پیش می‌آمد که «چرا خدا مداخله نمی‌کند؟ آیا امیدی هست که عدالت اجرا شود؟» در پاسخ به این انتظار مشتاقانه قوم، سبک خاصی از ادبیات بوجود آمد که به آپوکالیپس (نوشته‌هایی که وقایع آخر زمان و خرابی دنیا را پیشگویی می‌کنند) معروف است. کتاب‌های مختلفی بوجود آمد که مدعی بودند بوسیله شخصیت‌های قدیمی کتاب مقدسی نوشته شده‌اند. این کتاب‌های به اصطلاح نبوتی، ادعا می‌کردند که خدا به زودی در تاریخ مداخله خواهد کرد و گناهکاران را مجازات و صالحان را پاداش خواهد

داد. اگر چه این نوشته‌ها از نظر تاریخی ارزش داشتند ولی هرگز بوسیله کلیسای اولیه و یهودیان از نظر الهامی بودن، در ردیف سایر کتاب‌های مقدس قرار نگرفتند. نمونه‌ای از این سبک نگارش، گروهی از نوشته‌ها است که به آپوکریفا معروف است.

در مقابل این پیش‌زمینه، عیسی آمد تا خدمت کند، مصلوب شود، قیام کند و به نزد پدر صعود نماید. او آمد تا برای کسانی که در ظلمت گناه زندگی می‌کردند، نور و امید را به ارمغان آورد. بهر حال او نه گناهکاران را مجازات کرد و نه به صالحان پاداش داد، بلکه کلیسا را تأسیس نمود و به ایمانداران دستور داد که انجیل و هر آنچه را که او گفته است در همه جا موعظه کنند (متی ۲۸: ۲۰). مطمئناً نوشتن گزارش‌هایی از گفته‌های او، ضروری بود.

همین‌طور که بر تعداد ایمانداران افزوده می‌شد، کلیسا از نظر جغرافیایی گسترش می‌یافت و ایمانداران از طریق خدمت موعظه انجیل رشد می‌نمودند. این خدمت ابتدا توسط کسانی آغاز گردید که در مدت زندگی مسیح بر روی زمین با وی همراه بودند. به موازات رشد ایمانداران از نظر روحانی، سؤال‌هایی درباره کاربرد عملی فیض خدا در مشکلات روزمره، فرهنگ‌های متفاوت، نیازهای جوامع و بدعت‌ها (نظرات یا آموزه‌هایی که با تعالیم صحیح کلام خدا مغایر هستند) مطرح گردید. رسولان از طریق نوشتن نامه‌ها (رسالات) به این نیازها پاسخ می‌دادند، که در کلیساهای مختلف قرائت می‌گردید. کاملاً واضح است که این نوشته‌ها تحت هدایت روح القدس نوشته شده و به عنوان کلام خدا مورد قبول واقع شدند (دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶).

بعد از گذشت سال‌ها که رسولان و رهبران اصلی کلیسا پیر و سالخورده شدند، روح القدس اشخاصی را هدایت کرد تا گزارش زندگی مسیح را بنویسند (دوم پطرس ۱: ۱۲-۱۵) که این گزارش‌ها به انجیل (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) معروف هستند.

باید به خاطر داشته باشیم در همان زمان که کلیسا در حال رشد بود، برادران و رسولان کذب و اشخاص ضد مسیح سعی داشتند خود و تعالیشان را به کلیسا تحمیل کنند (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۲-۱۵؛ کولسیان ۲؛ غلاطیان ۱: ۶-۹ و ۳: ۱؛ اول تیموتائوس ۴: ۱-۳؛ دوم تسالونیکیان ۲؛ دوم پطرس ۲؛ اول یوحنا ۲: ۱۸-۱۹ و یهودا

را مطالعه کنید). هر چند در همان زمان که کلیسا نوشته‌های الهامی مقدس را به عنوان کلام خدا به رسمیت شناخت، نوشته‌های مختلف دیگری نیز بوجود آمد اما قدمی که کلیسا در جهت به رسمیت شناختن کتب الهامی برداشت باعث شد بین کتب رسمی و نوشته‌های دیگر فاصله ایجاد شود.

اصولی که بر اساس آنها کتب رسمی (کانن) عهدجدید تعیین شدند، عبارت بودند از:

۱- باید بوسیله یک رسول نوشته و یا تأیید شده باشد.

۲- متن آن باید دارای خصوصیات روحانی لازم برای شناخته شدن به عنوان کلام الهامی باشد.

۳- باید بوسیله کلیساها به عنوان الهام الهی پذیرفته شده باشد.

در همان اوایل موجودیت کلیسا، ۲۷ کتاب عهدجدید بر اساس این ملاک‌ها سنجیده و به طور غیررسمی به عنوان کتب الهام شده از جانب خدا، مورد پذیرش قرار گرفتند. این انتخاب زمانی به رسمیت شناخته شد که در سال ۳۹۷ م. شورای کارتاژ (مجمعی متشکل از رهبران کلیسا) تشکیل و اعلام نمود که کتب رسمی (کانن) عهدجدید شامل ۲۷ کتابی می‌گردد که امروز عهدجدید ما را تشکیل می‌دهند. در واقع این شورای کلیسای فقط آن چیزی را تأیید کرد که قبلاً بوسیله ایماندارانی که توسط روح القدس هدایت شدند، تشخیص داده شده بود.

۹- بیان کنید، عهدعتیق و عهدجدید توسط چه گروه‌هایی و در چه زمانی به عنوان کانن کتاب مقدس شناخته شدند؟

(a) عهدعتیق:

(b) عهدجدید:

۱۰- توضیح دهید کلیسای اولیه بر اساس چه ملاک‌هایی کتب رسمی (کانن)

عهدجدید را تعیین کرد؟

اعتبار نسخ خطی

الهام خاص روح القدس که بوسیله آن نویسندگان کتاب مقدس، مکاشفه خدا را ثبت کردند فقط به دست نوشته‌های اولیه یا نسخ خطی مربوط می‌گردد. امروزه هیچ کدام از آن دست نوشته‌های اولیه در اختیار ما نیست، اما تعداد زیادی رونوشت‌های بسیار دقیق از آن نسخ خطی اولیه وجود دارند. از آنجا که تفاوت‌های بسیار کمی در بین این رونوشت‌ها وجود دارند، نمی‌توانیم بگوئیم خدا هر کدام از این رونوشت‌ها را الهام کرده است.

با وجود این، در رونوشت برداشتن و انتقال این کتب الهامی، شواهد بسیاری از محافظت الهی وجود دارد. درحقیقت، محفوظ ماندن متن صحیح پس از گذشت نسل‌های بسیار، خود معجزه‌ای از محافظت الهی است. امکان دارد این سؤال به ذهن شما خطور کند که «چطور می‌توان از صحت متن مطمئن بود با توجه به اینکه هنگام کپی برداشتن از متن، امکان بوجود آمدن تفاوت‌های بسیار جزئی وجود دارد؟» به این سؤال می‌توان خیلی صریح و با اطمینان پاسخ داد: «متن کتاب مقدس کاملاً قابل اطمینان و معتبر است! این تفاوت‌ها هیچ تأثیری بر تعالیم و آموزه‌های کتاب مقدس و درک ما از مکاشفه خدا ندارد.»

حقیقت این است که تعداد زیادی از محققین سال‌های بسیاری را صرف مقایسه رونوشت‌های قدیمی با یکدیگر و با رونوشت‌های معتبر کرده‌اند و به نتایج باارزشی رسیده‌اند. کشف اخیر نسخه‌های بسیار قدیمی کتاب مقدس در مکانی نزدیک دریای مرده، به این تحقیقات کمک بسیاری کرد.

نتایج حاصله از تمام تحقیقات دانشمندان کتاب مقدس به ما این اطمینان را می‌دهد که کتاب مقدس کاملاً معتبر و صحیح است و ثابت می‌کنند متونی که امروزه به زبان عبری و یونانی در اختیار ما هستند، دقیقاً با دست نوشته‌های اولیه (اتوگراف) یکی هستند و تمام آموزه‌های مهم عهدعتیق و عهدجدید بدون هیچ تغییری حفظ شده‌اند. خدایی که نویسندگان را الهام نمود تا مکاشفه او را برای انسان‌ها ثبت کنند،

آن را در طول نسل‌های بسیار محافظت کرده است. ما می‌توانیم اطمینان کامل داشته باشیم که کتاب مقدس ما، کلام خدا است.

اگر چه کتاب مقدس بیان می‌کند که برای دریافت مکاشفه الهی، الهام خاص روح القدس لازم بود (دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱)، ولی نمی‌توانیم از این قسمت نتیجه بگیریم اشخاصی که کار ترجمه یا رونوشت برداشتن از کتاب مقدس را انجام می‌دهند، از همان الهام برخوردار هستند. منظور این نیست که ترجمه‌های مختلف کتاب مقدس غیرقابل اعتماد هستند، برعکس، می‌دانیم اکثر ترجمه‌های امروزی و مطالب تاریخی بوسیله تحقیقات و بررسی‌های بسیار دقیق و موشکافانه تهیه شده‌اند و از کیفیت بسیار بالایی برخوردار هستند. به‌رحال، هدف من اشاره کردن به این مطلب است که نمی‌توانیم هر ترجمه‌ای را عالی‌ترین ملاک ایمان و عمل خود قرار دهیم. باید ترجمه‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کرد و ارزش و اعتبار هر کدام را از طریق تحقیق و بررسی مشخص کرد.

۱۱- جملات صحیح درباره کانن (کتب رسمی) کتاب مقدس را تعیین کنید.
(a) از آنجا که دست نوشته‌های اولیه در اختیار ما نیست، نمی‌توان یقین داشت که کانن کتاب مقدس همان کلام الهام شده خدا است.
(b) اصطلاح کانن کتاب مقدس اشاره به کتاب‌هایی می‌کند که همگی الهام الهی هستند.

(c) می‌توانیم با اطمینان تعالیم کتاب مقدس را بپذیریم، چون نه تنها خدا آن را الهام کرد تا نوشته شود، بلکه در طول قرن‌ها آن را محافظت کرد.
(d) خدا نه تنها نویسندگان کتاب مقدس بلکه اشخاصی که آن را به زبان‌های مختلف ترجمه می‌کنند نیز الهام می‌نماید. به گونه‌ای که تمام ترجمه‌های موجود کاملاً از اعتبار برخوردار هستند.

(e) تعدادی از نوشته‌های آپوکالیپس از قبیل آپوکریفا، به عنوان کانن (کتب رسمی) عهدعتیق مورد پذیرش قرار گرفته‌اند.

(f) عهدعتیق ما همان عهدعتیق عبری است.

(g) کانن عهدعتیق شامل ۳۹ کتاب و کانن عهدجدید شامل ۲۷ کتاب می‌شود.

تفسیر کتاب مقدس

در حین مطالعه کتاب مقدس امکان دارد متوجه این نکته شده باشید که در بعضی آیات یا قسمت‌های کتاب مقدس هیچ تعلیم آشکاری درباره عمل یا هدف خدا و یا انتظار او از انسان‌ها وجود ندارد. حتی امکان دارد در آن قسمت نتوانید اشاره‌ای از خدا پیدا کنید. برای مثال، اغلب این سؤال برای من پیش می‌آید که کتاب جامعه چه ارزشی دارد و چرا باید جزو کلام خدا باشد. بسیاری از آیات این کتاب آشکارا با تعالیم سایر قسمت‌های کتاب مقدس مغایر است. اگر این کتاب را مطالعه کنید، این موضوع عجیب را در آن خواهید یافت که «همه چیز باطل است» (۲:۱).

زمانی که به این گونه آیات و یا قسمت‌های ویژه از کتاب مقدس می‌رسیم، باید به منظور تفسیر صحیح، آنها را به دقت تجزیه و تحلیل کنیم. لازم است که آیات قبلی و بعدی آن را نیز بخوانیم. در ارتباط با کتاب جامعه، نباید این گونه جملات را از بقیه کتاب یا کل کتاب مقدس جدا کنیم و آن را پایه و اساسی برای زندگی خود قرار دهیم. برای اینکه درک کنیم چه چیزی «باطل» است، باید کل کتاب جامعه را بخوانیم. زمانی که به باب آخر این کتاب می‌رسیم، پیغام آن آشکار می‌شود. نویسنده کتاب بیان می‌کند که «جدا از خدا» زندگی بی‌معنا و پوچ است. نویسنده از طریق تجربیات مختلف درس را فرا گرفته است که آن را به صورت یک نصیحت سودمند در اختیار ما قرار می‌دهد.

«پس آفریننده خود را در روزهای جوانیت بیاد آور قبل از آنکه

روزهای بلا برسد و سال‌ها برسد که بگویی مرا از اینها خوشی نیست

..... از خدا بترس و اوامر او را نگاه دار چونکه تمامی تکلیف انسان

این است. زیرا خدا هر عمل را با هر کار مخفی خواه نیکو و خواه بد

باشد، به محاکمه خواهد آورد (جامعه ۱۲: ۱ و ۱۳ و ۱۴)

این مثال، اصل باارزشی را به ما می آموزد: تمام آیات کلام خدا باید با توجه به تعلیم کل کتاب مقدس تفسیر شود. اگر این اصل را آموخته و آن را بکار ببریم، آنگاه زندگی مسیحی خود را بر پایه و اساس محکمی بنا کرده ایم. نباید یک آیه یا یک قسمت مجزا مبنایی برای زندگی و عمل ما باشد. اگر این اصل را رعایت نکنیم، خود را دچار مشکلات جدی خواهیم کرد.

خدا به ما در درک تعلیمات کتاب مقدس کمک می کند. روح القدس نه تنها نویسندگان کتاب مقدس را الهام بخشید، بلکه ذهن خوانندگان کلام را روشن و باز می کند تا آنچه را می خوانند درک کنند. از آنجا که گناه فکر انسان را تیره و تار کرده است، بدون کمک روح القدس هیچ فردی نمی تواند کلام خدا را به درستی درک کند. زمانی که روح القدس در ما ساکن می گردد، حقایق کلام خدا را برای ما آشکار می کند و به ما یاری می دهد تا آن را به طرز صحیح تفسیر کنیم (به رومیان ۱: ۲۱؛ افسسیان ۱: ۱۸؛ ۴: ۱۸؛ اول قرنتیان ۲: ۶-۱۶ و اول یوحنا ۲: ۲۰ و ۲۷ نگاه کنید).

بنابراین، کتاب مقدس، مکاشفه خدا به انسان است. اگر چه بعضی از قسمت های آن در ظاهر ضد و نقیض است ولی وقتی آن قسمت ها را با توجه به کل کتاب مقدس تفسیر می کنیم، معنی آنها آشکار می گردد. علاوه بر این، روح القدس ذهن ما را روشن می سازد تا کلام خدا را به روش صحیح تفسیر کنیم و حقایق آن را فرا گیریم.

۱۲- جمله زیر را کامل کنید.

تمام آیات کلام خدا باید با توجه به تعلیم تفسیر شود.

اعتبار کتاب مقدس

سؤال مهمی که هنگام مطالعه کلام خدا بوجود می‌آید این است که: در ارتباط با زندگی و اهدافمان، کلام خدا از چه اعتبار و جایگاهی برخوردار است؟ کتاب مقدس از ابتدا تا انتهای آن آشکار کننده احساس و نظر خدا در این مورد است. در تمام جنبه‌های مختلف زندگی، کتاب مقدس عالی‌ترین ملاک برای ایمان و عمل است (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷).

خدا از همان اوایل مشارکتش با انسان، هدف و اراده خود را آشکار نمود. او همچنین آشکار کرد که انتظار دارد انسان احکام او را بفهمد و آن را انجام دهد، «هر آنچه به شما امر می‌فرمایم، متوجه شوید تا آن را به عمل آورید، چیزی بر آن می‌فزائید و چیزی از آن کم نکنید» (تثنیه ۱۲: ۳۲). حتی می‌فرماید که، او انسان‌ها را امتحان می‌کند تا ببیند آیا کلام او را اطاعت می‌کنند یا نه (تثنیه ۱۳: ۳).

اگر یک نبی یا تعبیر کننده خواب به منطقه شما بیاید و معجزه‌ای انجام دهد و یا وعده‌ای را به روشی خاص برآورد، آیا نشان‌دهنده این امر خواهد بود که او یک نبی واقعی است؟ خیر، مگر اینکه آنچه او می‌گوید، مطابق و هماهنگ با آن چیزی باشد که خدا قبلاً در کلام خود تعلیم داده است (تثنیه ۱۳: ۱-۳).

این اصل در تمام کتاب مقدس تکرار شده است. نباید اجازه بدهیم، معجزات، آیات و چیزهای شگفت‌انگیز و عجیب و یا هر چیز دیگری که می‌خواهد ما را از حقایق کلام خدا دور نماید، باعث گمراه شدن ما شود. فقط از طریق زندگی کردن بر اساس کلام مسیح است که می‌توانیم مشارکت و ارتباط خود را با او ادامه دهیم، «اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند» (انجیل یوحنا ۱۵: ۱۰). می‌توانیم با اطاعت کردن از خواست و اراده مسیح، محبت خود را به او ثابت کنیم: «شما دوست من هستید اگر آنچه به شما حکم می‌کنم بجا آرید» (یوحنا ۱۴: ۱۵).

کلام خدا حقیقت و راستی است (یوحنا ۱۷:۱۷). بنابراین باید در زندگی شخصی و کلیسایی ما عالی‌ترین و بالاترین ملاک و معیار باشد. از آنجا که محراب و منبر جایی است که کلام خدا موعظه می‌شود، معمولاً آن را در قسمت مرکزی سالن قرار می‌دهند. این موضوع گفته داود را به تصویر می‌کشد: «زیرا کلام خویش را بر تمام اسم خود تمجید نموده‌ای» (مزمو ۲:۱۳۸).

در تمام قسمت‌های زندگیمان، کلام خدا باید جای نخست را داشته باشد. باید تعالیم آن را مهم‌تر از نظریات خانواده و دوستان خود بدانیم و به هشدارها و هدایت‌های آن توجه کرده، اجازه دهیم بر احساسات ما حاکم باشد.

بنابراین چقدر مهم است که در کلیسای خود از تعلیم صحیح برخوردار باشیم. باید در قلب ایمانداران اشتیاقی برای مطالعه منظم کلام خدا بوجود آوریم. ایمانداران باید در کلیسا با یکدیگر جمع شوند، نه برای برنامه‌ها و نه بخاطر اشخاص، بلکه به دلیل اشتیاقی که برای کلام خدا دارند.

«گیاه خشک شد و گل پژمرده گردید، لیکن کلام خدای ما تا ابدالابد استوار خواهد ماند» (اشعیا ۴۰:۸)

۱۳- بر اساس آنچه در این قسمت مطالعه کردید، بیان کنید کلام خدا در زندگی ما باید از چه اهمیت و جایگاهی برخوردار باشد.

خودآزمایی

سؤالات انطباقی

- (۱) اصطلاحات داده شده را با توضیح آنها منطبق کنید.
- (a) انتقال مطالب نوشته نشده از نسلی به نسل دیگر
- (b) عمل روح القدس در باز کردن حقایق کلام خدا برای ایمانداران در جهت درک بهتر آن حقایق
- (c) دست نوشته‌های اولیه کتاب مقدس
- (d) عملکرد ویژه روح القدس در هدایت نویسندگان کتاب مقدس
- (e) خود آشکارسازی خدا و اعمال او که به هیچ صورت دیگری امکان پذیر نبود.
- (f) نوشته‌هایی که مشخصه آنها پیشگویی خرابی دنیا و وقایع وحشتناک آن دوره است.

(g) تعیین الهامی بودن کتاب مقدس بر اساس ملاک‌های مشخص

۱- نوشته‌های آپوکالیپس

۲- اتوگراف

۳- روایات شفاهی

۴- کائن

۵- الهام

۶- تنویر فکر، روشن سازی

۷- مکاشفه

سؤالات صحیح و غلط

- (۲) کلیسا بالاترین مرجع برای ایمان و عمل است.
- (۳) به منظور درک حقایق کلام خدا باید مطالب آن را با دقت و با توجه به تعلیم کل کتاب مقدس بررسی و تفسیر کنیم.

۴) الهامی بودن کتاب مقدس شامل، دست نوشته‌های اولیه، نسخه‌های بعدی، ترجمه‌ها و تفسیرها می‌گردد.

۵) می‌توانیم یقین داشته باشیم کتاب مقدسی که امروز در اختیار ما است، مثل دست نوشته اولیه آن که از جانب خدا الهام شد، قابل اطمینان است. چرا که شواهد نشان می‌دهند خدا آن را در طول نسل‌های متمادی از هر گونه تغییر و تحریف حفظ کرده است.

۶) الهامی بودن تمام کتاب‌هایی که به عنوان کائنات کتاب مقدس پذیرفته شده‌اند، تشخیص داده شده و مورد تأیید قرار گرفته است.

۷) منحصر به فرد بودن کتاب مقدس به این معنا است که ۶۶ کتاب آن، مکاشفه کامل و نوشته شده خدا است.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

(۷) ا یوحنا ۱۶: ۱۲-۱۵

(b) وقایع آینده، هدایت و آشکار ساختن، تعلیم بیشتر

(c) افسسیان ۳: ۴-۵ و ۹-۱۰؛ دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶؛ ۱: ۲۰-۲۱

(۱) اصطلاح مکاشفه در ارتباط با خدا به این معنا است که خدا حقایق را برای انسان درباره خود و اهدافش آشکار می‌کند که آنها به هیچ طریق دیگری نمی‌توانستند از آن آگاه شوند.

(۸) چون، همانطور که می‌دانیم باید از هر نوع مکاشفه یا تعلیم دیگری که با آنچه خدا قبلاً آشکار کرده است، مغایرت دارد و او را جلال نمی‌دهد، اجتناب کنیم.

(۲) a صحیح

(b) غلط

(c) غلط

(d) صحیح

(۹) a حدود ۵۰۰ ق. م بوسیله عزرا و اعضای کنیسه

(b) حدود ۳۹۷ م بوسیله شورای کارتاژ

(۳) «نقل از ترجمه قدیمی»

(a) «پس خداوند به موسی گفت، این را برای یادگاری در کتاب بنویس»

(b) «موسی تمامی سخنان خدا را نوشت»

(c) «و الان خداوند چنین می‌گوید» (نویسنده اشعیای نبی است)

(d) «این است کلامی که از جانب خداوند به ارمیا نازل شد»

(e) «خداوند چنین می‌فرماید»

(f) «اگر کسی خود را نبی یا روحانی پندارد، اقرار بکند که آنچه به شما

می‌نویسم احکام خداوند است»

g) «پولس نیز برحسب حکمتی که به وی داده شد، به شما نوشت». (توجه داشته باشید که در آیه ۱۶، پطرس، نوشته‌های پولس را به عنوان کلام خدا تأیید می‌کند.)

۱۰) آنها باید بوسیله یک رسول نوشته و یا تأیید شده باشد. متن آن باید دارای خصوصیات روحانی لازم برای شناخته شدن به عنوان کلام الهامی باشد. باید بوسیله کلیساها به عنوان الهام الهی پذیرفته شده باشد.

f - d - b (۴)

a (۱۱) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) غلط

e) غلط

f) صحیح

g) صحیح

۵) اگر چه برای سرعت بخشیدن به مرگ اشخاصی که مصلوب می‌شدند، رسم بود که استخوان‌های آنها را بشکنند، اما چون سربازان متوجه شدند که او قبلاً مرده است، ضرورتی ندیدند که این کار را درباره مسیح انجام دهند و در عوض پهلوی او را با نیزه سوراخ کردند.

۱۲) کل کتاب مقدس

۶) a) مسیح با احترام اعتبار عهدعتیق را به عنوان کلام خدا تأیید کرد؛ تعداد زیادی از نبوت‌های کتاب مقدس قبلاً انجام شده‌اند؛ یک هماهنگی بین موضوعات کتاب مقدس وجود دارد.

b) با نقل قول کردن از آن

c) تولد مسیح که بوسیله میکا پیشگویی شده بود؛ نمونه دیگر، نحوه مرگ او

که بوسیله اشعیا و داود پادشاه نبوت شده بود.

(d) رهایی و نجات انسان

(۱۳) پاسخ شما باید شبیه این پاسخ باشد: کتاب مقدس، کلام خدا، باید عالی‌ترین مرجع ایمان و عمل و همچنین هدایت‌کننده اعمال، افکار و احساسات ما باشد. باید صادقانه آن را مطالعه کنیم و تعالیم آن را در زندگی خود بکار ببریم.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

کلیسا: اجتماع قوم خدا

آیا تا بحال شاهد بازی کودکان با یکدیگر بوده‌اید؟ و اینکه چگونه به‌طور کاملاً طبیعی به سوی همدیگر کشیده می‌شوند و تمایل دارند با یکدیگر باشند؟ این حالت نشان‌دهنده ماهیت اجتماعی انسان است، یعنی اینکه طبیعت انسان به گونه‌ای است که دوست دارد با دیگران ارتباط برقرار کند و مشارکت داشته باشد. بنابراین تعجب ندارد که مسیح نیز اجتماعی از ایمانداران را بوجود آورد، یعنی کلیسای او، تا از طریق آن اراده خدا انجام شود. از آنجا که کلیسا، اجتماع قوم خدا است، ارتباط اشخاص آن با یکدیگر بر اساس ارتباط شخصی آنها با مسیح است.

پولس رسول می‌گوید: «که سابقاً قومی نبودید و الان قوم خدا هستید. آنوقت از رحمت محروم، اما الحال رحمت کرده شده‌اید» (اول پطرس ۲: ۱۰). گناهان ما باعث جدایی و دوری ما از خدا شده بود. اما وقتی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفتیم، از طریق مسیح و بوسیله ایمان وارد رابطه‌ای جدید با خدا شدیم. این رابطه جدید با خدا، ما را وارد ارتباطی جدید با سایر ایمانداران کرد و در واقع عضو خانواده الهی خدا، یعنی کلیسای او شدیم.

این درس به مطالعه درباره وسیله‌ای می‌پردازد که خدا برای جلال دادن نام خود، رشد زندگی روحانی ایمانداران و رسیدن خبر خوش انجیل به دیگران، انتخاب کرده است. در حین مطالعه درباره کلیسا و معنی واقعی آن، می‌توان ارزشی را که خداوند برای کلیسا قائل شده و جان خود را برای آن داده است، درک کرد (افسیسیان ۵: ۲۵).



فهرست درس

تعریف کلیسا
تأسیس کلیسا
ماهیت کلیسا
مأموریت کلیسا

اهداف درس

- پس از مطالعه درس قادر خواهید بود که:
- درباره لغت کلیسا و تفاوت بین معنای کتاب مقدسی و غیر کتاب مقدسی آن توضیح دهید.
 - بر اساس دلایل کتاب مقدسی بیان کنید کلیسا در چه زمانی تأسیس شد.
 - درباره ماهیت دوگانه کلیسا توضیح دهید.
 - سه هدف اصلی کلیسا و روش‌های نائل شدن به آنها را بیان کنید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- اعمال باب دوم؛ اول قرن‌تین ۱۲:۳۱؛ رومیان باب ۱۲؛ افسسیان ۴:۱-۱۶ و ۲۲:۵-۳۳ را به عنوان پیش زمینه مطالعه کنید.

۲- درس را مطالعه کنید و به سؤالات و خودآزمایی آخر درس پاسخ دهید.

متن درس

تعریف کلیسا

۱- فرض کنید شخصی که برای اولین بار لغت کلیسا را شنیده، از شما درباره معنی آن سؤال می‌کند. بر اساس تجربیات خود چه پاسخی به سؤال او خواهید داد؟

امکان دارد شما نیز مانند بسیاری از مردم چنین پاسخ دهید که «کلیسا مکانی است که مردم برای عبادت در آنجا جمع می‌شوند.» اگر بخواهید با دقت بیشتری به این سؤال پاسخ دهید، امکان دارد بگوئید که «لغت کلیسا اشاره به تشکیلاتی می‌کند که بوسیله گروه‌های مختلفی از مردم تشکیل شده است که دارای اعتقادات و اهداف مشترکی بوده و بوسیله ضوابط یکسانی هدایت می‌شوند.»

هر دو این تعاریف نشان‌دهنده دیدگاه بسیاری از مردم درباره کلیسا است و همچنین می‌توان آنها را مطابق تعریف امروزی کلیسا صحیح پنداشت. اما زمانی که کتاب مقدس از کلیسا سخن می‌گوید، معنای بسیار عمیق‌تری از تعاریف بیان شده، در نظر دارد.

در واقع، کتاب مقدس به کلیسا به عنوان یک ساختمان و یا تشکیلات اشاره نمی‌کند بلکه این ایمانداران هستند که کلیسا را تشکیل می‌دهند. اشخاصی که کلیسا را به عنوان یک تشکیلات در نظر می‌گیرند آن را به فرقه‌های مختلفی چون، کاتولیک، باپتیست، متدیست و غیره مربوط می‌سازند.

از دیدگاه کتاب مقدس، دو تعریف برای لغت کلیسا وجود دارد. در اصل یونانی، لغتی که در عهدجدید «کلیسا» ترجمه شده است "Ekklesia" است و افرادی را به تصویر می‌کشد که به دعوت خدا جواب مثبت داده‌اند. پاسخ مثبت دادن به دعوت خدا و اعتراف کردن به خداوندی عیسی، آنها را جزو اعضای خانواده الهی خدا می‌گرداند. به آنها دستور داده شده است تا دیگران را در پیام انجیل شریک بسازند. در واقع آنها اجتماعی از ایمانداران مطیع هستند که هدفشان انجام دادن اراده خدا است. در مقیاسی وسیع‌تر، این اجتماع ایمانداران که مسیح را به عنوان خداوند زندگی خود پذیرفته‌اند، تشکیل کلیسای جامع (جهانی) را می‌دهند که همچنین به نام کلیسای نامرئی خوانده شده و شامل تمام ایماندارانی است که در نقاط مختلف، در ایمان خود به عیسی مسیح وفادار هستند.

در مقیاسی کوچک‌تر، کلیسا به اجتماع و جمع شدن ایمانداران اشاره می‌کند. اشخاصی که دارای ایمانی مشترک بوده و مسیح را به عنوان خداوند پذیرفته‌اند و برای پرستش او در یک مکان جمع می‌شوند. در این حالت به آنها به عنوان کلیسای محلی یا کلیسای مرئی اشاره می‌شود. نمونه‌های بسیاری از کلیساهای محلی در عهدجدید دیده می‌شود:

رومیان ۷:۱ - «به همه که در روم محبوب خدا و خوانده شده و مقدسید.»

اول قرنتیان ۲:۱ - «به کلیسای خدا که در قرنتس است، از مقدسین در مسیح عیسی که برای تقدس خوانده شده‌اند.»

غلاطیان ۲:۱ - «به کلیساهای غلاطیه»

فیلیپیان ۱:۱ - «به همه مقدسین در مسیح عیسی که در فیلیپی هستند با اسقفان و شماسان.»

به‌طور کلی می‌توان گفت که کلیسا در عهدجدید به اجتماع قوم خدا اشاره دارد. لغت «اجتماع» در تعریف معنای کلیسا از اهمیت زیادی برخوردار است چون صحبت از افراد ایمانداری می‌کند که با یکدیگر جمع می‌شوند تا با یکدیگر مشارکت

داشته باشند و خدا را پرستش کنند. این اجتماع روحانی در اعمال ۴۲:۲-۴۷ به این گونه بیان شده است:

«در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند. و همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت. و همه ایمانداران با هم می زیستند و در همه چیز شریک می بودند. و املاک و اموال خود را فروخته آنها را به هر کس بقدر احتیاجش تقسیم می کردند. و هر روزه در هیکل به یک دل پیوسته می بودند و در خانه ها نان را پاره می کردند و خوراک را به خوشی و ساده دلی می خوردند و خدا را حمد می گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می گردیدند و خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می افزود.»

کتاب مقدس به ما تعلیم می دهد که کلیسا وسیله ای است که خدا انتخاب کرده تا این عملکردها را انجام دهد:

۱- با یکدیگر خدا را پرستش و عبادت کنند (یوحنا ۲۰:۴-۲۴ را با عبرانیان ۲۵:۱۰ مقایسه کنید).

۲- باعث رشد روحانی ایمانداران گردد (افسیان ۱۳:۴-۱۶).

۳- پیام خوش نجات در مسیح عیسی را به دیگران اعلام کند (متی ۱۸:۱۶ و ۱۴:۲۴ و ۱۸:۲۸-۲۰).

در ادامه درس، این عملکردهای کلیسا را مفصل تر بررسی خواهیم کرد. در کتاب مقدس اغلب به اصطلاحات «کلیسای خدا» یا «کلیسای مسیح» بر می خوریم. این اصطلاحات بیانگر این حقیقت هستند که اهمیت اجتماع ایمانداران به دلیل اعضای آن نیست، بلکه به دلیل وجود عیسی مسیح، پسر خدا، که سر این اجتماع است.

بنابراین کلیسا در واقع مشارکت گناهکاران نجات یافته ای است که مسیح را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفته اند و در اثر عمل الهی بوجود آمده است. این اجتماع و مشارکت ایمانداران از اتحاد و یگانگی برخوردار است چون اعضای آن بوسیله روح القدس با یکدیگر و با مسیح متحد شده اند.

عهد جدید بیان می‌کند اشخاصی که تازه به مسیح ایمان می‌آوردند، بوسیله تعمید آب ایمان خود را به عیسی مسیح اعتراف می‌کردند که به گونه‌ای سمبولیک نشان‌دهنده اتحاد آنها با مسیح بود (به اعمال ۲:۳۸؛ ۸:۱۲-۱۳؛ ۹:۱-۱۹ و ۱۰:۴۷-۴۸ رجوع کنید). اشخاص نوایمانی که کلیسای محلی را تشکیل می‌دادند و همچنین جزئی از کلیسای جهانی بودند، این خصوصیات شامل حالشان می‌شد:

- ۱- ایمان خود را به مسیح اعتراف می‌کردند.
- ۲- به دنبال اعتراف ایمان خود، تعمید آب می‌گرفتند.
- ۳- هرچه زودتر تشکیل اجتماعی از ایمانداران را می‌دادند (اعمال ۱۳:۴۳ را با اعمال ۱۴:۲۳ مقایسه کنید).
- ۴- دارای یک هدف مشخص بودند: ملحق شدن به یکدیگر برای پرستش خداوند و انجام دادن اراده او.

- ۲- مشخص کنید کدامیک از موارد زیر این جمله را به گونه‌ای صحیح کامل می‌کنند: در کتاب مقدس اصطلاح کلیسا به معنای بکار رفته است.
 - (a) ساختمانی که در آنجا مردم برای عبادت خدا جمع می‌شوند.
 - (b) اجتماعی از قوم خدا که با یکدیگر جمع می‌شوند و همگی به مسیح عیسی ایمان دارند.
 - (c) مشارکت الهی ایماندارانی که مسیح را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفته‌اند و با یکدیگر و با مسیح در اتحاد و یگانگی هستند.
 - (d) هرگونه گروه، تشکیلات یا فرقه مذهبی
 - (e) اجتماع جهانی تمام اشخاصی که ایمان خود را به خدا اعتراف کرده‌اند و مسیح را به عنوان خداوند خود پذیرفته‌اند.

تأسیس کلیسا

ایده اجتماع قوم خدا برای اولین بار در عهدعتیق، در وعده خدا به ابراهیم مبنی بر اینکه او را باعث برکت جهان خواهد گردانید، دیده می‌شود (پیدایش ۱۲: ۱-۳). وعده خدا در زمان رهایی قوم اسرائیل از اسارت مصر تأیید شد. سپس مفهوم اجتماع قوم خدا به‌طور واضح‌تر در پیمان میان خدا و ابراهیم مورد توجه قرار می‌گیرد. پیمانی که شامل مسئولیت‌ها و برکات بود (خروج ۱۹: ۴-۶ را با پیدایش ۱۷: ۲۲-۱۸ مقایسه کنید).

اما تاریخ عهدعتیق نشان می‌دهد که قوم اسرائیل در انجام مأموریت خود موفق نبود و نتوانست از طریق شهادت دادن و نمونه بودن باعث برکت زمین بشود. اگر چه در زمان عهدعتیق اجتماع قوم خدا وجود داشت اما نتوانست مسئولیت خود را انجام دهد. هدف خدا این بود که تمام دنیا را به سوی خود بخواند، آنها را از گناه آزاد کند و نجاتی را که مهیا کرده بود به آنها ببخشد. این هدف و نقشه خدا از طریق مرگ و قیام مسیح، فرزند محبوب خدا انجام خواهد شد.

مسیح در طول خدمت خود بر روی زمین ایده کلیسا را برای اجتماع ایمانداران بکار برد. او درباره آینده فرمود: «من کلیسای خود را بنا می‌کنم» (متی ۱۶: ۱۸). پولس رسول در رساله به افسسیان ۱: ۱۹-۲۳ بیان می‌کند که پیش از تأسیس کلیسا می‌باید مرگ و قیام مسیح اتفاق می‌افتاد تا مسیح به عنوان سر اجتماع نجات یافتگان تعیین شود:

«که در مسیح عمل کرد چون او را از مردگان برخیزانید و به دست راست خود در جای‌های آسمانی نشانید، و همه چیز را زیر پای‌های او نهاد و او را سر همه چیز به کلیسا داد، که بدن اوست یعنی پری او که همه را در همه پر می‌سازد.» (افسسیان ۱: ۲۰ و ۲۲-۲۳)

قیام و صعود مسیح ضروری بود تا او بتواند خدمت خود را به عنوان کاهن اعظم برای قوم خویش (کلیسا) انجام دهد. علاوه بر این او می‌توانست عطایایی به کلیسا

بیخشد تا وظایفش را انجام دهد (به عبرانیان ۱۴:۴-۱۶؛ ۲۵:۷؛ افسسیان ۴:۷-۱۲ رجوع کنید).

۳- بر اساس آیات ذکر شده کدامیک از جملات زیر صحیح است.

a) کتاب مقدس بیان می‌کند که کلیسا توسط عیسی در طول خدمت زمینی‌اش تأسیس شد.

b) کتاب مقدس شواهدی ارائه می‌دهد که مرگ، قیام و صعود مسیح می‌باید به‌وقوع می‌پیوست تا او بتواند کلیسای خود را تأسیس کند.

روایات تأیید می‌کنند که کلیسا «رسماً» در روز پنطیکاست تأسیس شد، اگر چه قبل از آن نیز ایمانداران با یکدیگر جمع می‌شدند. به شواهد زیر توجه کنید:

۱- مسیح دقیقاً قبل از اینکه به آسمان صعود کند، به شاگردانش فرمود: «از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده‌اید. زیرا که یحیی به آب تعمید می‌داد، لیکن شما بعد از اندک ایامی، به روح القدس تعمید خواهید یافت» (اعمال ۱:۴-۵؛ یوحنا ۱۴:۱۲، ۱۶:۷-۸ و ۱۳-۱۵).

۲- سپس، مسیح به آنها وعده داد که پس از تعمید گرفتن در روح القدس، به شاهدان پرقدرتی تبدیل خواهند شد که پیام انجیل را در همه جا، چه دور و چه نزدیک اعلام خواهند کرد (اعمال ۸:۱).

۳- همانطور که مسیح گفته بود، شاگردان و ایماندارانی که در روز پنطیکاست در بالاخانه در حال دعا بودند، روح القدس بر آنها نزول کرد و در آنها ساکن گردید و همگی تعمید روح گرفتند (اعمال ۱:۲-۴ را با یوحنا ۳۷:۷-۳۹ و ۱۷:۱۴ مقایسه کنید).

۴- به علاوه، در همان روز سه هزار نفر توبه کرده، به پیام انجیل پاسخ مثبت دادند و به ایمانداران پیوستند. بدین سان کلیسا تأسیس شد و شروع به انجام وظایف خود یعنی، پرستش، تربیت و بشارت نمود.

بنابراین، ریخته شدن روح القدس نشان‌دهنده آغاز دوره جدیدی بود که ایمانداران قدرت الهی یافتند تا درباره نجات خدا و دعوت او از همه انسان‌ها،

شهادت بدهند. کتاب اعمال رسولان نشان می‌دهد که از آن روز به بعد ایمانداران مانند یک خانواده و یا اجتماع متحد عمل کردند. بعضی از خصوصیات این ایمانداران و کلیسای اولیه عبارت است از:

۱- آنها دارای یک معیار تعلیمی بودند که عبارت بود از تعلیم رسولان (اعمال ۴۲:۲).

۲- با سایر ایمانداران مشارکت داشتند (اعمال ۴۳:۲).

۳- آنها مراسم تعمید آب و شام خداوند را نگاه می‌داشتند (اعمال ۴۱:۲-۴۲ و ۴۷؛ متی ۱۹:۲۸؛ اول قرن‌تین ۱۱:۲۳-۲۶).

۴- برای پرستش عمومی و دعا جمع می‌شدند (اعمال ۴۶:۲؛ ۲۳:۴-۳۱).

۵- به نیازمندان کمک می‌کردند (اعمال ۴۱:۲؛ ۳۲:۴-۳۵؛ ۱:۶-۷).

۶- آنها ایماندارانی را تعیین کردند که به مکان‌های دیگر بروند و پیام انجیل را موعظه کنند و اجتماعات دیگری از ایمانداران تأسیس نمایند (اعمال ۱۴:۸-۱۷؛ ۲۲:۱۱).

۷- آنها درباره مشکلات و مسائل خاصی که در نتیجه گسترش انجیل و ایمان آوردن افراد جدید بوجود آمده بود، توضیح می‌دادند و تعلیم صحیح و ضروری را تعیین می‌کردند (اعمال ۱:۱۱-۳ و ۱۸؛ ۴:۱۵-۳۵).

۴- در دفتر خود دو واقعه را نام ببرید که در روز پنطیکاست روی داد و نشان می‌دهد که کلیسا در مدت کوتاهی پس از صعود مسیح، در آن روز تأسیس گردید.

۵- در دفتر خود بدون اینکه به درس مراجعه کنید، هفت عملکرد ایمانداران اولیه را که به آنها خصوصیات یک کلیسا یا یک بدن واحد را می‌بخشد، بنویسید. سپس پاسخ خود را با موارد ذکر شده در درس و با فعالیت‌های کلیسای محلی خود مقایسه کنید.

ماهیت کلیسا

زمانی که یک شخص مسیح را به عنوان خداوند می‌پذیرد، روح القدس علاوه بر اینکه باعث نجات او می‌شود، او را نیز به سایر ایمانداران که تشکیل اجتماعی به نام کلیسا یا بدن مسیح را می‌دهند، مربوط می‌سازد. در کتاب مقدس، کلیسا به بدن، عروس، هیكل، شاخه‌های تاک و گوسفندان تشبیه شده است. همین تشبیهات برای فرد ایماندار، کلیسای محلی و کلیسای جهانی بکار رفته است.

۶- تعیین کنید هر کدام از آیات کتاب مقدس (در سمت راست)، کدامیک از اصطلاحات داده شده (در سمت چپ) را توضیح می‌دهند.

- | | |
|--------------------------------|---------------------|
| (a) لوقا ۴:۱۵-۱۰ (گوسفندان) | (۱) یک فرد ایماندار |
| (b) دوم قرنتیان ۲:۱۱ (عروس) | (۲) کلیسای محلی |
| (c) اول قرنتیان ۳:۱۶-۱۷ (هیكل) | (۳) کلیسای جهانی |
| (d) افسسیان ۲۲:۱-۲۳ (بدن) | |
| (e) عبرانیان ۱۳:۲۰ (گوسفندان) | |
| (f) یوحنا ۱۵:۱-۵ (شاخه‌ها) | |

این تمرین مطالبی درباره ماهیت کلیسا به ما نشان می‌دهد. یک ایماندار به تنهایی کلیسا را تشکیل نمی‌دهد، کلیسا بدنی است که از اجتماع ایمانداران تشکیل شده است. اگر ما کلیسا را به عنوان یک تشکیلات در نظر بگیریم، دیگر نمی‌توانیم آن را اجتماعی از ایمانداران ببینیم، ایماندارانی که در نتیجه رابطه شخصی خود با مسیح، با یکدیگر رابطه صمیمی دارند و همدیگر را محبت، کمک و خدمت می‌کنند. بنابراین ماهیت کلیسا را می‌توان به دو طریق توضیح داد. اول، بیانگر رابطه ایمانداران با یکدیگر است، و بعد، بیانگر اتحاد آشکار ایمانداران با مسیح است.

۱- کلیسا بیانگر رابطه ایمانداران با یکدیگر و با مسیح است. زمانی که یک گناهکار پیام انجیل را می‌شنود، خود را به تنهایی در حضور خدا می‌بیند. انتخاب او مبنی بر پذیرفتن یا رد پیام انجیل یک انتخاب شخصی است که فقط خود او قادر به انجام آن است. زمانی که او تصمیم خود را گرفت، متوجه می‌شود که اشخاص دیگری نیز همین انتخاب را کرده‌اند. بنابراین اگر چه نجات یک عمل کاملاً شخصی است اما یک موضوع کاملاً اختصاصی نیست. نجات، ما را وارد یک رابطه شخصی با مسیح و سایر ایمانداران می‌کند. هر دو آنها برای رشد روحانی یک فرد ایماندار و شکل‌گیری هر چه بیشتر شخصیت مسیح در او ضروری است.

پولس رسول درباره رابطه‌ای که ایماندار پس از نجات، با مسیح برقرار می‌کند، سخن می‌گوید: «با مسیح مصلوب شده‌ام ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند و زندگانی که الحال در جسم می‌کنم به ایمان بر پسر خدا می‌کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد» (غلاطیان ۲:۲۰). او همچنین درباره رابطه ایمانداران با یکدیگر سخن می‌گوید: «... ما اعضای یکدیگریم» (افسیسیان ۴:۲۵). یعنی اینکه تمام ایمانداران با یکدیگر، کلیسا را می‌سازند.

بنابراین، از یک جنبه، هر فرد ایماندار در یک رابطه شخصی با مسیح زندگی می‌کند و شخصاً مسئول زندگی مسیحی خود است. اما از طرف دیگر، تمام ایمانداران با یکدیگر در یک اتحاد روحانی قرار دارند، یعنی اگر چه هر کدام با مسیح ارتباط دارند اما نسبت به یکدیگر نیز مسئول هستند.

۷- کتاب مقدس رابطه بین مسیح و کلیسا را با رابطه‌ای که بین سر و بدن وجود دارد، مقایسه می‌کند.

اول قرن‌تیا ۱۲:۱۲-۲۷؛ افسسیان ۱:۲۲-۲۳؛ ۴:۷-۱۶ و کولسیان ۱:۱۸ را مطالعه کنید و بر اساس این آیات کدامیک از جملات زیر در مورد بدن مسیح صحیح هستند.

a) در بدن مسیح، اعضای بسیار وجود دارد.

(b) بعضی از اعضای بدن مسیح نسبت به بقیه اعضا از اهمیت کمتری برخوردار هستند.

(c) یک فرد ایماندار می‌تواند بدون اینکه یک عضو فعال در بدن مسیح باشد، از نظر روحانی رشد کند.

(d) هر ایماندار عضوی از بدن مسیح است.

(e) مسیح سر کلیسا، یعنی سر بدن خود است.

(f) هر ایماندار به تنهایی در برابر مسیح مسئول است.

(g) اگر عضوی از بدن رنج می‌برد، سایر اعضا درد او را احساس می‌کنند و با او رنج می‌برند.

(h) عطایایی که مسیح به کلیسا می‌بخشد برای داشتن تجربه شخصی رشد هر عضو ضروری است.

این آیات نشان می‌دهند که در عهدجدید، زندگی مسیحی یک تجربه مشترک بوده است. اشخاصی که ایمان می‌آوردند به صورتی کاملاً طبیعی جذب دیگر ایمانداران می‌شدند و با یکدیگر به پرستش، مشارکت و بشارت مشغول می‌شدند. از طریق تولد تازه، طبیعت کهنه و مغرور آنها از بین می‌رفت و آنها به اجتماع صمیمی ایمانداران می‌پیوستند.

کتاب مقدس آشکار می‌کند که شراکت داشتن با سایر ایمانداران، در بدنی که در برابر سر یعنی خود مسیح مسئول است، یک وظیفه مهم و خطیر است. واقعیت این است که هر کدام از ما مسئولیتی داریم که ورای انتخاب، ارزش‌ها و رابطه شخصی ما با مسیح است. چون پس از ایمان آوردن باید مانند عضوی از بدن مسیح عمل کنیم. این حقیقت نشان می‌دهد که چرا پولس رسول آنقدر به فکر کلیسای قرنتس بود:

«لکن ای برادران از شما استدعا دارم به نام خداوند ما عیسی مسیح که

همه یک سخن گوئید و شقاق در میان شما نباشد. بلکه در یک فکر و

یک رأی کامل شوید» (اول قرنتیان ۱: ۱۰).

به عنوان عضوی از بدن مسیح، اگر می‌خواهم با مسیح در اتحاد و یگانگی باشم، لازم است با سایر اعضا نیز در اتحاد و یگانگی قرار بگیرم. کلیسا همانطور که در کتاب مقدس بیان شده است، اجتماع ایماندارانی است که با مسیح و از طریق او با یکدیگر رابطه و مشارکت دارند.

۲- کلیسا بیانگر اتحاد آشکار ایمانداران با مسیح است. خدا کلیسا را به گونه‌ای بوجود آورد که ماهیت آن، از طریق روابط ایمانداران با یکدیگر شناخته شود. از آنجا که رابطه ما با مسیح یک تجربه روحانی است، تنها طریقی که آن را تبدیل به یک واقعیت عینی می‌کند، زندگی ما است. ما می‌توانیم و باید با دیگران درباره ایمان خود سخن بگوییم. اگر در زندگی ما مهربانی، فروتنی و محبت واقعی مسیحی دیده شود، آنگاه مردم می‌فهمند که رابطه ما با مسیح یک رابطه واقعی است، اگر چه با چشمان دیده نشود. بنابراین اگر ما مطابق آنچه به دیگران شهادت می‌دهیم، زندگی نکنیم، امکان دارد یک غیر ایماندار بگوید: «عمل شما آنقدر بلند سخن می‌گوید که من نمی‌توانم صدای شما را بشنوم!»

این موضوع در مورد اجتماع ایمانداران نیز صدق می‌کند. واقعی بودن رابطه بین بدن (کلیسا) و سر (مسیح) باید بوسیله زندگی عملی کلیسا دیده شود. به همین دلیل است که پولس رسول به ایمانداران افسس خاطر نشان می‌کند که «با کمال فروتنی و تواضع و حلم، و متحمل یکدیگر در محبت باشید و سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید» (افسیسیان ۲:۴-۳).

در زمان پولس، موانع اجتماعی بسیاری وجود داشت که یهودیان را از غیر یهودیان و برده‌ها را از اشخاص آزاد جدا می‌ساخت. جدا از انجیل هیچ طریقی وجود نداشت که بتواند این موانع را از میان بردارد، اما افسسیان ۲:۱۱-۲۲ بیان می‌کند که بوسیله صلیب مسیح همه چیز عوض شده است. او دیوار جدایی بین یهود و غیر یهود را از میان برداشت و همه آنها را «هموطن و اهل خانه خدا» گردانید.

رابطه داشتن با مسیح هرگونه تفاوت اجتماعی را از بین می‌برد و همه ایمانداران را متحد کرده، جزو خانواده الهی می‌گرداند.

اگر چه ایمانداران دارای زمینه اجتماعی متفاوتی هستند، اما به عنوان اعضای یک بدن باید در روح و فکر متحد باشند (فیلیپیان ۲:۲). باید نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوز باشند. مسیح این حکم تازه را به ایمانداران داد که «به شما حکمی تازه می‌دهم که یکدیگر را محبت نمائید. چنانکه من شما را محبت نمودم تا شما نیز یکدیگر را محبت نمائید. به همین همه خواهند فهمید که شاگرد من هستید اگر محبت یکدیگر را داشته باشید» (یوحنا ۱۳:۳۴-۳۵).

بنابراین می‌بینیم که صفت مشخصه روابط ایمانداران با یکدیگر محبت است. این اصل آنقدر مهم است که می‌توان از آن به عنوان معیاری برای سنجش رابطه شخص با خدا استفاده نمود: «کسی که می‌گوید که در نور است و از برادر خود نفرت دارد تا حال در تاریکی است» (اول یوحنا ۲:۹). یوحنا سپس اینطور ادامه می‌دهد:

«...اگر کسی گوید که خدا را محبت می‌نمایم و از برادر خود نفرت کند، دروغگو است. زیرا کسی که برادری را که دیده است محبت ننماید، چگونه ممکن است خدایی را که ندیده است محبت نماید؟ و این حکم را از وی یافته‌ایم که هر که خدا را محبت می‌نماید، برادر خود را نیز محبت بنماید» (اول یوحنا ۴:۱۹-۲۱).

به همین دلیل بود که پولس رسول حسادت و اختلافی را که بین ایمانداران قرن‌س بوجود آمده بود نکوهش می‌کند. در نتیجه این اختلاف و جدایی بود که بعضی می‌گفتند «من پیرو پولس هستم» یا «من پیرو اپلس هستم» (اول قرنتیان ۴:۳). این رفتار یک مسیحی نیست بلکه یک اخلاق غیر روحانی بین اشخاص غیر روحانی. چنین مواردی کمک می‌کند تا بفهمیم اگر با یکدیگر در هماهنگی و اتحاد نیستیم، با خدا نیز در هماهنگی نخواهیم بود.

۸- (بهترین پاسخ را انتخاب کنید.) می‌توان ماهیت کلیسا را به عنوان یک اجتماع روحانی چنین تعریف نمود:

- (a) گروهی از مردم که سعی می‌کنند با یکدیگر اتحاد داشته باشند.
 - (b) همه ایمانداران در اتحاد و یگانگی با مسیح
 - (c) حقیقتی خارج از تجربیات روزانه زندگی مسیحی
- ۹- می‌توان ماهیت کلیسا را به عنوان آشکار کننده رابطه ایمانداران با مسیح چنین تعریف کرد:

- (a) یک تعهد روحانی برای محبت کردن خدا
- (b) مکانی که مردم بر اساس سطح اجتماعی‌شان در گروه‌های مختلف، به منظور پرستش و عبادت خدا جمع می‌شوند.
- (c) اجتماع محلی ایمانداران که روابط و اتحاد آنها بر اساس محبت است.

بنابراین می‌بینیم که کلیسا دارای یک ماهیت روحانی است. اما کلیسا همچنین یک اجتماع واقعی است که در آن ایمانداران رابطه خود را با مسیح و با یکدیگر نشان می‌دهند. کلیسا همچنین اجتماعی از ایمانداران است که می‌توانیم محبت واقعی را در آن ببینیم. محبت مهم‌ترین خصوصیت و مشخصه رابطه روحانی است و همین محبت باید در کلیسای محلی نیز دیده شود:

«و کسی که محبت نمی‌نماید، خدا را نمی‌شناسد زیرا خدا محبت است. و محبت خدا به ما ظاهر شده است به اینکه خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاده است تا به وی زیست نمائیم. و محبت خدا در همین است، نه آنکه ما خدا را محبت نمودیم بلکه اینکه او ما را محبت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود. ای حبیبان، اگر خدا با ما چنین محبت نمود ما نیز می‌باید یکدیگر را محبت نمائیم» (اول یوحنا ۴:۸-۱۱).

۱۰- با توجه به مطالب ذکر شده، دو خصوصیتی را نام ببرید که نشان‌دهنده ماهیت کلیسا باشد.

مأموریت کلیسا

کلیسا چه کاری انجام می‌دهد؟ هدف خدا از بوجود آوردن کلیسا چیست؟ از نامه پولس رسول به ایمانداران فیلیپی چنین می‌فهمیم که هدف خدا در بوجود آوردن کلیسا، جلال دادن نام خودش است. هدف کلی خدا در نجات ما نیز این است که «جلال او ستوده شود» (افسیسیان ۱: ۶، ۱۲، ۱۴).

کلیسا به سه طریق می‌تواند باعث جلال خدا بشود:

۱- پرستش خدا

۲- بنای یکدیگر

۳- رسانیدن پیام انجیل به بی‌ایمانان

پرستش خدا

پرستش، عملی است که به آن وسیله نشان می‌دهیم که فقط خدا شایسته عبادت و جلال است. در عبادت جمعی، ایمانداران خدا را به دلیل عطایایی که در فرزندش عیسی مسیح و از طریق او به قوم خود بخشیده، مورد پرستش و احترام قرار می‌دهند. در پرستش، مرکز توجه و عبادت خدا است نه انسان. ما خدا را برای وجود عزیزش (صفات و خصوصیات او) و کارهایی که انجام می‌دهد می‌پرستیم.

در درس‌های ۱ الی ۳ همین کتاب، دلایل بسیاری را مطالعه کردیم که چرا خدا شایسته پرستش است. مزمو ۱۰۷: ۱-۳ به ما می‌گوید: «خداوند را حمد بگوئید زیرا که او نیکو است و رحمت او باقی است تا ابدالآباد. فدیة شدگان خداوند این را بگویند که ایشان را از دست دشمن فدیة داده است. و ایشان را از بلدان جمع کرده، از مشرق و مغرب و از شمال و جنوب.»

مسیح نیز بیان کرد که خدا در جستجوی افرادی است که او را «در روح و راستی» می‌پرستند (یوحنا ۴: ۲۳). منظور این است که پرستش ما باید بی‌ریا و بر

اساس رابطه شخصی با مسیح باشد. این روح ما است که با روح مسیح در مشارکت است. خدا از طریق مهیا کردن نجات، هر چیزی را که مانع مشارکت ما با او می‌شود برای همیشه از میان برداشته است (به عبرانیان ۱۶:۴؛ ۱۹:۱۰-۲۲ رجوع کنید). پرستش حقیقی مسیحی، نه بر اساس و پایه کاری است که ما برای خدا انجام می‌دهیم، بلکه درک و پذیرش ما از کاری است که خدا از طریق مرگ و قیام مسیح برای ما انجام داده است

پرستش ما شبیه بت پرستان نیست که خداهای ساخته شده از چوب و سنگ را می‌پرستند. هدف پرستش آنها فرونشاندن خشم خدایان و یا بدست آوردن منفعتی از آنها است. اما وقتی قوم خدا او را پرستش می‌کنند، می‌دانند که خدا رحمت و بخشایش را به رایگان برای آنها فراهم کرده است (مزمور ۱۱۸:۱). عبادت، بیان تشکر و سپاسگزاری از خدا برای رحمت او است. عبادت همچنین شامل ستایش و پرستش است.

اگر چه اغلب موارد به صورت انفرادی خدا را عبادت می‌کنیم، اما بسیار مهم است که ارزش عبادت دسته‌جمعی را نیز تشخیص دهیم. هنگامی که خانواده الهی به حضور خدا می‌آیند تا او را جلال دهند، هر کدام از ایمانداران می‌تواند یگانگی قوم خدا را تشخیص دهد. در پرستش و عبادت دسته‌جمعی پویایی و قدرتی وجود دارد که شخص نمی‌تواند آن را به تنهایی تجربه نماید. منظور این است که در پرستش دسته‌جمعی قدرت روحانی‌ای وجود دارد که باعث تقویت و برکت هر کدام از پرستندگان می‌شود. پرستش انفرادی من تقویت می‌شود زمانی که با دیگران خدا را عبادت می‌کنم. به همین علت است که کتاب مقدس ما را تشویق می‌کند که «ملاحظه یکدیگر را بنمائیم تا به محبت و اعمال نیکو ترغیب نمائیم. و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی را عادت است، بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیادتر به اندازه‌ای که می‌بینید که آن روز نزدیک می‌شود» (عبرانیان ۱۰:۲۴ و ۲۵).

در عبادت دسته‌جمعی، کلیسا تحت هدایت روح القدس و بر اساس کلام خدا به روش‌های مختلف از قبیل دعا، سرود و بیان کلام خدا، باعث جلال یافتن خدا می‌شود.

توجه به این نکته مهم است که فقط شرکت کردن در عبادت به معنی پرستش واقعی نیست. امکان دارد از موزیک زیبا، توانایی واعظ و یا از بودن با یکدیگر لذت ببریم اما واقعاً خدا را پرستش نکنیم. توجه داشته باشید که هدف اصلی هر گونه پرستش واقعی جلال دادن خدا است. او باید مرکز و محور اصلی عبادت ما باشد. در کتاب مقدس به عبادت دسته‌جمعی بارها اشاره شده است. به مثال‌های زیر توجه کنید.

«و عزرا، یهوه خدای عظیم را متبارک خواند و تمامی قوم دست‌های خود را برافراشته، در جواب گفتند: آمین، آمین! و رکوع نموده، و رو بر زمین نهاده، خداوند را سجده نمودند» (نحمیا ۸: ۶)
 «و تمامی جماعت سجده کردند و مغنیان سرآیدند و کرنا نوازان نواختند و همه این کارها می‌شد تا قربانی سوختنی تمام گردید» (دوم تواریخ ۲۹: ۲۸).

«هر روزه در هیکل به یک دل پیوسته می‌بودند و در خانه‌ها نان را پاره می‌کردند و خوراک را به خوشی و ساده‌دلی می‌خوردند و خدا را حمد می‌گفتند و.....» (اعمال ۲: ۴۶ و ۴۷).
 «و هر مخلوقی را که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریاست و آنچه در آنها است، شنیدم که می‌گویند: تخت‌نشین و بره را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابدالابد» (مکاشفه ۵: ۱۳).

علاوه بر پرستش، دعا و ستایش خدا، کلیسا همچنین بوسیله نگاه داشتن دو آئینی که مسیح حکم فرمود خدا را می‌پرستد: تعمید آب و شام خداوند. در تعمید آب، اشخاصی که تازه ایمان آورده‌اند در نام پدر، پسر و روح‌القدس به عنوان علامتی از تغییر درونی خود تعمید می‌گیرند. شام خداوند نیز باید نگاه داشته شود. مسیح فرمود: «... به یادگاری من بکنید زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمائید تا هنگامی که باز آید.» اطاعت در نگاه داشتن

این دو آئین، در واقع یک عبادت دسته‌جمعی است (به متی ۱۹:۲۸؛ اول قرنتیان ۱۱:۲۳-۲۶ رجوع کنید).

۱۱- کدامیک از عبارت‌های زیر درباره عبادت دسته‌جمعی صحیح است؟

- (a) هدف پرستش دسته‌جمعی فرو نشانیدن خشم خدا و راضی نمودن او است.
(b) لازمه پرستش در روح و راستی، داشتن صمیمیت و رابطه شخصی با مسیح است.
(c) پرستش دسته‌جمعی باعث اتحاد و تقویت ایمانداران می‌گردد.
(d) خدا محور و مرکز پرستش روحانی است.
(e) کلام خدا علاوه بر اینکه درباره پرستش دسته‌جمعی به ما دستور می‌دهد، بلکه شامل نمونه‌هایی نیز است.
- ۱۲- سه کلمه نام ببرید که بیان‌کننده آن چیزی باشد که ما در عبادت به خدا ابراز می‌نمائیم.

کلیسا، خود را بنا می‌کند

زمانی که شواهد و دلایل کتاب مقدسی را درباره عملکردهای کلیسا مورد بررسی قرار می‌دهیم، یک حقیقت برای ما آشکار می‌شود: خدا اصرار دارد در جامعه ایمانداران با آنها کار کند. زمانی که کلیسا را با مفهوم بدن مقایسه می‌کنیم، بهتر می‌توانیم عملکرد این جامعه را درک کنیم. کتاب مقدس برای توضیح عملکرد کلیسا، آن را به یک بدن (بدن روحانی) تشبیه می‌کند (به رومیان ۱۲:۴-۸؛ اول قرنتیان ۱۲:۴-۳۱ و افسسیان ۴:۷-۱۶ رجوع کنید). وجود هر عضو و همکاری آن برای سلامتی و درستی عملکرد بدن مهم است.

بدن انسان یک ارگانیسم بسیار پیچیده است و شامل اعضای بسیار می‌گردد که هر کدام از آنها عملکردی متفاوت دارد. بدن مسیح نیز دارای اعضای بسیار است. هر عضو دارای یک یا تعدادی از عطایا یا توانایی‌هایی است که او را قادر می‌سازد با کل

بدن شراکت و همکاری داشته باشد. این عطایا چه چیزهایی هستند؟ این لیست نشان‌دهنده عطایای مختلفی است که اعضای بدن مسیح می‌توانند از آنها برخوردار گردند.

- ۱- رومیان ۱۲:۴-۸: نبوت، خدمت کردن به دیگران، تعلیم، موعظه، کمک به نیاز دیگران، مدیریت و تسلی دادن افسردگان (از ترجمه تفسیری).
- ۲- اول قرن‌تین ۱۲:۸-۱۰: حکمت، کلام علم، ایمان، نعمت‌های شفا، قوت معجزات، نبوت، تمیز ارواح، اقسام زبان‌ها و ترجمه زبان‌ها

تأکید بر این نکته مهم است که عطایا به جامعه ایمانداران یعنی کلیسا داده می‌شود: «... ایمانداران مجهز شوند تا بتوانند او را بهتر خدمت کنند و باعث پیشرفت کلیسا یعنی بدن او گردند و کلیسا به رشد و کمال لازم برسد» (افسیسیان ۱۲:۴ - ترجمه تفسیری). این بدین معنا است که ایمانداران در ارتباط با یکدیگر زندگی می‌کنند و به همدیگر وابسته هستند. هر عضو بدن مسیح دارای خدمت، استعداد و یا وظیفه ویژه‌ای است که باید آن را انجام دهد، و هر کدام محتاج همکاری سایر اعضا است. خدا همچنین رسولان، انبیا، مبشرین، شبانان و معلمان را به کل اعضای بدن می‌بخشد (افسیسیان ۱۱:۴).

توجه به این نکته نیز مهم است که بدن مسیح در واقع یک ارگانیسم روحانی است که با مسیح در اتحاد است. به این معنا که این بدن چیزی بیشتر از صرفاً اجتماعی از افراد است. اشخاصی که به مسیح ایمان می‌آورند، با یکدیگر در بدن او متصل می‌شوند چون همگی با سر در ارتباط هستند. اتحاد و یگانگی، که همیشه باید آن را به یاد داشته باشیم، فقط از طریق مسیح بدست می‌آید. از آنجا که اعضا متعلق به مسیح هستند و با او ارتباط دارند، با یکدیگر نیز مرتبط هستند. بدن به حیات خود ادامه می‌دهد تا به سر یعنی عیسی مسیح خدمت کند. در بدن انسانی وقتی مغز از کار می‌افتد، بدن نیز می‌میرد. اگر مسیح، جای خود را به عنوان سر، نداشته باشد، بدن نیز نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. مسیح به کلیسای ساردس می‌گوید: «اعمال ترا

می‌دانم که نام داری که زنده‌ای ولی مرده هستی» (مکاشفه ۱:۳). کلیسا باید ارتباط خود را با سر یعنی عیسی مسیح از طریق پرستش حفظ کند. آن وقت می‌تواند باعث بنای خود شود. بنا کردن به معنی «ساختن، تربیت کردن یا پیشرفت روحانی» است. خدا برای ایجاد هماهنگی در این ارگانیزم روحانی، کلیسا را فراهم کرده است. به همان صورتی که قسمت‌های مختلف بدن، نیازهای اعضای دیگر را برآورده می‌سازند، بدن روحانی مسیح نیز نیازهای هر کدام از ایمانداران را برطرف می‌کند. اگر یک عضو دردمند گردد سایر اعضا با آن همدرد هستند و اگر عضوی عزت یابد بقیه اعضا با او شادی می‌کنند (اول قرن‌تین ۱۲:۲۴-۲۶). علت این است که، «تحت هدایت مسیح است که تمام اعضای این بدن در جای خود قرار می‌گیرند. هر اندام با روش خاص خود، به اندام‌های دیگر کمک می‌کند به‌طوری که تمام بدن در تندرستی کامل و با محبت رشد می‌نماید (افسسیان ۴:۱۶ - ترجمه تفسیری). در فرایند رشد و بنای بدن گاهی لازم است کلیسا خود را تقدیس نماید. لازمه این امر گاهی تنبیه و تأدیب عضوی است که مرتکب گناه شده است. مسیح درباره این موضوع سخن گفت (متی ۱۵:۱۸-۲۰) و دستوراتی بیان نمود که چگونه با این افراد با محبت برخورد کنیم. اما اگر آنها اطاعت نکردند و از عمل خود توبه ننمودند، آنگاه باید آنها را از اجتماع ایمانداران اخراج کرد (برای مثال به اول قرن‌تین ۵:۹-۱۳ نگاه کنید).

در فرایند ارتباط ایماندار با سایر اعضای بدن مسیح است که روح‌القدس ثمره خود را در زندگی آن ایماندار تولید می‌کند. ثمره روح که در غلاطیان ۵:۲۲ و ۲۳ بیان شده است، در واقع اشاره به خصوصیات و صفات مسیح می‌کند که در ارتباط ما با سایر ایمانداران رشد می‌کند. این خصوصیات عبارتند از: محبت، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکوکاری، وفاداری، فروتنی و خوشتنداری.

۱۳- جملات زیر را کامل کنید.

- (a) کلیسا خود را بنا می‌کند. بنا کردن به معنی است.
 (b) ارتباط بین عطایای روح القدس و کلیسا این است که
 (c) ارتباط بین ثمره روح و کلیسا این است که.....

مسیحیت یک زندگی منزوی و بدون داشتن ارتباط با دیگران نیست. مطالعه کتاب اعمال رسولان نشان می‌دهد که کلیسا دائماً مشغول پرستش و عبادت، شراکت متحد ایمانداران به منظور جلال دادن خدا، رشد در محبت او و آوردن دیگران به ملکوت خدا است. کلیسا جایی است که ایمانداران به عنوان اعضای بدن مسیح با هم جمع می‌شوند تا رشد کنند و از نظر روحانی بالغ شوند. زمانی که این عمل انجام شود، آنوقت کلیسا آماده است تا عملکرد سوم خود را انجام دهد، یعنی رسانیدن پیام انجیل به بی‌ایمانان.

بشارت دادن به جهان

مسیح، ابتدا از اشخاص نیازمند دعوت کرد تا «بیایند» (متی ۲۸:۱۱). بعد از اینکه آنها بخشش و نجات او را تجربه کردند به آنها دستور داد که «بروید» (متی ۲۸:۱۹). همانطور که اجتماع ایمانداران بنا می‌شود و از نظر ایمانی رشد می‌کند، باید به فکر دنیای بی‌ایمان نیز باشد. خدا از ایمانداران برای نجات دیگران استفاده می‌کند! کلیسا باعث جلال خدا می‌شود زمانی که ایمانداران بشارت می‌دهند و پیام خوش انجیل را به دیگران می‌رسانند. معنی تحت‌اللفظی لغت «بشارت»، «اعلام کردن پیام خوش انجیل» است. مسئولیت و وظیفه کلیسا این است که طریق نجات الهی را به دیگران بشناساند.

ایمانداران دعوت شده‌اند از دنیای گناه‌آلود جدا شوند، به این معنا که دیگر تحت کنترل ارزش‌ها و معیارهای آن نباشند. اما از آنها دعوت شده است که پیام انجیل را به دنیای بی‌ایمان برسانند. مسیح نزد پدر چنین دعا کرد: «ایشان از جهان نیستند چنانکه

من از جهان نمی‌باشم.... همچنانکه مرا در جهان فرستادی، من نیز ایشان را در جهان فرستادم» (یوحنا ۱۶:۱۷ و ۱۸). ایمانداران باید خودشان را از روش‌های زندگی بی‌ایمانان دور نگاه دارند اما در همان حین باید برای تغییر آنها نیز سعی و تلاش کنند. مسیحیان باید بروند چون این مأموریت به آنها داده شده است.

عهد جدید به ما دیدگاهی درباره بشارت می‌دهد. در متی ۳۸:۱۳ مسیح آشکار می‌کند که مزرعه، این جهان است. او به شاگردانش این مأموریت را می‌دهد که «پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند» (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ مرقس ۱۶:۱۵). بنابراین، کلیسا متعهد و مسئول است که پیام انجیل را به همه انسان‌ها در همه جا برساند.

مسئولیت بشارت موضوعی نیست که به انتخاب ایمانداران وابسته باشد. مسیح فرمود زمانی که ایمانداران قدرت روح القدس را بیابند به شاهدانی مؤثر و مفید تبدیل خواهند شد «در اورشلیم، یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال ۸:۱). زمانی که مردم نجات پیدا می‌کنند و به بدن مسیح ملحق می‌شوند، خدا جلال پیدا می‌کند. به این روش است که مسیحیان واقعاً ثمر می‌آورند و این چیزی است که مسیح برای آنها در نظر داشت (یوحنا ۱۵:۱-۸).

۱۴- کتاب اعمال رسولان درباره مسئولیت ما در قبال اعلام پیام انجیل، بصیرتی به ما می‌دهد. آیات زیر را بخوانید و بیان کنید رسولان در هر مورد چه عکس‌العملی از خود نشان دادند.

(a) اعمال ۱۶:۴-۲۰.....

(b) اعمال ۳۱:۴.....

(c) اعمال ۴۰:۵-۴۲.....

امروزه جمعیت جهان حدود ۷ میلیارد است و برآورد شده که درصد بالایی از آنها شهادت مؤثری درباره انجیل عیسی مسیح نشنیده‌اند. صاحب حصاد از ما دعوت

می‌کند که به این افراد خبر خوش نجات را برسانیم. او روح خود را بر خادمانش در این جهان می‌ریزد تا آنها را تشویق کند که خود را وقف خدمت بشارت نمایند. او نه تنها کلیسا را بوسیله قدرت روح‌القدس تجهیز می‌کند، بلکه وسایل مؤثری برای انجام این مأموریت در اختیار کلیسا قرار داده است: رادیو، تلویزیون، ادبیات مسیحی و همایش‌های بشارتی (در بعضی از کشورها). با استفاده از این وسایل پیام انجیل نسبت به زمان‌های قبل خیلی بیشتر منتشر شده است. اگر چه مهم‌ترین وسیله بشارت به مردم جهان شهادت مؤثر و زندگی مسیح‌گونه ایمانداران در محیط زندگی‌شان است.

بنابراین، هدف ما باید این باشد که هر شخص پس از ایمان آوردن به مسیح و بیرون آمدن از دنیای گناهکار، دوباره به عنوان سفیر و ایلچی مسیح به دنیا باز گردد. هدف خدا این است که نوایمانان با یک زندگی جدید به عنوان نماینده خدا به جهان باز گردند و خبر خوش نجات را به گوش همه برسانند. به این طریق، کلیسا می‌تواند مأموریت خود را مطیعانه و مؤثر به انجام رساند و باعث جلال یافتن نام خدا گردد.

۱۵- به سؤالات زیر به‌طور خلاصه پاسخ دهید.

- (a) دعوت مسیح از شخص گناهکار چیست (فقط یک کلمه)؟
- (b) دستور و حکم مسیح به ایمانداران چیست (فقط یک کلمه)؟
- (c) مهم‌ترین چیزی که مسیح به کلیسا می‌بخشد تا مأموریت خود را انجام دهد چیست؟
- (d) خدا از چه کسانی برای نجات گناهکاران استفاده می‌کند؟
- (e) مسیح فرمود که ایمانداران از این جهان نیستند. او از بیان این جمله چه هدف و منظوری داشت؟
- (f) هدف مسیح چه بود وقتی گفت: «ایشان را در جهان فرستادم»؟
- (g) نمونه‌هایی که از رسولان در کتاب اعمال وجود دارد به ما تعلیم می‌دهد که کلیسا در ارتباط با مأموریت خود، چه روشی باید داشته باشد؟

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی - مناسب‌ترین پاسخ را انتخاب کنید.

۱- کاربرد کتاب مقدسی. لغت «کلیسا» اشاره دارد به

- (a) گروهی از مردم که دارای اعتقادات مشابهی هستند.
- (b) اجتماعی از مردم که به دعوت خدا پاسخ مثبت داده‌اند.
- (c) مکانی که مردم برای عبادت خدا در آنجا جمع می‌شوند.
- (d) گروهی از مردم که دارای دیدگاه‌های تعلیمی مشترک هستند.

۲- زمانی که کتاب مقدس، کلیسا را به بدنی با اعضای بسیار تشبیه می‌کند به این حقیقت اشاره دارد که:

- (a) اشخاصی که در نام خدا با یکدیگر جمع می‌شوند، کلیسا را تشکیل می‌دهند.
- (b) هر شخص در ارتباط با مسیح، برای خود کلیسایی تشکیل می‌دهد.
- (c) کلیسا شامل افراد بسیاری می‌شود که چون با مسیح یک رابطه شخصی دارند، با یکدیگر نیز در ارتباط و مشارکت هستند.
- (d) تمام گروه‌ها شبیه یکدیگر تشکیل می‌شوند.

۳- کلیسای محلی به اشاره می‌کند.

- (a) تمام بدن مسیح
- (b) ایمانداران یک منطقه که به مسیح ایمان دارند و برای عبادت و پرستش با یکدیگر جمع می‌شوند.
- (c) تمام افرادی که به یک مذهب اعتقاد دارند.
- (d) کلیسای جهانی.

۴- مفهوم لغت «اجتماع» عبارت است از:

- (a) حکومت
- (b) کلیسای جهانی

(c) افرادی که در انجام دادن کارها نظریات مختلفی دارند.

(d) اشخاصی که با یکدیگر همکاری و مشارکت دارند.

۵- کتاب مقدس شواهدی را بیان می کند که نشان می دهد کلیسا تأسیس

شد:

(a) در طی دوران خدمت مسیح بر روی زمین

(b) در هنگام صعود مسیح

(c) در روز پنطیکاست

(d) بعد از توبه پولس

۶- ماهیت روحانی کلیسا بوسیله قابل مشاهده است.

(a) محبت و اتحاد ایمانداران با یکدیگر

(b) ساکن بودن مسیح در قلب ایمانداران

(c) عطایای روح القدس

(d) پرستش، دعا و موعظه

۷- بهترین دلیل محبت یک شخص نسبت به خدا چیست؟

(a) محبت او نسبت به دیگران

(b) طول زمانی که به دعا و پرستش می پردازد

(c) عضو شدن در یک کلیسای محلی

(d) بشارت دادن به بی ایمانان

۸- بر اساس تعلیم کتاب مقدس عطایای روح القدس به داده

می شود.

(a) هر ایمانداری که می خواهد یک خدمت شخصی داشته باشد

(b) کلیسا برای بنای خودش و ایمانداران و برای خدمت به یکدیگر

(c) منظور کمک به کلیسا در بشارت دادن به دنیای بی ایمان

(d) منظور بوجود آوردن خصوصیات و صفات مسیح در ایمانداران

۹- از تشبیه کلیسا به بدن مسیح، می فهمیم که عامل بوجود آورنده خصوصیات کلیسا است.

(a) اعضای آن

(b) عملکردهای آن

(c) سر آن

(d) مشارکت و همکاری اعضای آن

۱۰- پاسخ کوتاه. هدف کلیسا را در ارتباط با موارد زیر بیان کنید.

(a) در ارتباط با خدا

(b) در ارتباط با خودش

(c) در ارتباط با دنیای بی ایمان.....

پاسخ صحیح تمرین‌ها

b (۸)

(۱) پاسخ انتخابی شما

c (۹)

e - c - b (۲)

(۱۰) رابطه صمیمی و با محبتی که بین ایمانداران و مسیح وجود دارد. رابطه صمیمی و با محبتی که بین ایمانداران با یکدیگر وجود دارد.

b (۳)

(۱۱) همه موارد به غیر از «a» صحیح هستند.

(۴) همانطور که مسیح وعده داده بود شاگردان از روح القدس پر شدند و تقریباً سه هزار نفر پیام انجیل را پذیرفتند و به ایمانداران ملحق گردیدند.

(۱۲) هر کدام از این موارد: جلال، احترام، حرمت، پرستش، ستایش، اطاعت

(۵) پاسخ خود را با لیستی که در این قسمت از درس داده‌ایم مقایسه کنید. سپس آن را با عملکردهای کلیسای محلی‌تان مقایسه کنید.

(۱۳) پاسخ شما باید به صورت زیر باشد:

(a) ساختن، تربیت کردن، توسعه دادن، تقویت نمودن، تنبیه و تأدیب کردن

(b) عطایا به کلیسا داده می‌شود، یا برای منفعت تمام کلیسا است و در پرستش و عبادت دسته‌جمعی است که عطایا ظاهر می‌شود.

(c) روح القدس از طریق رابطه ما با دیگران، ثمره خود را در ما ایجاد می‌کند.

ثمره روح نمی‌تواند جدا از روابط ما توسعه پیدا کند.

۱ (a) (۶)

۲ (b)

۲ (c)

۳ (d)

۳ (e)

۱ (f)

(۱۴) a) آنها نمی توانستند آنچه دیده و شنیده اند، بیان نکنند.

b) آنها با دلیری کلام خدا را بیان می کردند.

c) آنها هرگز از تعلیم دادن و بیان این خبر خوش که عیسی، همان مسیح موعود است، دست نکشیدند.

(۷) a - d - e - g - h صحیح هستند.

(۱۵) a) بیائید

b) بروید

c) روح القدس

d) ایمانداران (کلیسا)

e) منظور مسیح این بود که ایمانداران می بایست خود را از روش های گناه آلود زندگی این جهان، دور نگاه دارند و اجازه ندهند که این روش ها در زندگی آنها حاکم گردد.

f) هدف مسیح مأموریتی بود که ایمانداران برای بشارت به جهان دارند تا باعث نجات مردم شوند.

g) کلیسا باید هر کاری که می تواند انجام دهد تا خبر خوش انجیل را به همه اعلام نماید.

وقایع آینده: مکاشفه، پاداش و آرامش

کتاب مقدس مطالب بسیاری درباره عملی شدن نقشه خدا برای قوم خدا بیان می‌کند. در اولین پیغام بعد از پنطیکاست، پطرس اعلان می‌کند که در آینده، خدا همه چیز را به حالت اول خود باز می‌گرداند (اعمال ۳: ۲۱). پولس رسول مدتی بعد با بیانی بسیار شیوا و زنده درباره ماهیت وقایعی که برای مسیحیان پیش خواهد آمد سخن می‌گوید (رومیان ۸: ۱۸-۲۵). پولس می‌گوید که حتی خلقت نیز منتظر آشکار شدن و کامل شدن نقشه رهایی خدا است.

از زمان سقوط آدم، طبیعت نیز تحت تأثیر لعنت گناه قرار گرفت. انسان نیز به دلیل زندگی کردن در این دنیای شریر، بی‌برکت و زیر لعنت گناه در آه و ناله است. بدن او به دلیل وجود فساد و بیماری متحمل رنج می‌گردد. گوش‌های او منتظر شنیدن این جملات مبارک از خالق خویش است که «و دیگر هیچ لعنت نخواهد بود» (مکاشفه ۳: ۲۲). زمان آن می‌رسد که خدا منشأ همه این مشکلات را نابود سازد. شرارت، از جمله شیطان داوری خواهد شد، و مسیح خواهد آمد تا عادلان را با خود برای همیشه به آسمان ببرد. این امید مبارک تمام ایمانداران است.

در این درس درباره انجام شدن نبوت‌های کلام خدا و عملی شدن نقشه او مطالعه خواهیم کرد. در حین مطالعه این موضوعات مهم، دعای ما این است که شناخت و درک این امید مبارک باعث شود شما خود را دقیق‌تر بسنجید و از هر چیزی که مانع می‌شود تا برای بازگشت خداوند آماده باشید، خود را پاک بسازید.



فهرست مطالب

امید مبارک
مصیبت عظیم
ظهور عیسی مسیح
سلطنت هزارساله
داوری بر شیطان و شرارت
خلقت جدید

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس قادر خواهید بود که:
- درباره ترتیب وقایع آخر زمان و اهمیت هر واقعه توضیح دهید.
 - در مورد هدف و مراحل مصیبت عظیم توضیح دهید.
 - درباره شواهد و اهداف دوره هزارساله توضیح دهید.

- اهمیت بازگشت ثانوی خداوندمان عیسی مسیح را برای ایمانداران و برای بی‌ایمانان درک کنید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- به عنوان پیش زمینه درس، متی باب ۲۴، مرقس باب ۱۳، لوقا باب ۲۱، اول قرنتیان باب ۱۵، اول تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۷، دوم تسالونیکیان ۲:۱-۱۲ و مکاشفه باب ۱۹ را مطالعه کنید.

۲- تمام آیات ذکر شده در درس را مطالعه کنید و به خودآزمایی درس پاسخ دهید.
۳- درس‌های ۸ الی ۱۰ را مرور نموده، به آزمون میانی شماره ۳ پاسخ دهید و جواب‌های خود را مقایسه کنید.

متن درس

امید مبارک

پولس رسول در رساله خود به تیتس، بیان می‌کند که پیام خوش رحمت و فیض خدا برای همه انسان‌ها است. پیام انجیل آنها را با یک انتخاب اخلاقی روبرو می‌سازد: «زیرا که فیض خدا که برای همه مردم نجات‌بخش است ظاهر شده، ما را تأدیب می‌کند که بی‌دینی و شهوات دنیوی را ترک کرده، با خرداندیشی و عدالت و دینداری در این جهان زیست کنیم. و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کشیم، که خود را در راه ما فدا ساخت تا ما را از هر ناراستی برهاند» (تیتس ۲:۱۱-۱۴). ظهور مسیح باعث نابود شدن تمامی قدرت‌هایی می‌شود که ضد خدا هستند. در مطالعه وقایع آخر زمان، ابتدا توجه خود را معطوف به امید مبارک ایمانداران می‌کنیم.

خداوند ما در ساعت‌های آخر زندگی خود، پایه و اساس امید ایمانداران را برای شاگردانش بیان کرد. او گفت که در حضور پدر من، جا برای همه وجود دارد و او می‌رود تا مکانی برای آنها (و همه اشخاصی که به او ایمان خواهند آورد) آماده کند. همچنین آنها را مطمئن ساخت که به همان صورتی که می‌رود روزی باز خواهد گشت تا آنها را با خود ببرد و آنها بعد از آن برای همیشه با او زیست خواهند کرد (یوحنا ۱۴:۱-۳).

این پیام مبارک بوسیله فرشتگانی که هنگام صعود مسیح حضور داشتند مورد تأکید قرار گرفت. فرشتگان گفتند: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید. همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید» (اعمال ۱:۱۱). پولس رسول بوسیله الهام الهی آشکار می‌کند که ایمانداران مشتاقانه منتظر «رهایی و خلاصی» بدن خود هستند (رومیان ۸:۲۳)، که در حضور خداوندمان عیسی مسیح متبدل خواهد شد (فیلیپیان ۳:۲۰-۲۱).

کلام خدا آشکار می‌کند که آمدن مسیح شامل دو مرحله می‌گردد: (۱) آمدن برای ایمانداران، و (۲) آمدن با ایمانداران. آمدن برای ایمانداران به «ربوده شدن» معروف است و آمدن با ایمانداران به «ظهور» اشاره می‌کند. در حین بررسی موضوعات مربوط به وقایع آخر زمان، درباره این دو واقعه مطالعه خواهیم کرد. ابتدا به مطالعه ربوده شدن و پاداش ایمانداران و سپس به رابطه آنها با سایر وقایع خواهیم پرداخت.

۱- (بهترین پاسخ را انتخاب کنید). منظور از امید مبارک

(a) ظهور مسیح است هنگامی که با خاصان خود بیاید.

(b) ربوده شدن ایمانداران است هنگامی که مسیح برای بردن آنها بیاید.

(c) تمام وقایع آخر زمان

ربوده شدن ایمانداران

خدا در تدبیر الهی خود چنین تعیین کرده است که پس از کامل شدن اعلام خبر خوش انجیل، نقشه و برنامه خود را به کمال خواهد رسانید.

۲- متی ۱۴:۲۴ را با متی ۳۶:۲۴ مقایسه کنید. بر اساس این آیات چه مطالبی می‌توانیم درباره بازگشت مسیح برای خاصان خود بفهمیم؟

در اول تسالونیکیان ۱۷:۴ می‌خوانیم که ایمانداران «ربوده می‌شوند» تا در هوا خداوند را ملاقات کنند و برای همیشه در مکانی که در یوحنا ۱۴:۱-۳ وعده داده شده است با مسیح ساکن شوند. در اول قرنتیان ۵۰:۱۵-۵۲ پولس بیان می‌کند که بدن‌های مادی و فانی ایمانداران در لحظه‌ای متبدل خواهد شد و برای سکونت در حضور خدا آماده می‌گردد. این وقایع به‌طور ناگهان روی خواهد داد. ایمانداران در هر مکانی که باشند ناگهان «ربوده خواهند شد». کتاب مقدس آمدن ناگهانی مسیح را به آمدن دزد در شب تشبیه می‌کند (اول تسالونیکیان ۵:۲).

پیغام واضح برای ایمانداران این است که آنها باید در زندگی روزانه خود هشیار و خویشتن‌دار باشند و بدانند که خدا آنانی را که هدیه نجات او را رد کرده‌اند، داوری خواهد نمود (اول تسالونیکیان ۵:۱-۱۱). بنابراین امید ایمانداران این است:

۱) رهایی از خشم و غضب خدا؛ ۲) افتخار و امتیاز دیدن خداوندشان و ۳) به شباهت مسیح در آمدن (اول یوحنا ۳:۲).

۳- اول تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۷ را مطالعه کنید و جملات زیر را تکمیل نمایید.

a) دو گروه از ایمانداران که ربوده می‌شوند و هستند.

b) امید مسیحیان برای بازگشت مسیح بر اساس است.

c) پولس رسول بیان می‌کند که غیر ایمانداران محزون خواهند بود چون هیچ به رستاخیز و زندگی جاودانی ندارند.

در رساله اول قرن‌تین ۵۰:۱۵-۵۴ پولس بیان می‌کند که زمان ربوده شدن تغییرات مشخصی روی خواهد داد. در آن هنگام بدن فانی ایماندارانی که زنده هستند در یک لحظه به بدن‌های «فناناپذیر» که هرگز از بین نخواهد رفت، تبدیل خواهد شد. ایماندارانی که مرده‌اند، ابتدا زنده خواهند شد و سپس از حالت «فساد و فناپذیری» به حالت «بی‌فسادی و فناناپذیری» متبدل خواهند شد. از آنجا که بدن‌های فانی ما که از خون و گوشت ساخته شده است نمی‌تواند وارد ملکوت خدا بشود، می‌بایست به بدن‌های جلال یافته تبدیل گردد. ما همه چیز را درباره این بدن‌های جلال یافته نمی‌دانیم، اما می‌دانیم که هرگز دوباره درد، بیماری یا مرگ را تجربه نخواهیم کرد و برای همیشه زنده خواهیم بود.

گرچه ربوده شدن ناگهان اتفاق می‌افتد و هیچ کس جز خدای پدر از زمان دقیق آن با خبر نیست اما نشانه‌هایی از زمان وقوع آن به ما داده شده است. مسیح فرمود در آن زمان علامت‌ها یا اتفاقاتی در آسمان روی خواهد داد که باعث بوجود آمدن اضطراب و آشفتگی در بین ملت‌ها خواهد شد. علاوه بر این قحطی‌ها، بیماری‌ها و جنگ‌ها به همراه این وقایع آسمانی، روی خواهد داد (لوقا ۲۱:۱۰ و ۲۵-۲۸). این وقایع به پایان رسیدن جهان را نشان می‌دهد. ایمانداران از روی این نشانه‌ها می‌فهمند که اتحاد آنها با مسیح نزدیک شده است، همچنین آنها می‌توانند به دوستان و آشنایانی که ایماندار بوده و قبلاً فوت کرده‌اند دوباره پیوندند.

۴- به‌طور خلاصه بیان کنید در زمان ربوده شدن چه اتفاقی برای بدن‌های ایماندارانی که زنده هستند و بدن‌های ایماندارانی که قبلاً فوت کرده‌اند روی خواهد داد.

پاداش ایمانداران

آیات بسیاری از کلام خدا اشاره می‌کنند که ایمانداران بر اساس رفتار و زندگی مسیحی خود، پاداش خواهند گرفت (به متی ۲۷:۱۶؛ دوم یوحنا آیه ۸ و مکاشفه ۱۲:۲۲ رجوع کنید). پولس به ایمانداران کلیسای قرنتس می‌گوید: «زیرا لازمست که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم» (دوم قرنتیان ۵:۱۰). لغتی که «مسند مسیح» ترجمه شده است، "Bema" است که به معنی «مکانی برای دریافت پاداش» است. یک نمونه بسیار مناسب، مکانی است که داوران مسابقات المپیک می‌ایستند و بر بازی‌ها نظارت می‌کنند تا بتوانند به قهرمانان پاداش دهند. هدف از حاضر شدن در حضور خدا این است که هر ایماندار در برابر خدا پاسخگوی اعمال خویش باشد (رومیان ۱۴:۱۰-۱۲).

داوری ما بوسیله خدا در واقع بازنگری خدمات مسیحی مان است. این بازنگری نه بر اساس کمیت بلکه کیفیت آنچه که برای خدا انجام داده‌ایم خواهد بود. انگیزه ما برای خدمت چه بوده است؟ آیا این خدمت بر اساس وقف و تسلیم به خدا بوده، یا هدف ما از خدمت صرفاً جلب توجه دیگران به استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌هایمان بوده است؟ کلام خدا آشکارا بیان می‌کند که کیفیت خدمت ما بازنگری خواهد شد و خدمتی پاداش خواهد داشت که از آزمایش و امتحان خدا سر بلند بیرون بیاید. خدمتی که انگیزه آن غرور و خودپرستی بوده است، پاداش نمی‌یابد (اول قرنتیان ۳:۱۱-۱۵).

اگر چه زمان انجام‌گیری این بازنگری مشخص نیست، اما تعدادی از دانشمندان کتاب مقدس معتقد هستند که این عمل بعد از ربوده شدن انجام می‌گیرد. ایماندارانی که وفادارانه خدا را خدمت کرده‌اند، در حضور او در عزت و احترام خواهند بود، در حالیکه در همان زمان اشخاصی که نجات او را رد کرده‌اند در روی زمین، اضطراب، مصیبت و دردهای عظیمی را متحمل خواهند شد.

- ۵- (بهترین پاسخ را انتخاب کنید.) کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد هر ایمانداری برای خدماتی که انجام داده به خدا حساب پس خواهد داد و هر کدام
 (a) همان پاداش را دریافت خواهد کرد، بدون در نظر گرفتن بزرگی و یا کوچکی خدمتی که انجام داده است.
 (b) بر اساس کمیت و انگیزه خدمتی که انجام داده است، پاداش خواهد گرفت.
 (c) بر اساس انگیزه خدمات خود پاداش خواهد گرفت.
 (d) یا پاداش خواهد گرفت و یا تنبیه خواهد شد.
 ۶- در دفتر خود درباره هر کدام از اصطلاحات زیر به‌طور خلاصه توضیح دهید.
 (a) بدن‌های جلال یافته ایمانداران
 (b) ظهور عیسی مسیح
 (c) ربوده شدن
 (d) امید مبارک
 (e) مسند داوری مسیح

مصیبت عظیم

وقایع زمان آخر که در متی باب ۲۴ و مرقس باب ۱۳ و لوقا باب ۲۱ ذکر شده، در واقع پاسخ مسیح به سؤالات شاگردان بود: (۱) چه زمانی ساختمان معبد خراب خواهد شد؟ و (۲) نشانه‌های بازگشت شما و به آخر رسیدن زمان چه خواهد بود؟ مسیح دو سؤال مهم شاگردان را یکجا پاسخ می‌دهد. در نتیجه تعیین این مطلب که کدام قسمت از پاسخ مسیح مربوط به خرابی معبد، پراکنده شدن یهودیان و وقایعی که می‌بایست به زودی اتفاق افتد، و کدام قسمت درباره بازگشت ثانوی مسیح و وقایع آخر زمان است، کار مشکلی است.

مطالعه نبوت‌های دانیال درباره وقایع آخر زمان به ما در درک پاسخ مسیح کمک زیادی می‌کند (متی ۱۵:۲۴). در ارتباط با این موضوع، مطالعه تاریخ قوم یهود و

ارتباط آنها با این وقایع، مطالب مفیدی را در اختیار ما قرار می‌دهد. خدا در کتاب مقدس فهرستی از وقایعی که در ارتباط با قوم یهود و اورشلیم روی خواهد داد برای ما بیان می‌کند (دانیال ۹: ۲۴-۲۷). این فهرست بر اساس چارچوب زمانی است که هم وقایع گذشته قوم یهود و هم وقایع آینده این قوم را شامل می‌شود. برای آمادگی بیشتر در بررسی این وقایع باب نهم کتاب دانیال را مطالعه کنید.

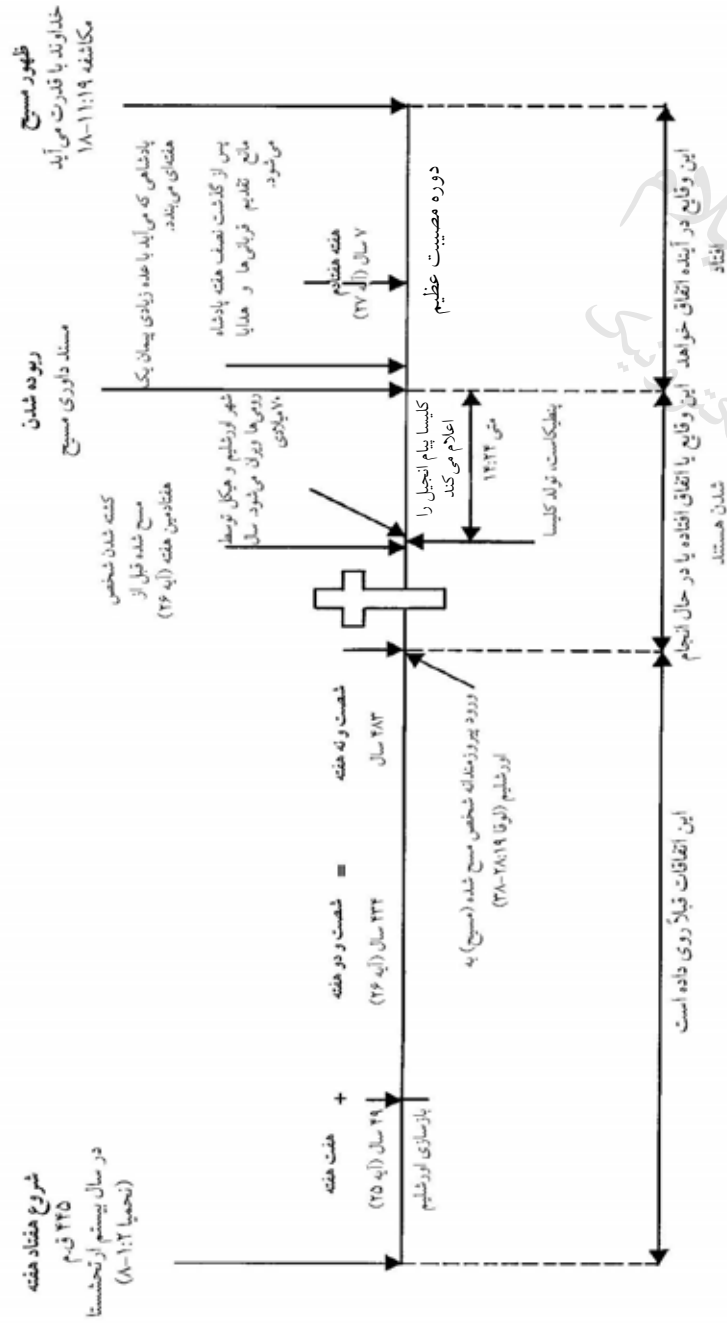
نگاهی به قوم یهود در تاریخ کتاب مقدس و نبوت‌ها

رؤیای دانیال نبی

کلام خدا بیان می‌کند چون قوم یهود در نگاه داشتن سبت زمین (سال هفتم) قصور و کوتاهی کردند، به همین دلیل برای مدت هفتاد سال در سرزمین دشمنان خود باقی خواهند ماند (جهت توضیح در مورد سبت زمین و نتایج نگاه نداشتن آن لطفاً لاویان ۲۵: ۷-۲۶: ۱۴ و ۳۱-۳۵ را با دوم تواریخ ۳۶: ۲۱ مقایسه کنید). این قسمت‌ها نشان می‌دهند که قوم ۴۹۰ سال در نگاه داشتن سبت زمین قصور کرده بودند. کلید درک این نبوت کوتاه ولی بسیار مهم باب نهم کتاب دانیال، در دوره زمانی است که تحت عنوان هفتاد «هفته» در آیات ۲۴ تا ۲۷ به آن اشاره شده است. قوم اسرائیل با «هفته‌ها» یا «هفت در هفت سال» آشنا بودند. چون هر هفت سال یکبار سال سبت یا سال استراحت زمین بود (لاویان ۲۵: ۳-۴). سال یوبیل که در واقع یک نوع تعدیل اجتماعی و اقتصادی بود و هر ۵۰ سال یکبار نگاه داشته می‌شد، شامل هفت «هفته» بود (به لاویان ۲۵: ۸-۹ رجوع کنید). در طول سال یوبیل تمام قرض‌ها بخشیده، تمام غلام‌ها آزاد، و زمین‌ها به مالکان اصلی برگردانده می‌شد.

هفتاد هفته در دیدگاه نبوتی

هفتاد هفته برای قوم تو (یهودیان) و برای شهر مقدست مقرر می‌باشد. دانیال ۹: ۲۴-۲۹



چقدر عجیب بود زمانی که ۷۰ سال اسارت قوم تقریباً رو به پایان بود، فرشته‌ای باید فرستاده می‌شد تا بوسیله دانیال شروع دوره جدیدی از عملکرد خدا با قوم یهود را آشکار کند. همانطور که در نبوت دانیال خواهید دید، این دوره از همان عدد سال‌هایی پیروی می‌کند که قوم از نگه داشتن سال سبت کوتاهی کرده بودند؛ یعنی ۴۹۰ سال (که همان هفتاد تا هفت سال است). اکنون به‌طور خلاصه به بررسی وقایعی می‌پردازیم که در رؤیای دانیال ذکر شده است و سپس به تفسیر این رؤیا نگاهی خواهیم داشت.

۱- نبوت درباره قوم دانیال (یهودی‌ها) و شهر مقدس (اورشلیم) است (آیه ۲۴).
۲- این نبوت شامل یک دوره زمانی هفتاد هفته یا هفتاد تا هفت سال است که بیان‌کننده یک دوره زمانی ۴۹۰ سال است.

۳- اعمالی که در طی این دوره زمانی به‌طور کامل به انجام خواهد رسید عبارتند از:
الف) پایان یافتن شرارت و خطاها

ب) پایان یافتن گناه

ج) کفاره برای گناهان

د) تقدیس مکان مقدس (قدس‌الاقداس)

ه) برقراری عدالت جاودانی (آیه ۲۴)

۴- این دوره زمانی شامل هفت هفته (۴۹ سال) به علاوه شصت و دو هفته (۴۳۴ سال) است که جمعاً شصت و نه هفته (۴۸۳ سال - به آیه ۲۵ نگاه کنید) می‌گردد.

۵- این دوره زمانی با یک زمان خیلی مشخص شروع می‌شود: اعلام فرمان بازسازی شهر اورشلیم.

۶- قسمت اول دوره زمانی با یک واقعه ویژه پایان می‌یابد: آمدن شخص مسح شده (مسیح) و پس از آن مرگ او (آیات ۲۵ و ۲۶)

۷- آمدن دو رئیس و رهبر: شخص مسح شده (مسیح) و رئیس دیگری که خواهد آمد (ضد مسیح) که قوم او شهر و خانه خدا را خراب خواهند کرد (آیات ۲۵ و ۲۶).

۸- آخرین هفته درباره عهد و پیمانی است که ضد مسیح برای تمام مدت هفته (هفت سال) با قوم یهود می‌بندد. اما پس از گذشت نصف این دوره زمانی (سه سال

و نیم)، پیمان خود را می‌شکند و مراسم مذهبی قوم یهود را متوقف ساخته، هیکل را خراب می‌کند.

۷- با توجه به اطلاعاتی که داده شد می‌توانیم نتیجه بگیریم، دوره زمانی‌ای که در رؤیای دانیال وجود دارد بر اساس

(a) مدت زمانی بود که قوم یهود در نگاه داشتن سال سبت قصور و کوتاهی کرده بودند.

(b) تعداد رهبرانی است که بر قوم یهود حاکمیت و تسلط خواهند داشت.

(c) تعداد هفته‌های یک سال است.

تفسیر رؤیای دانیال

اکنون به تفسیر این رؤیای جالب می‌پردازیم که از دانیال ۲۵:۹ آغاز می‌گردد:

«پس بدان و بفهم که از صدور فرمان به جهت تعمیر نمودن و بنا کردن اورشلیم تا (ظهور) مسیح رئیس، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود و (اورشلیم) با کوچه‌ها و حصار در زمان‌های تنگی تعمیر و بنا خواهد شد. و بعد از آن شصت و دو هفته مسیح منقطع خواهد گردید و از آن او نخواهد بود، بلکه قوم آن رئیس که می‌آید شهر و قدس را خراب خواهند ساخت و آخر او در آن سیلاب خواهد بود و تا آخر جنگ خرابی‌ها معین است» (دانیال ۲۵:۹ و ۲۶).

توجه داشته باشید که فرمان بازسازی اورشلیم در سال بیستم ارتحشستا (اردشیر) صادر شده بود (نحمیا ۲:۱-۸). مطالعه دقیق گزارشات تاریخی نشان می‌دهد که این حکم در سال ۴۴۵ ق.م صادر شده است. شهر اورشلیم در واقع در زمان مشکلات و سختی‌ها بازسازی شد. سپس دقیقاً مطابق رؤیای دانیال، ۴۳۴ سال بعد از آن شخص مسح شده (مسیح) ظاهر شد. تحقیقات انجام شده بوسیله دانشمندان کتاب مقدس نشان می‌دهد که دقیقاً ۴۸۳ سال بعد از صدور فرمان بوسیله اردشیر، آن شخص مسح شده (مسیح)، در پایان خدمات زمینی خود، پیروزمندانه وارد شهر اورشلیم شد (لوقا ۱۹:۲۸-۳۸). سپس به دنبال وقایع صلیب، منقطع گردید.

در ادامه رؤیای دانیال، فرشته بیان می‌کند طرفداران «رهبری که می‌آید» شهر مقدس و خانه خدا را بعد از مرگ آن «شخص مسح شده» ویران می‌کنند (آیه ۲۶). این قسمت از نبوت و رؤیا دقیقاً در سال ۷۰ م انجام گردید. ارتش امپراطوری روم شهر اورشلیم را ویران کرد و تمام حصارهای آن را خراب نمود و خانه خدا (هیكل) را با آتش سوزانید و هیچ سنگی را بر سنگی دیگر باقی نگذاشت (متی ۲۴:۲). در این زمان بود که ملت یهود، قوم اسرائیل، به عنوان یک حکومت مستقل از میان برداشته شد و مردم آن به نقاط مختلف دنیا پراکنده شدند و هدف دراز مدتی که خدا پیشگویی کرده بود (دانیال ۹:۲۴)، ظاهراً به تعویق افتاد.

وقایع هفته آخر یا هفتادمین هفته رؤیای دانیال هنوز عملی نشده است. این آخرین دوره از برنامه و نقشه خدا برای قوم یهود است که ما را به‌طور خاص به وقایع آخر زمان مربوط می‌سازد. بنابراین، باید تعیین کنیم چه اتفاقی روی داده که باعث تأخیر در چارچوب زمانی‌ای که خدا تعیین کرد، شده است. به همین منظور بررسی خود را از ابتدای تاریخ قوم یهود آغاز می‌کنیم.

به‌طور خلاصه، خدا در زمانی که قوم اسرائیل وارد سرزمین موعود شدند، برای آنها آشکار نمود که اطاعت از شریعت او باعث موفقیت و پیروزی آنها خواهد شد (تثنیه ۱:۲۸-۱۴). او همچنین درباره شرارت و بدی‌ای که بدنبال ناطاعتی قوم بوجود خواهد آمد هشدار داد (لاویان ۲۶:۱۴-۴۵؛ تثنیه ۲۸:۱۵-۶۸). کتاب مقدس آشکار می‌کند که به دلیل ناطاعتی و گناهان ظاهراً علاج‌ناپذیر قوم، خدا در نهایت اجازه داد که قوم او از سرزمینشان پراکنده شوند و آن سرزمین ویران گردد (اشعیا ۱۱:۶-۱۲؛ ۹:۱۷؛ ۱۰:۶۴). این ۷۰ سال اسارت نتوانست باعث بازگشت قوم به سوی خدا گردد. بنابراین حکومت امپراطوری روم پراکندگی قوم اسرائیل را به ارمغان آورد و قوم رنج و بدبختی بسیاری را متحمل گردیدند و همواره به دنبال ملجایی بودند که از دشمنی قوم‌های دیگر در امان بمانند.

بنابراین، اسرائیل، قوم منتخب خدا، برای مدتی از سرزمین وعده محروم ماندند. خدا به دلیل محبت و رحمت خود اعلام کرد که قوم خود را کاملاً فراموش نکرده و

آنها را ترک نخواهد کرد (لاویان ۴۳:۲۶-۴۵)، و آنها را بار دیگر از تمام نقاط دنیا فرا خواهد خواند (اشعیا ۱۱:۱۱-۱۲). خدا از وسایل مختلفی برای بازآوردن قوم خود استفاده خواهد کرد تا آنها را از نقاط مختلف به سرزمینی که به «پدر» آنها، ابراهیم به ملکیت داده بود بازگرداند (ارمیا ۱۶:۱۴-۱۶).

۸- چه واقعه‌ای (از نبوت دانیال) به انجام رسید که علامتی بود از پایان یافتن موجودیت قوم اسرائیل به عنوان یک حکومت، و باعث شد که این قوم در نقاط مختلف زمین پراکنده شوند.

بازگشت قوم اسرائیل

در اوایل قرن حاضر، پس از قرن‌ها شکنجه و آزار یهودیان به‌طور قابل ملاحظه‌ای فهمیدند که دیگر مانند سابق مورد تنفر نیستند. بنابراین در نقاط مختلف دنیا رابطه رضایت بخشی برقرار کردند و در نتیجه، تمایل و علاقه‌ای که اجدادشان برای سرزمین وعده داشتند، در آنها ضعیف گردید.

یکی از رهبران یهودی اروپا، دکتر تئودور هرزل (Dr. Theodore Herzl) نگران جفایی بود که در اواخر قرن نوزدهم در روسیه شاهد بوجود آمدنش بود. او معتقد بود که این اتفاقات شرایط قومش را بدتر می‌کند و به همین دلیل سعی کرد یهودیان را تشویق کند تا در فلسطین یک سرزمین ملی بوجود آورند. در نتیجه تلاش‌های او نهضت جدید صهیونیست بوجود آمد که با موفقیت کمی روبرو شد. برای مثال، یهودیان مقیم آلمان گفتند: «ما هیچ چیز درباره صهیون نمی‌دانیم، کشور آلمان، فلسطین ما و شهر مونیخ، اورشلیم ما است.»

هنگامی که جنگ در اروپا شروع شد، یهودیان متوجه سخت شدن شرایط زندگی‌شان شدند. سپس، در طی جنگ جهانی اول، نهضت صهیونیست، کشور انگلستان را تحت فشار قرار داد که منجر به عقد پیمان بالفور (Balfour) گردید. در این پیمان رسمی، انگلستان پشتیبانی خود را از تشکیل سرزمین ملی یهودیان در

فلسطین اعلام کرد. پس از جنگ، زمانی که انگلستان کنترل سرزمین مقدس را بدست گرفت، مهاجرت یهودیان به فلسطین مورد تشویق قرار گرفت. یهودیان بسیاری به فلسطین بازگشتند و در کنار اعراب که برای قرن‌ها در آنجا زندگی کرده بودند، ساکن شدند.

جنگ جهانی دوم در شرف وقوع بود و جفا بر یهودیان با شدت بیشتری آغاز شد. در اروپا شکنجه و آزار یهودیان آنقدر شدید شد که بسیاری از یهودیان به این نتیجه رسیدند که تنها امیدشان برای زنده ماندن این است که اروپا را ترک کنند و به سرزمین اجداد خود باز گردند. پس از پایان جنگ جهانی دوم، تعداد زیادی از یهودیان از کشورهای خود به فلسطین بازگشتند. در اواسط ماه مه ۱۹۴۸ یهودیانی که به فلسطین بازگشته بودند، رسماً تأسیس و تشکیل جدید کشور اسرائیل را اعلام نمودند. در نتیجه، نبوت عاموس ۹:۱۴-۱۵ شروع به عملی شدن نمود:

«اسیری قوم خود اسرائیل را خواهم برگردانید و شهرهای مخروب را بنا نموده، در آنها ساکن خواهند شد و تاکستان‌ها غرس کرده، شراب آنها را خواهند نوشید و باغ‌ها ساخته، میوه آنها را خواهند خورد. و یهوه خدایت می‌گوید: من ایشان را در زمین ایشان غرس خواهم نمود و بار دیگر از زمینی که به ایشان داده‌ام، کنده نخواهند شد.»

این سرزمین ظاهراً برای مدت ۲۰۰۰ سال بی‌ثمر و بی‌ارزش مانده بود. خدا گفته بود که مانند گل شکوفه خواهد داد (اشعیا ۳۵:۱-۲). نبوت اشعیا به گونه‌ای کاملاً دقیق عملی گردید. سرزمین از دست رفته، دوباره باز گرفته شد و شهرهای خراب شده، بازسازی گردید و یهودیان در آن ساکن شدند (حزقیال ۳۶:۳۳-۳۶؛ اشعیا ۴:۶۱).

مورخی چنین نوشته که جنگ جهانی اول، سرزمین مقدس را برای یهودیان آماده کرد و جنگ جهانی دوم یهودیان را برای سرزمینشان آماده کرد و جنگ آینده، یهودیان را برای خدای‌شان آماده خواهد کرد.

اشخاصی که از مشکلات و مسائلی که هر روزه در خاورمیانه روی می‌دهد با خبر هستند، می‌دانند که با بازگشت یهودیان به سرزمین اجدادی‌شان، بسیاری از ساکنین قدیمی این سرزمین یعنی فلسطینی‌ها، از آنجا خارج شده و به کشورهای دیگر خاورمیانه پناهنده شدند. این امر باعث ازدیاد بحران و نزاع بین یهودیان و همسایه‌های عرب آنها شده است. همانطور که بعداً خواهیم دید این امر عاملی است که وسایل و شرایط لازم را برای عملی شدن کامل نبوت بیان شده درباره خاورمیانه فراهم می‌سازد.

با درنظر داشتن این نبوت، اکنون به موضوع دانیال ۲۷:۹ درباره «رهبری که می‌آید» و کامل شدن مطالبی که خدا در آیه ۲۴ مقرر کرده است، می‌پردازیم.

۹- بر اساس موضوعات بیان شده، تعیین کنید کدامیک از وقایع پیشگویی شده در زیر، قبلاً عملی شده است.

- (a) تبعید یهودیان به مدت ۷۰ سال به دلیل ناطاعتی آنها
- (b) بازسازی و احیاء اورشلیم پس از ۷۰ سال اسارت
- (c) آمدن شخص مسح شده
- (d) آمدن ضد مسیح
- (e) منقطع شدن شخص مسح شده
- (f) پیروان رهبری که می‌آید، شهر مقدس و خانه خدا را ویران می‌کنند.
- (g) در نهایت قوم یهود، قومی با اقتدار خواهد بود.
- (h) پیشگویی عاموس باب ۹ که بار دیگر ملت یهود احیاء خواهد شد و به سرزمین خود برخواهد گشت تا در آنجا باغ‌های انگور بوجود آورند.
- (i) پیمان قوم یهود با «رهبری که می‌آید» که پس از گذشت سه سال و نیم می‌شکند.

هفته هفتم رؤیای دانیال نبی

همانطور که دیدیم با منقطع شدن (مرگ) شخص مسح شده (مسیح)، قوم اسرائیل به آخر موجودیت خود رسید. در همان زمان، کلیسا تأسیس شد و شروع به انجام دادن مأموریت خود نمود. پولس رسول در باب‌های ۹ الی ۱۱ رساله به رومیان، نشان می‌دهد که خدا قوم اسرائیل را به‌طور کامل رد نکرد. هر چند هم‌زمان، خدا کلیسا را به چالش طلبیده است تا وسیله‌ای باشد برای رساندن پیام خوش انجیل به دیگران. در فاصله زمانی بین مصلوب شدن مسیح (منقطع شدن شخص مسح شده) و کامل شدن نقشه خدا تا حدی که به قوم اسرائیل مربوط می‌شود، کلیسا به عملکرد خود ادامه می‌دهد.

دلایل کتاب مقدسی به این واقعیت اشاره می‌کند که کلیسا نیز منتظر آمدن خداوند است تا او را با خود ببرد (اول قرن‌تین ۱۵: ۵۰-۵۲، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۷). کتاب مقدس همچنین نشان می‌دهد روح القدس که از طریق کلیسا عمل می‌کند، مانع نقشه‌های شریرانه رهبری می‌گردد که خواهد آمد (دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۱۲). به مجرد اینکه کلیسا ربوده شود، این «شخص بی‌دین» ظهور خواهد کرد. در آن زمان، خدا یکبار دیگر در همان حینی که وقایع هفته هفتم در حال انجام شدن است، توجه خود را معطوف قوم اسرائیل خواهد کرد.

اشاره کردیم که دانیال ۲۴: ۹-۲۷ در مورد یهودیان است. ارمیای نبی در پیشگویی خود درباره این دوره، تجربیات قوم اسرائیل را با اضطراب و سختی مادری که می‌خواهد فرزندی را به دنیا آورد، مقایسه می‌کند (ارمیا ۱: ۳۰-۱۱). هیچ دوره دیگری از تاریخ قابل مقایسه با این دوره از درد و رنج نخواهد بود چون «آن زمان تنگی یعقوب است» (آیه ۷). منظور این است که «آن زمان تنگی برای قوم اسرائیل است». این مشکلات چگونه بوجود خواهد آمد؟

ضد مسیح

دانیال ۲۶:۹ درباره «رهبری که می‌آید» و آیه ۲۷ درباره عملکرد او سخن می‌گوید. او با عده بسیاری برای «یک هفته» (۷ سال) پیمان می‌بندد. ظاهراً تشنجات خاورمیانه و اختلاف موجود بین یهودیان و اعراب ادامه خواهد یافت تا زمانی که یک بحران اساسی شروع شود که بدون تردید صلح جهانی را مورد تهدید قرار خواهد داد. در این زمان رهبری که می‌آید یعنی «ضد مسیح» برای بوجود آوردن صلح پیش قدم می‌شود. موفقیت سیاسی او همچون یک پیروزی بزرگ اعلام خواهد شد و مردم دنیا او را به عنوان شخصی که بی‌همتا و بی‌مانند است خواهند شناخت (مکاشفه ۴:۱۳).

قوم اسرائیل او را به عنوان ضامنی برای صلح خود در نظر خواهد گرفت. یهودیان بدون داشتن هیچ نگرانی برای باقی ماندن در موقعیت برتر از نظر آمادگی نظامی، قادر خواهند بود تمام پول، انرژی و امکانات خود را برای مقاصد صلح‌جویانه از جمله، توسعه سرزمین، بهبود بخشیدن سطح زندگی، و فراهم کردن کار و مسکن برای مردم مصرف کنند. بستن پیمان صلح باعث می‌گردد که آن «شخص بی‌دین» به عنوان «صلح کننده» شناخته شود (دوم تسالونیکیان ۳:۲).

برای مدتی همه چیز در آن منطقه به خوبی پیش خواهد رفت، اما آن رهبر، پیمان خود را در وسط مدت تعیین شده خواهد شکست (دانیال ۲۷:۹). کتاب مقدس بیان می‌کند که او مراسم مذهبی و حقوق مدنی یهودیان را قدغن خواهد کرد. در مکان پرستش یهودیان یعنی در معبد، با برپایی «مکروه ویرانی» به مقدسات توهین می‌کند (تجاوز و حشمتناک و تنفرآور به مکانی که برای خدا تقدیس شده است) و ادعای خدایی کرده و می‌خواهد که او را پرستش کنند (به دوم تسالونیکیان ۲:۴ و ۸-۱۱؛ مکاشفه ۱۳:۱۳-۱۵ رجوع کنید). ظاهراً او تمثالی از خود در هیکل قرار خواهد داد و از یهودیان خواهد خواست که بین پرستش او و مرگ یکی را انتخاب کنند. او نماینده‌ای ویژه دارد که کمکش خواهد کرد و ما او را «وزیر تبلیغات» می‌نامیم. این نبی کاذب دارای قدرت بوده و معجزاتی انجام خواهد داد و تأثیری شریانه و با قدرت بر مردم خواهد گذاشت (مکاشفه ۱۳:۱۳؛ ۱۳:۱۶).

مسیح به این کفر و توهین به مقدسات که در صدر قرار دارد اشاره می‌کند و آن را «مکروه ویرانگر» می‌خواند و این هشدار را می‌دهد که «پس چون مکروه ویرانی را که به زبان دانیال نبی گفته شده است، در مقام مقدس بر پا شده بینید آنگاه هر که در یهودیه باشد به کوهستان بگریزد» (متی ۲۴: ۱۵ و ۱۶). از زبان سمبولیکی بکار رفته، می‌توان چنین فهمید که قوم اسرائیل در زمان‌های آخر چه شرایط وحشتناکی را باید متحمل شوند، شرایطی که بوسیله تشکیلات شیطان که هدفش نابودی آنها است بوجود خواهد آمد (به مکاشفه ۱۲: ۱۳-۱۷؛ دانیال ۱: ۱۲ و ۶-۷ نگاه کنید).

در طی همان دوره زمانی برای غیر یهودیان نیز مشکلات و مصائب بسیاری وجود خواهد داشت و سه بار داوری الهی بر ساکنین زمین اجرا خواهد شد. مکاشفه باب‌های ۶، ۸، ۹، ۱۵ و ۱۶ نشان می‌دهند که خشم خدا به تدریج بر اثر دیدن سلطنت و حاکمیت «ضد مسیح» افزایش خواهد یافت.

«ضد مسیح» برای تقویت، حاکمیت و قدرت خویش از یک روش جهانی برای تحت کنترل داشتن مسائل مالی و دارایی استفاده خواهد کرد و از این طریق می‌تواند مردم را مجبور کند که رهبری او را بپذیرند، چون هیچ کس قادر به خرید و فروش نخواهد بود، مگر اینکه علامت مخصوص او را قبول کند (مکاشفه ۱۳: ۱۶-۱۷). در همان زمان که «ضد مسیح» در جهت تأسیس یک حکومت جهانی فعالیت می‌کند، با مخالفت و مقاومت‌هایی روبرو خواهد شد. بنابراین یکی از خصوصیات بارز نیمه دوم حکومت هفت ساله او، جنگ خواهد بود.

حزقیال نبی، بوسیله الهام الهی، پیشگویی می‌کند که کشورهای شمالی هم‌عهد شده، بر ضد ملت اسرائیل که از امنیت بوجود آمده توسط «شخص بی‌دین» لذت می‌برد، خواهند ایستاد. این گروه بسیار بزرگ که خدا را قبول ندارند، هدفشان در این جنگ نابودی اسرائیل خواهد بود هر چند نمی‌توان آن را هدف و نقشه خدا برای قومش به حساب آورد. زمانی که حمله صورت می‌گیرد، خدا از قوم خود دفاع می‌کند و نیروی متخاصم را تقریباً به‌طور کامل نابود می‌سازد (حزقیال ۳۸ و ۳۹).

نیروهای دیگر نیز عمل می‌کنند و «ضد مسیح» مجبور می‌شود که از ادعای خود برای حاکمیت دفاع کند.

حار مجدون

دانیال نبی همچنین درباره مخالفت‌هایی صحبت می‌کند که در نقاط مختلف بوجود خواهد آمد و باعث خواهد شد که «ضد مسیح» با مخالفان خود وارد جنگ شود (دانیال ۴۰:۱۱-۴۵). در همان حینی که زمان کم کم به آخر می‌رسد، حکومت جهانی او در اثر این مخالفت‌ها از بین خواهد رفت. آنگاه خدا تمام لشکرهای جهان را در محلی به نام «حار مجدون» گرد خواهد آورد تا در بزرگ‌ترین و آخرین جنگ تاریخ شرکت کنند (مکاشفه ۱۶:۱۶).

در حار مجدون نتیجه جنگ بوسیله سلاح‌های پیشرفته انسانی، ارتش‌های بزرگ و یا سرسپردگی مردان جنگی تعیین نخواهد شد. بلکه خدا تمام لشکرهای جهان را با هجومش از آسمان غافلگیر خواهد کرد. نتیجه این جنگ آنقدر وحشتناک خواهد بود که نمی‌توان آن را توصیف نمود (به مکاشفه ۱۹:۱۹-۲۱ رجوع کنید).

آن مردان متکبر نه تنها در این نبرد با خدا مخالفت خواهند کرد، بلکه در شرف نابودی اسرائیل خواهند بود. اگر چه زمانی که خداوند ما عیسی مسیح وارد صحنه می‌شود، چندین اتفاق روی می‌دهد. قوم اسرائیل در همان زمان که نظاره‌گر نابودی دشمنانش است، ناگهان در قلب خود تغییری را تجربه می‌کند (به زکریا ۴:۱۴-۵ و ۱۲-۱۵ نگاه کنید). آن شخص (مسیح) که جنگ را رهبری می‌کند همان کسی است که پدران قوم اسرائیل او را رد کردند. اکنون همان شخصی که او را مصلوب کردند، آنها را به رهایی عظیمی رهنمون می‌سازد. با ظهور او یهودیانی که هنوز زنده مانده‌اند با روحی شکسته و توبه‌کار فروتن می‌شوند (زکریا ۱۰:۱۲-۱۳) و از او که به اسم خداوند می‌آید استقبال می‌کنند. با توجه به دانیال ۲۴:۹ مطالب و جزئیات بیشتری درباره نقشه خدا در ادامه درس خواهیم فهمید.

- ۱۰- کدامیک از مطالب زیر درباره دوره حاکمیت «ضد مسیح» و جنگ حار مجدون صحیح است؟
- (a) نام‌های دیگر «ضد مسیح»، «رهبری که می‌آید» و «آن شخص بی‌دین» است.
 - (b) منظور از آن «شخص مسح شده»، «مسیح» است.
 - (c) زمانی که کلیسا تأسیس شد، خدا قوم اسرائیل را به‌طور کامل رد کرد.
 - (d) قبل از اینکه «ضد مسیح» ظهور کند، کلیسا ربوده خواهد شد.
 - (e) قوم اسرائیل در زمان‌های آخر از سختی‌ها و مصیبت‌ها مبرا خواهد بود.
 - (f) ضد مسیح معاهده هفت سال صلح را با اسرائیل خواهد بست. در این سال‌ها صلح، موفقیت و کامیابی در جهان حکمفرما خواهد بود.
 - (g) کلام خدا بیان می‌کند که «ضد مسیح» پیمان خود را با قوم اسرائیل خواهد شکست و هیکل قدس را بی‌حرمت خواهد کرد.
 - (h) «ضد مسیح» کنترل تمام جهان را بدست خواهد گرفت و علامت مخصوص خود را بر هر شخصی که می‌خواهد خرید و فروش کند، نقش خواهد کرد.
 - (i) در طول جنگ حار مجدون، ابتدا تمام لشکرهای جهان که با هم جمع شده‌اند با سلاح‌های قدرتمند خود حمله خواهند کرد.
 - (j) مسیح در نهایت به عنوان خداوند قوم اسرائیل آشکار و شناخته خواهد شد.

ظهور عیسی مسیح

شرایط

زمان وقوع وقایع مصیبت عظیم، ایمانداران با خداوند هستند و همچنان که شرارت افزایش می‌یابد و گناه به اوج خود می‌رسد، دومین قسمت آمدن مسیح روی خواهد داد یعنی ظهور مسیح به مردم جهان و جمیع لشکرهای زمین (مکاشفه ۷:۱)؛

۱۹:۱۱-۲۱). در این موقعیت، ایمانداران، خداوند را زمانی که به جهان باز می‌گردد همراهی خواهند کرد (کولسیان ۴:۳).

بنابراین، در این زمان دو موقعیت غیر قابل تحمل بوجود می‌آید که اولی، ظهور بی‌خدایی و خودپرستی انسان است و به همین علت فرشته به آواز بلند می‌گوید که محصول آماده درو کردن است (مکاشفه ۱۴:۱۵). خدا که به انسان آزادی انتخاب بخشیده، دیگر به او اجازه نخواهد داد که مطابق هوای نفس خود رفتار کند. شکاکان و بی‌ایمانانی که اعتقاد وجود خدای مقدس را به مبارزه می‌طلبند، ساکت خواهند شد. مشکل گناه باید برای همیشه حل شود. در پاسخ به اعلان فرشته، سایر فرشتگان، به زبانی سمبولیک، داس‌های خود را بر روی زمین به حرکت در خواهند آورد تا انگورها را جمع کنند و به داخل چرخشت عظیم غضب خدا بریزند (مکاشفه ۱۹:۱۴). و دومین موقعیت، آزار و اذیت و جفا که به حداکثر می‌رسد.

۱۱- (یک پاسخ را انتخاب کنید). مکاشفه ۱۹:۱۴ به زبان سمبولیک بیان می‌کند، زمانی خواهد رسید که خدا:

- (a) همه موجودات زنده روی زمین را نابود خواهد کرد.
- (b) اشخاص گناهکاری را که او را رد کرده‌اند داوری خواهد کرد.
- (c) کلیسا را به سوی خود خواهد آورد (ربوده شدن کلیسا).
- (d) باعث می‌گردد مردان شریر خود را نابود سازند.

وقایع

عیسی در اولین نزول خود به عنوان خادم رنج‌بر آمد. او بدون هیچ نوع تشریفات ویژه‌ای، در دهکده‌ای ناشناس به دنیای انسان‌ها وارد شد. فقط تعدادی چوپان در زمانی که فرشتگان خبر تولد او را اعلام کردند، شاهد جلال و شکوهی بودند که بر روی تپه‌ای در یهودیه ظاهر شد (لوقا ۲:۸-۱۵). عیسی، در بازگشت ثانوی خود با

جلال و شکوه بسیار ظاهر خواهد شد. او این دفعه برای دعوت انسان‌ها نمی‌آید بلکه می‌آید تا نابود سازد و پیروزی و اقتدار خود را با قدرت عملی سازد.

لشکر آسمانی که همراه مسیح می‌آیند بوسیله انسان‌ها قابل رؤیت خواهد بود و در جنگی که بین خداوند ما و نیروهای «ضد مسیح» روی می‌دهد شرکت خواهند کرد. وقایعی که در زمان مسیح به وقوع خواهد پیوست، به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱- اولین هدف اتمام جنگ طغیان و شورش که در سطح جهانی گسترش پیدا کرده، است (مکاشفه ۱۶: ۱۲-۲۱؛ ۱۹: ۱۱-۲۱).

۲- خداوند ما، خود را به عنوان پادشاه پادشاهان و خدای خدایان آشکار خواهد کرد. شیطان که تا آن موقع به دروغ ادعای پادشاهی جهان را می‌کرد، برداشته خواهد شد و مسیح پادشاه حقیقی، اداره و پادشاهی جهان را بر عهده خواهد گرفت.

۳- مسیح، باعث خواهد شد که رهبران نیروهای شیطانی قدرت خود را از دست بدهند و آنها را در دریاچه آتش خواهد انداخت (مکاشفه ۱۹: ۱۹-۲۱).

۴- البته، همانطور که اشاره کردیم، وقایع مربوط به بازگشت مسیح باعث می‌گردد یهودیان، با اندوه به سوی خدا بازگشت و توبه کنند. یک احیاء و بیداری روحانی روی خواهد داد که تا آن زمان سابقه نداشته است: قلب‌های سنگی و سرسخت این مردمی که از نظر روحانی کور بودند، به وسیله قدرت روح القدس تبدیل به قلب‌های زنده و نرمی خواهد شد که قادر است احکام خالق خویش را اطاعت کند (حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷).

۵- بالاخره، خداوند ما با جلال خواهد آمد و یک پادشاهی و سلطنت عادلانه در کل جهان بوجود خواهد آورد که «سلطنت هزار ساله» خوانده می‌شود. آشکارترین اشاره‌ای که به شرایط ورود به این سلطنت می‌کند، در متی ۲۵: ۳۱-۴۶ دیده می‌شود.

۱۲- چه چیزهایی باعث خواهد شد که ظهور مسیح فرا برسد؟

۱۳- زمانی که مسیح و «ضد مسیح» با یکدیگر روبرو شوند، نتیجه جنگ چه

خواهد بود؟

سلطنت هزار ساله

اهداف سلطنت هزار ساله

کتاب مقدس درباره یک دوره عدالت، صلح، راستی و فراوانی که به دنبال بازگشت ثانوی خداوند حاکم خواهد بود، سخن می گوید (اشعیا ۱:۲-۴؛ ۶۵:۲۰-۲۲؛ میکاه ۴:۵-۱). در مکاشفه ۱:۲۰-۷، مدت این دوره هزار سال بیان شده است، لغت هزار سال از لغت لاتین "Mille" به معنی «هزار» و "Anum" به معنی «سال» گرفته شده است که به معنی «هزار سال» است. کلمه سلطنت، پادشاهی یا ملکوت در کلام خدا به چند صورت بکار رفته است. مسیح در دعای خود از «آمدن ملکوت» سخن می گوید (متی ۶:۱۰)، در صورتی که در لوقا ۱۱:۹ آن را «ملکوت خدا» می نامد. مکاشفه ۱۵:۱۱ به آن به عنوان «سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او» اشاره می کند. دانیال باب ۷ صحبت از «سلطنت جاودانی و بی زوال» می کند (آیه ۱۴).

اهداف این سلطنت چیست؟ اول، در همان ابتدا، خدا یک ملاک اخلاقی در روی زمین قرار داد و شیطان از آن برای وسوسه کردن استفاده کرد و در نتیجه زمین زیر لعنت این روح شریر قرار گرفت. بنابراین، لازم است که جلال خدا از طریق پیروزی بر این حاکمیت شیطانی ثابت شود. با برداشته شدن اثرات لعنت و محدود شدن شیطان، انسان آزاد خواهد بود تا در هنگام سلطنت خدا بر روی زمین، شاهد محبت، عدالت و محافظت او باشد و در نتیجه نسبت به خدا وفادار خواهد بود. مسیح در سلطنت نیکوی خود بر روی زمین نشان می دهد که نیازهای انسان تدارک دیده شده است، عدالت حکمفرما است و صلح و هماهنگی بر زمین امکان پذیر است.

دوم، دوره سلطنت هزار ساله برای عملی شدن نبوت ضروری است. خدا به داود پادشاه وعده داد که نسل او تا به ابد سلطنت خواهد کرد (دوم سموئیل ۷:۸-۱۷؛ مزمو ۳:۸۹ و ۱۹-۳۷؛ ارمیا ۳۳:۱۴-۲۶). همانطور که دیدیم در این سلطنت وقفه ای وجود داشت اما نبوت باید به طور کامل انجام شود. هنگامی که زمان موعود

رسید، مسیح از مریم باکره که از نسل داود بود متولد شد، اما هرگز در اسرائیل بر تخت داود سلطنت نکرد. در نتیجه، این نبوت می‌بایست در آینده عملی گردد (به دانیال ۲:۳۴-۳۵ و ۴۴-۴۵؛ رومیان ۸:۱۸-۲۵ در ارتباط با این نبوت نگاه کنید).

خصوصیات سلطنت هزار ساله

قسمت‌های متعددی از کتاب مقدس، به ما اطلاعات بیشتری درباره حکومت و شرایط روحانی که در زمان سلطنت هزار ساله مسیح بر روی زمین حاکم خواهد بود، می‌دهد. مطالب ذیل را درباره این دوره به دقت مطالعه کنید:

- ۱- این سلطنت به‌طور واقعی بر روی تمامی زمین خواهد بود (زکریا ۹:۱۴).
- ۲- این سلطنت، شامل تمام اشخاصی خواهد بود که بر روی زمین باقی مانده‌اند (مزمور ۷۲:۸-۱۱؛ دانیال ۷:۱۴؛ متی ۲۵:۳۱-۳۲).
- ۳- با برداشته شدن اثرات لعنت، در روی زمین از لحاظ غذا، وفور نعمت خواهد بود. هیچ قحطی و تنگی وجود نخواهد داشت (اشعیا ۳۵:۱؛ میکاه ۴:۱-۴).
- ۴- همه مردم احکام خدا را اطاعت خواهند کرد. این حکومت اگر چه خوب و مهربان است ولی قاطع خواهد بود. در نتیجه، داوری و عدالت به‌طور کامل اجرا می‌گردد و هر شخصی که ناطاعتی کند، مجازات می‌شود (مزمور ۹۲:۲؛ اشعیا ۴۰:۱۱ و ۶۵:۲۰؛ زکریا ۱۴:۱۶-۱۹).
- ۵- اشخاصی که بعد از مصیبت عظیم زنده مانده‌اند، چه یهودی و چه غیر یهودی، تحت حاکمیت این سلطنت قرار خواهند گرفت.
- ۶- مهم‌ترین خصوصیت و مشخصه این سلطنت، صلح و آرامش خواهد بود که بوسیله سرور سلامتی رهبری خواهد شد. با نبودن تأثیر بد شیطان، دیگر جنگی وجود نخواهد داشت (اشعیا ۶۵:۷).
- ۷- ظاهراً ایماندارانی که نجات یافته‌اند، در اداره کردن حکومت کمک خواهند کرد. رسولان بر قوم اسرائیل حکومت خواهند کرد، داود پادشاه از میان مردگان زنده

خواهد شد و تحت حکومت مسیح خدمت خواهد کرد (اول قرن‌تین ۶: ۲-۳؛ مکاشفه ۱۰: ۵؛ متی ۲۸: ۱۹ و ۳۱: ۲۵؛ ارمیا ۹: ۳۰؛ حزقیال ۳۷: ۲۴-۲۵).

۸- در آن زمان در حیوانات نیز تغییرات شگفت‌انگیزی روی خواهد داد. حیوانات وحشی، آرام و اهلی خواهند شد و حیوانات اهلی دیگر از آنها نخواهند ترسید و با همدیگر در صلح و آرامش زندگی خواهند کرد (اشعیا ۱۱: ۶-۹).

۹- در مردم تمایل و اشتیاقی برای خدا و مسائل روحانی بوجود خواهد آمد. آنها کلام خدا را مطالعه خواهند کرد و علم خدا در همه جا عیان خواهد شد (اشعیا ۲: ۳ و ۹: ۱۱؛ زکریا ۸: ۲۰-۲۳).

۱۴- کدامیک از موارد زیر جزو اهداف سلطنت هزار ساله است؟

(a) به شیطان و مردگان شریر فرصتی دیگر برای توبه و بازگشت به سوی خدا داده شود.

(b) عملی شدن نبوتی که درباره نسل داود پادشاه شده است.

(c) دفاع کردن از جلال خدا و ثابت کردن این امر که مسیح تنها راه حقیقی و درست است.

۱۵- در دفتر خود، درباره هر کدام از شرایط و خصوصیات حکومت هزار ساله که در زیر نوشته شده است، توضیح دهید.

(a) حیوانات در سلطنت هزار ساله

(b) احکام خداوند

(c) مکان پادشاهی و سلطنت

(d) ایماندارانی که با مسیح می‌آیند.

(e) داود پادشاه

(f) یهودیان و غیر یهودیانی که بعد از مصیبت عظیم زنده مانده‌اند.

(g) کلام خدا و مسائل روحانی

(h) مواد غذایی

داوری بر شیطان و شرارت

آخرین فریب شیطان

در آخر سلطنت هزار ساله، شیطان برای مدتی از زندان آزاد می‌شود (مکاشفه ۷:۲۰-۱۰). او فوراً پس از آزادی به کل جهان می‌رود تا مردم را یکبار دیگر فریب دهد و آنها را تشویق کند که بر علیه خداوند شورش کنند. بر اساس آنچه که گفته شده، گروه کثیری به او خواهند پیوست و آماده خواهند شد تا بر علیه قوم خدا در پایتخت‌شان (اورشلیم) جنگ کنند.

ممکن است بپرسید «چطور امکان دارد اشخاصی که تحت سلطنت مسیح زندگی کرده‌اند بتوانند از او روی برگردانند و فکر کنند که می‌توانند در مخالفت با مسیح پیروز گردند؟» بیاد داشته باشید که در طول سلطنت هزار ساله شیطان در زندان خواهد بود و از مردم خواسته خواهد شد از قوانین پادشاهی پیروی کنند. درحالی‌که آنها مطیع خداوند ما خواهند بود، بسیاری نجاتی را که خدا برای آنها مهیا کرده، نخواهند پذیرفت. خدا آنها را مجبور نخواهد کرد که نجات دهنده را بپذیرند. در نتیجه، در آخر سلطنت هزار ساله، از قرار معلوم بسیاری مسیح را به عنوان نجات دهنده خود نپذیرفته‌اند. بنابراین وقتی شیطان با فریب و دروغ بزرگ خود ظاهر می‌شود، آنها فرصتی برای شورش و طغیان پیدا می‌کنند. آنها این حق را خواهند داشت که خودشان تصمیم بگیرند و انتخاب کنند.

این شورش، جهانی خواهد بود و تا آنجا رشد خواهد کرد که شیطان عملاً نیروهای خود را بر ضد قوم خدا رهبری کند. اما خدا آتش داوری خود را خواهد فرستاد و همه آنها سوخته خواهند شد. رهبر آنها شیطان برای همیشه اسیر خواهد شد و به همراه وحش و نبی دروغگو در دریاچه آتش انداخته خواهند شد و در آنجا به دلیل تمرد خود برای همیشه رنج خواهند برد.

تخت بزرگ و سفید داوری

به دنبال آخرین شورش شیطان، زمان داوری فرا خواهد رسید. لحظه پرشکوهی خواهد بود وقتی که همه مخلوقات به حضور خدای عظیم می‌روند. اشخاصی که نجات خدا را نپذیرفته‌اند، از میان مردگان زنده خواهند شد تا در حضور تخت سفید و بزرگ داوری بایستند (مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵). همانطور که قبلاً اشاره شد، آنانی که در مسیح مردند، زمانی که کلیسا ربوده شد، از میان مردگان قیام کردند (اول تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۷).

اشخاصی که در حضور تخت بزرگ و سفید داوری می‌ایستند بر اساس اعمالی که انجام داده‌اند و اینکه آیا نام‌هایشان در دفتر حیات نوشته شده است یا نه، داوری خواهند شد. در هنگام داوری تمام اعمال هر شخص مرور می‌شود. سپس لیست اسامی مرور خواهد تا ببینند آیا اسم او در دفتر حیات نوشته شده است یا نه. از آنجا که این افراد بدون پذیرش نجات خدا مردند، نام‌هایشان در دفتر حیات نخواهد بود. بر اساس داوری کامل و عادلانه خدا، تمام بی‌ایمانان برای همیشه به دریاچه آتش انداخته خواهند شد. مجازات آنها فقط آتش جاودانی نیست بلکه همچنین قرار گرفتن در مکانی تاریک و وحشتناک. مسیح درباره این مکان بسیار وحشتناک سخن گفت، مکانی که در آنجا گریه و فشار دندان خواهد بود (متی ۸:۱۲؛ ۱۳:۴۲؛ ۲۲:۱۳؛ ۲۴:۵۱؛ ۳۰:۲۵). به این طریق، خدا برای همیشه به شرارت پایان می‌دهد.

۱۶- جملات زیر را کامل کنید.

(a) دلیل اینکه شیطان پس از سلطنت هزار ساله برای مدتی آزاد می‌شود این است که

(b) هدف از تخت بزرگ و سفید داوری این است که

خلقت جدید

پطرس رسول درباره عاقبت این جهان حاضر می‌گوید که سوخته خواهد شد و زمین بوسیله آتش کاملاً دگرگون خواهد شد (اشعیا ۶۵:۱۷؛ دوم پطرس ۳:۷). پطرس رسول می‌گوید که بعد از این تغییر ناگهانی، ما منتظر «آسمان‌های جدید و زمین جدید هستیم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود» (دوم پطرس ۳:۱۰-۱۳). بنابراین، خدا در نهایت، همه اشخاصی را که به او ایمان داشته و وفادار بوده‌اند، وارد جلال و خلقت جاودانه خود می‌کند.

اگر چه سلطنت هزار ساله، حقیقتاً یک دوره طلایی خواهد بود، با این وجود، ایمانداران به مکان و دوران جدیدی که ماورای آن است وارد خواهند شد، جایی که خدای پدر همه چیز را با حضور خود پر می‌سازد. در این خلقت جدید، خدا بر روی زمین سکونت خواهد داشت. شهری که خدا آن را برای ما مهیا کرده و درباره آن توضیح داده است از هر چیزی که تا بحال دیده‌ایم زیباتر و پرشکوه‌تر خواهد بود (اول قرنتیان ۲:۱۰-۹؛ مکاشفه باب‌های ۲۱ و ۲۲).

حیات جاودانی، یک زندگی بدون تغییر و تحول نیست و خدا نیز پس از کامل شدن نقشه‌اش، خود را کنار نمی‌کشد. او خدای زندگی و حیات است و ما باید شبیه او شویم! او کائنات عظیمی را خلق کرده است که دائماً در حال احیا شدن است. ما که اکنون بازتاب ضعیفی از عظمت خلقت خدا را می‌بینیم، در آن زمان، ابدیتی را فرصت خواهیم داشت که درباره خلقت او تفکر کنیم (اول قرنتیان ۱۳:۱۲). می‌توانیم با پیرانی که گرداگرد تخت خدا، جلال و عظمت او را توصیف و پرستش می‌کردند هم صدا شویم:

«ای خداوند مستحقی که جلال و اکرام و قوت را بیابی زیرا که تو همه موجودات را آفریده‌ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند»
(مکاشفه ۴:۱۱)

می‌توانیم تاریخ را از زمانی که فرشتگان بازگشت دوباره مسیح را اعلام کردند، مرور کنیم (اعمال ۱:۱۱). اتفاقات زیادی روی داده و نبوت‌های بسیاری نیز عملی شده است. وقایعی که جهان را به جلو یعنی زمانی که ما در آن هستیم سوق داده‌اند، یعنی دورانی که آخرین مرحله نقشه خدا است. باید شاد باشیم زیرا می‌دانیم که رهایی کامل ما نزدیک است. باید همیشه به یاد داشته باشیم که خلقت جدیدی در انتظار ما است، و مسیح پادشاه است. «و اینک به زودی می‌آیم. خوشایحال کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه دارد» (مکاشفه ۷:۲۲). سپس ما که نجات‌یافتگان خداوند هستیم، در پاسخ می‌گوئیم: «آمین، بیا ای خداوند عیسی».

۱۷- در پایان این درس، خود را بسنجید و سپس در دفتر خود بیان کنید بر چه اساس و پایه‌ای انتظار دارید که جزیی از خلقت جدیدی باشید که خدا بوجود خواهد آورد (مکاشفه ۱۷:۲۲-۱۲).

در خاتمه، باید به یاد داشته باشیم که مطالعه کلام خدا و بخصوص کلام نبوتی، از نظر اخلاقی ارزش بسیار دارد.

«ای حبیبان، الان فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود؛ لکن می‌دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید. و هر کس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد چنانکه او پاک است» (اول یوحنا ۳:۲-۳).

خودآزمایی

سؤالات صحیح و غلط - جملات صحیح را با حرف (ص) و جملات غلط را با حرف (غ) مشخص کنید.

(۱) وقایعی که به دنبال ربوده شدن ایمانداران بر روی زمین روی خواهد داد، به نام «امید مبارک» خوانده شده است.

(۲) ربوده شدن و ظهور مسیح دو واقعه جدا از یکدیگر هستند. در واقعه اول، مسیح برای ایمانداران می‌آید و در واقعه دوم، ایمانداران همراه با او به زمین می‌آیند.

(۳) با مطالعه وقایع ذکر شده در باب نهم کتاب دانیال می‌توان روز و ساعت بازگشت مسیح را تعیین کرد.

(۴) ربوده شدن هم شامل ایماندارانی می‌شود که در آن زمان زنده هستند و هم آنانی که قبلاً فوت کرده‌اند.

(۵) کتاب مقدس آشکار می‌سازد بین پاداشی که به ایمانداران داده می‌شود درجاتی وجود دارد.

(۶) اکثر نبوت‌های باب ۹ کتاب دانیال قبلاً انجام شده است.

(۷) منظور از شخص مسح شده‌ای که خواهد مرد، «ضد مسیح» است.

(۸) دوره مصیبت عظیم، هفت سال طول خواهد کشید که در نیمه راه، یعنی پس از گذشت سه سال و نیم، «ضد مسیح» پیمان خود را با یهودیان خواهد شکست.

(۹) قوم اسرائیل به دلیل ناطاعتی از سرزمین وعده پراکنده شدند.

(۱۰) احیاء و تشکیل کشور اسرائیل در ماه می ۱۹۴۸ میلادی در واقع انجام شدن نبوتی بود که در کلام خدا ذکر شده است.

(۱۱) «ضد مسیح» برای مدت هزار سال در جهان صلح پایداری را بوجود خواهد آورد.

(۱۲) فقط یهودیان موظف خواهند بود برای انجام معاملات و خرید و فروش، علامت مشخصه شیطان را داشته باشند.

۱۳) جنگ وحشتناک حارمجدون میان یهودیان و دشمنان‌شان خواهد بود و در این جنگ، اورشلیم و تمام ساکنین آن نابود خواهند شد.

۱۴) ظهور عیسی مسیح زمانی اتفاق خواهد افتاد که جفا بر یهودیان و بی‌خدایی بشریت به حداکثر برسد.

۱۵) در هنگام ظهور مسیح آن «شخص بی‌دین» و پیروان او شکست خواهند خورد و مسیح به عنوان پادشاه پادشاهان و خدای خدایان آشکار خواهد شد.

این آخرین درس از بخش سوم و نیز آخرین درس این کتاب است. بعد از اتمام این خودآزمایی، درس‌های ۸ تا ۱۰ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۳ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۹) a - b - c - e - f - g - h به تحقق رسیده‌اند. d و i هنوز عملی نشده‌اند.

b (۱)

۱۰) a) صحیح

b) صحیح

c) غلط

d) صحیح

e) غلط

f) غلط

g) صحیح

h) صحیح

i) غلط

j) صحیح

۲) بازگشت مسیح زمانی روی خواهد داد که خبر خوش انجیل در تمام جهان اعلام شود. اما هیچ کس از روز و ساعت آن باخبر نیست.

b (۱۱)

۳) a) مردگان، زندگان

b) سخنان خود خداوند

c) امید

۱۲) زمانی که بی‌دینی، گناه و خودخواهی انسان، و جفا و اذیت به حداکثر برسد.

۴) هر دو آنها بدن‌های جدید، جلال یافته، غیرفانی و فاسد نشدنی دریافت خواهند کرد.

(۱۳) شیطان و نیروهای او شکست خورده و به دریاچه آتش انداخته خواهند شد و مسیح در مقام اصلی خود به عنوان پادشاه پادشاهان و خدای خدایان قرار خواهد گرفت.

c (۵)

(۱۴) b و c

(۶) a در لحظه ربوده شدن، بدنهای فانی ایمانداران به بدنهای غیر فانی و فاسد نشدنی تبدیل خواهد شد.

b زمانی که مسیح به همراه ایمانداران برای سلطنت می آید.

c زمانی که مسیح برای ایمانداران خود می آید: مردگان در مسیح ابتدا زنده خواهند شد، سپس ایماندارانی که زنده هستند به آسمان بالا برده می شوند تا او را ملاقات کنند.

d بازگشت ثانوی مسیح (ربوده شدن)

e «مکان گرفتن پاداش» زمانی که مسیح بر اعمال ایمانداران داوری می کند و بر اساس کیفیت زندگی و خدمت مسیحی شان پاداش می دهد.

(۱۵) a همه حیوانات در صلح و آرامش در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد.

b اطاعت کرده خواهد شد و در آنجا داوری و عدالت کامل حاکم خواهد بود.

c زمین.

d با او حکومت خواهند کرد.

e به عنوان نماینده مسیح خدمت خواهد کرد.

f تحت حاکمیت پادشاه آسمانی قرار خواهند گرفت.

g مورد توجه و مطالعه قرار خواهد گرفت.

h به فراوانی وجود خواهد داشت.

a (۷)

(۱۶) a) به ساکنین زمین این فرصت داده شود که بین خدا و مخالفت با او یکی را انتخاب کنند.

b) خدا بر اساس اینکه آیا اسم آنها در دفتر حیات نوشته شده است یا نه بر شریان داوری نماید.

(۸) ویرانی معبد در سال ۷۰ میلادی

(۱۷) پاسخ انتخابی شما. خلقت جدید برای همه اشخاصی است که مسیح را به عنوان خداوند زندگی خود پذیرفته‌اند، یعنی افرادی که نام آنها در دفتر حیات نوشته شده و منتظر بازگشت مسیح هستند.

پاسخ خودآزمایی

درس اول

a (۱)

a (۲)

c (۳)

c (۴)

غلط (۵)

غلط (۶)

صحیح (۷)

صحیح (۸)

صحیح (۹)

غلط (۱۰)

درس دوم

صحیح (۱)

غلط (۲)

صحیح (۳)

غلط (۴)

صحیح (۵)

صحیح (۶)

غلط (۷)

صحیح (۸)

صحیح (۹)

(۱۰) صحیح

(۱۱) صحیح

(۱۲) غلط

(۱۳) صحیح

(۱۴) غلط

درس سوم

(۱) a، b و d

(۲) b

(۳) d

(۴) b

(۵) a

(۶) a

(۷) a، b و d

(۸) b

(۹) a - b - d و e

(۱۰) a

درس چهارم

(۱) صحیح

(۲) صحیح

(۳) صحیح

(۴) غلط

(۵) صحیح

(۶) غلط

(۷) غلط

(۸) صحیح

(۹) غلط

(۱۰) صحیح

(۱۱) غلط

(۱۲) صحیح

(۱۳) صحیح

(۱۴) صحیح

(۱۵) غلط

(۱۶) صحیح

(۱۷) صحیح

(۱۸) غلط

(۱۹) صحیح

(۲۰) غلط

درس پنجم

(۱) صحیح

(۲) صحیح

(۳) غلط

(۴) صحیح

(۵) صحیح

(۶) صحیح

(۷) غلط

(۸) صحیح

(۹) صحیح

(۱۰) صحیح

(۱۱) غلط

(۱۲) صحیح

(۱۳) غلط

(۱۴) صحیح

(۱۵) صحیح

درس ششم

(۱) b

(۲) c

(۳) a

(۴) b

(۵) b

(۶) $a - b - c$ و d

(۷) c

(۸) a

(۹) b

(۱۰) c

(۱۱) c

درس هفتم

(۱) آدم و حوا

(۲) شیطان و فرشتگان او

(۳) شواهد کتاب مقدسی و نیاز به وجود یک دولت در جامعه

۴) توبه از گناهان، ترک کردن گناه، پذیرش هدیه نجات خدا در عیسی مسیح و
سلوک نمودن در نور

۵) جدایی ابدی از حضور خدا و مجازات ابدی

۶) غلط

۷) صحیح

۸) صحیح

۹) صحیح

۱۰) غلط

۱۱) صحیح

۱۲) صحیح

درس هشتم

۱) a) ۳

b) ۶

c) ۲

d) ۵

e) ۷

f) ۱

g) ۴

۲) غلط

۳) صحیح

۴) غلط

۵) صحیح

۶) صحیح

۷) صحیح

درس نهم

b (۱)

c (۲)

b (۳)

d (۴)

c (۵)

a (۶)

a (۷)

b (۸)

c (۹)

(۱۰) a) عبادت، پرستش، جلال دادن و اطاعت کردن

b) بنا کردن، تقویت نمودن، تنبیه و تأدیب کردن، مواظبت نمودن و تعلیم

دادن

c) رسانیدن پیام انجیل به کل جهان

درس دهم

(۱) غلط

(۲) صحیح

(۳) غلط

(۴) صحیح

(۵) صحیح

(۶) صحیح

(۷) غلط

(۸) صحیح

۹) صحیح

۱۰) صحیح

۱۱) غلط

۱۲) غلط

۱۳) غلط

۱۴) صحیح

۱۵) صحیح

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

آموزه‌های اساسی کتاب مقدس

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

آزمون‌های میانی

دانشجوی گرامی

این آزمون‌های میانی به منظور یادگیری بهتر تمامی جزئیات این کتاب درسی تهیه شده است. هر آزمون مربوط به چند درس است. لطفاً پس از مطالعه درس‌های مشخص شده، آزمون مربوط به آنها را بگذرانید.

پاسخ‌های صحیح را در ورقه پاسخنامه علامت بزنید. پس از گذراندن هر سه آزمون میانی، ورقه پاسخنامه را برای تصحیح برای ما بفرستید.

در صورتی که مایلید این درس را به صورت رسمی امتحان دهید و یک واحد دانشگاهی کسب کنید، لطفاً جهت ثبت نام و انجام تشریفات امتحان با ما تماس حاصل فرمایید.

با آرزوی موفقیت

آزمون میانی شماره ۱

مربوط به درس‌های ۱ تا ۴

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

- پاسخ‌های صحیح را با حرف «a» و پاسخ‌های غلط را با حرف «b» مشخص کنید.
- ۱- خدا يك وجود فاقد شخصیت است.
 - ۲- خدا غير قابل رؤیت، غير ماده و از اجزای مختلف تشکیل نشده است.
 - ۳- صفات اخلاقی خدا، حکمت و فرمانروایی مطلق او است.
 - ۴- تدبیر الهی خدا به این معناست که تا زمانی که ایمانداران مطیع او هستند، اجازه نخواهد داد که آنها رنج بکشند.
 - ۵- تجسم به اتحاد الوهیت و انسانیت در عیسی مسیح اشاره می‌کند.
 - ۶- تمام خصوصیات الهی که خدای پدر و خدای پسر را توصیف می‌کنند، در مورد روح القدس نیز صادق است.
 - ۷- خدمت روح القدس فقط محدود به ایمانداران می‌گردد.

بخش دوم - سؤالات چند جوابی

- صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب کنید.
- ۸- در سخن گفتن از منحصر به فرد، یکپارچگی و واحد بودن خدا از نظر تعداد، منظور ما این است که خدا
- a) از اجزا و قسمت‌های مختلف تشکیل شده است.
 - b) شبیه به مخلوقات خود است.
 - c) واحد و یگانه است.
 - d) يك شخص است.

۹- کدامیک از موارد زیر جزو صفات خدا نیست.

(a) ازلی و ابدی بودن

(b) فانی بودن

(c) تغییر ناپذیر بودن

(d) قادر مطلق بودن

۱۰- عالم مطلق به معنی است:

(a) داشتن تمام قدرت

(b) در همه جا حاضر بودن

(c) تغییر ناپذیر بودن

(d) دانستن همه چیز

۱۱- کار نگهداری هستی توسط خدا به معنی است:

(a) محافظت فعالانه از خلقت خودش

(b) نبودن هیچگونه محدودیت در مورد گناه و شرارت

(c) کنترل تمام اعمال انسان

(d) غالباً شکستن قوانین طبیعی

۱۲- موافقت و رضایت خدا با اعمال انسان به این معنا است که:

(a) خدا هرگز در اعمال انسان مداخله نمی‌کند.

(b) اعمال انسانی نتیجه قدرت‌های طبیعی است که خدا به او بخشیده است.

(c) هیچ عملی نمی‌تواند بدون اجازه خدا انجام گیرد.

(d) خدا انسان را آزاد گذاشته تا بدون هیچ محدودیتی رفتار کند.

۱۳- قوانین تشریفاتی که برای مثال بیان می‌کرد اگر يك اسرائیلی بدن مرده‌ای را

لمس کند تا غروب آفتاب نجس خواهد بود، نشان‌دهنده خدا است.

(a) قدوسیت

(b) محافظت از کائنات

(c) محبت بی انتها

(d) عدالت

۱۴- کدامیک از موارد زیر نشان‌دهنده الوهیت مسیح است.

(a) بخشایش گناهان

(b) رشد عقلی، جسمی، اجتماعی و روحانی مسیح

(c) برخورداری از محدودیت‌های انسانی

(d) او به نام عیسی خوانده می‌شد که شکل یونانی نام یوشع است.

۱۵- تعلیم کتاب مقدس درباره تجسم بیان‌کننده این حقیقت است که مسیح

(a) خدای واقعی بود اما انسان واقعی نبود.

(b) قبل از رستاخیز، انسان واقعی و بعد از آن خدای واقعی بود.

(c) بعضی از خصوصیات هر دو طبیعت الهی و انسانی را دارا بود.

(d) طبیعت انسانی را به ذات الهی خود اضافه کرد.

۱۶- ضرورت تجسم در این بود که خدا بتواند

(a) خودش مستقیماً وسوسه شدن و گناه را تجربه کند.

(b) قربانی لازم برای پرداخت مجازات گناهان بشر را فراهم کند.

(c) مورد پرستش ما قرار بگیرد.

(d) پسر را جلال دهد.

۱۷- کدامیک از موارد زیر جزو صفات الهی روح القدس نیست؟

(a) یکی بودن با سایر شخصیت‌های تثلیث

(b) داشتن اسامی الهی

(c) وجودی روحانی

(d) انجام دادن اعمال الهی

۱۸- کدامیک از موارد زیر جزو خدمت روح القدس نیست؟

- (a) به عنوان کاهن اعظم در دست راست خدای پدر برای ما شفاعت می‌کند.
 - (b) عمل کردن در بی‌ایمانان برای به انجام رساندن مقاصد الهی
 - (c) ملزم کردن نسبت به گناه، عدالت و داوری
 - (d) توانایی بخشیدن به ایمانداران، برای داشتن يك زندگي مسيحي مؤثر و استوار
- ۱۹- نام دیگر ثمره‌ای که روح القدس در ایمانداران تولید می‌کند، عبارت است از:
- (a) عطایای روحانی
 - (b) صفات مسیح‌گونه
 - (c) تعمید در روح القدس
 - (d) قدرت برای شهادت دادن

آزمون میانی شماره ۲

مربوط به درس‌های ۵ تا ۷

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

- پاسخ‌های صحیح را با حرف «a» و پاسخ‌های غلط را با حرف «b» مشخص کنید.
- ۱- کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که تعدادی از فرشتگان مقدس و بقیه شریر خلق شدند.
 - ۲- فرشتگان، موجوداتی روحانی و دارای شخصیت هستند، اما حاضر مطلق نیستند.
 - ۳- کتاب مقدس بیان می‌کند در بین فرشتگان يك طبقه‌بندی وجود دارد که بر اساس آن بعضی از فرشتگان نسبت به بقیه از مقام بالاتری برخوردار هستند.
 - ۴- انسان به همان روشی خلق شد که سایر مخلوقات بوجود آمدند. یعنی، خدا گفت و شد.
 - ۵- انسان دارای دو طبیعت مادی و روحانی است، که در کتاب مقدس به آنها به عنوان، بدن، جان و روح اشاره شده است.
 - ۶- اولین گناه، زمانی روی داد که آدم و حوا در باغ عدن از حکم خدا اطاعت نکردند.
 - ۷- هر چیزی که مطابق قانون و یا اراده خدا نیست گناه است.

بخش دوم - سؤالات چند جوابی

- صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب کنید.
- ۸- برای خدا ضرورت داشت که آدم و حوا را از خوردن میوه يك درخت منع کند. چون.....
- (a) نمی‌خواست آنها همه چیز را درک کنند.
- (b) میوه درخت زیان‌آور بود.

(c) آنها فقط از طریق يك انتخاب سنجیده، بر طبق یا خلاف اراده خدا، می‌توانستند آزادی اراده خود را بکار گیرند.

(d) خدا می‌خواست آنها تشخیص دهند که کاملاً زیر فیض و رحمت او هستند، بدون اینکه از خودشان آزادی انتخاب داشته باشند.

۹- فرشتگان شریر در تصمیم خود مبنی بر تمرد و شورش بر علیه خدا مصمم هستند. این بدین معنا است که

(a) آنها در حال گذراندن یک دوره آزمایش هستند و بعد از آن، فرصت توبه خواهند داشت.

(b) آنها به همان صورتی که الان هستند آفریده شدند و هرگز نمی‌توانند تغییر کنند.

(c) آنها تصمیم گرفتند بر ضد خدا عمل کنند و برای همیشه مورد داوری الهی قرار گرفتند.

(d) در عملی که انجام دادند، هیچ حق انتخابی نداشتند.

۱۰- لقب رئیس فرشتگان مقدس عبارت است از:

(a) کرویین

(b) میکائیل

(c) پاسبانان

(d) سرافین

۱۱- کتاب مقدس شواهدی را بیان می‌کند که نشان‌دهنده همکاری فرشتگان مقدس در است.

(a) حاکمیت قوانین روحانی و قوانین طبیعی

(b) تأثیر گذاشتن بر فکر انسان

(c) شفاعت کردن برای انسان‌ها در حضور تخت خدا

(d) وقایع مهمی که مربوط به نقشه نجات خدا می‌گردد.

۱۲- کدامیک از موارد زیر درباره شیطان صحیح نیست؟ او.....

- (a) دروغگو است
- (b) انسان‌ها را به بیماری مبتلا می‌کند.
- (c) به منظور فریب دادن انسان‌ها، خود را به گونه‌ای دیگر نشان می‌دهد.
- (d) حاضر مطلق است.

۱۳- انسان با سایر مخلوقات از این جهت متفاوت است که

- (a) به شباهت خدا آفریده شد.
- (b) فانی است.
- (c) می‌تواند تصمیم بگیرد.
- (d) قادر به صحبت کردن است.

۱۴- کلام خدا تعلیم می‌دهد که:

- (a) رهایی کامل انسان شامل بدن مادی او نیز می‌گردد.
- (b) بدن مادی انسان در نهایت از بین خواهد رفت.
- (c) بدن مادی انسان مهم‌تر از جنبه غیرمادی او است.
- (d) بدن مادی انسان شیرین است.

۱۵- کدامیک از موارد زیر عاملی از حیات عقلانی انسان نیست.

- (a) عقل
- (b) احساسات
- (c) نَفَس
- (d) وجدان

۱۶- کدامیک از موارد زیر درباره وجدان صحیح نیست؟

- (a) می‌تواند آلوده شود
- (b) با رشد و بلوغ ما، پرورش می‌یابد
- (c) هرگز اشتباه نمی‌کند.

(d) می‌توان آن را به گونه‌ای تعلیم داد که در برابر کار اشتباه به ما هشدار دهد.

۱۷- منشأ گناه را می‌توان در پیدا کرد.

(a) خدا

(b) شیطان

(c) آدم

(d) حوا

۱۸- در ارتباط با گناه، خطا به معنی:

(a) تجاوز کردن از حدودی است که خدا تعیین نموده.

(b) قصور و کوتاهی در انجام اراده خدا است.

(c) این است که شخص مطابق تمایلات و خواهش‌های خود زندگی کند.

(d) احتیاج به پاک شدن است.

۱۹- مهم‌ترین جنبه احیاء روحانی عبارت است از:

(a) احیاء بدن‌های فیزیکی انسان‌ها.

(b) برطرف شدن تمام مشکلاتی که بوسیله گناه بوجود آمده است.

(c) از بین رفتن طبیعت کهنه

(d) برقراری مجدد رابطه انسان با خدا

آزمون میانی شماره ۳

مربوط به درس‌های ۸ تا ۱۰

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

- پاسخ‌های صحیح را با حرف «a» و پاسخ‌های غلط را با حرف «b» مشخص کنید.
- ۱- الهام کتاب مقدس، به این حقیقت اشاره دارد که مردان خدا به‌طور خاص مسح شدند تا تحت هدایت روح القدس کلام خدا را بنویسند.
 - ۲- معنای کتاب مقدسی لغت کلیسا اشاره به مکانی می‌کند که ایمانداران جمع می‌شوند تا خدا را عبادت کنند.
 - ۳- کتاب مقدس در اثر روایات شفاهی که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد، جمع‌آوری گردید.
 - ۴- کلیسا بیانگر رابطه ایمانداران با خدا و یکدیگر است.
 - ۵- ظهور مسیح و ربوده شدن کلیسا هر دو به يك واقعه اشاره می‌کنند.
 - ۶- مهم‌ترین ملاک برای تشخیص محبت يك شخص نسبت به خدا عبارت است از اینکه: «آیا او حقیقتاً دیگران را محبت می‌کند؟»
 - ۷- در کتاب دانیال باب نهم، نبوت دانیال نبی درباره وقایع آخر زمان، متمرکز بر قوم اسرائیل است.

بخش دوم - سؤالات چند جوابی

- صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب کنید.
- ۸- این حقیقت که مسیح با نقل قول از عهدعتیق آن را تأیید می‌کند، نشان‌دهنده:
(a) ارزش روایات شفاهی است.
(b) الهامی بودن کتاب مقدس است.

(c) این است که کتاب مقدس بوسیله انسان‌های معمولی و تحت شرایط معمولی نوشته شده است.

(d) این است که فقط عهد عتیق، کلام خدا است.

۹- مهم‌ترین موضوعی که در تمام کتاب مقدس مورد تأکید قرار می‌گیرد عبارت است از:

(a) پیروزی و غلبه خدا بر شیطان

(b) بازگشت ثانوی مسیح

(c) رهایی انسان

(d) اهمیت کلیسا

۱۰- کتاب مقدس از کلیسا به عنوان سخن می‌گوید.

(a) اجتماع قوم خدا

(b) یک تشکیلات مذهبی

(c) یک ساختمان

(d) هر کدام از فرقه‌های مسیحی

۱۱- کدامیک از موارد زیر جزو سه عملکرد اصلی کلیسا نیست؟

(a) رسانیدن پیام انجیل به بی‌ایمانان

(b) پرستش و عبادت خدا

(c) تقدیس ایمانداران

(d) اداره کردن فعالیت‌های اجتماعی

۱۲- منظور از آپوکریفا،

(a) کتاب‌های رسمی عهد عتیق است.

(b) تنویر و روشن‌سازی کتاب مقدس است.

(c) پدران کلیسای اولیه هستند که در مورد کتب رسمی کتاب مقدس توافق داشته‌اند.

(d) نوعی از نوشته‌های آپوکالیپتیک است که وقایع سخت زمان آینده را پیشگویی می‌کند.

۱۳- در نسخه‌برداری و محافظت از کتاب مقدس، شواهدی مبنی بر دیده می‌شود.

- (a) وجود تفاوت‌های عمده تعلیمی در دست نوشته‌های مختلف
 - (b) محافظت خدا در معتبر نگه داشتن دست نوشته‌ها
 - (c) وجود نداشتن هیچ نوع تفاوتی در متن‌های مختلف
 - (d) وجود متن‌های غیر معتبر بسیار که باعث تضعیف ارزش کتاب مقدس می‌شود.
- ۱۴- این مفهوم که خدا از طریق جمع ایمانداران عمل می‌کند، در کتاب مقدس به بهترین شکلی بوسیله توضیح درباره دیده می‌شود.

- (a) اینکه شخصی تنها در جاده‌ای قدم می‌زند.
- (b) تعمید آب
- (c) همکاری اعضای مختلف بدن به منظور حفظ سلامت و آسایش کل بدن.
- (d) بازی کردن بچه‌ها با یکدیگر

۱۵- شواهد کتاب مقدسی نشان می‌دهد که کلیسا تأسیس گردید.

- (a) در زمان تولد مسیح
- (b) بعد از صعود مسیح در روز پنطیکاست
- (c) هنگامی که مسیح خدمت عمومی خود را آغاز کرد.
- (d) زمانی که یحیی تعمیددهنده، شروع به موعظه درباره آمدن ماشیح کرد.

۱۶- کتاب مقدس به ما می‌گوید که بازگشت مسیح روی خواهد داد.

- (a) در روز و ساعتی مشخص
- (b) فوراً پس از ظهور «ضد مسیح»
- (c) به مجرد اینکه انجیل در تمام دنیا موعظه شود.
- (d) در اواسط دوره مصیبت عظیم

۱۷- کدامیک از اصطلاحات زیر درباره حالت بدن‌های ایمانداران بعد از ربوده

شدن، صحیح نیست؟

- (a) فانی
- (b) غیرفانی
- (c) جلال یافته
- (d) فساد ناپذیر

۱۸- مسند داوری مسیح اشاره به می‌کند.

- (a) مکانی برای دریافت پاداش ایمانداران بر اساس کیفیت اعمالشان
- (b) مکانی برای داوری شیطان و شرارت
- (c) حارمجدون
- (d) ظهور عیسی مسیح

۱۹- «شخص مسح شده» که لشکرها را در حارمجدون شکست خواهد داد

(a) شخصی است که در نبوت به عنوان «رهبری که می‌آید» به آن اشاره شده است.

(b) فرشته‌ای است که دانیال نبی در رؤیای خود دید.

(c) قوم برگزیده اسرائیل است.

(d) مسیح، شاه شاهان و خدای خدایان است.